

بسم الله الرحمن الرحيم

صاحب امتیاز:	پوهنتون زاول
سردبیر مجله:	میراحمد پارسامنش
مدیر مسؤل:	کریم الله امانی
مدیر عمومی مجله:	احمد جواد شریفی
مدیر نشرات:	محمد اسماعیل احمدی
ویراستار:	مرکز تحقیقات علمی
طرح و دیزاین:	محمد اعظم صمدی

اعضاء هیأت تحریر مجله

پوهندوی دوکتور ضیاالدین رحیمی

دوکتور بحرالدین حلیمی

پوهنمل عید محمد فلاح

پوهنمل عنایت الله اکبری

پوهنمل محمد بلال تائب

ابوذر خیلواک ځاځی

اکرام الدین رحیمی

هر گونه استفاده از محتوی این مجله صرف با ذکر منبع مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن آغازین

به نام خداوند دانایی و خرد

امروزه نقش تحقیقات علمی در پیشرفت جوامع، بیش از هر زمان دیگری آشکار شده است. توسعه پایدار، استقرار حاکمیت قانون، ارتقای نظام‌های اقتصادی و دستیابی به رفاه اجتماعی، در گرو تولید دانش و بهره‌گیری از یافته‌های تحقیقی معتبر هستند. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که فاصله میان جوامع پیشرفته و در حال توسعه، بیش از هر چیز، ناشی از تفاوت در میزان سرمایه‌گذاری در تحقیق، نوآوری و تولید علم است. از این رو، تقویت فرهنگ تحقیق و حمایت از فعالیت‌های علمی، یکی از مهم‌ترین الزامات رشد و تعالی هر جامعه به شمار می‌رود.

در شرایط کنونی، با توجه به تحولات گسترده در عرصه‌های حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد و نیز نیاز روزافزون کشور به تحقیقات مسئله‌محور و کاربردی، نشر مجلات علمی-تحقیقی می‌تواند زمینه‌ای ارزشمند برای تولید، تبادل و گسترش دانش، ارائه راهکارهای علمی و تقویت تعامل میان استادان، محققان و محصلان فراهم سازد. مجله علمی-تحقیقی زاول نیز با همین رسالت می‌کوشد زمینه نشر تحقیقات اصیل، نوآورانه و مبتنی بر معیارهای علمی را در حوزه‌های حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد فراهم نموده و در توسعه دانش و تقویت فرهنگ تحقیق در کشور سهم مؤثری ایفا نماید. مجله علمی-تحقیقی زاول بر آن است تا با رعایت اصول اخلاق در تحقیق، انجام داوری علمی دقیق و پایبندی به معیارهای نشر علمی، زمینه نشر دستاوردهای ارزشمند تحقیقی و تقویت ارتباط میان پوهنتون، نهادهای اجرایی و جامعه علمی را فراهم سازد. امید است این مجله بتواند به‌عنوان مرجعی معتبر برای نشر اندیشه‌های نو، نقدهای علمی و تحقیقات کاربردی، گامی مؤثر در توسعه و غنای دانش و تحقیقات علمی کشور، به‌ویژه در حوزه‌های حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد، بردارد.

در پایان، بر خود لازم می‌دانم از استادان ارجمند، محققان، نویسندگان، اعضای هیئت تحریر، داوران علمی و سایر همکاران گران‌قدری که با دانش، تجربه و تلاش خویش در تهیه و نشر این شماره مجله علمی-تحقیقی زاول همکاری نموده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. از درگاه خداوند متعال، برای همه این عزیزان سلامتی، توفیق روزافزون و کامیابی در مسیر اعتلای علم، توسعه تحقیق و خدمت به جامعه علمی کشور مسئلت می‌نمایم. والسلام

میراحمد پارسامانش

سردبیر مجله علمی - تحقیقی زاول

فهرست مطالب

سخن آغازین.....	ج
آگاهی مشتریان نسبت به خدمات بانکداری الکترونیکی:.....	۱
آسیب پذیری ترانزیتی افغانستان در برابر اختلالات مرزی: مطالعه موردی پاکستان (۲۰۲۵-۲۰۲۱).....	۳۱
نقش سرمایه گذاری در زیر ساخت ها بر رشد اقتصادی د کشور های افغانستان	۵۹
بررسی تأثیر تضمین کیفیت بر پیشرفت تحصیلی محصلان پوهنهی علوم اجتماعی پوهنتون جوزجان در سال.....	۷۸
بررسی جایگاه احزاب در نظام سیاسی اسلام.....	۹۵
بررسی تطبیقی آزادی بیان در قرآن عظیم الشان و اعلامیه جهانی حقوق بشر	۱۱۸
نقش فناوری های نوین در پیش گیری از جرایم و تأمین امنیت	۱۴۳
وضعیت حقوقی اتباع افغانستان در نظام حقوقی ایران (اقامت و کار)	۱۵۷
بحران تایوان و تأثیر آن بر روابط چین و آمریکا از سال (۲۰۱۶ - ۲۰۲۳).....	۱۸۳
مطالعه تطبیقی موازین محاکمه عادلانه در اسناد بین المللی و نظام حقوقی افغانستان	۲۰۳

آگاهی مشتریان نسبت به خدمات بانکداری الکترونیکی: مطالعه مقایسه‌ای بانک‌های دولتی، خصوصی و خارجی در افغانستان

نویسنده: کریم الله امانی

دیپارتمنت مالی و بانکی، پوهنچي اقتصاد، پوهنتون زاول، کابل افغانستان

نشانی برقی: karimullahamani5@gmail.com

چکیده

این تحقیق به بررسی میزان آگاهی مشتریان از خدمات بانکداری الکترونیکی در بانک‌های دولتی، خصوصی و خارجی افغانستان می‌پردازد. این مطالعه با استفاده از رویکرد کمی انجام شده و داده‌ها از طریق پرسشنامه ساختاریافته از ۳۵۲ پاسخ‌دهنده معتبر جمع‌آوری و ذریعه آمار توصیفی، تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که میان بخش‌های مختلف بانکی از لحاظ آگاهی نسبت به بانکداری موبایلی، کارت‌های خودپرداز، کارت‌های بدهی و اعتباری، انتقال آنلاین وجوه، خدمات سوئیفت، خدمات ویس‌تورن یونین، نرم‌افزارهای بانکی، مقررات بانکداری الکترونیکی و استفاده از وب‌سایت‌های بانکی تفاوت معنادار احصائیوی موجود است ($p < 0.05$) با این حال، در زمینه آگاهی عمومی از بانک‌ها و بانکداری الکترونیکی، درخواست آنلاین قرضه، خریدهای الکترونیکی و بررسی صورت حساب‌ها تفاوت معنادار احصائیوی مشاهده نگردید ($p < 0.05$). نتایج همچنین نشان می‌دهد که کمبود آگاهی نسبت به محصولات بانکداری الکترونیکی، محدودیت دسترسی به اینترنت، نگرانی‌های امنیتی و کمبود امکانات تخریکی از مهم‌ترین موانع پذیرش بانکداری الکترونیکی به شمار می‌روند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مدل تحقیق ۲۵٫۲ درصد از تغییرات آگاهی مشتریان را تبیین می‌کند ($p=0.003$; $F=3.901$; $R^2=0.252$). در میان عوامل جمعیت‌شناختی، تنها متغیر درآمد دارای رابطه معنادار با سطح آگاهی مشتریان بود ($p < 0.001$; $\beta=0.379$)، در حالی که جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و شغل تأثیر معناداری نشان ندادند. این تحقیق پیشنهاد می‌کند که تقویت برنامه‌های آگاهی‌دهی، بهبود زیرساخت‌های الکترونیکی و کاهش نگرانی‌های امنیتی می‌تواند به گسترش پذیرش و استفاده مؤثر از خدمات بانکداری الکترونیکی در افغانستان کمک نماید.

اصطلاحات کلیدی: بانکداری الکترونیکی، آگاهی مشتری، سکتور بانکی، بانک‌های دولتی، بانک‌های خصوصی، بانک‌های خارجی.

Customer Awareness Toward E-Banking: A Comparative Study of Public, Private, and Foreign Banks in Afghanistan

Author: Karimullah Amani

Finance Dept. Economics Faculty, Zawul University, Kabul, Afghanistan

Email: karimullahamani5@gmail.com

Abstract

This study aims to examine customer awareness regarding electronic banking services across public, private, and foreign banks in Afghanistan. Using a quantitative approach, data were compiled from 352 respondents through a structured questionnaire and analyzed utilizing descriptive statistics, one-way ANOVA, and multiple regression analysis. The findings show significant differences among banking sectors in awareness of mobile banking, ATM cards, debit and credit cards, online fund transfers, SWIFT services, Western Union services, banking applications, e-banking regulations, and banking websites ($p < 0.05$). However, no significant differences were found regarding general awareness of banks and e-banking, online loan requests, electronic purchases, and account statement checking ($p > 0.05$). The study also identifies insufficient knowledge, limited internet access, security concerns, and inadequate technological facilities as major barriers to e-banking adoption. Regression results show that, the model explains 25.2% of the variation in customer awareness ($R^2 = 0.252$; $F = 3.901$, $p = 0.003$). Income was the only demographic factor significantly associated with customer awareness ($\beta = 0.379$, $p < 0.001$), whereas gender, marital status, education, and occupation had no significant effects. The study suggests that strengthening customer awareness programs, improving digital infrastructure, and addressing security concerns may enhance the adoption and effective use of e-banking services in Afghanistan.

Keywords: Electronic banking, awareness, Banking Sector, Private banks, Foreign Banks, Public Banks.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد و
على آله وأصحابه أجمعين.

1. Introduction

“E-Banking” or “Internet banking” is referred to as a remote banking service, provided by the authorized banks, or their proxies by equipment operated either under the bank’s direct control or management or under the outsourcing agreement (Khan,2017).

E-Banking do its functions via lots of different channels. The delivery outlets contain direct dial – up connections, private networks, public networks etc., and the devices include telephone, PCs including the ATMs, etc.

Along with the popularity of Personal computers, easy access to Internet and WWW, Internet is increasingly utilized via banks as a medium of obtaining instructions and delivering their products to customers (Bendigeri,2014).

Without technology banking industry has remained static and rigid over many decades, but with emergence of technology, banking affairs across the world experienced rapid growth and development abruptly. In recent years the rapid growth of information technologies and techniques, specifically in banking sector, has led to drastic changes and brought many facilities in banking services. E-banking has not only connected people with faster banking services, but also provided people with convenient process of conducting the banking affairs (Gichuki and Jagongo,2018).

Nowadays the traditional banking usage is decreasing. so instead of visiting the branches of banks physically, customers are using ATM in areas of cashier tellers, credit cards and electronic cash for their transactions.

Also, it permits the customer to deliver their requests for multiple services, make queries on their account balances and send instructions to the bank and also electronically transfer E-cash to their accounts,

pay bills, and conduct other transactions online. It relies greatly on information and communication technology (ICT) to attain 24 hours availability and faster delivery of financial services (Devanathan,2019).

While electronic banking has been expanded quickly in developed countries, its growth in developing countries, including Afghanistan is also accelerating. This growth has the power to advance accountability, transparency, speed and access to financial services in a country that has long faced infrastructure challenges (Karimi,2016).

But one of the tough challenges in developing countries, especially in Afghanistan is the lack of literacy of utilizing electronic banking and also the inadequate infrastructure of E-banking. In spite of this bitter reality, endeavors have been made since 2001 in the country to rebuild the infrastructure of banking industry as well as for adopting and promulgating of E-banking nationwide (Joya, 2012).

In Afghanistan, the banking sector has grown considerably over the past two decades, and despite security and economic tough circumstances, private public and foreign banks have made efforts since 2011 to offer electronic banking services to their customers. Nevertheless, there are pivotal divergence between public, private and foreign banks about the implementation and adoption of these services. Foreign banks for instance The First Micro-Finance due to their access to advanced technology and international norms and standards, have played a more prominent and distinguished role compared to local banks in Afghanistan (Karimi,2016).

While domestic private banks have also made notable strides, public banks have faced greater challenges in this area, including technological barriers and customer resistance to digital and electronic developments owing to the lack of knowledge and literacy of utilizing E-banking (Fahiq,2023).

Previous researches inside and outside the country, have shown that customers' awareness of electronic banking services and how to use them is a pivotal factor in the prosperity of these systems. In

Afghanistan, public awareness of electronic banking remains low, and many customers are hesitant to use these services due to unfamiliarity with their benefits and security (Ahmadi, 2018). On the other hand, some studies have indicated that foreign banks have succeeded in enhancing the customers perception and awareness to E-banking services, while local public and private banks continue to struggle with these challenges (Safdari & Mahdi, 2022).

This study tries to examine customer awareness regarding E-banking in public, private and foreign banks in Afghanistan. Using a comparative approach, this research aims to identify the factors affecting the adoption of E-banking in these banks and provide solutions for improving the current situation. Given the raising and vital role of electronic banking in facilitating financial and economic transactions in Afghanistan, the findings of this research could help banks improve their electronic services and raise public awareness.

2. Theoretical Framework

2.1 Customer Awareness

Customer awareness refers to consumers' knowledge and understanding of the availability, features, advantages and hazards associated with electronic banking (Davis, 1989). Awareness enables customers to make informed decisions, increases confidence in digital financial services, and impact adoption behaviors across platforms such as internet-based banking, mobile-based banking, and digital wallets (Lavuri, 2018). Key elements of awareness include familiarity with system usability, security measures, and service reliability. Functional awareness relates to understanding how e-banking services operate, while security awareness refers to recognizing fraud-prevention mechanisms and privacy safeguards (Davis, 1989; Alkhowaiter, 2019).

Previous research consistently demonstrates that higher customer awareness is linked to increased adoption of e-banking services, improved satisfaction, and enhanced service efficiency (Aker, 2010). Awareness initiatives implemented by banks-such as education

campaigns, tutorials, and customer support programs-have been shown to strengthen customer loyalty and encourage wider usage (Tandon, Goel, & Beshnoi, 2016).

From a theoretical standpoint, customer awareness is deeply embedded within technology adoption models. The Technology Acceptance Model (TAM) by Davis (1989) exhibits that perceived ease of use (PEU) and perceived usefulness-both influenced by awareness-shape behavioral intentions. Ajzen's Theory of Planned Behavior (TPB) (1991) further shows that, awareness affects attitudes, subjective norms, and perceived behavioral control, thereby influencing intentions to adopt digital services.

While numerous studies have examined awareness, gaps remain. Research often underemphasizes demographic influences such as age, income, and education, despite evidence showing their significant roles in shaping awareness levels (Alkhowaiter, 2019). Cultural variations and regional differences in digital literacy are also insufficiently explored, particularly in contexts similar to Afghanistan. Addressing these gaps is essential for designing tailored awareness strategies that target diverse customer segments.

In summary, customer awareness remains a vital precursor to successful e-banking adoption. Banks must invest in comprehensive awareness programs that communicate both the opportunities and risks associated with digital financial services. Doing so enhances customer trust, improves digital literacy, and supports broader financial inclusion.

2.2 Theories of Technology Adoption and E-Banking

Electronic banking (e-banking) encompasses online platforms and digital devices such as internet banking, mobile applications, ATMs, and digital wallets (DWs) that facilitate financial transactions (Singh & Srivastava, 2019; Nisha & Rashid, 2017). E-banking enhances convenience, accessibility, and efficiency, reduces dependence on physical branches, and fosters customer satisfaction (Khan &

Mahapatra, 2009; Gan et al., 2006). In developing regions, e-banking also contributes significantly to financial inclusion (Demirgüç-Kunt et al., 2018).

The Technology Acceptance Model (Davis, 1989) lingers foundational in illustrating users' adopting of e-banking services, emphasizing perceived usefulness and ease of use as key determinants. Complementing TAM, Rogers' Diffusion of Innovations (2003) highlights the role of social influence, relative advantage, and compatibility in driving adoption (Venkatesh et al., 2003; Rahi & Ghani, 2016).

Historical and global analyses reveal that e-banking initially emerged in technologically advanced economies before expanding to emerging markets. However, countries with limited digital literacy and cybersecurity frameworks continue to face significant challenges (Mishra et al., 2013; Zhao et al., 2010). Cybersecurity concerns, in particular, remain among the primary barriers to adoption (Abu-Shanab & Pearson, 2007).

Seminal scholars such as Davis and Rogers have shaped the understanding of digital adoption, and their models continue to guide institutions in designing customer-centric e-banking services (Venkatesh et al., 2016; Amin, 2007). These theories provide a strong conceptual foundation for linking awareness to adoption behaviors in this study.

2.3 Demographic Influences on Customer Awareness

The substantial body of research explores that how demographic variables-for instance as age, gender, education, income, and location form customer awareness and usage of e-banking. Studies from various countries demonstrate marked differences in awareness levels across demographic groups.

For instance, Kuisma et al. (2007) found that younger and more educated individuals show higher awareness and adoption rates in Finland. Similarly, Mansour et al. (2017) reported that people with higher income and education levels are more inclined to adopt e-

banking services in Iran. Laukkanen (2016) revealed significant urban–rural contrasts, with urban residents displaying stronger awareness due to better access to digital infrastructure.

Comparative studies across banking sectors also show variations in awareness. Singh and Malhotra (2014) demonstrated that Indian customers with greater exposure to digital security measures are more aware of e-banking. Nguyen et al. (2015) observed higher awareness among customers of foreign banks in Vietnam, while Tandon et al. (2016) found that awareness levels in private banks are often higher than in public-sector institutions.

Research from Afghanistan highlights similar patterns. Karimi (2018) noted that awareness varies considerably across demographic groups in Afghanistan, reflecting disparities in digital literacy and access. These findings collectively underscore that demographic variables act as a critical role in forming awareness and must be accounted for when designing awareness initiatives.

2.4 Barriers to E-Banking Awareness and Adoption in Developing Countries

literacy, and limited trust in technology have repeatedly been identified as primary obstacles.

Zhou, Lu, and Wang (2010) reported that low awareness and perceived security risks hinder adoption in China. Al-Somali, Gholami, and Clegg (2009) found a similar trend in Saudi Arabia, where cultural factors and lack of awareness negatively affected adoption. Studies in Kenya (Ondiege, 2015) and Egypt (El-Gohary, 2012) highlighted the importance of educating customers about online features, security protocols, and service benefits.

In Malaysia, Tan et al. (2018) demonstrated that awareness levels significantly differ by age, gender, and income. Awareness gaps were also found to decrease when banks implemented targeted education initiatives. Research by Gu et al. (2009) and Jebarajakirthy & Shankar (2013) emphasized the part of security awareness in forming customer trust. These studies collectively indicate that lack of awareness-

particularly regarding security, functionality, and risks-remains a major barrier in emerging markets. For Afghanistan, where digital banking is relatively new, these barriers are even more pronounced, underscoring the need for systematic awareness-building strategies.

3. Research hypothesis

H1: There is a significant difference in the level of awareness towards E-banking across public, private and foreign banking sectors in Afghanistan.

Rationale: Banking sectors differ in terms of technological investment, customer service quality, and digital promotion strategies, which are expected to influence customers' awareness levels. A "significant difference" refers to measurable variation in group means confirmed through ANOVA at $p < 0.05$, indicating that sectoral characteristics contribute meaningfully to awareness disparities.

H2: There is a significant positive relationship between the demographic variables (age, education and income) and awareness of E-banking in Afghanistan.

Rationale: Demographic characteristics such as education and income often influence technology adoption and financial literacy. Therefore, increases in these variables are expected to be associated with higher awareness levels. A "positive relationship" refers to a statistically significant correlation (e.g., $r > 0$, $p < 0.05$) showing that changes in demographic factors correspond to increases in e-banking awareness.

H3: E-banking awareness is negatively correlated with the perceived barriers to E-banking usage.

Rationale: As awareness increases, users typically gain better understanding of digital banking benefits, which may reduce their perceptions of risk, complexity, or security concerns. A "negative correlation" indicates an inverse statistical relationship (e.g., $r < 0$, $p < 0.05$) where higher awareness is associated with lower perceived barriers.

4. Methodology

The study utilized a quantitative descriptive approach to evaluate E-banking awareness among customers of public, private and foreign banks in Afghanistan. Cochran's formula was employed to calculate the required sample size at a 95% confidence level:

$$\frac{(1.96)^2 \cdot 0.5(1-0.5)}{(0.05)^2} = 384.56$$

4.1 Sampling Technique

The stratified random sampling (SRS) technique was used to ensure adequate and balanced representation of customers across three banking sectors- public, private, and foreign banks. The study was conducted in major urban centers of Afghanistan, where branches of all three types of banks are operational and have a sufficient customer base.

Each banking sector was considered as a separate stratum. Within each stratum, respondents were randomly selected from customer lists obtained from selected bank branches, ensuring that every customer had an fair opportunity of being included in the study.

Although the actual number of customers across the three banking sectors is not equal in practice, an equal allocation approach was adopted in this study, with approximately 128 respondents selected from each sector. This approach is commonly used in comparative studies and one-way ANOVA designs to ensure statistical balance, improve comparability between groups, and avoid the dominance of larger populations over smaller ones.

The use of equal sample sizes across strata enhances the robustness of group comparisons and allows for more reliable statistical testing of differences in customer awareness among public, private, and foreign banks.

4.2. Instrument and Questionnaire Design

Data were compiled using a structured questionnaire containing three sections, demographic information (6 items), E-banking awareness and

usage (15 items) and challenges and perceptions related to e-banking (15 items)

Awareness items were quantified using a five-point Likert scale varying from 1 = *very weak* to 5 = *Very High*, and problems of using E-banking items were measured using a five-point Likert scale ranging from 1 = *Strongly Disagree* to 5 = *Strongly Agree*. The questionnaire was adjusted from established instruments used in prior e-banking studies and reviewed by 8 academic experts for content validity.

A pilot test with 30 respondents was conducted, and reliability was verified with a Cronbach's alpha of 0.82, showing acceptable internal consistency.

4.3 Ethical Considerations

Ethical guidelines were followed across the research. The contribution to the research was optional, informed consent was acquired from all participator, and confidentiality was ensured. No personal identifying information was collected, and participants were informed that the data would be utilized strictly and merely for scientific aims.

4.4 Data Analysis Techniques

Data were analyzed utilizing SPSS. Prior to everything, the descriptive statistics (frequency and percentage) used in analyzing the findings. To compare awareness across banking sectors, one-way ANOVA was applied.

This combination of descriptive statistics, ANOVA, and regression provides a comprehensive analytical framework for understanding the determinants of e-banking awareness and adoption in Afghanistan.

The sample is proportionally divided among the three banking sectors, with approximately 128 respondents for each sector. Data will be collected using a structured questionnaire, focusing on demographic details, awareness regarding Electronic banking services, and challenges faced by customers. Collected data will be analyzed by SPSS software using descriptive statistics and ANOVA to identify and compare E-banking awareness levels across sectors, providing a comprehensive understanding of the topic.

5. Results& findings

Prior to presenting the results of the study, its mentionable that 385 questionnaires were handed out. Out of these, 352 questionnaires were correctly completed out and were suitable for analysis, and the remaining were filled out partially and some of them were rejected without any response. The data compiled from the valid questionnaires were analyzed using SPSS software, employing descriptive statistics and ANOVA to evaluate and compare e-banking awareness levels across the three banking sectors. The following section presents the results based on these analyses.

In this study, the criteria for hypothesis testing were based on conventional significance levels. Specifically, when the p-value was below 0.05, the null hypothesis (H_0) is rejected, illustrating a statistically significant relationship. Conversely, when the p-value was greater than 0.05, the null hypothesis is not rejected.

Regression analysis was employed to decide the strength and direction of associations between the independent variables (customer awareness factors) and e-banking adoption. The regression table provided at the end of the results section includes coefficients (β values), significance levels, and model fit indicators.

In the present section prior to analyzing the level of awareness towards e-banking in Afghanistan, the demographic characteristics are analyzed. Table1 depicts the demographic analysis:

Table1: Demographic Characteristics of the Respondents

Gender	Number	Percentage (%)
Male	265	75.3%
Female	87	24.7%
Total	352	100%
Education Level		
High School	133	37.78%
Bachelor	187	53.13%
Master	30	8.52%
Doctorate	2	0.57%
Total	352	100%

Marital Status		
Single	115	32.68%
Married	237	67.32%
Total	352	100%
Employment Status		
Private sector	181	51.42%
Public Sector	86	24.43%
Unemployed	85	24.15%
Total	352	100%

Source: Research Findings

Table 1 shows the demographic features of the participants of the study. Out of the total 352 participants, 265 respondents (75.3%) were male, while 87 respondents (24.7%) were female, indicating that male participants constituted the majority of the sample.

About educational attainment, more than half of the participants had a bachelor's degree, accounting for 187 participants (53.13%). This was followed by high school graduates with 133 respondents (37.78%). Participants holding a master's degree represented 8.52% (30 respondents) of the sample, while only 2 respondents (0.57%) possessed a doctoral degree. The findings suggest that most of the participants were relatively well educated, with most having completed at least undergraduate-level education.

In terms of marital status, 237 respondents (67.32%) were married, whereas 115 respondents (32.68%) were single. This indicates that married individuals formed the dominant group within the study population.

In terms of employment status, the biggest proportion of participants were employed in the private sector, representing 181 participants (51.42%). Public sector employees accounted for 86 respondents (24.43%), while 85 respondents (24.15%) were unemployed. The results demonstrate that more than half of the participants were engaged in private-sector employment.

Overall, the demographic profile reveals that the sample was predominantly male, largely composed of bachelor's degree holders, mostly married, and primarily employed in the private sector. These

characteristics provide important contextual information for interpreting respondents' awareness of electronic banking services in Afghanistan.

The table 2. presents a comparative analysis of customer awareness levels in terms of various electronic banking services across public, private, and foreign banks in Afghanistan. A one-way ANOVA test was conducted to examine whether significant differences existed in customer awareness of e-banking services among public, private, and foreign banks. The level of statistical significance was set at $\alpha = 0.05$. Accordingly, a p-value less than 0.05 illustrate a statistically significant difference among the groups, leading to the rejection of the null hypothesis (H_0). Conversely, a p-value greater than or equal to 0.05 indicates that the difference is not statistically significant, and therefore the null hypothesis is not rejected.

Table 2: Customer's level of awareness towards E-banking in Afghanistan

No	Level of awareness	Public banks (Mean)	Private banks (Mean)	Foreign banks (Mean)	Sig(P- Value).
1	Regarding the bank	3.67	3.91	3.71	0.23
2	Regarding the E-banking	3.72	3.88	3.44	0.07
3	Mobile Banking	3.61	3.92	3.92	0.00
4	ATM cards	3.56	3.99	3.44	0.03
5	Debit cards& Credit Cards	3.64	3.87	3.64	0.00
6	Online funds transfer	3.29	3.83	3.51	0.00
7	Purchasing goods and services	3.43	3.72	3.47	0.92
8	Online loan request	3.83	3.70	3.72	0.07
9	Purchasing the aviation tickets electronically	3.71	4.00	3.76	0.00
10	Awareness regarding the SWIFT system	3.61	3.94	3.75	0.02
11	Awareness regarding the Western Union system	3.27	3.93	3.91	0.00
12	Usage of Bank's application for conducting the transactions	3.22	3.44	3.65	0.00
13	Checking the statements	3.08	3.78	3.45	0.09
14	Awareness regarding the E-banking regulations	3.31	3.96	3.77	0.034
15	Usage of websites for conducting the transactions	3.41	3.97	3.69	0.004

(Source: Research Findings)

Table 2 shows the findings of the one-way ANOVA done to evaluate differences in customer awareness of electronic banking services among public, private, and foreign banks. Using a significance level of 0.05, the findings reveal that no statistically significant differences were observed regarding awareness of the bank itself ($p = 0.23$), awareness of e-banking ($p = 0.07$), purchasing goods and services

electronically ($p = 0.92$), online loan requests ($p = 0.07$), and checking account statements ($p = 0.09$). Although the mean scores varied slightly across the three banking sectors for these dimensions, the differences were not statistically significant.

In contrast, statistically significant differences were found in several important dimensions of e-banking awareness and usage. Significant differences were observed for mobile banking ($p < 0.001$), ATM cards ($p = 0.03$), debit and credit cards ($p < 0.001$), online funds transfer ($p < 0.001$), purchasing aviation tickets electronically ($p < 0.001$), awareness of the SWIFT system ($p = 0.02$), awareness of the Western Union system ($p < 0.001$), usage of bank applications for transactions ($p < 0.001$), awareness of e-banking regulations ($p = 0.034$), and usage of websites for conducting transactions ($p = 0.004$). These results indicate that customer awareness and utilization of several electronic banking services differ significantly among customers of public, private, and foreign banks.

A comparison of mean scores shows that users of private banks generally reported higher levels of awareness across most dimensions. For example, private bank customers demonstrated the highest awareness regarding ATM cards (Mean = 3.99), purchasing aviation tickets electronically (Mean = 4.00), awareness of e-banking regulations (Mean = 3.96), and usage of websites for conducting transactions (Mean = 3.97). Similarly, awareness of the SWIFT system (Mean = 3.94) and the Western Union system (Mean = 3.93) was higher among private bank customers than among customers of public and foreign banks. These findings suggest that private banks may be more effective in promoting electronic banking services and increasing customer awareness compared to public and foreign banks.

The table3 presents the findings, highlighting the most critical challenges faced by each type of bank.

Table3: Problems tackled by customers during the usage of E-banking

N o.	Problems during the usage of E-banking	Public banks (Mean)	Private banks (Mean)	Foreign banks (Mean)	Sig.
1	Insufficient knowledge regarding the usage of E-banking products	3.33	3.40	3.39	0.04
2	Lack of access to internet	3.05	3.60	3.45	0.00
3	Complicated procedures and systems of E-banking	3.44	3.62	3.49	0.00
4	Lack of transparency in E-banking procedures	3.45	3.45	3.71	0.09
5	Insecurity during the funds transfer form one account to another account	3.37	3.56	3.81	0.00
6	Hacking the account and money robbery	3.39	3.37	3.87	0.00
7	Inadequate equipment for using the E-banking	3.27	3.66	3.65	0.00
8	Continuous changes and adjustments in E-banking	3.27	3.61	3.39	0.00
9	Time consumer	3.29	3.67	3.27	0.00
10	Forgetting the password	3.08	3.64	3.29	0.00
11	Insecure logging in the account	3.01	3.45	3.22	0.00
12	Cultural obstacles	3.28	3.57	3.56	0.00
13	Imposing threat for stealing the personal information	3.56	3.61	3.64	0.00
14	Network Errors	3.54	3.47	3.61	0.06
15	Problems during conducting the huge E-transactions	3.65	3.63	3.66	0.03

(Source: Research Findings)

Table 3 illustrate the findings of the one-way ANOVA analysis regarding the problems encountered during the utilizing of electronic banking services among customers of public, private, and foreign banks.

The findings reveal that most of the identified challenges showed statistically significant differences across clients of public, private, and foreign banks. Significant differences were found for insufficient knowledge regarding the usage of e-banking products ($p = 0.04$), lack of access to the internet ($p < 0.001$), complicated procedures and systems of e-banking ($p < 0.001$), insecurity during fund transfers ($p < 0.001$), hacking and money robbery ($p < 0.001$), inadequate equipment for using e-banking ($p < 0.001$), continuous changes and adjustments in e-banking systems ($p < 0.001$), time consumption ($p < 0.001$), forgetting passwords ($p < 0.001$), insecure account login ($p < 0.001$), cultural obstacles ($p < 0.001$), threats of personal information theft ($p < 0.001$), and problems encountered during large electronic transactions ($p = 0.03$). These results indicate that customers of different banking sectors perceive these challenges differently.

On the other hand, no statistically significant differences were observed regarding lack of transparency in e-banking procedures ($p = 0.09$) and network errors ($p = 0.06$). This suggests that customers of public, private, and foreign banks share relatively similar perceptions concerning these two challenges.

Although statistical significance was the primary criterion for interpretation, the mean scores provide additional insights into the direction of the differences. Foreign bank customers reported higher concerns regarding insecurity during fund transfers (Mean = 3.81), hacking and money robbery (Mean = 3.87), lack of transparency in e-banking procedures (Mean = 3.71), threats of personal information theft (Mean = 3.64), and network errors (Mean = 3.61). Private bank customers reported higher mean scores for lack of internet access (Mean = 3.60), complicated e-banking procedures (Mean = 3.62), inadequate equipment (Mean = 3.66), continuous system changes

(Mean = 3.61), time consumption (Mean = 3.67), forgetting passwords (Mean = 3.64), insecure login (Mean = 3.45), and cultural obstacles (Mean = 3.57). Overall, the findings suggest that while the nature and severity of e-banking challenges vary significantly across banking sectors, concerns related to security, infrastructure, accessibility, and usability remain important barriers to the effective adoption of e-banking services in Afghanistan.

Now the regression analysis is done in the following section. The aim of this regression analysis is to investigate the factors that impact customer awareness of electronic banking services. This analysis' purpose is to provide a clearer understanding of how these factors contribute to customer awareness in the context of electronic banking.

Table 4: Regression Analysis

MODEL SUMMARY					
MODEL	R	R-Square	Adjusted Square	R-	Std. Error of the Estimate
1	.511	.252	.231		.381
a. PREDICTORS: (CONSTANT), GENDER, MARITAL STATUS, INCOME, EDUCATION, OCCUPATION					
b. DEPENDENT VARIABLE: ARE YOU AWARE ABOUT THE E-BANKING SERVICE PROVIDED BY YOUR BANK					

(Source: Research Findings)

The regression analysis shows that the independent variables-Gender, Marital Status, Income, Education, and Occupation-collectively explain 25.2% of the variation in customer awareness of e-banking services, as indicated by the R Square value of 0.252. This suggests a moderate relationship between these predictors and customer awareness, with about a quarter of the variation being explained by these factors. The Adjusted R Square of 0.231 further suggests that the model accounts for around 23.1% of the variance after adjusting for the number of predictors included. While these results are statistically significant, they also indicate that there are additional factors influencing customer awareness that have not been captured in the

model. The Standard Error of the Estimate of 0.381 suggests that the predicted values are relatively close to the observed values, but there is still some level of variance.

To further evaluate the effectiveness of the regression model, ANOVA was done. The ANOVA test helps determine whether the independent variables collectively contribute to explaining the variation in the dependent variable, which, in this case, is customer awareness of e-banking services. By comparing the model's explained variance with the residual (unexplained) variance, we can assess the overall significance of the regression model. The results are presented in the table below.

Table 5: ANOVA(Analysis of Variance)

ANOVA					
MODEL	Sum of Squares	Df.	Mean Square	F	Sig.
Regression	5.401	5	.902	3.901	.003 ^b
Residual	20.256	246	.240		
Total	25.657	251			
a. Dependent Variable: Are you aware about the E- banking service provided by your bank					
b. Predictors (Constant), Gender, Marital Status, Income, education, Occupation					

(Source: Research findings)

Table 5, presents the ANOVA for the regression model. This test assesses the entire significance of the model, showing whether the independent variables totally have a statistically significant impact on customer awareness of e-banking services. The F-value of 3.901 with a p-value of 0.003 suggests that the regression model is statistically significant at the 0.05 level. This means that the model, which includes the independent variables Gender, Marital Status, Income, Education, and Occupation, is effective in describing variations in customer awareness of e-banking services. The Sum of Squares for regression is 5.401, which reflects the variation explained by the model. The RSS is 20.256, illustrating the unexplained variation, while the Total Sum of

Squares is 25.657, the total variation in the dependent variable. Given the significant F-statistic and p-value, we can conclude that the set of predictors used in the model-Gender, Marital Status, Income, Education, and Occupation- have a significant collective effect on customer awareness of electronic banking services

To understand the impact of each individual predictor on client awareness of e-banking services, the regression coefficients are examined. These coefficients show the power and path of the relationship between each independent variable and the dependent variable. The unstandardized coefficients show the actual change in the dependent variable for a one-unit change in the independent variable, while the standardized coefficients permits for comparison of the relative importance of each predictor. Additionally, the significance levels (p-values) help to assess whether the individual predictors significantly contribute to explaining customer awareness. The results are summed up in the table below.

Table6: Coefficients of the regression Model

COEFFICIENTS					
MODEL	Unstandardized Coefficients		STD. Coefficients	T	Sig
	B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	2.58	.414	8.837	.00
	Gender	0.81	.118	.077	.46
	Marital status	0.41	.113	.032	.75
	Income	.273	.063	.379	.00
	Education	-.018	.083	-.023	.83
	Occupation	-.018	.079	-.031	.86
	n				

(Source: Research Findings)

Table 6 illustrate the results of the multiple regression analysis done to examine the influence of demographic factors on customer awareness of e-banking services. The significance level was set at

0.05; therefore, variables with sig. less than 0.05 were considered statistically significant predictors of customer awareness.

The findings indicate that income is the only demographic variable that has a statistically significant effect on customer awareness of e-banking services ($B = 0.273$, $\beta = 0.379$, $t = 4.33$, $p < 0.001$). The positive coefficient suggests that as customers' income levels increase, their awareness of e-banking services also increases. This

finding implies that higher-income individuals are more likely to be exposed to banking technologies, possess greater access to digital resources, and engage more frequently with modern financial services, thereby enhancing their awareness of e-banking products and facilities.

On the other hand, gender ($B = 0.081$, $p = 0.46$), marital status ($B = 0.041$, $p = 0.75$), education ($B = -0.018$, $p = 0.83$), and occupation ($B = -0.018$, $p = 0.86$) do not exhibit statistically significant effects on customer awareness, as their p-values exceed the 0.05 threshold. Although these variables show minor positive or negative coefficients, the effects are too weak to be considered meaningful predictors within the context of this study.

Among all explanatory variables included in the model, income demonstrates the strongest influence, as reflected by its standardized coefficient ($\beta = 0.379$). This indicates that income contributes substantially more to explaining variations in customer awareness than the other demographic characteristics. The findings therefore suggest that economic capacity, rather than personal demographic characteristics such as gender, marital status, education, or occupation, plays a more important role in shaping customer awareness of e-banking services in Afghanistan.

Overall, the regression results reveal that customer awareness of e-banking services is significantly associated with income levels, while the remaining demographic variables do not have a statistically significant impact. These findings highlight the importance of improving access to financial resources and digital banking

opportunities across different income groups in order to enhance awareness and adoption of e-banking services.

6. Discussions

This study examined customer awareness toward electronic banking services across public, private, and foreign banks in Afghanistan. findings indicate that awareness levels vary across different dimensions of e-banking services. While respondents demonstrated moderate awareness regarding general banking services and basic e-banking facilities, awareness of several advanced electronic services remained comparatively lower.

The results of the ANOVA analysis showed that no statistically significant differences existed among the three banking sectors regarding general awareness of banks, general awareness of e-banking, online loan requests, purchasing goods and services electronically, and checking account statements. However, significant differences were observed in several specific dimensions, including mobile banking, ATM cards, debit and credit cards, online fund transfers, electronic ticket purchasing, awareness of SWIFT and Western Union services, use of banking applications, awareness of e-banking regulations, and use of banking websites. These findings partially support previous studies suggesting that banking institutions differ in their promotion and delivery of electronic banking services (Nguyen et al., 2015; Tandon et al., 2016).

The results also show that private bank customers generally reported higher mean awareness scores in several e-banking dimensions. This may indicate relatively greater emphasis on customer communication and promotion of electronic services within private banks. Nevertheless, the absence of significant differences in some core awareness indicators suggests that awareness-related challenges are not limited to a specific banking sector and remain a broader issue within the Afghan banking industry.

Another important finding concerns the barriers associated with e-banking usage. Customers identified insufficient knowledge of e-

banking products, lack of internet access, complicated procedures, security concerns during fund transfers, fear of account hacking, inadequate equipment, and concerns regarding personal information theft as major challenges. These results are consistent with past researches done in developing countries, which emphasize that security concerns, limited digital literacy, and infrastructural constraints continue to hinder the effective adoption of electronic banking services (Zhou et al., 2010; Gu et al., 2009; Ondiege, 2015). The regression analysis further revealed that income was the only demographic variable significantly associated with customer awareness of e-banking services. The positive coefficient indicates that higher-income customers tend to have greater awareness of e-banking services. This result is consistent with past research that suggest individuals with stronger economic capacity are more likely to access digital technologies and interact with modern banking services (Mansour et al., 2017; Tan et al., 2018). In contrast, gender, marital status, education, and occupation did not demonstrate statistically significant relationships with awareness levels.

Overall, the findings suggest that customer awareness of e-banking in Afghanistan remains moderate and is influenced by both economic conditions and practical barriers related to technology usage. Although differences exist across certain e-banking services, challenges related to awareness, security, and accessibility remain common across all banking sectors. These findings highlight the importance of strengthening awareness programs, improving customer education, and enhancing the accessibility and security of e-banking services throughout Afghanistan.

7. Conclusion

This study investigated customer awareness toward electronic banking services among public, private, and foreign banks in Afghanistan using data collected from 352 valid respondents. The findings indicate that customer awareness differs across specific dimensions of e-banking services.

The ANOVA analysis revealed statistically significant differences among the three banking sectors in several areas, including mobile banking ($p < 0.001$), ATM cards ($p = 0.03$), debit and credit cards ($p < 0.001$), online fund transfers ($p < 0.001$), purchasing aviation tickets electronically ($p < 0.001$), awareness of the SWIFT system ($p = 0.02$), awareness of the Western Union system ($p < 0.001$), use of banking applications ($p < 0.001$), awareness of e-banking regulations ($p = 0.034$), and use of banking websites for transactions ($p = 0.004$). In contrast, no statistically significant variations were found regarding general awareness of banks ($p = 0.23$), general awareness of e-banking ($p = 0.07$), purchasing goods and services electronically ($p = 0.92$), online loan requests ($p = 0.07$), and checking account statements ($p = 0.09$).

The study also identified major barriers to e-banking usage. Customers reported insufficient knowledge of e-banking products, limited internet access, complicated procedures, insecurity during fund transfers, fear of account hacking, inadequate equipment, and threats to personal information as significant challenges. Most of these barriers showed statistically significant differences across the three banking sectors.

Regression analysis showed that the independent variables collectively explained 25.2% of the variation in customer awareness ($R^2 = 0.252$), and the overall model was statistically significant ($F = 3.901$, $p = 0.003$). Among the demographic variables, income was the only factor with a statistically significant effect on customer awareness ($B = 0.273$, $\beta = 0.379$, $p < 0.001$), illustrating that higher-income customers tend to have greater awareness of e-banking services. Gender, marital status, education, and occupation did not show statistically significant effects.

Overall, the findings indicate that awareness of e-banking services in Afghanistan remains uneven across different service dimensions, while practical challenges related to security, infrastructure, and

digital accessibility continue to affect customer engagement with electronic banking services.

8. Recommendations for policymakers

1. Banks should implement targeted awareness programs to improve customers' knowledge of advanced e-banking services, particularly online fund transfers, SWIFT services, Western Union services, banking applications, and online transaction platforms, where awareness levels were comparatively lower.
2. Since insufficient knowledge of e-banking products was identified as a major challenge, banks should provide regular customer training sessions, demonstrations, and educational materials explaining the characteristics and advantages of e-banking services.
3. The findings revealed that lack of internet access remains a significant barrier to e-banking usage. Therefore, banks should collaborate with telecommunication providers and relevant authorities to improve customers' access to reliable internet services.
4. Security-related concerns, including insecurity during fund transfers, account hacking, and threats to personal information, were among the most important barriers reported by respondents. Banks should strengthen customer awareness regarding security measures and provide clear guidance on safe e-banking practices.
5. Since customers reported difficulties related to complicated e-banking procedures, banks should simplify digital banking processes and improve the user-friendliness of their electronic banking platforms.
6. Inadequate equipment and technological limitations were identified as obstacles to e-banking usage. Therefore, banks should expand access to digital banking facilities and ensure that customers can easily utilize available electronic banking services.
7. The regression analysis showed that income significantly influences customer awareness of e-banking services. Therefore,

awareness programs should particularly target lower-income customers who may have less exposure to digital banking services and technologies.

8. Banks should establish periodic monitoring and evaluation mechanisms to assess customers' awareness levels and identify areas where additional educational and promotional efforts are required.
9. The Afghanistan banking sector should continuously review and improve e-banking service delivery in order to reduce operational challenges and increase customer confidence in electronic banking services.
10. Future awareness initiatives should focus on addressing the specific barriers identified in this study, including limited knowledge, security concerns, internet accessibility, and technological constraints, to elevate the effective use of electronic banking services.

References

- Abu-Shanab, E., & Pearson, J. M. (2007). Internet banking in Jordan: The unified theory of acceptance and use of technology (UTAUT) perspective. *Journal of Systems and Information Technology*.
- Ahamadi, M. (2018). Factors affecting the adoption of electronic banking in Afghanistan: A customer perspective. *International Journal of Economic Studies*, 6(2), 112–130.
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 179–211. [https://doi.org/10.1016/0749-5978\(91\)90020-T](https://doi.org/10.1016/0749-5978(91)90020-T).
- Aker, J. C. (2010). Information from ICTs: Impacts on agricultural markets in Sub-Saharan Africa. *American Economic Review*, 100(2), 46–50.
- Alalwan, A. A., Rana, N. P., Dwivedi, Y. K., & Algharabat, R. (2016). Consumer adoption of mobile banking in Jordan. *Journal of Enterprise Information Management*.
- Alkhowaiter, W. A. (2019). Digital payment and banking adoption research in Gulf countries: A systematic literature review. *International Journal of Information Management*.

- Al-Somali, S. A., Gholami, R., & Clegg, B. (2009). An investigation into the acceptance of online banking in Saudi Arabia. *Technovation*, 29(2), 130–141.
- Amin, H. (2007). An empirical investigation on consumer acceptance of internet banking in Malaysia. *Journal of Internet Banking and Commerce*.
- Tandon, A., & Garg, M. (2016). Consumer awareness towards internet banking: A comparative study of public, private and foreign banks. *International Journal of Hybrid Information Technology*. <https://doi.org/10.14257/ijhit.2016.9.6.07>.
- Bendigeri, M. (2014, August). Awareness and knowledge of internet banking services among the customers of private and public sector banks in Hubli City. *Asian Journal of Research in Banking and Finance*, 4(8), 222–236.
- Davis, F. D. (1989). Perceived usefulness, perceived ease of use, and user acceptance of information technology. *MIS Quarterly*, 13(3), 319–340. <https://doi.org/10.2307/249008>.
- Demirgüç-Kunt, A., Klapper, L., Singer, D., & Ansar, S. (2018). *The Global Findex Database 2017: Measuring financial inclusion and the fintech revolution*. World Bank. <https://doi.org/10.1596/978-1-4648-1259-0>.
- El-Gohary, H. (2012). Factors affecting e-marketing adoption and implementation in tourism firms: An empirical investigation of Egyptian small tourism organisations. *Tourism Management*, 33(5), 1256–1269.
- Fahiq, M. (2023). *The future of banking industry in Afghanistan*. Afghanistan Research Network.
- Fatima, K. (2019). E-banking: Benefits and issues. *American Research Journal of Business and Management*, 3(1), 1–7.
- Fozia, M. (2013). A comparative study of customer perception toward e-banking services provided by selected private & public sector bank in India. *International Journal of Scientific and Research Publications*, 3(9).
- Gan, C., Clemes, M., & Weng, A. (2006). A logit analysis of electronic banking in New Zealand. *International Journal of Bank Marketing*.
- Gikandi, J. W., & Bloor, C. (2010). Adoption and effectiveness of electronic banking in Kenya. *Journal of Banking Technology*, 4(4), 112–119.

- Gu, J. C., Lee, S. C., & Suh, Y. H. (2009). Determinants of behavioral intention to mobile banking. *Expert Systems with Applications*.
- Jebarajakirthy, C., & Shankar, A. (2013). The impact of mobile banking customer satisfaction in Sri Lanka. *International Journal of Bank Marketing*.
- Gichuki, J. M., & Aduda, D. (2018). Electronic banking and accessibility of financial services in commercial banks. *International Journal of Management and Commerce Innovations*.
- Joya, O. (2012). *Access to finance in Afghanistan*. AISA Publications. Retrieved from <http://www.aisa.org.af/content/media>.
- Khan, M., & Mahapatra, S. (2009). Service quality evaluation in internet banking: An empirical study in India. *International Journal of Indian Culture and Business Management*.
- Kuisma, R., Laukkanen, T., & Hiltunen, M. (2007). Consumer adoption of e-banking: An empirical study. *International Journal of Bank Marketing*, 25(2), 110–121.
- Laukkanen, T. (2016). Consumer adoption of e-banking services in Finland. *International Journal of Bank Marketing*, 34(5), 456–469.
- Lavuri, R. (2018). Customer perception towards e-banking services: A study on public and private banks. *International Journal for Research in Applied Science & Engineering Technology (IJRASET)*. <https://doi.org/10.22214/ijraset.2018.5106>.
- Mansour, E., Masoud, M., & Ahmad, F. (2017). Demographic factors affecting the adoption of electronic banking services: Evidence from Iran. *Journal of Financial Services Marketing*, 22(3), 118–128.
- Mishra, A., Das, R., & Mishra, P. (2013). A study on adoption of e-banking. *Journal of Internet Banking and Commerce*.
- Nguyen, B., Simkin, L., & Canh, V. (2015). Comparative study of awareness and adoption of e-banking services: Public, private, and foreign banks. *Journal of Electronic Commerce Research*, 16(4), 347–360.
- Nisha, N., & Rashid, M. (2017). Internet banking service adoption in Bangladesh: An empirical study. *International Journal of Marketing Studies*.
- Ondiege, P. (2015). Mobile banking in Africa: Taking the bank to the people. *Africa Economic Brief*, 6(5), 1–16.

- Pikkarainen, T., Karjaluo, H., & Pahnla, S. (2004). Consumer acceptance of online banking: An extension of the technology acceptance model. *Internet Research*.
- Rahi, S., & Ghani, M. (2016). Internet banking, customer perception and adoption: Empirical evidence from Pakistan. *Journal of Internet Banking and Commerce*.
- Safdari, M., & Mahdi, Z. (2022). Customer trust in electronic banking: A case study of Kabul-based banks. *Central Asian Financial Review*, 5(2), 90–105.
- Shaikh, A., & Karjaluo, H. (2015). Mobile banking adoption: A literature review. *Telematics and Informatics*.
- Singh, S., & Malhotra, P. (2014). Adoption of internet banking: An empirical investigation of Indian banking sector. *Journal of Internet Banking and Commerce*.
- Tahiri, T. (2019). A study: Customer perception in e-banking services in public and private sector bank in Chennai. *Journal of Management*, 22(14).
- Tan, L. & et al. (2018). Demographic factors influencing e-banking adoption in Malaysia. *International Journal of Bank Marketing*, 36(4), 598–617.
- Venkatesh, V., Morris, M. G., Davis, G. B., & Davis, F. D. (2003). User acceptance of information technology: Toward a unified view. *MIS Quarterly*, 27(3), 425–478.
- Venkatesh, V., Thong, J. Y. L., & Xu, X. (2016). Unified theory of acceptance and use of technology: A synthesis and the road ahead. *Journal of the Association for Information Systems*.
- Zhou, T., Lu, Y., & Wang, B. (2010). Integrating TTF and UTAUT to explain mobile banking user adoption. *Journal of Social Sciences and Humanities*

آسیب پذیری ترانزیتی افغانستان در برابر اختلالات مرزی: مطالعه

موردی پاکستان (۲۰۲۱-۲۰۲۵)

نویسنده: عبدالوهاب نظری

دیارتمنت امور مالی و بانکی، پوهنچی اقتصاد، پوهنتون زاول، کابل، افغانستان

نشانی برقی: abdullwahab.nazari@gmail.com

چکیده

تجارت خارجی افغانستان به دلیل محاط بودن به خشکه و دسترسی نداشتن مستقیم به آب های آزاد، به گونه قابل ملاحظه ای به مسیرهای ترانزیتی کشورهای همسایه، به ویژه پاکستان، وابسته است. هدف این تحقیق بررسی پیامد های وابستگی ترانزیتی افغانستان به پاکستان و ارزیابی تأثیر بسته شدن ناگهانی مرز بر فعالیت های تجارتی و ترانزیتی کشور می باشد. این مطالعه با استفاده از رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شده است؛ به گونه ای که داده های کمی از طریق ۴۳ پرسشنامه ساختاریافته و اطلاعات کیفی از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با تاجران، شرکت های حمل و نقل و بارچالانی خارجی گردآوری شده است. یافته ها نشان می دهد که بسته شدن مرز باعث کاهش قابل توجه حجم تجارت شده است؛ به طوری که ۲۰٫۹ درصد پاسخ دهندگان توقف کامل فعالیت تجارتی خود را گزارش کرده اند. همچنین افزایش هزینه های حمل و نقل، تأخیرهای طولانی در انتقال کالا، فاسد شدن محصولات و از دست رفتن قراردادهای تجارتی از مهم ترین پیامدهای این وضعیت بوده است. هرچند مسیرهای بدیل از طریق ایران و آسیای میانه مورد استفاده قرار گرفته اند، اما به دلیل هزینه های بلند، زمان طولانی انتقال و محدودیت های عملیاتی، نتوانسته اند جایگزین مؤثری برای مسیر پاکستان باشند. نتایج تحقیق بر ضرورت تنوع بخشی مسیرهای ترانزیتی، تقویت همکاری های منطقه ای، بهبود زیربنای حمل و نقل و توسعه سیستم های دیجیتالی گمرکی به منظور کاهش آسیب پذیری ترانزیتی افغانستان تأکید می کند.

اصطلاحات کلیدی: تجارت خارجی، کشور های محاط به خشکه، وابستگی ترانزیتی، مسیرهای ترانزیتی، اختلال تجارتی، تسهیل تجارت.

Afghanistan's Transit Vulnerability to Border Disputes: A Case Study of Pakistan (2021–2025)

Author: Abdul Wahab Nazari

Finance and Banking Dept., Zawul University, Kabul, Afghanistan

Email: abdullwahab.nazari@gmail.com

Abstract

Owing to its landlocked status, Afghanistan's foreign trade is highly dependent on the transit routes of neighboring countries, particularly Pakistan. This research aims to examine the consequences of Afghanistan's transit dependency on Pakistan and to assess the impact of the abrupt border closure on the country's trade and transit activities. The study employs a mixed-methods approach (quantitative and qualitative). Quantitative data were collected using 43 structured questionnaires, and qualitative information was gathered through semi-structured interviews with traders, transportation companies, and foreign freight-forwarding firms. The findings indicate that the border closure resulted in a substantial decline in trade volume, with 20.9% of respondents reporting a complete cessation of their trade activities. Furthermore, increased transportation costs, prolonged delays in the movement of goods, spoilage of perishable products, and the loss of trade contracts emerged as among the most significant consequences of this situation. Although alternative routes through Iran and Central Asia have been utilized, they have failed to serve as effective substitutes for the Pakistan route due to high costs, extended transit times, and operational constraints. The results of this research underscore the necessity of diversifying transit routes, strengthening regional cooperation, improving transportation infrastructure, and developing digital customs systems in order to reduce Afghanistan's vulnerability to transit disruptions.

Keywords: foreign trade, landlocked countries, transit dependency, transit routes, trade disruption, trade facilitation.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد و على آله و أصحابه أجمعين.

تجارت خارجی در کشور های محصور به خشکه به شکل دوامدار از چالش های ساختاری و اداری دور نبوده است. عدم دسترسی مستقیم به آب های آزاد، چنین کشور ها را به راه های ترانزیتی کشور های همسایه شان وابسته میکند؛ و در نتیجه مصارف حمل و نقل، زمان انتقال اجناس و میزان خطرات تجارت به شکل قابل ملاحظه ای بلند می‌رود. مطالعات سنتی و گزارش های خارجی نشان دهنده این است که کشور های محاط به خشکه نظر به کشور های دارای دسترسی به بنادر، با مصارف تجارتی بیشتر و آسیب پذیری بالاتری در برابر اختلالات ترانزیتی مواجه اند (Raballand, 2019).

افغانستان به عنوان یک کشور محاط به خشکه به شکل خاصی تحت تاثیر این محدودیت ها قرار دارد. بخش عمده تجارت خارجی این کشور از طریق مسیر های محدود انجام می شود که آن را در برابر تغییرات سیاسی، امنیتی و مرزی آسیب پذیر ساخته است. بر اساس گزارش های سازمان تجارت جهانی (WTO)، نبود مسیر های متنوع و قابل پیشبینی از عوامل اصلی افزایش مصارف و کاهش رقابت پذیری کشور های محاط به خشکه به شمار می‌رود (World Trade Organization, 2022a).

در این میان، وابستگی ترانزیتی افغانستان به پاکستان، مخصوصاً از طریق بنادر گوادر و کراچی، نقش مهمی در شکل دهی الگوی تجارت خارجی داشته است. مسدود شدن مکرر مرزها در سال های اخیر پیامد های ناگواری نظیر افزایش مصارف، تاخیر در انتقال اجناس، فاسد شدن محصولات صادراتی و کاهش پیش بینی پذیری تجارت را در پی داشته است. گزارش های بانک جهانی و کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد نیز مصداق این مسئله هستند که چنین اختلالاتی می تواند به کاهش درآمد های صادراتی و تضعیف ثبات تجارتی کشور های محاط به خشکه منجمله افغانستان منجر شود (United Nations Conference on Trade and Development, 2021a; World Bank, 2020).

با ادامه این چالش ها، کاهش آسیب پذیری ترانزیتی و تنوع بخشی مسیرها به یکی از اهداف کلیدی در پالیسی تجارت خارجی افغانستان تبدیل شده است. مطالعه تاجران و شرکت های حمل و نقل می تواند در درک پیامد های واقعی این وابستگی و شناسایی راه حل های عملی نقش مهمی ایفا کند.

بدین ملحوظ، تحقیق حاضر با تمرکز بر پیامد های وابستگی ترانزیتی افغانستان به پاکستان و راه های کاهش آن، از اهمیت علمی و کاربردی برخوردار است. ساختار مقاله به شکلی تهیه شده که پس از پیشینه تحقیق و چارچوب نظری، روش تحقیق ارایه شده، سپس یافته ها تحلیل گردیده و در نهایت، نتیجه گیری و پیشنهادات مطرح می شود.

۱.۱. طرح مسئله

افغانستان به عنوان یک کشور محاط به خشکه، به شکل ساختاری به راه های ترانزیتی کشور های همسایه اش وابسته است. این وابستگی ترانزیتی، خصوصاً وقتی که تجارت خارجی کشور از طریق مسیر های محدود و غیر متنوع انجام میشود، آسیب پذیری تجارت را در برابر شوک های سیاسی، امنیتی و اداری به طور چشمگیری افزایش می دهد. مطالعات نشان میدهد که کشور های محاط به خشکه که فاقد مسیر های ترانزیتی متنوع و پایدار اند، بیش از سایر کشور ها با اختلال در زنجیره تامین، افزایش مصارف تجارت و کاهش قابلیت پیشبینی فعالیت های اقتصادی مواجه میشوند (World Trade Organization, 2022).

در خصوص افغانستان نیز میتوان گفت که، وابستگی درازمدت به راه های ترانزیتی پاکستان، و به خصوص بنادر کراچی و گوادر، از عوامل اصلی آسیب پذیری تجارت خارجی محسوب میشود. مسدود شدن مکرر و ناگهانی مرزها در سال های اخیر، منجر به افزایش مصارف حمل و نقل، تاخیر در انتقال اجناس، ضررهای مالی، فاسد شدن محصولات صادراتی و کاهش اعتماد تجار به ثبات مسیر ها شده است (United Nations Conference on Trade and Development, 2021a; World Bank, 2020).

بر مبنای گزارش کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه، وابستگی بیش از حد به مسیر های محدود و نبود چارچوب موثر مدیریت خطر، توان ادغام آنها در تجارت جهانی را تضعیف میکند. این وضعیت در افغانستان، به خاطر شرایط خاص سیاسی و اداری، شدت بیشتر داشته و تاثیر آن مستقیماً بر فعالیت های تجار و بازار ها قابل مشاهده است. با وجود

اهمیت موضوع، اکثر مطالعات بر منابع کتابخانه‌ای و آمارهای رسمی متمرکز بوده و تنها به صورت نادر به دیدگاه‌های میدانی فعالان اقتصادی پرداخته‌اند. همچنان، بررسی‌های خیلی قلیلی در خصوص راه‌های عملی کاهش آسیب پذیری ترانزیتی از منظر تجارب واقعی وجود دارد. این خلا، ضرورت انجام این تحقیق را برجسته می‌سازد تا با استفاده از یافته‌های میدانی، ابعاد واقعی این وابستگی و راه‌های کاهش آن بررسی گردد.

۱.۲. اهمیت تحقیق

تجارت خارجی یکی از پایه‌های اساسی رشد اقتصادی افغانستان است؛ و نظام ترانزیتی در تسهیل آن نقش اساسی دارد. وابستگی به راه‌های محدود خصوصاً پاکستان، باعث شده که هرنوع اختلال، پیامدهای گسترده اقتصادی ایجاد کند، بدین ملحوظ، بررسی علمی این وابستگی اهمیت ویژه دارد.

بسته شدن مکرر مرزها در سال‌های اخیر، منحنی یک خطر ساختاری، علاوه بر کاهش تجارت، سطح بی‌ثباتی و نااطمینانی را افزایش داده است. درک این پیامدها می‌تواند در تشخیص نقاط ضعف و ارائه راه‌های موثر نقش مهمی داشته باشد.

بر علاوه، تحقیق حاضر با تکیه بر اطلاعات اولیه (پرسشنامه و مصاحبه)، تلاش می‌کند تجارت واقعی فعالان اقتصادی را منعکس ساخته و خلا موجود در ادبیات تحقیق را تا حدی جبران نماید. یافته‌های این مطالعه می‌تواند برای پالیسی‌سازان و بخش خصوصی در قسمت تصمیم‌گیری، تنوع بخشی مسیرها و کاهش خطرات ترانزیتی مفید و موثر باشد و به افزایش تاب‌آوری نظام تجارتی افغانستان کمک کند.

۱.۳. اهداف تحقیق

۱.۳.۱. هدف کلی:

بررسی پیامدهای بسته شدن مرز افغانستان و پاکستان بر فعالیت‌های تجارتی و ترانزیتی افغانستان و شناسایی راهکارهای کاهش آسیب پذیری ترانزیتی کشور.

۱.۳.۲. اهداف فرعی:

۱. بررسی الگوی استفاده تاجران از مسیرهای ترانزیتی پیش از بسته شدن مرز افغانستان و پاکستان؛

۲. تحلیل تأثیر بسته شدن مرز بر حجم تجارت و تداوم فعالیت‌های تجارتی؛

۳. ارزیابی تأثیر بسته شدن مرز بر هزینه های حمل و نقل و زمان انتقال کالا؛
۴. بررسی میزان کارایی و چالش های مسیرهای ترانزیتی بدیل از دیدگاه تاجران و فعالان تدارکاتی؛
۵. شناسایی مهم ترین خسارات و چالش های ناشی از اختلالات مرزی برای تجارت و ترانزیت افغانستان؛
۶. ارائه راهکارهای عملی برای کاهش آسیب پذیری ترانزیتی و افزایش تاب آوری تجارت خارجی افغانستان.

۱.۴. سؤالات تحقیق

۱.۴.۱. سؤال اصلی:

بسته شدن مرز افغانستان و پاکستان چه پیامدهایی بر فعالیت های تجارتي و ترانزیتی افغانستان داشته است؟

۱.۴.۲. سؤالات فرعی:

۱. الگوی استفاده تاجران از مسیرهای ترانزیتی پیش از بسته شدن مرز چگونه بوده است؟
۲. بسته شدن مرز چه تأثیری بر حجم تجارت و فعالیت های تجارتي داشته است؟
۳. بسته شدن مرز چه تأثیری بر هزینه های حمل و نقل و انتقال کالا داشته است؟
۴. مسیرهای ترانزیتی بدیل تا چه اندازه توانسته اند نیازهای تجارتي را برآورده سازند؟
۵. مهم ترین خسارات و چالش های ناشی از اختلالات مرزی از دیدگاه تاجران کدام اند؟
۶. چه راهکارهایی می تواند آسیب پذیری ترانزیتی افغانستان را کاهش دهد؟

۱.۵. روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی است. مطالعه با استفاده از روش ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شده است؛ به شکلی که ارقام کمی از طریق پرسشنامه ها و اطلاعات کیفی از طریق مصاحبه های نیمه ساختار یافته جمع آوری شده اند. این طریقه امکان تحلیل جامع تر پیامد های وابستگی ترانزیتی افغانستان را فراهم می سازد.

۱.۶. جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شامل تجار واردکننده و صادرکننده، شرکت های حمل و نقل و فعالان بخش تدارکاتی می باشد که به صورت مستقیم در فعالیت های تجارت و ترانزیت افغانستان نقش دارند. با توجه به نبود بانک اطلاعاتی جامع و به روز، پراکندگی جغرافیایی فعالان اقتصادی و عدم دسترسی به آمار رسمی از تعداد کل تاجران دخیل در ترانزیت افغانستان-پاکستان، تعیین حجم دقیق جامعه آماری امکان پذیر نبود؛ از این رو، تحقیق بر جامعه قابل دسترس متمرکز گردید.

نمونه گیری به شیوه در دسترس (Convenience Sampling) انجام شد. به این منظور، پرسشنامه ها به صورت حضوری در اتاق تجارت و سرمایه گذاری افغانستان، ریاست تسهیلات و تنظیم امور ترانزیت و ریاست انکشاف صادرات وزارت صنعت و تجارت در اختیار مراجعه کنندگان و فعالان مرتبط قرار داده شد. به تعداد ۵۵ پرسشنامه با در نظر داشت محدودیت های زمانی، میزان دسترسی به پاسخ دهندگان و احتمال عدم تکمیل بخشی از پرسشنامه ها توزیع گردید تا حجم قابل قبولی از پاسخ های قابل استفاده حصول گردد. پس از بررسی، ۴۳ پرسشنامه که حداقل ۷۰ درصد سؤالات آن تکمیل شده بود، در تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

۱.۷. ابزار جمع آوری اطلاعات

داده های تحقیق از سه منبع شامل پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده گردآوری شد. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه ساختاریافته شامل سؤالات چندگزینه ای و سؤالات باز در زمینه وضعیت تجارت، هزینه های حمل و نقل، مسیرهای بدیل و راهکارهای کاهش آسیب پذیری ترانزیتی بود که به صورت حضوری توزیع گردید.

در کنار پرسشنامه، ۱۶ تن از تاجران در پاسخ به سؤالات باز، دیدگاه ها و تجربیات خود را به صورت کتبی ارائه نمودند. همچنین، به منظور درک بهتر پیامدهای عملی بسته شدن مرز، با ۴ تن از فعالان تجارتی شامل ۳ واردکننده و ۱ صادرکننده محصولات زراعتی، مصاحبه های نیمه ساختاریافته انجام شد.

اطلاعات حاصل از پاسخ های تشریحی و مصاحبه ها پس از دسته بندی موضوعی، برای توضیح و تفسیر یافته های پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. به منظور رعایت اصول اخلاقی تحقیق، هیچ گونه اطلاعات هویتی پاسخ دهندگان ثبت نگردید و تمامی اطلاعات به صورت محرمانه مورد استفاده قرار گرفت.

۱.۸. شیوه تحلیل اطلاعات

یافته های کمی با استفاده از احصائیه توصیفی (فراوانی و فیصدی) و در قالب جداول و اشکال تحلیل شده است. اطلاعات کیفی همچنان به صورت موضوعی دسته بندی و برای تفسیر و تقویت داده های کمی به کار گرفته شده است.

۱.۹. ملاحظات اخلاقی تحقیق

شرکت در تحقیق داوطلبانه بوده و به اشتراک کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات صرفاً برای اهداف علمی استفاده میشود. با توجه به حساسیت موضوع، هیچ نوع اطلاعات هویتی ثبت نشده و تمام اطلاعات به صورت محرمانه تحلیل گردیده است.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعه (Michael L. Faye, John W. McArthur, et al., 2004) پیرامون چالش های توسعه در کشورهای محاط به خشکه، با استفاده از تحلیل مقایسه ای داده های اقتصادی کشورهای در حال توسعه انجام شد. نتایج نشان داد که نبود دسترسی مستقیم به آب های آزاد، در صورت فقدان مسیرهای ترانزیتی متنوع و سیاست های حمایتی مناسب، می تواند به مانعی جدی برای توسعه اقتصادی تبدیل شود.

در تحقیقی (Nuno Limao & Anthony J. Venables, 2001) مبتنی بر تحلیل داده های خارجی تجارت و حمل و نقل، نقش زیرساخت ها و موقعیت جغرافیایی را در هزینه های تجارت بررسی کردند. یافته های آنان نشان داد که ضعف زیرساخت های ترانزیتی و وابستگی به کشورهای ترانزیتی از عوامل اصلی افزایش هزینه های تجارت بوده و حتی بهبود محدود در زیرساخت ها می تواند هزینه ها را به طور قابل ملاحظه کاهش دهد.

گزارش بانک جهانی (World Bank, 2019) درباره تجارت و ترانزیت افغانستان، با استفاده از تحلیل و وضعیت اقتصادی و ترانزیتی کشور، نشان می دهد که وابستگی به مسیرهای محدود ترانزیتی، به ویژه در شرایط تنش سیاسی و بسته شدن مرزها، سبب افزایش هزینه ها، تأخیر در انتقال کالا و بی ثباتی فعالیت های تجارتی می شود.

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (United Nations Conference on Trade and Development, 2021) در مطالعه ای پیرامون کشورهای محاط به خشکه، با رویکرد تحلیلی و سیاستی، به این نتیجه رسیده است که تمرکز بیش از حد بر یک مسیر ترانزیتی، آسیب پذیری

کشورها را در برابر اختلالات سیاسی و مرزی افزایش می دهد. این یافته در مورد وابستگی تاریخی افغانستان به مسیرهای کراچی و گوادر نیز صدق می کند.

در سطح داخلی، پالیسی عمومی تجارت افغانستان (Ministry of Industry and Commerce, 2019) با استفاده از ارزیابی و وضعیت تجارت خارجی کشور، توسعه مسیرهای ترانزیتی بدیل و کاهش وابستگی به یک مسیر خاص را از پیش شرط های افزایش رقابت پذیری صادرات و ثبات تجارتی معرفی کرده است. همچنان، استراتژی عمومی صادرات افغانستان (Ministry of Industry and Commerce, 2018) نشان می دهد که بسته شدن مکرر مرزهای پاکستان در سال های گذشته موجب زیان های مالی، از دست رفتن بازارهای صادراتی و افزایش ناطمینانی در محیط تجارت شده است.

در سطح منطقه ای، (Mohammad Naseer Haidari & Ulfatullah Kotwal, 2025) با بررسی دهلیز تجارتی افغانستان-پاکستان، نقش مشکلات زیرساختی، موانع اداری و ضعف هماهنگی نهادی را در کاهش کارایی این مسیر تحلیل کرده اند. نتایج آنان نشان می دهد که اصلاحات نهادی و تنوع بخشی مسیرهای ترانزیتی می تواند بخشی از این چالش ها را کاهش دهد.

همچنین، (Syed Subtain Hussain Shah, 2010) در مطالعه ای درباره تجارت رسمی و غیررسمی افغانستان و پاکستان، با استفاده از تحلیل اسنادی و سیاستی، نشان داد که تجارت غیررسمی و سیاست های ناپایدار مرزی، خطر و بی ثباتی فعالیت های ترانزیتی را افزایش می دهد. در واکنش به این چالش ها، بانک توسعه آسیایی (Asian Development Bank, 2021) و بانک جهانی (World Bank, 2020) در ارزیابی های خود از بخش ترانسپورت و تجارت منطقه ای، توسعه مسیرهای جایگزین از طریق ایران و آسیای میانه را بررسی کرده اند. یافته های این مطالعات نشان می دهد که هرچند این مسیرها در کوتاه مدت هزینه بر هستند، اما در میان مدت و بلندمدت می توانند وابستگی بیش از حد به یک مسیر ترانزیتی را کاهش دهند.

مرور مطالعات پیشین نشان می دهد که بیشتر تحقیقات بر آسیب پذیری ساختاری افغانستان و سایر کشورهای محاط به خشکه تأکید داشته اند؛ اما عمدتاً بر داده های ثانوی و تحلیل های کلان متکی بوده اند. در مقابل، دیدگاه ها و تجارب عملی تاجران، شرکت های حمل و نقل و فعالان تدارکاتی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. از این رو، تحقیق حاضر تلاش می کند این خلأ را با استفاده از داده های میدانی و تجربیات مستقیم فعالان اقتصادی تا حدودی جبران نماید.



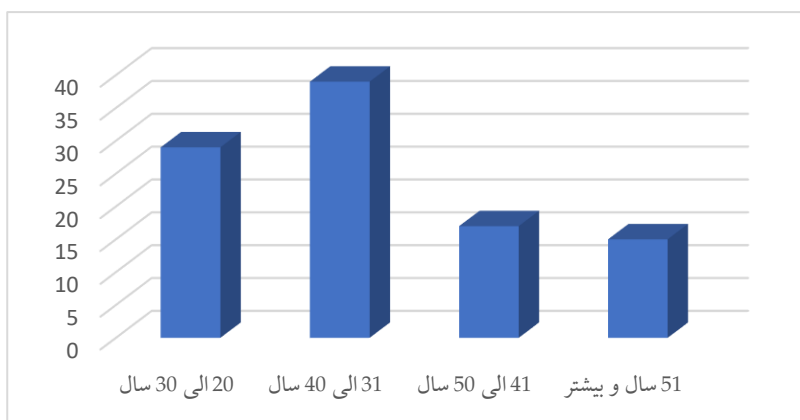
۳. یافته های تحقیق

۳.۱. تحلیل خصوصیات پاسخ دهندگان

سن (Age)

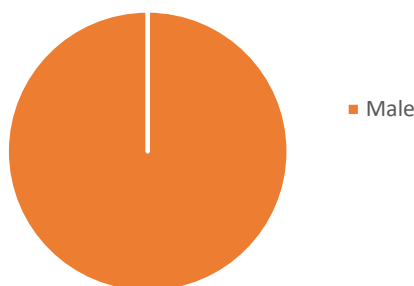
نتایج احصائیوی نشان می‌دهد که تمام پاسخ دهندگان را مردان تشکیل می‌دهد (۱۰۰٪). از نظر سنی، بیشترین سهم مربوط به گروه سنی ۳۱-۴۰ سال (۳۷،۲٪) بوده و پس از آن گروه ۲۰ تا ۳۰ سال (۲۷،۹٪) قرار دارد.

شکل ۱. سن پاسخ دهندگان



جنسیت (Gender)

نتایج نشان می‌دهد که ۱۰۰٪ پاسخ دهندگان مرد بوده اند. این موضوع نشان می‌دهد که فعالیت های تجارت و ترانزیت در افغانستان، خصوصاً در سکتور تجارت خارجی، هنوز به طور عمده توسط طبقه مردان انجام میشود.

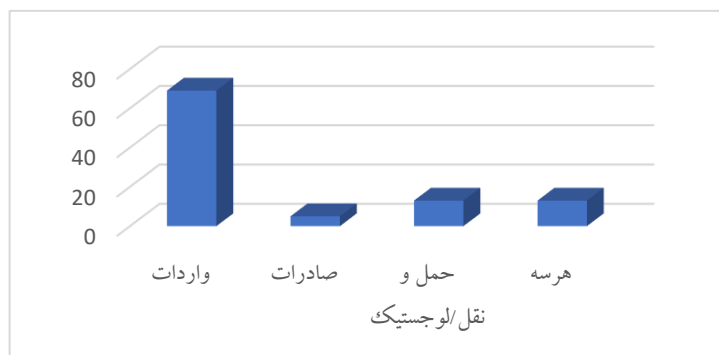


شکل ۲ جنسیت

نوع فعالیت تجاری

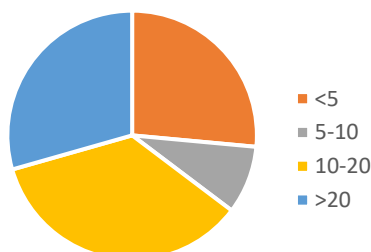
از لحاظ نوع فعالیت، ۶۲,۸٪ پاسخ دهندگان در بخش واردات فعالیت دارند. در حالیکه سهم صادر کنندگان فقط ۴,۷٪ بوده. همچنان ۱۱,۶٪ در بخش حمل و نقل و لوژستیک تدارکات و ۱۱,۶٪ در هردو بخش (واردات و صادرات) فعالیت دارند.

شکل ۳ نوع فعالیت تجاری ۳



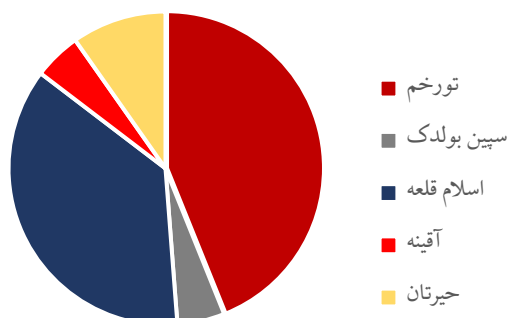
تجربه کاری در تجارت

از نظر تجربه کاری، بیشترین پاسخ دهندگان دارای ۱۰ الی ۲۰ سال تجربه (۲۷,۹٪) بوده و پس از آن افراد بیش از ۲۰ سال تجربه (۲۳,۳٪) قرار دارند. این نشان میدهد که داده های تحقیق عمدتاً از طرف افراد با تجربه عملی قابل توجه در حوزه تجارت و ترانزیت جمع آوری شده است.



شکل ۴. تجربه کاری در بخش تجارت و ترانزیت

مسیرهای عمده ترانزیتی قبل از بسته شدن مرز با پاکستان نتایج نشان می‌دهد که پیش از بسته شدن مرزهای پاکستان، بخش عمده فعالیت‌های تجارتی پاسخ‌دهندگان بر تعداد محدودی از



شکل ۵ مسیرهای عمده ترانزیتی

مسیرهای ترانزیتی متمرکز بوده است. از میان ۴۳ پاسخ‌دهنده، ۴۱٫۹ درصد مسیر تورخم و ۳۴٫۹ درصد مسیر اسلام قلعه را به عنوان مسیر اصلی تجارت خود معرفی کرده‌اند. در مقابل، سهم مسیرهای دیگر از جمله حیرتان (۹٫۳ درصد)، سپین بولدک (۴٫۷ درصد) و آقینه (۴٫۷ درصد) به مراتب کمتر بوده است.

این یافته نشان می‌دهد که بیش از سه چهارم پاسخ‌دهندگان (۷۶٫۸ درصد) تنها از دو گذرگاه عمده، یعنی تورخم و اسلام قلعه، برای انجام فعالیت‌های تجارتی خود استفاده می‌کرده‌اند. چنین تمرکزی بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از تجارت خارجی افغانستان به شمار محدودی از مسیرهای ترانزیتی وابسته بوده و در صورت بروز اختلال در این مسیرها، گزینه‌های عملی و در دسترس برای جایگزینی سریع آن‌ها محدود بوده است.

شواهد به دست آمده از مصاحبه‌ها نیز این موضوع را تأیید می‌کند. برخی تاجران اظهار داشته‌اند که اگرچه مسیرهای دیگری نیز وجود دارد، اما به دلیل هزینه‌های بیشتر، زمان طولانی تر انتقال و محدودیت‌های عملیاتی، استفاده از آن‌ها از نظر اقتصادی چندان مقرون به صرفه نیست. از این رو، تمرکز بالای تجارت بر چند گذرگاه مشخص را می‌توان یکی از عوامل افزایش آسیب‌پذیری ترانزیتی افغانستان در برابر بسته شدن مرزها و اختلالات سیاسی و اداری دانست.

به طور کلی، نتایج این بخش نشان می دهد که پیش از وقوع اختلالات مرزی، تنوع کافی در استفاده از مسیرهای ترانزیتی وجود نداشته و همین امر زمینه تأثیرپذیری بیشتر تجارت افغانستان از بسته شدن ناگهانی مسیرهای اصلی را فراهم کرده است.

جدول ۱. حجم ماهانه انتقال کالا قبل از بسته شدن مرز

حجم انتقال	تکرار	فیصدی تکرار	فیصدی تکرار تراکمی
0 - 10	11	25.6%	25.6%
11 - 25	11	25.6%	51.2%
26 - 50	10	23.3%	74.4%
50 - 100	5	11.6%	86.0%
> 100	6	14.0%	100.0%
مجموع	43	100.0%	

منبع: یافته های تحقیق

نتایج جدول نشان می دهد که، بیشترین سهم پاسخ دهندگان (هر کدام ۲۵.۶ درصد) در دو گروه ۰ تا ۱۰ تن و ۱۱ تا ۲۵ تن قرار دارند. به عبارت دیگر، بیش از نیمی از نمونه مورد مطالعه (۵۱،۲ درصد) ماهانه حداکثر ۲۵ تن کالا انتقال می دادند. همچنان، ۲۳،۳ درصد پاسخ دهندگان در گروه ۲۶ تا ۵۰ تن، ۱۱،۶ درصد در گروه ۵۰ تا ۱۰۰ تن و ۱۴ درصد بیش از ۱۰۰ تن کالا در ماه انتقال می دادند.

این یافته نشان می دهد که ترکیب نمونه تحقیق تنها محدود به تاجران کوچک نبوده، بلکه شامل طیف عظیمی از فعالان تجاری با حجم های متفاوت فعالیت نیز بوده است. با وجود آنکه سهم تجار با حجم انتقال پایین و متوسط بیشتر است، حضور شرکت ها و تجار دارای انتقالات بزرگتر نیز باعث شده است که دیدگاه های مختلفی از بخش تجارت و ترانزیت در تحقیق انعکاس یابد. از منظر موضوع تحقیق، تمرکز بیشتر پاسخ دهندگان در سطوح پایین و متوسط انتقال کالا حائز اهمیت است؛ زیرا این دسته از فعالان اقتصادی معمولاً ظرفیت مالی و عملیاتی محدود تری برای مقابله با افزایش هزینه های حمل و نقل، تأخیرهای ترانزیتی و بسته شدن مسیرهای تجارتی دارند. بنابراین، اختلالات مرزی می تواند تأثیر شدیدتری بر فعالیت و تداوم تجارت این گروه ها داشته باشد.

جدول ۲. اوسط مصارف حمل و نقل در هر تن

مصارف به افغانی	تکرار	فیصدی تکرار	فیصدی تکرار تراکمی
100000 < کمتر از	3	7.7%	7.7%
100000 – 200000	14	35.9%	43.6%
200000 – 350000	13	33.3%	76.9%
350000 – 500000	7	17.9%	94.9%
500000 > بیشتر از	2	5.1%	100.0%
مجموع	39	100.0%	

یادداشت: چهار پاسخ موجود نبود (مجموع تعداد = ۴۳).

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول نشان می‌دهد که هزینه حمل و نقل برای اکثر پاسخ‌دهندگان در سطوح نسبتاً بلند قرار داشته است. بیشترین سهم پاسخ‌دهندگان (۳۵٫۹ درصد) هزینه حمل و نقل هر تن کالا را بین

۱۰۰٬۰۰۰ تا ۲۰۰٬۰۰۰ افغانی و ۳۳٫۳ درصد آن را بین ۲۰۰٬۰۰۰ تا ۳۵۰٬۰۰۰ افغانی گزارش کرده‌اند. در مجموع، حدود ۶۹٫۲ درصد پاسخ‌دهندگان هزینه حمل و نقل هر تن کالا را در محدوده

۱۰۰٬۰۰۰ تا ۳۵۰٬۰۰۰ افغانی بیان نموده‌اند. همچنین، ۱۷٫۹ درصد هزینه‌ای بین ۳۵۰٬۰۰۰ تا ۵۰۰٬۰۰۰ افغانی و ۵٫۱ درصد بیش از ۵۰۰٬۰۰۰ افغانی را گزارش کرده‌اند، در حالی که تنها ۷٫۷ درصد هزینه‌ای کمتر از ۱۰۰٬۰۰۰ افغانی داشته‌اند.

این یافته نشان می‌دهد که حتی پیش از بسته شدن مرز نیز حمل و نقل کالا برای بخش قابل توجهی از فعالان تجاری با هزینه‌های نسبتاً بلند همراه بوده است. تمرکز پاسخ‌ها در سطوح متوسط و بلند هزینه بیانگر آن است که هزینه‌های ترانزیتی از اجزای مهم ساختار هزینه تجارت خارجی افغانستان محسوب می‌شوند.

از منظر موضوع تحقیق، این وضعیت اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا هرگونه اختلال در مسیرهای ترانزیتی و اجبار به استفاده از مسیرهای جایگزین می‌تواند فشار بیشتری بر هزینه‌های حمل و نقل وارد کند. شواهد کیفی جمع‌آوری شده از پاسخ‌دهندگان نیز نشان می‌دهد که برخی تاجران پس از اختلالات مرزی با افزایش قابل ملاحظه هزینه‌های انتقال کالا مواجه شده‌اند. بنابراین، بالا بودن هزینه‌های پایه حمل و نقل، تجارت افغانستان را در برابر شوک‌های ترانزیتی آسیب‌پذیرتر می‌سازد.

جدول ۳. تغییر در حجم تجارت پس از بسته شدن مرزها با پاکستان

تغییر در حجم تجارت	تکرار	فیصدی تکرار	فیصدی تکرار تراکمی
کاملاً متوقف شد	9	20.9%	20.9%
٪۵۰ > کاهش یافت	6	14.0%	34.9%
20-50% کاهش یافت	16	37.2%	72.1%
بدون تغییر	12	27.9%	100.0%
مجموع	43	100.0%	

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول نشان می‌دهد که بسته شدن مرزهای افغانستان و پاکستان تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر حجم تجارت پاسخ‌دهندگان داشته است. از میان ۴۳ پاسخ‌دهنده، ۲۰٫۹ درصد گزارش کرده‌اند که فعالیت تجارتي آنان به طور کامل متوقف شده است. همچنان، ۱۴ درصد کاهش بیش از ۵۰

درصدی و ۳۷٫۲ درصد کاهش بین ۲۰ تا ۵۰ درصد را در حجم تجارت خود تجربه کرده‌اند. در مقابل، تنها ۲۷٫۹ درصد پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که بسته شدن مرز تأثیری بر حجم تجارت آنان نداشته است.

به صورت کلی، ۷۲٫۱ درصد پاسخ‌دهندگان با نوعی کاهش یا توقف فعالیت تجارتي مواجه شده‌اند که بیانگر تأثیر گسترده اختلالات مرزی بر تجارت خارجی افغانستان است. این یافته نشان می‌دهد که بسته شدن مرز صرفاً یک مشکل ترانزیتی نبوده، بلکه مستقیماً بر جریان تجارت و فعالیت اقتصادی بخش قابل توجهی از تجار اثر گذاشته است.

یافته‌های کیفی نیز این نتیجه را تأیید می‌کند. برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که به دلیل توقف انتقال کالا و عدم دسترسی به مسیرهای اصلی، بخشی از سرمایه آنان برای مدت طولانی بلااستفاده باقی مانده و در برخی موارد امکان ادامه فعالیت تجارتي به طور موقت از بین رفته است. بنابراین، نتایج این بخش نشان می‌دهد که اختلالات مرزی می‌تواند به کاهش قابل توجه حجم تجارت و حتی توقف کامل فعالیت برخی از فعالان اقتصادی منجر شود.

جدول ۴. تغییر در مصارف حمل و نقل بعد از بسته شدن مرز

کتنووری	تکرار	فیصدی تکرار	فیصدی تکرار تراکمی
افزایش < ۵۰٪	9	21.4%	21.4%
20-50% افزایش	15	35.7%	57.1%
افزایش > ۲۰٪	9	21.4%	78.6%
هیچ تغییری نکرد	9	21.4%	100.0%
مجموع	42	100.0%	

یادداشت: یک پاسخ موجود نبود (مجموع تعداد = ۴۳).

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول نشان می‌دهد که بسته شدن مرز تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر هزینه‌های حمل و نقل داشته است. از میان ۴۲ پاسخ دهنده، ۳۵،۷ درصد افزایش ۲۰ تا ۵۰ درصدی و ۲۱،۴ درصد افزایش بیش از ۵۰ درصدی هزینه‌های حمل و نقل را گزارش کرده‌اند. همچنان، ۲۱،۴ درصد افزایش کمتر از ۲۰ درصد را تجربه نموده‌اند، در حالی که تنها ۲۱،۴ درصد پاسخ دهندگان اظهار داشته‌اند که هزینه‌های حمل و نقل آنان بدون تغییر باقی مانده است. به طور کلی، ۷۸،۵ درصد پاسخ دهندگان پس از بسته شدن مرز با افزایش هزینه‌های حمل و نقل مواجه شده‌اند که نشان دهنده تأثیر گسترده اختلالات مرزی بر ساختار هزینه‌های تجارت است. این یافته بیانگر آن است که محدود شدن دسترسی به مسیرهای اصلی، تاجران را ناگزیر به استفاده از مسیرهای طولانی‌تر، بر هزینه‌تر یا دارای محدودیت‌های عملیاتی نموده است.

یافته‌های کیفی نیز این نتیجه را تأیید می‌کند. برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که استفاده از مسیرهای بدیل، علاوه بر افزایش زمان انتقال، هزینه‌های اضافی حمل و نقل و خدمات تدارکاتی را بر آنان تحمیل کرده است. از این رو، افزایش هزینه‌های حمل و نقل را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی اختلالات مرزی دانست که به طور مستقیم بر سودآوری و رقابت پذیری تجارت افغانستان تأثیر می‌گذارد.

جدول ۵. انواع خسارات تجربه شده

انواع خسارات	پاسخ‌ها		فیصدی واقعات
	تکرار	فیصدی تکرار	
فاسد شدن محصولات	7	11.1%	16.7%
تاخیر طولانی موترها	27	42.9%	64.3%
جریمه یا مصرف اضافی	13	20.6%	31.0%

از دست دادن قرار داد های صادراتی	6	9.5%	14.3%
توقف کامل فعالیت	10	15.9%	23.8%
مجموع	63	100.0%	150.0%

گروه دوحالته (دیکوتومی) بر اساس مقدار ۱ جدول بندی شده است.

منبع: یافته های تحقیق

این سؤال از نوع چند پاسخی (Multiple Response) بوده است؛ یعنی پاسخ دهندگان می توانستند بیش از یک نوع خسارت را انتخاب کنند. بنابراین، مجموع فیصدی واقعات از ۱۰۰ درصد بیشتر شده و هر فیصدی بیانگر سهم پاسخ دهندگان است که آن نوع خسارت را تجربه کرده اند. نتایج نشان می دهد که شایع ترین خسارت ناشی از بسته شدن مرزها، تأخیر طولانی موثر ها بوده است؛ به گونه ای که ۶۴٫۳ درصد پاسخ دهندگان این مشکل را گزارش کرده اند. پس از آن، جریمه ها و مصارف اضافی با ۳۱ درصد، توقف کامل فعالیت تجاری با ۲۳٫۸ درصد، فاسد شدن محصولات با ۱۶٫۷ درصد و از دست دادن قراردادهای صادراتی با ۱۴٫۳ درصد قرار دارند.

این یافته ها نشان می دهد که مهم ترین پیامد اختلالات مرزی، برهم خوردن جریان عادی انتقال کالا و ایجاد تأخیر در زنجیره تأمین بوده است. تأخیرهای طولانی نه تنها موجب افزایش هزینه ها شده، بلکه در برخی موارد به فاسد شدن محصولات، از دست رفتن فرصت های تجاری و حتی توقف فعالیت های تجاری نیز انجامیده است.

یافته های کیفی نیز این موضوع را تأیید می کند. برخی از تاجران اظهار داشتند که توقف محموله ها در مسیرهای ترانزیتی باعث خسارات مالی، کاهش اعتماد مشتریان و از دست رفتن برخی قراردادهای تجاری شده است. بنابراین، نتایج این بخش نشان می دهد که آثار بسته شدن مرزها تنها به افزایش هزینه های حمل و نقل محدود نبوده، بلکه پیامدهای گسترده عملیاتی و اقتصادی را نیز برای فعالان تجارت خارجی افغانستان به همراه داشته است.

جدول ۱.۶ استفاده از مسیر های جایگزین

مسیر ها	تکرار	فیصدی تکرار	فیصدی تکرار تراکمی
اسلام قلعه (ایران)	17	40.5%	40.5%
چابهار (ایران)	3	7.1%	47.6%
آقینه (ترکمنستان)	2	4.8%	52.4%
حیرتان (ازبکستان)	13	31.0%	83.3%
هیچکدام	7	16.7%	100.0%
مجموع	42	100.0%	

یادداشت: یک پاسخ موجود نبود (مجموع تعداد = ۴۳).

منبع: یافته‌های تحقیق.

نتایج جدول نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پاسخ دهندگان پس از بسته شدن مرزها به استفاده از مسیرهای ترانزیتی بدیل روی آورده‌اند. در میان این مسیرها، اسلام‌قلعه با ۴۰.۵ درصد بیشترین سهم را داشته و پس از آن حیرتان با ۳۱ درصد قرار دارد. در مقابل، سهم چابهار و آقینه به ترتیب ۷.۱ و ۴.۸ درصد بوده است. همچنین، ۱۶.۷ درصد پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که از هیچ‌یک از مسیرهای بدیل استفاده نکرده‌اند.

این یافته نشان می‌دهد که در زمان اختلالات مرزی، تاجران بیشتر به مسیرهای غربی و شمالی افغانستان به عنوان گزینه‌های جایگزین متوسل شده‌اند. سهم بالاتر اسلام‌قلعه و حیرتان بیانگر آن است که این دو مسیر نسبت به سایر گزینه‌ها از دسترسی و ظرفیت بیشتری برای ادامه جریان تجارت برخوردار بوده‌اند.

با وجود این، نتایج نشان می‌دهد که استفاده از مسیرهای بدیل برای همه تاجران امکان‌پذیر نبوده است. نزدیک به یک ششم پاسخ‌دهندگان نتوانسته‌اند از هیچ مسیر جایگزینی استفاده کنند. یافته‌های کیفی نیز نشان می‌دهد که افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، محدودیت منابع مالی، طولانی‌تر شدن مسیرها و برخی مشکلات عملیاتی از مهم‌ترین موانع استفاده از مسیرهای بدیل بوده‌اند.

به طور کلی، این نتایج نشان می‌دهد که هرچند مسیرهای بدیل تا حدودی امکان ادامه تجارت را فراهم کرده‌اند، اما ظرفیت و کارایی آن‌ها هنوز به اندازه‌ای نبوده است که بتوانند به طور کامل جایگزین مسیرهای اصلی ترانزیتی شوند. این موضوع اهمیت توسعه و تقویت زیرساخت‌های ترانزیتی بدیل را برای کاهش آسیب‌پذیری تجارت خارجی افغانستان برجسته می‌سازد.

جدول ۷. میزان رضایت از مسیرهای جایگزین

میزان رضایت	تکرار	فیصدی تکرار	فیصدی تکرار تراکمی
خیلی خوب	4	10.0%	10.0%
خوب	10	25.0%	35.0%
متوسط	10	25.0%	60.0%
ضعیف	4	10.0%	70.0%
خیلی ضعیف	12	30.0%	100.0%
مجموع	40	100.0%	

یادداشت: سه پاسخ موجود نبود (مجموع تعداد = ۴۳).

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که ارزیابی پاسخ دهندگان از مسیرهای بدیل عمدتاً در سطح متوسط تا ضعیف قرار دارد. از مجموع ۴۰ پاسخ معتبر، ۳۰ درصد پاسخ دهندگان میزان رضایت خود را «خیلی ضعیف» و ۱۰ درصد «ضعیف» گزارش کرده‌اند؛ بنابراین ۴۰ درصد دیدگاه منفی نسبت به عملکرد این مسیرها داشته‌اند. در مقابل، ۲۵ درصد رضایت خود را «خوب» و ۱۰ درصد «خیلی خوب» ارزیابی کرده‌اند که در مجموع ۳۵ درصد را تشکیل می‌دهد. همچنان ۲۵ درصد پاسخ دهندگان عملکرد مسیرهای بدیل را «متوسط» دانسته‌اند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه مسیرهای بدیل در شرایط بسته شدن مرزها امکان تداوم نسبی تجارت را فراهم کرده‌اند، اما نتوانسته‌اند رضایت کامل استفاده کنندگان را جلب نمایند. دیدگاه منفی ۴۰ درصد از پاسخ دهندگان بیانگر آن است که این مسیرها هنوز با چالش‌هایی چون هزینه‌های بلند، زمان انتقال طولانی و محدودیت‌های عملیاتی مواجه‌اند. یافته‌های کیفی نیز این نتیجه را تأیید می‌کند. برخی از تاجران در توضیحات تکمیلی و مصاحبه‌ها، مسیرهای بدیل را «پرهزینه» و «زمان‌بر» توصیف کرده‌اند. در مجموع، نتایج این بخش نشان می‌دهد که مسیرهای بدیل هرچند در کاهش وابستگی مطلق به یک مسیر نقش داشته‌اند، اما هنوز نتوانسته‌اند به عنوان جایگزینی کاملاً مؤثر و پایدار برای مسیرهای سنتی ترانزیتی افغانستان عمل کنند.

جدول ۷. اقدامات پیشنهادی برای دولت

اقدامات پیشنهادی	تکرار	فیصدی تکرار	فیصدی تکرار تراکمی
تنوع مسیرهای ترانزیتی	17	41.5%	41.5%
مذاکره فوری با پاکستان	8	19.5%	61.0%
تقویت مسیر چابهار	4	9.8%	70.7%
ایجاد توافقات منطقه‌ای	12	29.3%	100.0%
مجموع	41	100.0%	

یادداشت: دو پاسخ موجود نبود (مجموع تعداد = ۴۳).

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که پاسخ دهندگان بیشتر بر راهکارهای ساختاری و بلندمدت برای کاهش آسیب پذیری ترانزیتی افغانستان تأکید داشته‌اند. از میان ۴۱ پاسخ معتبر، ۴۱٫۵ درصد تنوع بخشی مسیرهای ترانزیتی را مهم ترین اقدام پیشنهادی دانسته‌اند که بالاترین سهم را در میان گزینه‌ها به خود اختصاص داده است. پس از آن، ۲۹٫۳ درصد بر ایجاد توافقات و همکاری‌های منطقه‌ای

تأکید کرده‌اند، در حالی که ۱۹,۵ درصد مذاکره و حل مشکلات ترانزیتی با پاکستان را راهکار اصلی دانسته‌اند. تنها ۹,۸ درصد از پاسخ‌دهندگان تقویت مسیر چابهار را به‌عنوان اولویت مطرح کرده‌اند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از فعالان تجارتي، ریشه آسیب‌پذیری تجارت افغانستان را در وابستگی بیش از حد به مسیرهای محدود ترانزیتی می‌دانند. از همین رو، آنان بیشتر از راه حل‌های کوتاه‌مدت، بر ایجاد ظرفیت‌های پایدار از طریق توسعه مسیرهای جایگزین و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای تأکید کرده‌اند. در واقع، مجموع پاسخ‌های مرتبط با تنوع مسیرهای ترانزیتی و توافقات منطقه‌ای (۷۰,۸ درصد) نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان کاهش وابستگی به یک مسیر یا یک کشور را کلید افزایش تاب‌آوری تجارت خارجی افغانستان می‌دانند.

یافته‌های کیفی نیز این نتیجه را تأیید می‌کند. شماری از تاجران در مصاحبه‌ها و تو ضیحات تکمیلی، بر ضرورت «کاهش وابستگی به یک مسیر خاص» و «گسترش گزینه‌های ترانزیتی» تأکید کرده‌اند. در مجموع، نتایج این بخش بیانگر آن است که از دیدگاه فعالان اقتصادی، حل پایدار چالش‌های ترانزیتی افغانستان مستلزم اتخاذ سیاست‌های منطقه‌ای، توسعه مسیرهای بدیل و تقویت همکاری‌های اقتصادی فرامرزی است، نه صرفاً مدیریت مقطعی بحران‌های مرزی.

جدول ۸. تاثیر بسته شدن مرز بر فعالیت شرکت‌ها در میان مدت

نوع تاثیر	تکرار	فیصدی تکرار	فیصدی تکرار تراکمی
کاهش شدید مشتریان	8	19.0%	19.0%
کاهش درآمد	17	40.5%	59.5%
تغییر مسیرهای واردات /صادرات	11	26.2%	85.7%
بی تاثیر	6	14.3%	100.0%
مجموع	42	100.0%	

یادداشت: یک پاسخ موجود نبود (مجموع تعداد = ۴۳).

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که پیامدهای بسته‌شدن مرز تنها به دوره کوتاه‌مدت محدود نبوده، بلکه آثار آن در میان مدت نیز بر عملکرد شرکت‌های تجارتي و ترانزیتی ادامه یافته است. از میان ۴۲ پاسخ معتبر، ۴۰,۵ درصد پاسخ‌دهندگان کاهش درآمد را مهم‌ترین پیامد میان‌مدت دانسته‌اند که

بالاترین سهم را در میان سایر گزینه‌ها به خود اختصاص می‌دهد. همچنین ۲۶,۲ درصد اظهار داشته‌اند که ناگزیر به تغییر مسیر های واردات و صادرات خود شده‌اند، در حالی که ۱۹ درصد کاهش شدید مشتریان را تجربه کرده‌اند. تنها ۱۴,۳ درصد پاسخ‌دهندگان بیان کرده‌اند که بسته‌شدن مرز تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر فعالیت شرکت آنان نداشته است.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلالات مرزی فراتر از ایجاد تأخیرهای مقطعی، بر شاخص‌های اساسی عملکرد تجاری نیز اثر گذاشته است. کاهش درآمد شرکت‌ها بیانگر افزایش هزینه‌ها، کاهش حجم معاملات و محدود شدن فرصت‌های تجاری در دوره پس از بسته شدن مرز است. از سوی دیگر، تغییر مسیرهای تجاری نشان می‌دهد که بخشی از فعالان اقتصادی برای حفظ فعالیت‌های خود ناگزیر به استفاده از مسیرهای بدیل شده‌اند؛ اقدامی که معمولاً با هزینه‌های بیشتر و پیچیدگی‌های عملیاتی همراه است. شواهد کیفی نیز این نتایج را تأیید می‌کند. برخی تاجران در مصاحبه‌ها اشاره کرده‌اند که بی‌ثباتی مسیرهای ترانزیتی موجب کاهش سفارشات، از دست رفتن بخشی از مشتریان و کاهش جریان عادی تجارت شده است. در مجموع، نتایج این بخش نشان می‌دهد که بسته شدن مرزها نه تنها آثار فوری بر تجارت داشته، بلکه در میان مدت نیز بر درآمد، مشتریان و الگوی فعالیت شرکت‌های تجاری و ترانزیتی تأثیر منفی برجای گذاشته است.

جدول ۱.۹. استفاده از ابزار های دیجیتالی برای مدیریت تاخیر ها

استفاده از ابزار	تکرار	فیصدی تکرار	فیصدی تکرار تراکمی
بلی، به طور موثر	1	2.4%	2.4%
بلی اما تأثیر محدود داشت	4	9.5%	11.9%
خیر، استفاده نکردیم	21	50.0%	61.9%
خیر، دسترسی نداشتیم	16	38.1%	100.0%
مجموع	42	100.0%	

یادداشت: یک پاسخ موجود نبود (مجموع تعداد = ۴۳).

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که استفاده از ابزارهای دیجیتالی در میان پاسخ‌دهندگان بسیار محدود بوده است. از میان ۴۲ پاسخ‌معتبر، ۵۰ درصد اظهار داشته‌اند که از هیچ‌گونه ابزار دیجیتالی برای مدیریت تأخیرها و مشکلات ترانزیتی استفاده نکرده‌اند و ۳۸,۱ درصد نیز بیان کرده‌اند که اساساً به چنین ابزارهایی دسترسی نداشته‌اند. در مقابل، تنها ۹,۵ درصد از پاسخ‌دهندگان از ابزارهای

دیجیتالی استفاده کرده اند، اما تأثیر آن را محدود ارزیابی نموده اند و صرفاً ۲٫۴ درصد استفاده مؤثر از این ابزارها را گزارش کرده اند.

این یافته ها نشان دهنده وجود شکاف قابل ملاحظه دیجیتالی در بخش تجارت و ترانزیت افغانستان است. به عبارت دیگر، بخش بزرگی از فعالان تجارتی نه تنها از فناوری های نوین در مدیریت زنجیره تأمین و حمل و نقل بهره نمی برند، بلکه بخشی از آنان حتی به این ابزارها دسترسی نیز ندارند. این وضعیت می تواند توانایی تاجران را در مدیریت خطرات ناشی از تأخیرهای مرزی، پیگیری محموله ها و اتخاذ تصمیم های سریع در شرایط بحرانی محدود سازد.

در عین حال، نتایج سایر بخش های پرسشنامه و اظهارات برخی پاسخ دهندگان نشان می دهد که بسیاری از تاجران، توسعه خدمات دیجیتالی و سیستم های الکترونیکی گمرکی را یکی از راهکارهای مهم کاهش مشکلات ترانزیتی می دانند. بنابراین، یافته های این بخش بیانگر نوعی

شکاف میان نیاز و استفاده عملی از فناوری است؛ به این معنا که هرچند آگاهی نسبت به اهمیت دیجیتالی سازی وجود دارد، اما محدودیت های دسترسی، زیرساختی و ظرفیت های فنی مانع استفاده گسترده از آن شده است. در مجموع، این نتایج نشان می دهد که توسعه زیرساخت های دیجیتالی و افزایش دسترسی فعالان اقتصادی به فناوری های نوین می تواند به ارتقای کارایی نظام ترانزیتی و کاهش آثار منفی اختلالات مرزی کمک کند.

در بخش «نقش تکنالوژی در کاهش مشکلات ترانزیتی»، از پاسخ دهندگان پرسیده شد که استفاده از تکنالوژی های جدید مانند سیستم های دیجیتالی گمرکی، بلاکچین و هوش مصنوعی برای پیشبینی مسیر ها تا چه اندازه می تواند مشکلات ترانزیتی افغانستان را کاهش دهد.

جدول ۱۰. استفاده از ابزار های دیجیتالی برای مدیریت تاخیر ها

نقش تکنالوژی	تکرار	فیصدی تکرار	فیصدی تکرار تراکمی
بسیار زیاد	15	39.9	39.9%
زیاد	12	27.1%	67.0%
متوسط	10	23.4%	90.4%
کم	3	7%	97.4%
هیچ تاثیری ندارد	1	2.6%	100.0%
مجموع	41	100.0%	

یادداشت: دو پاسخ موجود نبود (مجموع تعداد = ۴۳).

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان رویکرد مثبتی نسبت به نقش تکنالوژی در کاهش معضلات ترانزیتی دارند. از میان ۴۱ پاسخ معتبر، ۳۹٫۹ درصد معتقد بوده‌اند که تکنالوژی می‌تواند «بسیار زیاد» و ۲۷٫۱ درصد «زیاد» در کاهش مشکلات ترانزیتی مؤثر باشد. همچنین ۲۳٫۴ درصد نقش تکنالوژی را «متوسط» ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، تنها ۷ درصد تأثیر آن را «کم» دانسته و ۲٫۶ درصد باور داشته‌اند که تکنالوژی هیچ تأثیری در حل مشکلات ترانزیتی ندارد.

به‌طور کلی، ۶۷ درصد پاسخ‌دهندگان نقش تکنالوژی را «زیاد» یا «بسیار زیاد» ارزیابی کرده‌اند؛ که بیانگر سطح بالای اعتماد فعالان اقتصادی به ظرفیت فناوری‌های نوین در بهبود مدیریت ترانزیت و تجارت است. این یافته در حالی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که نتایج جدول قبلی نشان داد که بخش بزرگی از پاسخ‌دهندگان یا از ابزارهای دیجیتالی استفاده نکرده‌اند و یا به آن دسترسی نداشته‌اند. بنابراین، میان میزان استفاده فعلی از تکنالوژی و باور به اثربخشی آن فاصله قابل ملاحظه‌ای وجود دارد.

این وضعیت نشان می‌دهد که مشکل اصلی احتمالاً در نبود زیرساخت‌ها، دسترسی محدود و ظرفیت‌های فنی نهفته است، نه در عدم پذیرش فناوری از سوی فعالان اقتصادی. از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، توسعه سیستم‌های دیجیتالی گمرکی، رهگیری الکترونیکی محموله‌ها، تبادل دیجیتالی اسناد تجارتي و استفاده از ابزارهای هوشمند مدیریت زنجیره تأمین می‌تواند بخشی از مشکلات ناشی از تأخیرها، بی‌نظمی‌های مرزی و عدم هماهنگی در روند ترانزیت را کاهش دهد.

در مجموع، یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که اگرچه سطح استفاده عملی از فناوری در بخش تجارت و ترانزیت افغانستان هنوز پایین است، اما زمینه پذیرش و حمایت از برنامه‌های دیجیتالی‌سازی در میان فعالان اقتصادی به طور گسترده وجود دارد. این امر می‌تواند فرصت مناسبی برای سیاست‌گذاران فراهم سازد تا از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتالی و توسعه خدمات الکترونیکی تجارتي، بخشی از آسیب‌پذیری‌های ترانزیتی کشور را کاهش دهند.

۴. مناقشه

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که وابستگی ترانزیتی افغانستان به تعداد محدودی از مسیرهای تجارتي، به‌ویژه مسیرهای مرتبط با پاکستان، یکی از عوامل اصلی آسیب‌پذیری تجارت خارجی کشور است. این نتیجه با یافته‌های (Michael L. Faye, John W. McArthur, et al., 2004) و

(United Nations Conference on Trade and Development, 2021) همخوانی دارد که وابستگی کشورهای محاط به خشکه به مسیرهای محدود ترانزیتی را عامل افزایش خطرات تجارتی و اقتصادی دانسته اند.

نتایج تحقیق حاضر همچنین نشان داد که بسته شدن مرز منجر به کاهش حجم تجارت، افزایش هزینه های حمل و نقل و بروز تأخیرهای طولانی در انتقال کالا شده است. این یافته با نتایج (Nuno Limao & Anthony J. Venables, 2001) و (World Bank, 2019) مطابقت دارد که نقش محدودیت های ترانزیتی و ضعف اتصال منطقه ای را در افزایش هزینه های تجارت برجسته ساخته اند. با این حال، یافته های میدانی این تحقیق نشان می دهد که شدت تأثیرات در افغانستان فراتر از افزایش هزینه ها بوده و در برخی موارد به توقف کامل فعالیت تجارتی، از دست رفتن سرمایه در گردش و فاسد شدن محصولات صادراتی نیز انجامیده است.

در زمینه مسیرهای جایگزین، نتایج نشان داد که هرچند بخشی از تاجران از مسیرهای ایران و آسیای میانه استفاده کرده اند، اما سطح رضایت از این مسیرها پایین بوده است. این یافته با ارزیابی های (Asian Development Bank, 2021) و (World Bank, 2020) همخوانی دارد که مسیرهای بدیل را از منظر راهبردی مهم می دانند، اما به هزینه های بالاتر و محدودیت های عملیاتی آنها نیز اشاره کرده اند. مصاحبه های انجام شده در این تحقیق نشان داد که افزایش قابل ملاحظه هزینه های حمل و نقل و کاهش قدرت رقابت در بازارهای منطقه ای از مهم ترین عوامل ناراضی تاجران بوده است.

یکی از تفاوت های اصلی این تحقیق با مطالعات پیشین، استفاده از داده های میدانی حاصل از پرسشنامه و مصاحبه با فعالان اقتصادی است. در حالی که اکثر مطالعات قبلی بر تحلیل های کلان، گزارش های نهادهای و داده های ثانوی متکی بوده اند، تحقیق حاضر تلاش کرده است پیامدهای اختلالات ترانزیتی را از دیدگاه مستقیم تاجران، شرکت های حمل و نقل و فعالان تدارکاتی بررسی نماید. این رویکرد امکان درک بهتر پیامدهایی مانند توقف فعالیت تجارتی، محدودیت سرمایه در گردش، کاهش توان رقابتی و مشکلات عملی استفاده از مسیرهای بدیل را فراهم ساخته است. همچنین یافته ها نشان داد که استفاده از فناوری های دیجیتال در مدیریت تجارت و ترانزیت هنوز محدود است؛ با وجود آنکه اکثریت پاسخ دهندگان معتقد بودند دیجیتالی سازی خدمات گمرکی،

ردیابی محموله‌ها و استفاده از سیستم های هوشمند می‌تواند بخشی از مشکلات ترانزیتی را کاهش دهد. این موضوع یکی از ابعاد کمتر بررسی شده در مطالعات پیشین بوده و می‌تواند به عنوان یک حوزه مهم برای سیاست گذاری و تحقیقات آینده مطرح گردد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، مطالعات آینده می‌توانند تأثیر اقتصادی مسیرهای مختلف ترانزیتی افغانستان را به صورت مقایسه ای بررسی نموده، هزینه و زمان انتقال کالا را در دهلیزهای مختلف منطقه ای ارزیابی کنند و نقش فناوری های دیجیتال را در افزایش تاب آوری ترانزیتی کشور مورد مطالعه قرار دهند. همچنین انجام تحقیقات گسترده تر با حجم نمونه بزرگ تر و پوشش ولایات مختلف افغانستان می‌تواند به تعمیم بهتر نتایج کمک نماید.

۵. نتیجه گیری

این تحقیق با هدف بررسی آسیب پذیری ترانزیتی افغانستان در برابر اختلالات مرزی با پاکستان و تحلیل پیامدهای آن بر فعالیت های تجارتی انجام شد. یافته ها نشان داد که پیش از بسته شدن مرز، بخش قابل توجهی از پاسخ دهندگان از مسیرهای تورخم و اسلام قلعه استفاده می‌کردند که بیانگر تمرکز تجارت خارجی افغانستان بر تعداد محدودی از مسیرهای ترانزیتی است. این موضوع نشان می‌دهد که تجارت کشور در برابر اختلالات مرزی و سیاسی از سطح بالایی از آسیب پذیری برخوردار است.

نتایج تحقیق نشان داد که بسته شدن مرز تأثیر مستقیم بر حجم تجارت داشته است؛ به گونه ای که بخشی از پاسخ دهندگان توقف کامل فعالیت تجارتی و تعداد بیشتری کاهش محسوس حجم تجارت را گزارش کرده‌اند. همچنین افزایش هزینه‌های حمل و نقل، طولانی شدن زمان انتقال کالا و بروز خساراتی مانند فاسد شدن محصولات، جریمه‌های اضافی، از دست رفتن قرارداد های تجارتی و کاهش درآمد از مهم ترین پیامدهای این اختلالات بوده است.

یافته‌ها همچنین نشان داد که هرچند بخشی از تاجران به استفاده از مسیرهای جایگزین از طریق ایران و آسیای میانه روی آورده‌اند، اما سطح رضایت از این مسیرها نسبتاً پایین بوده است.

هزینه‌های بلند، زمان بیشتر انتقال و محدودیت های عملیاتی از مهم ترین عوامل این نارضایتی عنوان شده‌اند. بنابراین، مسیرهای بدیل موجود هنوز نتوانسته‌اند به عنوان جایگزین کامل و پایدار برای مسیرهای سنتی عمل نمایند.

تحقیق حاضر همچنین نشان داد که استفاده از فناوری‌های نوین در مدیریت ترانزیت و تجارت هنوز محدود است، اما اکثریت پاسخ دهندگان باور دارند که دیجیتالی سازی خدمات گمرکی، سیستم‌های ردیابی و سایر ابزارهای هوشمند می‌تواند در کاهش بخشی از مشکلات ترانزیتی مؤثر باشد.

در مجموع، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آسیب پذیری ترانزیتی افغانستان صرفاً ناشی از بسته شدن مقطعی مرزها نیست، بلکه ریشه در وابستگی ساختاری به تعداد محدودی از مسیرهای ترانزیتی دارد. از این رو، تنوع بخشی مسیرهای ترانزیتی، تقویت همکاری های منطقه‌ای، بهبود زیرساخت های حمل و نقل و گسترش استفاده از فناوری‌های دیجیتال از مهم ترین راهکارهای کاهش آسیب پذیری و افزایش تاب آوری تجارت خارجی افغانستان به شمار می‌روند.

۶. پیشنهادات

با در نظر گرفتن یافته های تحقیق، پیشنهادات ذیل به خاطر کاهش آسیب پذیری ترانزیتی افغانستان پیشنهاد میشود:

۱. تنوع بخشی به مسیر های ترانزیتی: امارت اسلامی افغانستان باید به صورت استراتژیک توسعه و استفاده از مسیر های جایگزین (به خصوص مسیر های غربی و شمالی) را تقویت نماید تا وابستگی به یک یا دو مسیر خاص کم گردد.
۲. تقویت همکاری های منطقه ای: ایجاد و تقویت توافقات ترانزیتی دو جانبه و چند جانبه با کشور های منطقه، خصوصاً در زمینه تسهیل عبور و مرور اجناس، میتواند ثبات بیشتری در تجارت خارجی افغانستان ایجاد کند.
۳. بهبود زیربنای ترانزیتی: سرمایه گذاری در توسعه و انکشاف بنادر، خطوط آهن، سرک ها و تاسیسات ذخیره سازی (مخصوصاً سردخانه ها) می تواند زمان و مصارف انتقال اجناس را کم کند و از خسارات ناشی از تاخیر جلوگیری کند.
۴. دیجیتالی سازی سیستم های گمرکی و ترانزیتی: ایجاد سیستم های دیجیتالی گمرکی، ردیابی اجناس و مدیریت هوشمند راه ها می تواند به کاهش فساد، افزایش سرعت خدمات و بهبود شفافیت کمک کند. توأم با آن، آموزش تاجران برای استفاده از این سیستم ها ضروری است.
۵. حمایت مالی از تجار: تشکیل میکانیزم های حمایتی مانند تسهیلات مالی جبران قسمتی از خسارات می تواند توانایی تاجران را در رویارویی با شوک های ترانزیتی افزایش دهد.

۶. بهبود مدیریت گمرکات: کاهش بروکراسی، افزایش ساعات کاری و نظارت موثر بر عملکرد گمرکات می تواند نقش مهمی در کاهش تاخیر ها و مصارف اضافی داشته باشد.

References

- ADB. (2017). *Afghanistan Transport Sector Plan (2017–2036)*. Manila: Asian Development Bank. Retrieved from <https://www.adb.org/documents/afg-transport-plan-update-2017-2036>
- Bank, W. (2019). *World development report 2019: The changing nature of work*. Washington, DC: World Bank Publications. Retrieved from <https://www.worldbank.org/en/publication/wdr2019>
- Bank, W. (2020). *Trading for development in the age of global value chains*. Washington, DC: World Bank Publications. Retrieved from <https://www.worldbank.org/en/publication/wdr2020>
- Faye, M. L., McArthur, J. W., Sachs, J. D., & Snow, T. (2004). The challenges facing landlocked developing countries. *Journal of Human Development*, 31–68. doi:10.1080/14649880310001660201
- Haidari, M. N., & Kotwal, U. (2025). Exploring trade, transit challenges and opportunities in the Afghanistan–Pakistan trade corridor: A comprehensive analysis. *Business Review and Case Studies*, 218-229. Retrieved from <https://doi.org/10.17358/brcs.6.2.218>
- MOIC. (2018). *National export strategy of Afghanistan*. Kabul, Afghanistan: Ministry of Industry and Commerce. Retrieved from <https://www.afghanembassy.ca/publications/afghanistan-s-national-export-strategy.html>
- MOIC. (2019). *Afghanistan National Trade Policy*. Kabul, Afghanistan: Ministry of Industry and Commerce of Afghanistan. Retrieved from <https://moci.gov.af/>

- N. lemao and A.J. Venables. (2001). *Infrastructure, geographical disadvantage and transport costs*. Washigton, DC: World Bank Economic Review. Retrieved from <https://openknowledge.worldbank.org/server/api/core/bitstreams/43714eab-d8ca-5d65-a1b9-f749a3c010ee/content>
- Pacific, U. N. (2019). *Promoting connectivity and reducing trade costs for landlocked developing countries*. Bangkok: UN ESCAP. Retrieved from <https://www.unescap.org>
- Raballand, G. (2003). *Determinants of the negative impact of being landlocked on trade*. Washington, DC: World Bank Policy Research Working Paper. Retrieved from <https://documents1.worldbank.org/curated/en/289461468016849336/pdf/wps4335.pdf>
- Shah, S. S. (2018). Post-2010 Afghanistan–Pakistan’s transit trade: Implications of legal and illegal endeavours. *Journal of Education Culture and Society*, 9(2), 248–258. Retrieved from <https://doi.org/10.15503/jecs20182.248.258>
- UNCTAD. (2021). *The least developed countries report 2021: The least developed countries in the post-COVID world*. Geneva, Switzarland: United Nations Conference on Trade and Development. Retrieved from https://unctad.org/system/files/official-document/ldc2021_en.pdf
- WTO. (2021). *Trade facilitation agreement and transit of landlocked countries*. Geneva, Switzerland: WTO. Retrieved from <https://www.wto.org>
- WTO. (2022). *World trade statistical review 2022*. Geneva, Switzerland: World Trade Organization. Retrieved from <https://www.wto.org>

نقش سرمایه گذاری در زیر ساخت ها بر رشد اقتصادی در کشورهای افغانستان پاکستان ایران بنگلادیش و نپال طی سال های ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۳

نویسنده: * عبدالاحد نایاب

پوهنچی اقتصاد، پوهنتون دانش، پروان، افغانستان

نشانی برقی: abdulahad.nayab@gmail.com

نویسنده: ساحل احمدی

پوهنچی اقتصاد، پوهنتون دانش، پروان، افغانستان

نشانی برقی: Sofisahel990@gmail.com

نویسنده: ظریف نوری

پوهنچی اقتصاد، پوهنتون دانش، پروان، افغانستان

نشانی برقی: m.zamir786@icould.coms

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی تأثیر سرمایه گذاری در زیرساخت ها بر رشد اقتصادی کشورهای افغانستان، پاکستان، ایران، بنگلادش و نپال طی سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ انجام شده است. داده های پانل سالانه از بانک جهانی گردآوری گردید؛ و پیش از تخمین، آزمون ریشه واحد (Unit root Test) برای بررسی مانایی متغیرها اجرا شد. بر اساس نتایج این آزمون، مدل مناسب انتخاب و تخمین عمومی با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) صورت گرفت تا ناهمسانی واریانس کنترل گردد. یافته ها نشان می دهد که سرمایه گذاری زیربنایی اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد؛ هرچند این اثر تنها در سطح ۱۰ درصد معنادار گردید. در مقابل، دسترسی به برق و امید به زندگی اثر مثبت و معنادار در سطوح بالاتر داشته و نقش کلیدی در تقویت رشد اقتصادی ایفا می کنند.

به طور کلی، نتایج تحقیق بیانگر آن اند که سرمایه گذاری در زیرساخت ها می تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد، اما میزان اثرگذاری آن وابسته به کیفیت مدیریت و شرایط نهادی است. این نتایج بر ضرورت ترکیب سرمایه گذاری زیربنایی با اصلاحات نهادی و توجه به سرمایه انسانی برای دستیابی به رشد پایدار و فراگیر اقتصادی تأکید می نمایند.

اصطلاحات کلیدی: داده های پنل، جنوب آسیا، رشد اقتصادی، روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)، سرمایه گذاری در زیرساخت ها.

*نویسنده مسوول

The Role of Infrastructure Investment in Economic Growth in Afghanistan, Pakistan, Iran, Bangladesh, and Nepal during the Years 2015 to 2023

Author[†]: Teaching Assistant Abdul Ahad Nayab

Danish University, Parwan , Afghanistan

Email: abdulahad.nayab@gmail.com

Author: Sahel Ahmadi

Danish University, Parwan , Afghanistan

Email: Sofisahel990@gmail.com

Author: Zarif Noori

Danish University, Parwan, Afghanistan

Email: m.zamir786@icould.com

Abstract

This study aims to examine the impact of infrastructure investment on economic growth in Afghanistan, Pakistan, Iran, Bangladesh, and Nepal during the period 2015–2023. Annual panel data were collected from the World Bank, and prior to estimation, unit root test was conducted to assess the stationarity of the variables. Based on the results of these tests, the appropriate model was selected, and the generalized least squares (GLS) method was applied to control heteroskedasticity. The findings indicate that infrastructure investment has a positive effect on economic growth, although this effect was significant only at the 10 percent level. In contrast, access to electricity and life expectancy demonstrated positive and statistically significant effects at higher levels, playing a crucial role in strengthening economic growth. Overall, the results suggest that infrastructure investment can enhance economic growth, but its effectiveness depends on the quality of governance and institutional conditions. These findings highlight the necessity of combining infrastructure investment with institutional reforms and attention to human capital in order to achieve sustainable and inclusive economic growth.

Keywords: Infrastructure Investment, Economic Growth, South Asia, Generalized Least Squares (GLS), Panel Data.

[†] Corresponding author

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد و على آله و أصحابه أجمعين.

سرمایه گذاری در زیرساخت ها همواره به عنوان یکی از محرک های اصلی رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مطرح بوده است. زیرساخت های کارآمد در بخش های حمل و نقل، انرژی، ارتباطات و آموزش می توانند زمینه ساز افزایش بهره وری، کاهش هزینه های تولید، تسهیل تجارت و جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی شوند. با وجود این، بسیاری از کشورهای جنوب آسیا از جمله افغانستان، پاکستان، ایران، بنگلادش و نپال با چالش های جدی در زمینه کمبود منابع مالی، ضعف نهادی و ناکارآمدی سیاست های توسعه ای مواجه اند که مانع بهره برداری کامل از ظرفیت های زیرساختی می شود. این وضعیت ضرورت بررسی علمی رابطه میان سرمایه گذاری در زیرساخت ها و رشد اقتصادی را بیش از پیش برجسته می سازد.

از سوی دیگر، مطالعات پیشین در این حوزه عمدتاً بر کشورهای توسعه یافته یا اقتصادهای بزرگ متمرکز بوده و کمتر به کشورهای جنوب آسیا توجه شده است؛ در حالی که این کشورها با شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متفاوتی روبه رو هستند که می تواند نتایج سرمایه گذاری زیرساختی را تحت تأثیر قرار دهد. نبود شواهد تجربی کافی در این زمینه، سیاست گذاران را در اتخاذ تصمیمات مؤثر برای توسعه پایدار با محدودیت مواجه کرده است.

بنابراین، تحقیق حاضر با تمرکز بر دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ و استفاده از داده های پانلی، نقش سرمایه گذاری در زیرساخت ها بر رشد اقتصادی کشورهای مذکور را تبیین می کند. اهمیت این بررسی در آن است که نتایج آن می تواند به سیاست گذاران اقتصادی کمک کند تا با تمرکز بر توسعه زیرساخت ها، مسیر رشد پایدار، کاهش نابرابری های اقتصادی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی را هموار سازند؛ و جایگاه منطقه ای این کشورها را در اقتصاد جهانی تقویت نمایند.

۱.۲. سوال تحقیق: سرمایه گذاری در زیرساخت ها چه تأثیری بر رشد اقتصادی کشورهای

افغانستان، پاکستان، ایران، بنگلادش و نپال طی سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ دارد؟

۱,۳. فرضیه های تحقیق

- H0 - سرمایه گذاری در زیرساخت ها هیچ اثر معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای افغانستان، پاکستان، ایران، بنگلادش و نپال طی سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ ندارد.
- H1 - سرمایه گذاری در زیرساخت ها اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای افغانستان، پاکستان، ایران، بنگلادش و نپال طی سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ دارد.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی رابطه نقش سرمایه گذاری در زیرساخت ها بر رشد اقتصادی، محققین زیادی تحقیقات انجام داده اند و نتایج متفاوت را بدست آورده اند که در ذیل به تعدادی از آنها بطور نمونه اشاره ای خواهیم نمود:

جهرمی و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی (اثر سرمایه گذاری دولت در زیرساخت حمل و نقل بر سرمایه گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی) پرداخته و به این نتیجه دست یافتند که یک رابطه قوی میان سرمایه گذاری در زیرساخت حمل و نقل و سرمایه گذاری بخش خصوصی وجود دارد. همچنان با توجه به کشش مثبت بدست آمده برای سرمایه گذاری در حمل و نقل، سرمایه گذاری در این زیرساخت اثر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی دارد.

در مطالعه ای که توسط قربانی و همکاران (۱۳۹۳) تحت عنوان بررسی اثر زیرساخت ها بر رشد اقتصادی انجام شده است، چنین نتیجه بدست آمده است که طی دوره مورد بررسی تأثیر زیرساخت ها، اعم از زیرساخت های فیزیکی، اجتماعی و فن آوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی مثبت و معنی دار بوده است.

شهرکی و قادری (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان تأثیر زیرساخت های آموزشی و سلامت بر رشد اقتصادی به این نتیجه دست یافته اند که اگر زیرساخت های آموزشی و سلامت یک درصد افزایش یابند، تولید ناخالص داخلی به اندازه ۰,۰۶ و سرمایه گذاری مستقیم خارجی به میزان ۰,۰۳ افزایش می یابد. همچنین میزان تأثیر غیر مستقیم زیرساخت های آموزش و سلامت بر رشد اقتصادی از طریق سرمایه گذاری خارجی ۰,۰۶ است که همین تأثیر از طریق صادرات ۰,۰۲ می باشد. در تحقیقی که توسط بابا زاده و همکاران (۱۳۸۸) با هدف تأثیر سرمایه گذاری در بخش حمل و

نقل بر رشد اقتصادی انجام شد، نتایج حاصله حاکی از آن است که سرمایه گذاری دولت در بخش حمل و نقل تأثیر مثبت و معنی داری در بلند مدت و کوتاه مدت بر رشد اقتصادی دارد. عربی و کاظمی (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان تأثیر شاخص توسعه انسانی بر تولیدات ناخالص داخلی به این نتیجه دست یافته اند که شاخص توسعه انسانی در کوتاه مدت اثر ناچیز و غیر قابل ملاحظه ای بر تولیدات ناخالص داخلی دارد، اما این اثر در بلند مدت قوی تر می شود. نتایج مودل دوم تحقیق مذکور نشان داد که تأثیر هر یک از مؤلفه های شاخص توسعه انسانی در بلند مدت نسبت به کوتاه مدت قوی تر می باشد.

پور فرج (۱۳۸۳) در تحقیقی تحت عنوان مخارج دولت برای سرمایه انسانی و نقش آن در رشد اقتصادی به این نتیجه دست یافته است که مخارج جاری دولت (به غیر از مخارج آموزشی و تحقیقی) بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد و اثر مخارج عمرانی بر رشد مثبت است، هزینه های آموزشی و تحقیقی و هزینه های آموزش عمومی و فنی و حرفه ای دولت بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.

در تحقیقی که توسط حقیقت (۱۳۹۵) انجام شد، تأثیر شوک مخارج دولتی بر رشد تولیدات ناخالص داخلی بررسی گردید؛ و بر اساس نتایج شوک مخارج دولتی جاری بر تولیدات ناخالص داخلی معنی دار نیست، درحالی که شوک مخارج دولتی با یک وقفه دارای تأثیر مثبت و معنی دار بر تولیدات ناخالص داخلی است. همچنین در مقاله متذکره پیشنهاد گردیده است که دولت مخارج خود را بیش از حد افزایش ندهد، زیرا این امر باعث ایجاد رابطه معکوس میان اندازه مخارج دولت و تولید ناخالص داخلی شده و رشد اقتصادی را کاهش می دهد.

در مطالعه ای که توسط اکبریان و قانندی (۱۳۹۰) انجام شده است، سرمایه گذاری در زیرساخت های اقتصادی و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی مورد مطالعه قرار گرفت. یافته ها حاکی از آن است که در بلند مدت اثر سرمایه گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت های اقتصادی روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار مثبت می باشد؛ و سرمایه گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت ارتباطات بیشترین تأثیر و سرمایه گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت انرژی کم ترین تأثیر را روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار دارد؛ و در کوتاه مدت هیچ رابطه معنی داری بین رشد اقتصادی بدون نفت سرانه نیروی کار و رشد سرمایه گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت های اقتصادی وجود ندارد ولی اثر رشد سرمایه سرانه نیروی کار، روی رشد اقتصادی

بدون نفت سرانه نیروی کار و سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت‌ها معنی‌دار و مثبت می‌باشد.

با مرور مطالعات پیشین روشن می‌شود که محققین زیادی به طور گسترده به بررسی نقش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند و نتایج متنوعی به‌دست آورده‌اند؛ برخی بر اهمیت زیرساخت‌های حمل و نقل و اثر مثبت آن بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی تأکید کرده‌اند؛ برخی دیگر نقش زیرساخت‌های آموزشی، سلامت و فناوری اطلاعات را برجسته ساخته‌اند؛ گروهی نیز به تأثیر مخارج دولت در حوزه‌های عمرانی و سرمایه‌انسانی پرداخته‌اند. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در بلندمدت اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد، هرچند شدت و مسیر این اثر بسته به نوع زیرساخت و شرایط اقتصادی کشورها متفاوت است. با این حال، بیشتر مطالعات موجود بر یک کشور یا یک نوع زیرساخت خاص متمرکز بوده‌اند و کمتر به بررسی همزمان چند کشور با شرایط مشابه پرداخته‌اند. از این رو، تحقیق حاضر با تمرکز بر پنج کشور (افغانستان، پاکستان، ایران، بنگلادش و نپال) طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳، تلاش دارد خلأ موجود در ادبیات تحقیق را اشباع کرده و تصویری جامع‌تر از رابطه میان سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی در منطقه جنوب آسیا ارائه نماید.

۳. مبانی نظری

رشد اقتصادی به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه، بیانگر افزایش تولید کالاها و خدمات در یک کشور طی یک دوره زمانی مشخص است. این مفهوم نه تنها نشان‌دهنده گسترش ظرفیت تولیدی اقتصاد، بلکه بازتابی از بهبود سطح رفاه عمومی و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید نیز می‌باشد. در ادبیات اقتصادی، رشد اقتصادی معمولاً از طریق تغییرات در تولید ناخالص داخلی (GDP) یا تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP per capita) سنجیده می‌شود (اکبریان، ۱۳۹۰). در این تحقیق، رشد اقتصادی بر اساس نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌گردد، زیرا این شاخص به وجه احسن می‌تواند تغییرات در سطح رفاه و بهره‌وری اقتصادی جامعه را نشان دهد.

از منظر نظریه‌های کلاسیک، رشد اقتصادی عمدتاً ناشی از افزایش سرمایه و نیروی کار تلقی می‌شود. اقتصاددانانی چون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو بر نقش تقسیم کار، انباشت سرمایه و بهره

وری نیروی کار در افزایش تولید تأکید داشتند. در چارچوب مکتب نئوکلاسیک، مدل سولو رشد اقتصادی را نتیجه ترکیب سرمایه، نیروی کار و پیشرفت فناوری می داند و بر اهمیت سرمایه گذاری در دارایی های مؤلد و زیرساخت ها تأکید می کند. در نظریه های جدید رشد، به ویژه مدل های درون زا، سرمایه انسانی، نوآوری و تحقیق و توسعه به عنوان محرک های اصلی رشد اقتصادی معرفی می شوند. این دیدگاه ها نشان می دهند که سرمایه گذاری در آموزش، سلامت و فناوری اطلاعات می تواند به افزایش بهره وری و ارتقای سطح تولید منجر شود (کاظمی، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر، نظریه های توسعه پایدار بر این نکته تأکید دارند که رشد اقتصادی باید همراه با بهبود شاخص های اجتماعی و زیست محیطی باشد. سرمایه گذاری در زیرساخت های عمومی مانند حمل و نقل، انرژی و ارتباطات نه تنها موجب افزایش تولید و کاهش هزینه های مبادله می شود، بلکه زمینه ساز کاهش فقر، افزایش فرصت های شغلی و ارتقای کیفیت زندگی نیز خواهد بود. بنابراین، رشد اقتصادی مفهومی چند بعدی است که علاوه بر شاخص های کمی تولید، باید آثار اجتماعی و رفاهی آن نیز مورد توجه قرار گیرد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به موارد متذکره، تحقیق حاضر رشد اقتصادی را از طریق نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP per capita growth) مورد سنجش قرار می دهد. این شاخص به طور مستقیم تغییرات در سطح رفاه اقتصادی جامعه را منعکس می کند؛ و امکان مقایسه میان کشورها را فراهم می سازد. انتخاب این معیار به ویژه برای کشورهای جنوب آسیا اهمیت ویژه ای دارد. زیرا این کشورها علاوه بر چالش های اقتصادی، با مسائل اجتماعی و توسعه ای نیز مواجه اند. از این رو، بررسی رابطه میان سرمایه گذاری در زیرساخت ها و رشد اقتصادی بر اساس این شاخص می تواند تصویری روشن تر از سازوکارهای توسعه اقتصادی در منطقه ارائه نماید. سرمایه گذاری در زیرساخت ها به مجموعه هزینه ها و اقدامات دولت و بخش خصوصی در ایجاد و توسعه امکانات پایه ای مانند حمل و نقل، انرژی، ارتباطات و خدمات عمومی اطلاق می شود. این نوع سرمایه گذاری نقش اساسی در کاهش هزینه های تولید، تسهیل تجارت، افزایش بهره وری و جذب سرمایه گذاری های خارجی دارد و به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی شناخته می شود (جهرمی، ۱۳۸۷). در این تحقیق، داده های مربوط به متغیر مستقل از شاخص «تشکیل سرمایه ناخالص (Gross Capital Formation – GCF) استخراج گردیده است. این شاخص در ادبیات اقتصادی به طور کلی بیانگر مجموع سرمایه گذاری های انجام شده در اقتصاد، اعم از سرمایه گذاری های

دولتی، خصوصی و خارجی در دارایی های ثابت و تغییرات موجودی کالا می باشد. با این حال، هدف تحقیق حاضر تمرکز بر نقش دولت در توسعه زیرساخت ها است؛ از این رو، تعریف عملیاتی متغیر مستقل در این مطالعه به عنوان نماینده سرمایه گذاری های دولتی در زیرساخت های اقتصادی در نظر گرفته شده است. بدیهی است که داده های تفکیک شده برای بخش های کلیدی زیرساختی مانند حمل و نقل، انرژی، ارتباطات، آموزش و سلامت در همه کشورهای مورد بررسی و طی دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ به طور کامل در دسترس نمی باشد؛ بنابراین، استفاده از شاخص GCF به عنوان جایگزین عملی و قابل اتکا انتخاب گردیده است.

دسترسی به برق یکی از شاخص های مهم توسعه زیرساختی است که نشان دهنده درصد جمعیتی می باشد که به شبکه برق دسترسی دارند. این شاخص بیانگر توانایی کشور در تأمین انرژی پایدار برای فعالیت های اقتصادی و اجتماعی است و به عنوان یکی از معیارهای کلیدی در سنجش سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها شناخته می شود. وجود شبکه برق گسترده و پایدار، زمینه ساز افزایش بهره وری تولید، ارتقای کیفیت زندگی و گسترش فرصت های شغلی است. از منظر نظریه های توسعه اقتصادی، انرژی به ویژه برق، به عنوان عاملی اساسی در جریان تولید و رشد اقتصادی مطرح می شود. دسترسی به برق موجب کاهش هزینه های تولید، افزایش ظرفیت صنعتی و تسهیل ارائه خدمات اجتماعی مانند آموزش و سلامت می گردد. در واقع، برق به عنوان زیرساخت پایه ای، امکان استفاده از فناوری های نوین را فراهم کرده و به ارتقای سرمایه انسانی و افزایش بهره وری نیروی کار کمک می کند (اکبریان، ۱۳۹۰).

علاوه بر اثرات مستقیم اقتصادی، دسترسی به برق پیامدهای اجتماعی و رفاهی گسترده ای نیز دارد. برق رسانی به مناطق روستایی و محروم می تواند موجب کاهش نابرابری های اجتماعی، افزایش فرصت های آموزشی و بهبود سطح سلامت عمومی شود. همچنین توسعه شبکه برق، زمینه ساز جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی در بخش های صنعتی و خدماتی است و نقش مهمی در جریان توسعه پایدار ایفا می کند. بنابراین، دسترسی به برق نه تنها شاخصی برای سنجش سطح توسعه زیرساختی کشورها محسوب می شود، بلکه به عنوان محرکی برای رشد اقتصادی و اجتماعی نیز عمل می کند. در تحقیق حاضر، این شاخص به عنوان یکی از متغیرهای مهم در بررسی رابطه میان سرمایه گذاری در زیرساخت ها و رشد اقتصادی در کشورهای جنوب آسیا مورد توجه قرار گرفته است، زیرا سطح دسترسی به برق می تواند بازتابی از میزان سرمایه گذاری دولت در

زیرساخت های انرژی و توانایی کشور در ایجاد بسترهای لازم برای توسعه اقتصادی باشد (Olivier et al, 2022)

امید به زندگی در بدو تولد یکی از شاخص های مهم اجتماعی-اقتصادی است که میانگین سال هایی را نشان می دهد که انتظار می رود یک نوزاد در شرایط فعلی زندگی کند. این شاخص نه تنها بیانگر سطح سلامت عمومی جامعه است، بلکه بازتابی از کیفیت خدمات بهداشتی، تغذیه، محیط زیست و زیرساخت های اجتماعی نیز محسوب می شود. در واقع، امید به زندگی به عنوان یک معیار کلیدی توسعه انسانی، توانایی کشورها در تأمین شرایط پایدار برای زندگی سالم و طولانی را منعکس می کند. از منظر نظریه های توسعه، امید به زندگی ارتباط مستقیم با سرمایه انسانی دارد. افزایش طول عمر و بهبود سلامت عمومی موجب ارتقای بهره وری نیروی کار، افزایش مشارکت اقتصادی و کاهش هزینه های ناشی از بیماری و مرگ و میر زودرس می شود. بنابراین، کشورهایی که سطح بالاتری از امید به زندگی دارند، معمولاً از رشد اقتصادی پایدارتر و ظرفیت تولیدی بیشتری برخوردار هستند. این رابطه نشان می دهد که سرمایه گذاری در زیرساخت های بهداشتی و اجتماعی نه تنها رفاه عمومی را افزایش می دهد، بلکه به طور غیرمستقیم محرکی برای رشد اقتصادی نیز محسوب می شود (Ahmed, 2019).

در تحقیق حاضر، امید به زندگی در بدو تولد به عنوان یکی از متغیرهای مهم اجتماعی-اقتصادی در نظر گرفته شده است که می تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی داشته باشد. بررسی این شاخص در کشورهای جنوب آسیا طی سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ اهمیت ویژه ای دارد، زیرا این کشورها با چالش های متعددی در زمینه سلامت عمومی، فقر و توسعه زیرساخت های اجتماعی مواجه اند.

منطقه جنوب آسیا به طور کلی شامل کشورهای افغانستان، پاکستان، هند، بنگلادش، نپال، سری لانکا، بوتان و مالدیو می باشد که هر کدام از این کشورها دارای ویژگی های خاص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند. این کشورها با وجود تفاوت های ساختاری، در بسیاری از شاخص های توسعه ای با چالش های مشترکی چون فقر، بیکاری، ضعف زیرساخت ها و نابرابری اقتصادی مواجه اند (Rashid et al, 2021). با توجه به اهداف تحقیق حاضر، صرفاً پنج کشور افغانستان، پاکستان، ایران، بنگلادش و نپال مورد بررسی قرار گرفته اند تا نقش سرمایه گذاری در زیرساخت ها بر رشد اقتصادی آنان طی دوره ی زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ تحلیل شود. انتخاب این کشورها به دلیل اهمیت

راهبردی، شرایط مشابه توسعه ای و دسترسی به داده های آماری معتبر صورت گرفته است.

۴. روش تحقیق

در این بخش ابتدا بررسی روش مورد استفاده در تحقیق حاضر و سپس به بیان الگوی اقتصادسنجی، پرداخته می شود. در ادامه با معرفی متغیرهای بکاررفته در الگو، به توصیف و بررسی ویژگی های داده های آماری متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق می پردازیم.

۴.۱. روش گردآوری اطلاعات:

اطلاعات مورد نیاز این تحقیق به صورت داده های پانل سالانه از سایت بانک جهانی گردآوری گردید. داده های مربوط به سرمایه گذاری در زیرساخت ها، تولید ناخالص داخلی، دسترسی به برق و امید به زندگی از پایگاه داده های بانک جهانی استخراج شد. داده ها پس از گردآوری، بررسی اولیه از نظر کامل بودن و سازگاری انجام شد و سپس از رویکرد اقتصادسنجی جهت تخمین مدل رگرسیون استفاده شد.

۴.۲. مُودل تحقیق:

برای بررسی تأثیر سرمایه گذاری در زیرساخت ها بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب جنوب آسیا طی سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳، از داده های پانلی استفاده گردید. پیش از انتخاب مدل، آزمون ریشه واحد (Unit Root Test) برای بررسی مانایی متغیرها اجرا شد. نتایج این آزمون نشان داد که متغیرهای مورد استفاده فاقد ریشه واحد مرتبه دوم بوده و شرایط لازم برای تخمین مدل پانل برقرار است. بر اساس این نتایج، مدل رگرسیونی مناسب انتخاب شد و در آن رشد سرانه تولید ناخالص داخلی (درصد سالانه) به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. سه متغیر مستقل شامل دسترسی به برق (درصد جمعیت)، سرمایه گذاری دولتی در زیرساخت ها و امید به زندگی در بدو تولد (سال ها) وارد مدل گردیدند. برای کمی سازی روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته، از مدل رگرسیونی
$$(Lit + uit) = \beta_1 + \beta_2 E_{it} + \beta_3 G_{it} + \beta_4 Y_{it}$$
 استفاده شد.

اختصارات در مودل فوق نشان دهنده مفاهیم ذیل اند:

شماره	اختصارات	مفهوم
۱	Y_{it}	شد سرانه تولید ناخالص داخلی برای کشور i در زمان t
۲	E_{it}	میزان دسترسی به برق برای کشور i در زمان t
۳	G_{it}	سرمایه گذاری دولتی در زیرساخت ها برای کشور i در زمان t
۴	Lit	امید به زندگی در بدو تولد برای کشور i در زمان t

۵	Bo	عرض از مبدأ
۶	β_1, β_2 و β_3	ضرایب مربوطه به متغیرهای مستقل هستند که شدت و جهت اثر هر متغیر بر رشد اقتصادی را نشان می دهند
۷	u_{it}	جمله خطا می باشد.

۴.۳. معرفی الگوی اقتصادسنجی

برای بررسی روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته در کشورهای منتخب جنوب آسیا طی دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳، از نرم افزار تخصصی Eviews استفاده شده است. روش تخمین به کار رفته، حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) می باشد که به دلیل توانایی آن در کنترل ناهمسانی واریانس و افزایش دقت برآوردها انتخاب شده است. این الگو امکان تحلیل اثرات زیرساختی و اجتماعی بر رشد اقتصادی را فراهم می سازد و چارچوبی مناسب برای تبیین ارتباط میان متغیرها در سطح مقطعی و زمانی ارائه می دهد.

۵. نتایج تحقیق

۵.۱. آزمون ریشه واحد متغیرها

برای تخمین مدل رگرسیون، داده های سالانه کشورهای افغانستان، پاکستان، ایران، بنگلادیش و نپال طی سال های ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۳ از بانک جهانی گردآوری گردید. پیش از اجرای مدل، داده ها از نظر کامل بودن و سازگاری بررسی شدند و هیچ داده گمشده یا ناسازگار مشاهده نگردید. همچنین متغیرها بر اساس ماهیت اقتصادی شان انتخاب شده و از نظر منطقی با مدل رگرسیون قابل تطبیق بودند. پس از این بررسی ها، مدل رگرسیون با داده های موجود اجرا گردید و نتایج به دست آمده معتبر تلقی شد.

یکی از چالش های اساسی در مطالعات رگرسیونی، غفلت از بررسی مانایی متغیرها و روند تغییرات آن ها در طول زمان است؛ موضوعی که می تواند اعتبار نتایج تحلیلی را به طور جدی تحت تأثیر قرار دهد. مانا بودن داده ها از ویژگی های ضروری در مطالعات اقتصادسنجی محسوب می شود، زیرا در صورت عدم مانایی، احتمال بروز رگرسیون های کاذب میان متغیرها افزایش یافته و اتکا به آماره های F و t می تواند منجر به استنتاج های نادرست و نتایج گمراه کننده گردد. از این رو، پیش از اقدام به برآورد مدل های اقتصادسنجی، بررسی مانایی داده ها امری حیاتی است تا از بروز خطا های تحلیلی و همبستگی های کاذب جلوگیری شود و اعتبار آماری مدل افزایش یابد (رضاقلی زاده، ۱۳۹۶).

در این تحقیق، به منظور بررسی وجود ریشه واحد در داده ها و تشخیص مانایی متغیرها، از آزمون لوین، لین و چو (LLC) استفاده گردید. این آزمون به طور جداگانه برای هر متغیر اجرا شد تا وضعیت مانایی آن‌ها مشخص شود. انتخاب آزمون LLC به دلیل توانایی آن در تشخیص مانایی در داده‌های پانل و قدرت بالاتر نسبت به برخی آزمون‌های مشابه صورت گرفت. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول مربوطه ارائه شده‌اند و مبنای ورود متغیرها به مودل نهایی قرار گرفته‌اند (واقف، ۱۳۹۶).

جدول (۱) نتایج آزمون ایستایی متغیرهای تحقیق (سال ۱۴۰۵)

شماره	متغیرها	آماره و احتمال در سطح		آماره و احتمال بعد از تفاضل گیری	
		آماره	احتمال	آماره	احتمال
۱	رشد سرانه تولید ناخالص داخلی (درصد سالانه)	-۴.۵۰۰۴۸	۰.۰۰۰۰	چون متغیر مانا است، نیازی به تفاضل گیری نیست	
۲	دسترسی به برق (درصد جمعیت)	-۵.۷۳۳۵۵	۰.۰۰۰۰	چون متغیر مانا است، نیازی به تفاضل گیری نیست	
۳	سرمایه گذاری دولتی در زیر ساخت ها	-۱.۸۳۹۳۱	۰.۰۳۲۹	-۶.۵۲۸۳۸	۰.۰۰۰۰
۴	امید به زندگی در بدو تولد، (کل سال‌ها)	-۴.۲۷۰۲۰	۰.۰۰۰۰	چون متغیر مانا است، نیازی به تفاضل گیری نیست	

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق جدول (۱)، نتایج آزمون ریشه واحد نشان می‌دهد که متغیر وابسته (رشد سرانه تولید ناخالص داخلی) و دو متغیر مستقل (دسترسی به برق و امید به زندگی) در سطح مانا بوده‌اند در حالی که متغیر مستقل (سرمایه گذاری دولتی در زیر ساخت ها) بعد از یکبار تفاضل گیری مانا گردیده است. بنابراین، جهت جلوگیری از رگرسیون کاذب، متغیرها مطابق سطح مانایی شان در مودل وارد گردیدند. بادر نظر داشت اینکه مودل ARDL بیشتر در داده های سری زمانی استفاده میگردد، و در این تحقیق از داده های پنل استفاده شده است، بنابراین در این تخمین از مودل ARDL استفاده نگردیده است.

۵.۲. آزمون هم جمعی

از منظر اقتصادی، هم جمعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن دو یا چند متغیر، علی رغم نامانا بودن در سطح، بر اساس مبانی نظری با یکدیگر رابطه ای تعادلی و بلندمدت برقرار می سازند. در

چنین حالتی، هرچند متغیرها ممکن است دارای روند تصادفی باشند، اما ترکیب خطی آن‌ها به گونه ای است که تفاضل میان شان پایدار و مانا باقی می ماند. در صورتی که متغیرهای مورد بررسی ایستا نباشند، احتمال بروز رگرسیون ساختگی افزایش می یابد. با این حال، اگر میان متغیرهای نامانا رابطه هم جمعی وجود داشته باشد، تخمین مودل همچنان امکان پذیر خواهد بود؛ زیرا وجود هم جمعی نشان دهنده ی رابطه بلندمدت میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل است (رضاقلی زاده، ۱۳۹۶). بر همین اساس، برای بررسی وجود چنین رابطه ای در این تحقیق از آزمون هم جمعی کائو^۱ در نرم افزار Eviews استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون برای متغیرهای مورد نظر در جدول (۲) ارائه گردیده است.

جدول (۲) نتایج آزمون هم جمعی کائو (سال ۱۴۰۵)

احتمال	آماره	ADF(kao residual cointegration test)
۰.۰۱۸	-۲.۰۹۶۷۹۲	

منبع: یافته های تحقیق

نتایج آزمون هم جمعی کائو در جدول (۲) با مقدار احتمال ۰.۰۱۸ نشان داد که میان متغیرهای رشد سرانه تولید ناخالص داخلی، دسترسی به برق، سرمایه گذاری دولتی در زیرساخت ها و امید به زندگی رابطه بلندمدت وجود دارد. بنابراین، مودل تخمین یافته از اعتبار اقتصادسنجی برخوردار بوده و نتایج آن قابل اتکا می باشد.

۵.۳. آزمون هاسمن

در این بخش لازم است مشخص گردد که مودل مورد نظر از نوع اثرات ثابت یا اثرات تصادفی است. به منظور تعیین این موضوع، در تحقیق حاضر از آزمون هاسمن^۲ استفاده شده است. این آزمون به بررسی وجود همبستگی میان مؤلفه خطا، عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی می پردازد. در چارچوب آزمون هاسمن، فرضیه صفر بیانگر مناسب بودن مودل اثرات تصادفی است؛ در حالی که رد فرضیه صفر (در صورت کمتر بودن سطح احتمال از ۵٪) نشان دهنده برتری مودل اثرات ثابت خواهد بود. بنابراین، اگر مقدار احتمال آزمون کمتر از سطح معنی داری تعیین شده باشد،

^۱ . Kao Cointegration Test

^۲ . Hausman Test

مُودل اثرات ثابت انتخاب می شود؛ در غیر این صورت، مُودل اثرات تصادفی مناسب تر خواهد بود.

جدول (۳) نتایج آزمون هاسمن (سال ۱۴۰۵)

احتمال	آماره	(cross- section random)
۰.۸۷۹۹	۰.۶۷۱۲۳۰	

منبع: یافته های تحقیق

نتایج آزمون هاسمن در جدول (۳) با مقدار احتمال ۰.۸۷۹۹ نشان میدهد که فرضیه صفر رد نمی شود؛ بنابراین، مُودل اثرات تصادفی (Random Effects) برای تخمین داده های پانل انتخاب گردید. این انتخاب بیانگر آن است که تفاوت های میان کشورها در نمونه مورد مطالعه به صورت تصادفی در نظر گرفته شده و مودل از کارآیی بیشتری برخوردار است.

۶. برآورد مودل

بر اساس نتایج حاصل از آزمون های مانایی، هم جمعی و هاسمن، مشخص گردید که مودل مورد نظر از نوع اثرات تصادفی است. بنابراین، برای تخمین پارامترهای مُودل، روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) به کار گرفته شده است. نتایج حاصل از برآورد مُودل با استفاده از این روش در جدول (۴) ارائه شده اند.

جدول (۴) نتایج تخمین مودل بر اساس روش GLS (سال ۱۴۰۵)

شماره	متغیرها	ضریب	آماره (T)	خطای استاندارد	احتمال	نتیجه
۱	X1	۰.۹۶۱۴۹	۲.۵۴۸۴۲۲	۰.۰۳۷۷۲۹	۰.۰۱۶۰	معنادار در سطح ۵٪
۲	X2	۰.۲۳۳۵۴۲	۱.۷۸۱۱۸۲	۰.۱۳۱۱۱۶	۰.۰۸۴۷	معنادار در سطح ۱۰٪
۳	X3	۱.۰۲۳۵۹۹	۳.۵۱۴۱۹۲	۰.۲۹۱۲۷۶	۰.۰۰۱۴	معنادار در سطح ۱٪
4	C	۷۶.۹۳۷۱۸	۳.۴۵۰۹۶۱	۲۲.۲۹۴۴۲	۰.۰۰۱۶	معنادار
ضریب تعیین R^2				۱.۰۲۲۳۴۱		
ضریب تعیین تعدیل شده				۵.۲۵۷۵۲۳		
مقدار آماره F				۰.۰۰۳۶۶۵		
سطح معنی داری کل مودل				۰.۰۰۴		

نتایج تخمین عمومی با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) در جدول (۴) نشان می دهد که سه متغیر اصلی تحقیق یعنی دسترسی به برق، سرمایه گذاری دولتی در زیرساخت ها و امید به زندگی،

همگی اثر مثبت بر رشد سرانه تولید ناخالص داخلی دارند، هرچند شدت و سطح معناداری آن ها متفاوت است. ضریب دسترسی به برق برابر با ۰,۰۹۶ بوده و با احتمال ۰,۰۱۶ در سطح ۵ درصد معنادار است؛ این یافته بیانگر آن است که افزایش دسترسی به انرژی برق به طور مستقیم رشد اقتصادی را تقویت می کند. سرمایه گذاری دولتی در زیرساخت ها ضریب ۰,۲۳۳ دارد و در سطح ۱۰ درصد معنادار گردید (احتمال ۰,۰۸۴۷)، که نشان دهنده اثر مثبت اما نسبتاً ضعیف تر است و می تواند ناشی از مشکلات مدیریتی یا ناکارایی در اجرای پروژه ها باشد. امید به زندگی با ضریب ۱,۰۲۳ و احتمال ۰,۰۰۱۴ در سطح ۱ درصد معنادار است، که نشان می دهد بهبود شاخص های اجتماعی و سرمایه انسانی نقش کلیدی در رشد اقتصادی ایفا می کند. عرض از مبدا (C) منفی و معنادار است، که بیانگر آن است که در نبود این متغیرها، رشد اقتصادی پایدار نخواهد بود.

از نگاه کلی، شاخص های مودل نشان می دهند که تخمین معتبر است. آماره F با احتمال ۰,۰۰۳۶ نشان می دهد که مودل به طور کلی معنادار است و متغیرهای توضیحی توانسته اند تغییرات رشد اقتصادی را توضیح دهند. هرچند مقادیر ضریب تعیین (R^2) و ضریب تعیین تعدیل شده غیرعادی به نظر می رسند، این امر می تواند ناشی از وجود همخطی میان برخی متغیرهای توضیحی یا ویژگی های خاص داده های پانلی باشد. با وجود این، اعتبار مودل بیشتر بر اساس آماره F و معناداری ضرایب سنجیده می شود. بنابراین، برآورد الگو نشان می دهد که توسعه زیربناها، دسترسی به انرژی و بهبود شاخص های اجتماعی در بلندمدت اثر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب آسیای جنوبی دارند. این نتایج نه تنها فرضیه تحقیق را تأیید می کنند، بلکه اهمیت سیاست گذاری در بخش زیربناها و سرمایه انسانی را برای تقویت رشد اقتصادی برجسته می سازند.

۷. مناقشه

یافته های این تحقیق در مقایسه با تحقیق های پیشین گزارش شده در بخش پیشنهادی نشان می دهد که نتایج به دست آمده با بخش عمده ای از مطالعات قبلی هم خوانی دارد. همان گونه که جهرمی و همکاران (۱۳۸۷)، قربانی و همکاران (۱۳۹۳) و بابازاده و همکاران (۱۳۸۸) نیز تأکید کرده اند، سرمایه گذاری در زیرساخت ها- به ویژه در حوزه های حمل و نقل، زیرساخت های فیزیکی و اجتماعی- اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. یافته تحقیق حاضر نیز این الگو را تأیید می کند؛ هرچند سطح معناداری اثر سرمایه گذاری زیربنایی در این مطالعه نسبت به برخی تحقیقات مشابه پایین تر بوده است. همچنین نتایج مربوط به نقش مثبت دسترسی به برق و امید به زندگی با

مطالعاتی مانند شهرکی و قادری (۱۳۹۳) و عربی و کاظمی (۱۳۹۳) هم راستا است که بر اهمیت سرمایه انسانی و شاخص های اجتماعی در رشد اقتصادی تأکید کرده اند.

تفاوت اصلی این تحقیق با تحقیق های پیشین در دامنه جغرافیایی، نوع داده ها و ترکیب متغیرها است. بسیاری از مطالعات گذشته بر یک کشور یا یک نوع زیرساخت خاص تمرکز داشته اند، در حالی که این تحقیق پنج کشور جنوب آسیا را به صورت داده های پانل و با سه شاخص کلیدی-- سرمایه گذاری زیربنایی، دسترسی به برق و امید به زندگی-به طور همزمان بررسی کرده است. این گستره جغرافیایی و ترکیب متغیرها، تحقیق حاضر را از نظر تحلیلی متمایز می سازد و امکان مقایسه میان کشورهایی با ساختارهای اقتصادی مشابه را فراهم می کند.

انتخاب روش تحقیق نیز با توجه به ماهیت داده ها و هدف تحقیق قابل توجیه است. استفاده از داده های پانل سالانه، اجرای آزمون ریشه واحد برای بررسی مانایی، آزمون هم جمعی کائو برای تحلیل رابطه بلندمدت، و انتخاب مودل اثرات تصادفی بر اساس آزمون هاسمن، چارچوبی معتبر برای تحلیل روابط میان متغیرها فراهم کرده است. به کارگیری روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) نیز به دلیل توانایی آن در کنترل ناهمسانی واریانس، دقت برآوردها را افزایش داده و انتخابی مناسب برای داده های اقتصادی کشورهای در حال توسعه بوده است.

با توجه به محدودیت های تحقیق، پیشنهاد می شود تحقیق های آینده از متغیرهای تکمیلی مانند شاخص کیفیت حکمرانی، فساد اداری، سرمایه گذاری خصوصی در زیرساخت ها، شاخص های نوآوری و بهره وری استفاده کنند تا تصویر جامع تری از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ارائه شود. همچنین استفاده از مودل های پویا مانند GMM، بررسی دوره های زمانی طولانی تر، و مقایسه میان مناطق مختلف آسیا یا کشورهای با درآمد مشابه می تواند مسیرهای جدیدی برای تحقیقات آینده فراهم سازد.

۸. نتیجه گیری

بر اساس پرسش تحقیق که به بررسی تأثیر سرمایه گذاری در زیرساخت ها بر رشد اقتصادی کشورهای افغانستان، پاکستان، ایران، بنگلادش و نپال طی سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ می پردازد، و با توجه به فرضیه تحقیق مبنی بر وجود اثر مثبت و معنادار این سرمایه گذاری ها، نتایج آزمون های اقتصادسنجی و تخمین های انجام شده نشان دادند که رابطه بلندمدت میان متغیرهای مورد مطالعه برقرار است. آزمون ریشه واحد وضعیت مانایی متغیرها را مشخص ساخت، آزمون هم جمعی کائو

وجود رابطه پایدار میان آن‌ها را تأیید نمود، و آزمون هاسمن مودل اثرات تصادفی را مناسب دانست. در نهایت، تخمین عمومی با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) نشان داد که سرمایه گذاری دولتی در زیرساخت‌ها اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد، هرچند این اثر تنها در سطح ۱۰ درصد معنادار گردید. در کنار آن، دسترسی به برق و امید به زندگی نیز اثر مثبت و معنادار در سطوح بالاتر داشتند که اهمیت سرمایه انسانی و توسعه اجتماعی را در کنار سرمایه گذاری زیربنایی برجسته می سازد.

به طور کلی، یافته های تحقیق بیانگر آن است که سرمایه گذاری در زیرساخت ها می تواند به رشد اقتصادی کشورهای منتخب آسیای جنوبی کمک کند، اما میزان تأثیر آن وابسته به کیفیت مدیریت، کارایی اجرایی و شرایط نهادی است. نتایج همچنین نشان می دهند که توسعه زیربناها زمانی بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی خواهند داشت که همراه با بهبود شاخص های اجتماعی نظیر دسترسی به انرژی و ارتقای امید به زندگی باشد. بنابراین، فرضیه تحقیق مبنی بر وجود اثر مثبت سرمایه گذاری زیربنایی بر رشد اقتصادی تأیید گردید، هرچند سطح معناداری آن نسبت به سایر متغیرها پایین تر بود. این یافته ها پیام مهمی برای دولت‌ها دارند: سرمایه گذاری در زیرساخت‌ها باید با اصلاحات نهادی، شفافیت و توجه به سرمایه انسانی همراه گردد تا بتواند رشد پایدار و فراگیر اقتصادی را تضمین نماید.

۹. پیشنهادات

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، دسترسی به برق و امید به زندگی هر سه نقش مهمی در تقویت رشد اقتصادی کشورهای افغانستان، پاکستان، ایران، بنگلادش و نپال دارند، پیشنهادهای زیر برای سیاست‌گذاران و محققان آینده ارائه می‌گردد:

تقویت سرمایه‌گذاری زیربنایی: با وجود مثبت بودن اثر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، سطح معناداری آن نسبتاً پایین بود. بنابراین توصیه می‌شود دولت‌ها کیفیت مدیریت پروژه های زیربنایی، شفافیت مالی و کارایی اجرایی را افزایش دهند تا اثرگذاری این سرمایه‌گذاری ها بر رشد اقتصادی تقویت شود.

گسترش دسترسی به انرژی: نتایج نشان داد که دسترسی به برق اثر مثبت و معنادار قوی تری نسبت به سرمایه‌گذاری زیربنایی دارد. بنابراین توسعه شبکه های برق رسانی، انرژی های تجدیدپذیر و کاهش نابرابری انرژی باید در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرد.

سرمایه گذاری در سلامت و سرمایه انسانی: اثر مثبت و معنادار امید به زندگی نشان می دهد که بهبود شاخص های سلامت، آموزش و رفاه اجتماعی می تواند رشد اقتصادی را به طور پایدار تقویت کند. بنابراین توصیه می شود دولت ها سرمایه گذاری در بخش های آموزش، بهداشت و مهارت افزایی را افزایش دهند.

اصلاحات نهادی و بهبود حکمرانی: یافته ها نشان می دهد که اثرگذاری سرمایه گذاری زیربنایی به کیفیت مدیریت و شرایط نهادی وابسته است. بنابراین اصلاحات در حوزه شفافیت، مبارزه با فساد، کارایی اداری و مدیریت پروژه ها ضروری است.

تنوع بخشی به منابع مالی زیرساخت ها: پیشنهاد می شود دولت ها از مشارکت بخش خصوصی، سرمایه گذاری خارجی و مدل های مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) برای تأمین مالی پروژه های زیربنایی استفاده کنند تا فشار مالی دولت کاهش یابد.

انجام تحقیقات در آینده: تحقیق های بعدی می توانند متغیرهای دیگری مانند کیفیت حکمرانی، شاخص فساد، سرمایه گذاری خصوصی، نوآوری، بهره وری و تجارت خارجی را وارد مدل کنند. همچنین استفاده از مدل های پویا مانند GMM، دوره های زمانی طولانی تر و مقایسه میان مناطق مختلف می تواند نتایج دقیق تری ارائه دهد.

فهرست منابع

- اکبری، ر. (۲۰۱۱). سرمایه گذاری در زیرساخت های اقتصادی و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی. فصل نامه توسعه اقتصادی، 1(3)، 45-62.
- بابازاده، م. و قدیمی، ک. (۲۰۰۹). تأثیر سرمایه گذاری در بخش حمل و نقل بر رشد اقتصادی در ایران. فصل نامه بازرگانی، 50، 77-95.
- قربانی، م. و همکاران. (۲۰۱۴). بررسی اثر زیرساخت ها بر رشد اقتصادی. فصل نامه رشد و توسعه اقتصادی، 5(17)، 101-120.
- قلی زاده، م. (۲۰۱۳). بررسی تمثیل سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در استان های ایران. فصل نامه تحقیق و برنامه ریزی در آموزش، 22، 55-70.
- کاظمی، ا. (۲۰۱۴). تأثیر شاخص توسعه انسانی بر تولید ناخالص داخلی. فصل نامه تحقیقات رشد و توسعه اقتصادی، 5(17)، 121-140.
- گجراتی، د. و ابریشمی، ح. (۱۹۹۹). مبانی اقتصادسنجی (چاپ چهاردهم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حقیقت، ج. (۲۰۱۶). تأثیر شوک مخارج دولتی بر رشد تولید ناخالص داخلی در ایران. *فصل نامه مودل سازی اقتصادی*، ۱۰(۴)، ۷۷-۹۵.

جهرمی، ی. (۲۰۰۸). اثر سرمایه گذاری دولت در زیر ساخت حمل و نقل بر سرمایه گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی. *تحقیق نامه حمل و نقل*، ۵(۴)، ۳۳-۵۲.

رنانی، م. (مترجم). (۲۰۰۷). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی. اثر پاتریک فرانکوئیس معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی.

آزاد ارمکی، غ. ر. (بی تا). نظریه های اقتصادی توسعه: تحلیلی از پارادایم های رقیب. نشر نی.

References

- Asian Development Bank. (2024). *Annual report: Solving complex challenges together*. Retrieved from <https://www.adb.org>
- Bizimana, O., & Thomas, S. (2022). *Scaling up quality infrastructure investment in South Asia*. International Monetary Fund. Retrieved from <https://www.imf.org>
- Cockburn, J., & Yazid, D. (2013). *Infrastructure and economic growth in Asia*. Springer Open: Heidelberg, New York, Dordrecht, London.
- Rashid, H., et al. (2021). Infrastructure and economic growth in South Asian countries. *Journal of Indian Studies*, 7(1), 33–50. Retrieved from <https://doi.org/>
- Sadiq, A. (2019). *Accelerating growth and job creation in South Asia*. Oxford University Press.

بررسی تأثیر تضمین کیفیت بر پیشرفت تحصیلی محصلان پوهنهی

علوم اجتماعی پوهنتون جوزجان در سال ۱۴۰۴

نویسنده: پوهنمل عنایت الله حمیدی

پوهنهی روانشناسی، پوهنتون جوزجان، افغانستان

نشانی برقی: enayat.hamidi23@gmail.com

چکیده

تضمین کیفیت به عنوان بخشی از مدیریت کیفیت تعریف می شود که بر حصول اطمینان در رابطه با برآورده کردن الزامات کیفیت تمرکز دارد؛ تضمین کیفیت برای فعالیت های دیگر مرتبط با آن نیز حایز اهمیت است که شامل تولید علم، بازاریابی کار برای محصلان، ارزیابی انطباق رشته تحصیلی با مشکلات اجتماعی و غیره است. هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر تضمین کیفیت بر پیشرفت تحصیلی محصلان می باشد، جامعه آماری تحقیق آن را محصلان پوهنهی علوم اجتماعی پوهنتون جوزجان تشکیل می دهد که تعداد شان ۳۶۷ نفر بودند؛ حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۸۸ نفر محاسبه گردید و نمونه آماری با روش تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه بررسی کیفیت خدمات تحصیلات عالی و پرسشنامه پیشرفت تحصیلی فام و تیلور (۱۹۹۴) توزیع و توسط پاسخ دهندگان تکمیل گردیده و با روش توصیفی و همبستگی با آزمون رگرسیون تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان می دهد که تضمین کیفیت با پیشرفت تحصیلی ۶۳ درصد رابطه داشته؛ همچنان با ضریب ۴۹ در پیشرفت تحصیلی محصلان مؤثریت داشته است. به طور کلی می توان تضمین کیفیت را یکی از مؤلفه های مهم پیشرفت تحصیلی در نهادهای تحصیلی شمار کرد.

اصطلاحات کلیدی: پیشرفت تحصیلی، تضمین کیفیت، عدم موفقیت تحصیلی، محصلان، موفقیت تحصیلی.

The Impact of Quality Assurance on the Academic Achievement of Students at the Faculty of Social Sciences, Jawzjan University, in 2025

Author: Teaching Ass. Enayatullah Hamidi
Faculty of Psychology Jawzjan University, Afghanistan
Email: enayat.hamidi23@gmail.com

Abstract

Quality assurance is defined as a component of quality management that focuses on providing confidence that quality requirements are being fulfilled. Quality assurance is also important for other related activities, including knowledge production, job market preparation for students, and evaluating the alignment of academic programs with societal needs and challenges. The purpose of the present study was to examine the impact of quality assurance on students' academic achievement. The study population consisted of 367 students from the Faculty of Social Sciences at Jawzjan University. Using Cochran's formula, a sample size of 188 students was determined, and participants were selected through simple random sampling. Data were collected using the Higher Education Service Quality Questionnaire and the Academic Achievement Questionnaire developed by FAM and Taylor (1994). The completed questionnaires were analyzed using descriptive statistics, correlation analysis, and regression analysis. The findings revealed that quality assurance had a 63% relationship with students' academic achievement. Furthermore, quality assurance significantly influenced academic achievement, with a regression coefficient of 0.49. Overall, the results indicate that quality assurance can be considered one of the key factors contributing to academic achievement in higher education institutions.

Keywords: Academic Achievement, Quality Assurance, Academic Failure, Students, Academic Success.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین، والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء والمرسلین محمد و علی آلہ و أصحابه أجمعین.

پدیده کیفیت در طول عصر صنعت به خصوص پس از جنگ جهانی دوم ظاهر شد، استفاده از این اصطلاح نخست برای توصیف محصولات صنعتی بود، چه خوب، بد، متوسط و عالی، چه اینکه آیا آنها صفات لازم را دارند یا نه و در کدام سطح هستند. امروزه تعریف دقیق و جامع از کیفیت دشوار است؛ زیرا چندین معنی مختلف داشته و در فرهنگ‌ها، زمینه‌ها و کشورهای مختلف، کاربردها و معانی مختلفی دارد (Kectep & Ozkan, 2013). کیفیت را میتوان به عنوان یک درجه یا ارزش چیزی مانند یک محصول یا خدمات تعریف کرد، و یک روند مستمر برای ارزیابی محصولات یا خدمات در ارتباط با درجه رضایت خود برای انجام مسائل مورد نظر یا مورد نیاز است (European Academy, 2016).

در دو دهه گذشته پذیرش و کاربرد TQM و سایر چارچوب‌های کیفیت هم در بخش صنعت و هم در بخش خدمات افزایش یافته است و کیفیت به عنوان یک عامل مهم برای رشد و بقا و موفقیت شناخته شده است. پاراسورامان و زیتامل (۱۳۸۷) تضمین کیفیت را به عنوان تفاوت بین انتظارات مشتری از عملکرد و درک وی از عملکرد واقعی تعریف کرده‌اند و Cronin Taylor (1992) معتقد هستند که تضمین کیفیت با عملکرد خدمات برابر است. پاراسورامان و همکارانش اولین کسانی بودند که تلاش کردند تا روش‌های مختلف ارزیابی کیفیت را مقایسه و طبقه‌بندی نمایند. مدل کیفیت خدمات را پاراسورامان و همکارانش در سال ۱۹۸۵ ارائه کردند و هدف آنان ارزیابی کیفیت خدمات بود. در این مدل کیفیت خدمات نتیجه مقایسه انتظارات و ادراکات مشتریان می‌باشد (QAQEHAI, 2016). همچنان یکی از ارکان مهم کیفیت خدمات تحصیلات عالی تضمین کیفیت است (محترم و سلیمی، ۱۳۹۸). تلاش جهت تعریف تضمین کیفیت، ما را به سوی فعالیت‌ها و اجراهای متداول و منظم برای ارائه اطمینان و اعتماد در مورد عرضه کیفیت بالای محصول، خدمات، مؤسسه و غیره سوق میدهد (ساعدی و همکاران، ۱۳۹۹). مفهوم تضمین کیفیت در نظام تحصیلات عالی مانند کیفیت تعریف ثابتی ندارد، با این توصیف آنچه معطوف به موضوع

حاضر است آنست که نظام‌های تحصیلات در دو دهه اخیر نسبت به تضمین کیفیت خود از حساسیت خاصی برخوردار شده‌اند و در تلاش‌اند تا نظام ارزیابی و تضمین کیفیت تربیت نیروی انسانی را در کشور طراحی کنند (علوی، ۱۳۸۱). تولید علم پروسه‌ای است که تحقق آن نیازمند وجود اندیشه تولیدکننده است که با مفاهیم اساسی و اصول علم‌نویس و معیارات جهانی آشنا باشد. اهدافی که رسیدن به آنها نیازمند تطبیق درست معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی است که میتواند در راستای تقویت نیروی متخصص و اکادمیک و همچنین ارتقای کیفیت زنده‌گی شهروندان یک کشور تأثیر بسیار زیادی داشته باشد (بهزاد و همکاران، ۱۴۰۲).

با گذار از قرن بیست به قرن بیست و یکم، نظامهای تحصیلات عالی جهان با تحولات متعددی روبرو شده‌اند. از یک سو، زمینه‌هایی چون تأثیر دیدگاه‌های زیربنایی معرفت‌شناختی بر ساخت دانش، پیشرفت در تکنالوژی، توجه به توسعه‌ی پایدار، کارآمدی و اثربخش سازی نظام‌های تحصیلات عالی را دست‌خوش دگرگونی نموده و این دگرگونی‌ها باعث شده که تغییرات ناخواسته، پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی را تحت تأثیر قرار دهد (International Network for Quality Assurance Agencies in Higher Education (INQAAHE) 2003). همچنان نظام‌های تحصیلات عالی در کشورهای مختلف، در اثر تحولات جهانی در چندین دهه گذشته با تغییراتی روبرو شده اند که نه تنها جریان عملیاتی آنها را تحت تأثیر قرارداده است، بلکه هدف های آنها را نیز متحول کرده است. از جمله این تغییرات، می‌توان به جهانی شدن و علم محور شدن اقتصاد و نیز به پیشرفت تکنیک و تکنالوژی اطلاعات و ارتباطات اشاره کرد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹). نظام تحصیلات عالی به عنوان نظامی متحرک و مطلع، دارای دو بعد کمی و کیفی بوده و رشد موزون، متناسب و متعادل این نظام، مستلزم رشد هر دو بعد به موازات یکدیگر است. رشد و گسترش کمی تحصیلات عالی بدون توجه به کیفیت، به مسائلی همچون ترک تحصیل، بی‌سوادی، عدم پیشرفت تحصیلی، مردودی (طردشدن از تحصیل)، وابستگی علمی، عرضه نیروی انسانی متخصص مازاد، عدم فرصت مناسب جهت بروز نوآوری، ابتکار و شکوفایی و غیره منجر می‌شود. بهبود کیفی آن نیز، بدون در نظر گرفتن کمیت، به محرومیت انسان‌ها از حق تحصیلات و افزایش تبعیضات اجتماعی منتهی می‌شود (قورچیان، ۱۳۷۳). در دنیای امروز، تعلیم و تربیه به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه جوامع شناخته می‌شود. پیشرفت تحصیلی متعلمان و محصلان نه تنها بر آینده فردی آنها تأثیر می‌گذارد، بلکه به طور مستقیم بر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشورها نیز

اثرگذار است. از این رو، بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی، به ویژه در نظام‌های تحصیلی مختلف، از اهمیت بالایی برخوردار است (عباس‌پور و مجتبی‌زاده، ۱۴۰۱). یکی از مفاهیم کلیدی که در این راستا مطرح می‌شود، تضمین کیفیت در تحصیل است. تضمین کیفیت به مجموعه‌ای از جریان‌ها و معیارهایی اطلاق می‌شود که هدف آن ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری است. این معیارها می‌توانند شامل برنامه‌ریزی درسی، روش‌های تدریس، ارزیابی‌های آموزشی و منابع آموزشی باشند. در واقع تضمین کیفیت به عنوان ابزاری برای بهبود و ارتقای سطح آموزشی در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر پیشرفت تعلیمی و تحصیلی متعلمان و محصلان داشته باشد. رابطه و تأثیر تضمین کیفیت به پیشرفت تحصیلی، موضوعی است که به طور فزاینده‌ای در تحقیقات آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعات نشان داده‌اند که وجود معیارهای مشخص و کارآمد در نظام‌های آموزشی و تحصیلی می‌تواند به بهبود نتایج تحصیلی کمک کند. به عنوان مثال، برنامه ریزی دقیق درسی و استفاده از روش‌های تدریس نوین می‌تواند انگیزه و علاقه محصلین را افزایش دهد و در نتیجه، به پیشرفت تحصیلی آن‌ها منجر شود.

با توجه به تحولات سریع اجتماعی، اقتصادی و تکنالوژی در قرن بیست و یکم، نظام‌های آموزشی و تحصیلی به طور مداوم تحت فشار قرار دارند تا کیفیت آموزش و تحصیل را افزایش دهند و متعلمان و محصلان را برای مواجهه با مشکلات آینده آماده کنند. موفقیت تحصیلی، به عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی کارایی نظام‌های آموزشی و تحصیلی، به شدت تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. یکی از این عوامل مهم، تضمین کیفیت است که به جریان‌ها و معیارهای آموزشی مرتبط می‌شود (علی و همکاران، ۱۳۹۸). با این حال، در بسیاری از نظام‌های آموزشی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، هنوز هم مشکلات قابل توجهی در زمینه تضمین کیفیت وجود دارد (فریب‌زر و همکاران، ۱۳۸۹). فقدان معیارهای مشخص و کارآمد، نارسایی در برنامه‌ریزی درسی، ضعف در روش‌های تدریس و ارزیابی، و کمبود منابع آموزشی مناسب، همگی می‌توانند به کاهش پیشرفت تحصیلی منجر شوند. بنابراین، درک این که چگونه تضمین کیفیت می‌تواند بر پیشرفت تحصیلی تأثیر بگذارند، از اهمیت بالایی برخوردار است (Ross, 2010). این تحقیق به بررسی این مسئله می‌پردازد که چگونه تضمین کیفیت می‌تواند به بهبود پیشرفت تحصیلی محصلان کمک کند. همچنین، به شناسایی عواملی که ممکن است در این رابطه تأثیرگذار باشند، پرداخته شده است. هدف این است که با شفاف سازی این رابطه، راهکارهایی برای بهبود

کیفیت آموزش و ارتقاء پیشرفت تحصیلی ارائه شود. بنابراین، سؤالات کلیدی این تحقیق شامل مواردی چون آیا تضمین کیفیت بر پیشرفت تحصیلی تأثیرگذار است یا خیر. جواب به این سوال می‌تواند به مسئولان آموزشی و تحصیلی کمک کند تا با اتخاذ تصمیمات آگاهانه، کیفیت آموزش و تحصیل را ارتقاء دهند و در نتیجه، پیشرفت تحصیلی متعلمان و محصلان را بهبود بخشند.

با بررسی این رابطه، می‌توان روش‌های مؤثری برای ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری پیشنهاد داد. پیشرفت تحصیلی متعلمان و محصلان تأثیر مستقیمی بر آینده شغلی و اجتماعی آن‌ها دارد. با شناسایی و به‌کارگیری تضمین کیفیت، می‌توان به بهبود نتایج تحصیلی شاگردان کمک کرد و به افزایش فارغ‌التحصیلان و موفقیت‌های مورد نظر منجر شود. در دنیای امروز، نیاز به نیروی کار ماهر و متخصص بیش از پیش احساس می‌شود (Newton, 2006). تحقیق در این زمینه می‌تواند به تولید نیروی انسانی با کیفیت کمک کند که قادر به جواب‌گویی به نیازهای بازار کار و مشکلات اجتماعی و اقتصادی باشد (اخلاقی و همکاران، ۱۳۹۰). آموزش با کیفیت یکی از ارکان توسعه پایدار به شمار می‌رود. با بهبود کیفیت آموزش و موفقیت تحصیلی، می‌توان به توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی جوامع کمک کرد و به تحقق اهداف توسعه پایدار نزدیک تر شد (دارابی و جهانیان، ۱۴۰۲).

۲. فرضیه‌های تحقیق

- ✓ بین تضمین کیفیت و پیشرفت تحصیلی محصلان رابطه معنادار وجود دارد.
- ✓ تضمین کیفیت بالای پیشرفت تحصیلی محصلان تأثیرگذار است.

۳. پیشینه تحقیق

تحقیقی که بهزاد و همکاران (۱۴۰۳) با تدوین الگوی تضمین کیفیت برای آموزش عالی افغانستان با تمرکز بر نقش فناوری‌های نوین انجام داده بود؛ بر اساس تحلیل یافته‌ها ۴۸۷ کود اولیه، ۱۸۷ مفهوم و ۳۱ مقوله فرعی در مرحله کودگذاری باز شناسایی کرد، سپس در مرحله کودگذاری محوری، مقوله‌های فرعی و مفاهیم باهم ارتباط دادند و در نهایت کودگذاری گزینشی در قالب الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین انجام شد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که موضوع تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان بستگی به موجودیت افراد متخصص، تخصیص منابع مورد نیاز، حمایت هیئت رهبری و میزان استقلال پوهنتون‌ها دارد.

نتایج تحقیق جعفری و همکاران (۱۳۹۹) که تحت عنوان تضمین کیفیت نظام آموزش عالی انجام یافته است نشان می‌دهد؛ که نظام آموزش عالی برای مقابله با چالش‌ها و رفع نیازهای پیش‌رو، لازم است به استقبال انواعی از تجدید حیات و تغییرات گسترده و متنوع در اهداف، وظایف و کارکردهای خویش اقدام نموده تا بتواند به خواسته‌های متنوع؛ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به نحو مطلوب پاسخ دهند، دست‌یابی به اهداف مذکور، جز با استقرار و توسعه نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی کشور امکان‌پذیر نخواهد بود.

تحقیق که ذریعه ساعدی و همکاران (۱۳۹۹) با هدف تحلیل بستر تاریخی، چگونگی شکل‌گیری و توسعه سیستم تضمین کیفیت آموزش عالی در حوزه اروپا انجام شده است، نشان می‌دهد که بسترهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیک در توسعه یک سیستم کارآمد با کیفیت مطلوب در تحصیلات عالی حوزه اروپا موثر بوده و همچنین باعث گردیده، آموزش عالی این منطقه، رقابتی‌تر و قوی‌تر باشد و کیفیت بالا در آموزش و یادگیری، تحقیقات و غیره را تضمین و ایجاد کند.

تحقیق دیگری در این خصوص توسط عباس‌پور و مجتبی‌زاده (۱۴۰۱) به هدف بررسی طراحی و اعتباریابی الگوی اعتبارسنجی و تضمین کیفیت نظام تحصیلات عالی ایران انجام شده است. روش انجام تحقیق مذکور، روش تحقیق ترکیبی با طرح اکتشافی-مدل توسعه ابزار بود. شاخص‌های برازش، (CMIN/DF) برابر با ۱/۹۲۴، (RMSEA) برابر با ۰/۳۹، (GFI) برابر با ۰/۹۷۶، (AGFI) برابر با ۰/۹۳۹، (CFI) برابر با ۰/۹۲۸، (NNFI) برابر با ۰/۹۵۳، (TLI) برابر با ۱/۰۰۰، (IFI) برابر با ۰/۹۲۸ و (RFI) برابر با ۰/۹۲۵ نشان داد، الگوی طراحی و اعتباریابی شده برای اعتبارسنجی و تضمین کیفیت نظام تحصیلات عالی ایران از برازش بسیار مطلوبی برخوردار است.

تحقیقی که توسط محمدی و همکاران (۱۳۹۵) به هدف ارزشیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی جریان داوطلبانه یا اجباری؟ پرداخته بود؛ نشان می‌دهد که چنین دریافت جریانات تضمین کیفیت در ۶۴ درصد از نهادهای یاد شده، ماهیت اجباری و ۲۷ درصد ماهیت داوطلبانه دارد. همچنین در ۹ درصد از نهادها هر دو جریان داوطلبانه و اجباری اجرا می‌شود. بر این اساس، با توجه به حساسیت عملکردی تحصیلات عالی و نقش و تأثیر آن در توسعه پایدار کشور، به نظر می‌رسد بازنمایی و بهبود کیفیت مستلزم نظام جامع ارزشیابی کیفیت است که دارای ماهیتی داوطلبانه تا اجباری بر اساس نحوه مشارکت مؤسسات تحصیلات عالی باشد.

۴. روش و مواد تحقیق

تحقیق حاضر توصیفی-همبستگی است. در این تحقیق از روش توصیفی جهت بررسی اطلاعات عمومی و از روش همبستگی جهت بررسی تأثیر تضمین کیفیت بالای پیشرفت تحصیلی محصلان استفاده شده است. جامعه آماری آن را محصلان پوهنهی علوم اجتماعی پوهنتون جوزجان تشکیل می دهد که فعلاً (۱۴۰۴) مشغول تحصیل در پوهنهی علوم اجتماعی پوهنتون مذکور بوده که تعداد شان به ۳۶۷ محصل بالغ است، از جمله آن ها ۱۸۸ نفر بر اساس فورمول کوکران نمونه انتخاب و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده پرسشنامه بررسی کیفیت خدمات تحصیلات عالی و پرسشنامه پیشرفت تحصیلی فام و تیلور (۱۹۹۴) توزیع و جمع آوری گردیده است؛ همچنان برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و استنباطی که به تأثیر متغیر مستقل بالای متغیر وابسته پرداخته می شود، یعنی از آزمون رگرسیون استفاده شده است. جهت اجرای آزمون های احصائی و تحلیل های توصیفی از برنامه spss26 استفاده گردیده است.

۱.۴. مواد

در این تحقیق جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه ها با مشخصات آتی استفاده شده است:

پرسشنامه بررسی کیفیت خدمات تحصیلات عالی با استفاده از مودل سروکوال

پرسشنامه بررسی کیفیت خدمات مراکز آموزش عالی با استفاده از مودل سروکوال پارسورامان و همکاران از ۲۰ عبارت و ۵ زیر مقیاس ملموس (۴ سوال)، قابلیت اطمینان (۳ سوال)، پاسخگویی (۵ سوال)، تضمین (۴ سوال) و همدلی (۴ سوال) تشکیل شده است که بمنظور بررسی کیفیت خدمات مراکز آموزش عالی بکار می رود.

در این تحقیق یک بخش آن (تضمین کیفیت) جداسازی شده مورد استفاده قرار گرفت، روایی پرسشنامه از دید چند تن از استادان دیپارتمنت روانشناسی مورد تأیید قرار گرفت و برای بررسی پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ بدست آمد و در این ستحقیق بخش جدا شده، پایایی آن ۰/۸۵ بدست آمد.

پرسشنامه پیشرفت تحصیلی فام و تیلور ۱۹۹۴

این پرسشنامه اقتباسی از تحقیقات فام و تیلور (۱۹۹۰) در حوزه ی پیشرفت تحصیلی است که برای جامعه ی ایران ساخته شده است و شامل ۴۸ عبارت می باشد. در روش نمره گذاری، هر عبارت دارای ۵ پاسخ می باشد که در مقوله های هیچ، نمره ۱؛ کم، نمره ۲؛ تا حدی، نمره ۳؛ زیاد، نمره ۴

و خیلی زیاد، نمره ۵ تعلق می گیرد و در ۱۱ سوال که به صورت منفی می باشد روش نمره گذاری برعکس می باشد. حداکثر امتیاز قابل کسب ۲۴۰ و حداقل امتیاز ۴۸ می باشد. مرادیان (۱۳۹۲) روایی آن را از طریق روایی محتوایی توسط کارشناسان و متخصصان مورد تأیید قرار داده است. همچنان پایایی پرسشنامه را با استفاده از ضریب الفای کرونباخ ۰/۸۲ بدست آورده است. پایایی پرسشنامه در این تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ بررسی شد و ۰/۹۲ به دست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب می باشد.

۵. یافته‌های تحقیق

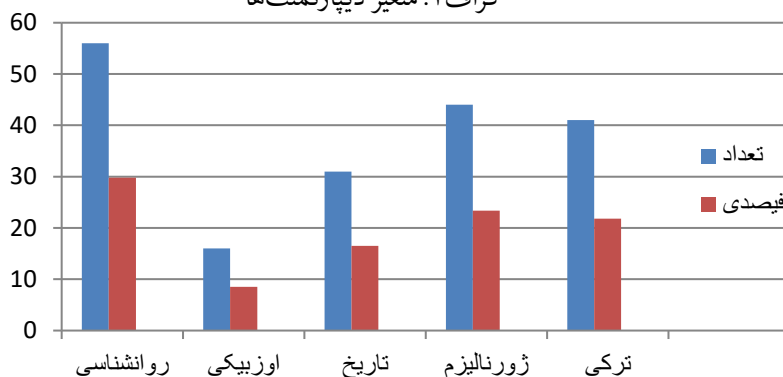
۵.۱. یافته‌های توصیفی:

جدول ۱. تعداد و درصد برای متغیر دیپارتمنت‌ها را نشان می‌دهد. همچنان شکل ۱. گراف مربوط به متغیر دیپارتمنت‌ها را نشان می‌دهد. براساس نتایج مندرج در جدول حدود ۲۹,۷۹ درصد از اشتراک کننده گان تحقیق از دیپارتمنت روانشناسی، ۸,۵۱ درصد از اشتراک کننده گان دیپارتمنت اوزبیک، ۱۶,۴۹ درصد از اشتراک کننده گان از دیپارتمنت تاریخ، ۲۳,۴۰ درصد از اشتراک کننده گان از دیپارتمنت ژورنالیزم و ۲۱,۸۱ درصد از اشتراک کننده گان از دیپارتمنت ترکی بودند.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به دیپارتمنت‌ها

دیپارتمنت‌ها	تعداد	فیصدی
روانشناسی	۵۶	۲۹,۷۹
اوزبیک	۱۶	۸,۵۱
تاریخ	۳۱	۱۶,۴۹
ژورنالیزم	۴۴	۲۳,۴۰
ترکی	۴۱	۲۱,۸۱
مجموع	۱۸۸	۱۰۰

گراف ۱. متغیر دیپارتمنت‌ها

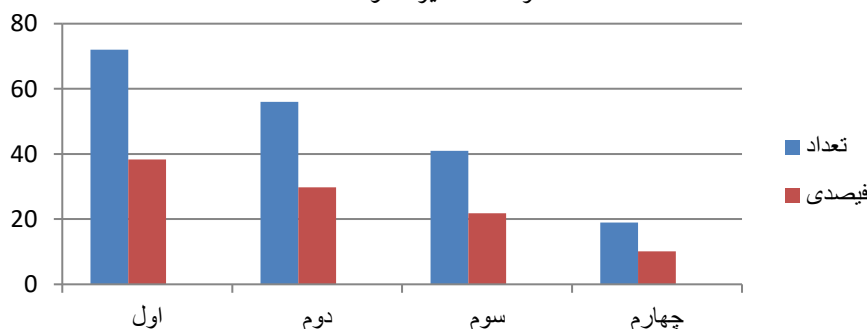


جدول ۲. تعداد و درصد برای متغیر صنوف را نشان می‌دهد. همچنان شکل ۱. گراف مربوط به متغیر صنوف را نشان می‌دهد. براساس نتایج مندرج در جدول حدود ۳۸,۳۰ درصد از پاسخ‌دهنده گان از صنوف اول، ۲۹,۷۹ درصد از پاسخ‌دهنده گان از صنوف دوم، ۲۱,۸۱ درصد از پاسخ‌دهنده گان از صنوف سوم و ۱۰,۱۱ درصد از پاسخ‌دهنده گان از صنوف چهارم بودند.

جدول ۲. آمار توصیفی مربوط به متغیر صنوف

صنوف	تعداد	فیصدی
اول	۷۲	۳۸,۳۰
دوم	۵۶	۲۹,۷۹
سوم	۴۱	۲۱,۸۱
چهارم	۱۹	۱۰,۱۱
مجموع	۱۸۸	۱۰۰

گراف ۲. متغیر صنوف



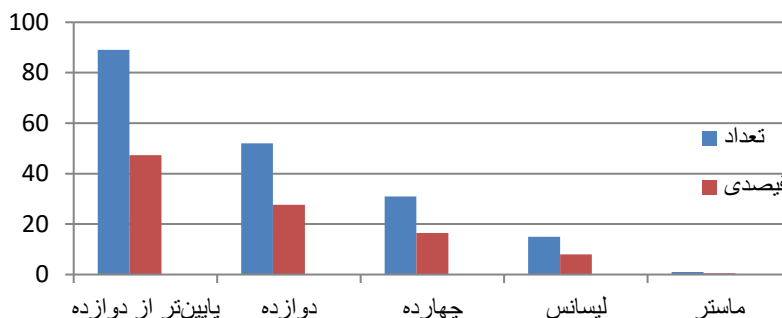
جدول ۳. تعداد و درصد متغیر درجه تحصیل پدر را نشان می‌دهد. همچنان شکل ۱. گراف مربوط به متغیر درجه تحصیل پدر را نشان می‌دهد. براساس نتایج مندرج در جدول حدود ۴۷,۳۴ درصد

از پاسخ دهنده گان درجه تحصیل پدران شان را پایین تر از دوازده، ۲۷،۶۶ درصد از پاسخ دهنده گان درجه تحصیل پدران شان را دوازده، ۱۶،۴۹ درصد از پاسخ دهنده گان درجه پدران شان را چهارده، ۷،۹۹ درصد از پاسخ دهنده گان درجه تحصیل پدران شان را لیسانس و ۰،۵۳ درصد از پاسخ دهنده گان درجه تحصیل پدران شان را ماستر گزارش داده اند.

جدول ۳. آمار توصیفی مربوط به متغیر درجه تحصیل پدر

درجه تحصیل پدر	تعداد	فیصدی
پایین تر از دوازده	۸۹	۴۷،۳۴
دوازده	۵۲	۲۷،۶۶
چهارده	۳۱	۱۶،۴۹
لیسانس	۱۵	۷،۹۹
ماستر	۱	۰،۵۳
مجموع	۱۸۸	۱۰۰

گراف ۳. درجه تحصیل پدر

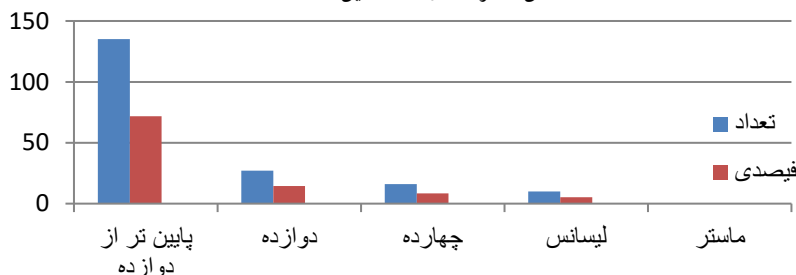


جدول ۴. تعداد و درصد متغیر درجه تحصیل مادر را نشان می دهد. همچنان شکل ۱. گراف مربوط به متغیر درجه تحصیل مادر را نشان می دهد. براساس نتایج مندرج در جدول حدود ۷۱،۸۱ درصد از پاسخ دهنده گان درجه تحصیل مادران شان را پایین تر از دوازده، ۱۴،۳۶ درصد از پاسخ دهنده گان درجه تحصیل مادران شان را دوازده، ۸،۵۱ درصد از پاسخ دهنده گان درجه مادران شان را چهارده، ۵،۳۲ درصد از پاسخ دهنده گان درجه تحصیل مادران شان را لیسانس و ۰،۰ درصد از پاسخ دهنده گان درجه تحصیل مادران شان را ماستر گزارش داده اند.

جدول ۴. آمار توصیفی درجه تحصیل مادر

درجه تحصیل مادر	تعداد	فیصدی
پایین تر از دوازده	۱۳۵	۷۱,۸۱
دوازده	۲۷	۱۴,۳۶
چهارده	۱۶	۸,۵۱
لیسانس	۱۰	۵,۳۲
ماستر	.	.
مجموع	۱۸۸	۱۰۰

شکل ۴. گراف درجه تحصیل ما



۵.۲. یافته‌های استنباطی:

جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون رگرسیون استفاده گردید؛ اما قبل از آن آزمون‌های پیش-فرض را انجام می‌دهیم؛ بناً از آزمون چولگی و کشیدگی استفاده شد. همچنان برای بررسی عدم همبستگی از آزمون دورین واتسن استفاده گردید. نتایج در جدول ۵. نشان داد که داده‌ها در متغیر نورمال بوده همچنان همبستگی وجود نداشته؛ برای اجرای رگرسیون مساعد است و نتایج آزمون رگرسیون مذکور در جداول ۶، ۷ و ۸ ارایه گردیده است.

جدول ۵. آزمون چولگی، کشیدگی و دورین واتسون

متغیر	چولگی	کشیدگی	دورین واتسن
پیشرفت تحصیلی	۱,۶۱	۰,۹۱	۱,۰۷۶

جدول ۶. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون بررسی تأثیر تضمین کیفیت بر پیشرفت تحصیلی

R	R^2	adjusted R^2	خطای استاندارد تخمین زده
۰,۶۳۱	۰,۴۹۲	۰,۴۵۹	۵,۶۵۲

جدول ۷. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون برای بررسی تأثیر تضمین کیفیت بر پیشرفت تحصیلی



منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	Sig
رگرسیون	۱۷۲۶,۴۱۴	۲	۸۶۳,۲۰۷	۶۴,۸۲۲	۰,۰۰۰
باقیمانده	۱۱۹۸	۱۸۶	۱۳,۳۱۷		
مجموع	۲۹۲۴,۹۰۳	۱۸۸			

خلاصه تحلیل رگرسیون در جدول ۶. نشان داد که مقدار ضریب همبستگی بین تضمین کیفیت با متغیر پیشرفت تحصیلی R^2 ۰,۶۳ و میزان R^2 برابر با ۰,۴۹ است. یعنی ۴۹ درصد واریانس توسط تضمین کیفیت قابل تبیین است. به منظور بررسی معناداری ضریب همبستگی بدست آمده، نتایج مندرج جدول ۷ نشان می‌دهد که میزان F بدست آمده معنادار است ($P < ۰,۰۰۰$) $F(۲, ۱۸۶) = ۱۳,۳۱۷$. بنابراین تضمین کیفیت بر پیشرفت تحصیلی محصلان مؤثر بوده است جدول ۸. نتایج مربوط به ضریب رگرسیون

متغیر مؤثر	B	SE	Beta	t	Sig
تضمین کیفیت	۰,۸۷۵	۰,۱۴۵	۰,۴۹۲	۸,۷۴۵	۰,۰۰۰

به منظور بررسی تأثیر تضمین کیفیت؛ نتایج مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد که تضمین کیفیت بالای پیشرفت تحصیلی محصلان مؤثر بوده است ($p < ۰,۰۵$). نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تضمین کیفیت تأثیر مثبت و معناداری بر پیشرفت تحصیلی دارد. مقدار ضریب رگرسیون غیر معیاری ($B = ۰,۸۷۵$) بیانگر آن است که با افزایش یک واحد در نمره تضمین کیفیت، نمره پیشرفت تحصیلی به طور متوسط ۰,۸۷۵ واحد افزایش می‌یابد. همچنان ضریب معیاری شده ($Beta = ۰,۴۹۲$) نشان می‌دهد که تضمین کیفیت دارای تأثیر نسبتاً قوی بر پیشرفت تحصیلی است. به عبارت دیگر، با افزایش یک انحراف معیار در تضمین کیفیت، پیشرفت تحصیلی به میزان ۰,۴۹۲ انحراف معیار افزایش می‌یابد. مقدار آماره t برابر با ۸,۷۴۵ و سطح معناداری $۰,۰۰۰$ ($p < ۰,۰۵$) نشان می‌دهد که این تأثیر از لحاظ آماری کاملاً معنادار است. بنابراین، فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر معنادار تضمین کیفیت بر پیشرفت تحصیلی تأیید می‌شود.

۶. مناقشه

وجود تضمین کیفیت در هر بخش، خصوصاً در بخش تحصیلی یک امر ضروری است. نتایج نشان داد تضمین کیفیت رابطه متوسطی با پیشرفت تحصیلی محصلان داشته و همچنان نشان داد که نتایج آن با برخی تحقیقات دیگر مطابقت نسبی دارد. رحیمی و ایوبی (۱۴۰۲) به هدف بررسی نقش تطبیق معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی در تولید دانش به این نتیجه رسیده بود که تضمین

کیفیت در تولید علم و دانش تأثیر مثبت دارد. جعفری و همکاران (۱۳۹۹) با هدف بررسی ارائه‌ی راهکارهای برون رفت از چالش‌های پیشرو در تضمین کیفیت نظام آموزش عالی به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل تحقیقی انجام داد و به این نتیجه رسید بود در دنیای امروز به شدت در تحول نظام تحصیلات عالی برای مقابله با مشکلات و رفع نیازهای پیش رو، لازم است به استقبال انواعی از تجدید حیات و تغییرات گسترده و متنوع در اهداف، وظایف و کارکردهای خویش اقدام نموده تا بتواند به خواسته‌های متنوع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به نحو مطلوب پاسخ دهند به گونه‌ای که فارغ التحصیلان پوهنتون‌ها، حس مسئولیت پذیری بیشتری نموده و از نظر انواع توانایی‌های علمی و مهارت‌های کاری، اثربخش‌تر و کارآتر از گذشته شوند، دست‌یابی به اهداف مذکور، جزء با استقرار و توسعه نظام تضمین کیفیت در تحصیلات عالی کشور امکان پذیر نخواهد بود. با دارایی و جهانیان (۱۴۰۳) که به هدف کنترل کیفیت و تضمین کیفیت در آموزش آنلاین تحقیقی انجام داده بود، به این نتیجه رسید که استفاده صحیح از روشهای کنترل و تضمین کیفیت میتواند کیفیت آموزش آنلاین را بهبود ببخشد و منجر به نتایج مطلوب برای یادگیرنده و اساتید شود. نتایج تمام تحقیقات انجام شده که بطور مستقیم و غیر مستقیم به بررسی نقش تضمین و متغیرهای مرتبط با آن پرداخته است نشان می‌دهد که یک امر ضروری و لازمی در نهاد تحصیلی است. کار محقق در چندین بخش با تحقیقات قبلی متفاوت است این تحقیق به صورت میدانی و با نمونه مشخص انجام شده است در حالیکه تحقیقات در سطح کشور و منطقه انجام شده بود.

۷. نتیجه‌گیری

تضمین کیفیت در نظام تحصیلی به بهبود جریان یاددهی و یادگیری محدود نمی‌شود، بلکه نقش مهمی در ارتقای پیشرفت تحصیلی، افزایش انگیزه یادگیری، توسعه مهارت‌های علمی و حرفه‌ای و آمادگی محصلان برای ورود به بازار کار ایفا می‌کند. تحقق این امر مستلزم همکاری و مشارکت همه ذی‌نفعان آموزشی، از جمله استادان، محصلان، والدین و مسئولان نهادهای تحصیلی است. در چارچوب نظام تضمین کیفیت، بازخوردهای حاصل از ارزیابی‌های مستمر زمینه شناسایی نقاط قوت و ضعف را فراهم ساخته و به بهبود منابع، امکانات، برنامه‌های درسی و روش‌های آموزشی منجر می‌شود که در نهایت کیفیت یادگیری را ارتقا می‌بخشد.

نتایج این تحقیق نشان داد که بین تضمین کیفیت و پیشرفت تحصیلی محصلان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز بیانگر آن بود که تضمین کیفیت پیش‌بینی‌کننده

معنادار پیشرفت تحصیلی است ($B=0.875$)، ($t=8.745$) و ($Beta=0.492$). این نتایج بیانگر آن است که بهبود مؤلفه‌های تضمین کیفیت می‌تواند نقش قابل توجهی در ارتقای عملکرد و موفقیت تحصیلی محصلان داشته باشد.

تضمین کیفیت یکی از عوامل اساسی در ارتقای پیشرفت تحصیلی محصلان به شمار می‌رود و توجه بیشتر به سازوکارهای تضمین کیفیت در پوهنتون‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت تحصیلی، افزایش مؤفقیت تحصیلی محصلان و تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد برای جامعه باعث شود. بنابراین، توجه در توسعه و تقویت نظام‌های تضمین کیفیت، زمینه‌ساز توسعه علمی، اجتماعی و دیگر ابعاد جامعه نیز خواهد بود.

۸. پیشنهادها

- ✓ برای مسئولین پوهنتون‌ها پیشنهاد میشود هر ازگاهی کورس‌های آموزشی با موضوعات مختلف آموزشی (مانند روش‌های تدریس نوین یا مدیریت صنوف...) برگزار کنند.
- ✓ مسئولین پوهنتون‌ها زمینه تجدید مهارت‌های تدریس و تبادل تجربیات برای اعضای کادر علمی خویش تدارک ببینند.
- ✓ مسئولین پوهنتون‌ها از نظرسنجی‌های آنلاین، اوراق/ پرسشنامه‌ها برای جمع‌آوری نظرات و پیشنهادات محصلان در مورد درس‌ها استفاده نمایند.

منابع

اخلاقی، ف. یارمحمدیان، م. ح. خوشگام، م. محبی، ن. (۱۳۹۰). *ارزشیابی کیفیت برنامه‌های آموزشی در آموزش عالی با استفاده از الگوی CIPP*. مدتیری اطلاعات سلامت. ۸(۵). ۶۲۱-۶۲۹. بهزاد، ا. عباس پور، ع. غیاثی ندوشن، س. خورسندی، ع. و برزویان، ص. (۱۴۰۳). *در جستجوی تدوین الگوی تضمین کیفیت برای آموزش عالی افغانستان با تمرکز بر نقش فناوری‌های نوین. فناوری‌های آموزشی در یادگیری*، ۷(۲۳)، ۹-۳۶.

doi: 10.22054/jti.2024.78395.1445

جعفری، ا. علم الهدی، ج. و مظاهری، ف. (۱۳۹۹). *تضمین کیفیت نظام آموزش عالی (ماهیت، ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهکارها)*. کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی. قابل دسترس:

SID. <https://sid.ir/paper/900315/fa>.

- محترم، خ و سلیمی، م. (۱۳۹۸). ارزشیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی. مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه. ۴(۱)، ۴۷-۶۲.
- دارابی مطلق، س و جهانیان، ر. (۱۴۰۲). کنترل کیفیت و تضمین کیفیت در آموزش آنلاین. رویکردهای تحقیق نو در علوم مدیریت. ۳۷(۱۳)، ۴۱۷-۴۲۹.
- ساعدی، ع، عباس پور، ع، فراستخواه، م، نیستانی، م و عبداللهی، ح. (۱۳۹۹). واکاوی بسترهای ایجاد و توسعه تضمین کیفیت در آموزش عالی اروپا. مجله توسعه آموزش جندی شاپور اهواز (ویژه نامه ۹۹)، ۲۱۳-۲۲۶.
- doi: 10.22118/edc.2020.226533.1308
- عباس پور، ع و مجتبی زاده، م. (۱۴۰۱). طراحی و اعتباریابی الگوی اعتبارسنجی و تضمین کیفیت نظام آموزش عالی ایران. تحقیق های رهبری آموزشی، ۶(۲۲)، ۷-۳۹.
- doi: 10.22054/jrlat.2022.60358.1578
- علوی، ا. (۱۳۸۱). کنترل فرایندهای مدیریت کیفیت فراگیر و تضمین کیفیت. فرایند مدیریت و توسعه. ۱۶ (۲ و ۳): ۴۸-۴۰.
- علی، ف، ظهیرمیردامادی، س، و بنازاده امیرخیز، م. (۱۳۹۸). نیازهای آموزشی به منظور درک تضمین کیفیت. دانش آزمایشگاهی ایران، ۷(۱۱ (پیاپی ۲۵))، ۵-۱۲.
- SID. <https://sid.ir/paper/269062/fa>
- فریریز، م، فتحی و اجارگاه، ک، پرداخت چی، م و ابوالقاسمی، م. (۱۳۸۹). تضمین کیفیت در آموزش منابع انسانی. تحقیق های مدیریت منابع انسانی، ۲(۲)، ۱۱۷-۱۳۹.
- <https://sid.ir/paper/163148/fa>.
- قورچیان، ن. (۱۳۷۳). تحلیلی بر مکعب کیفیت در نظام آموزش عالی، فصلنامه تحقیق و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۷(۸)، ۱۳-۲۰.
- محمدی، ر، پرند، ک و پور عباس، ع. (۱۳۸۶). ضرورت طراحی و استقرار ساختار تضمین کیفیت در رشته های علوم مهندسی. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۹(۳۴)، ۷۷-۱۱۴.
- doi: 10.22047/ijee.2007.551

- محمدی، ر، زمانی، فر، م و صادقی‌مندی، فاطمه. (۱۳۹۵). *ارزشیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی فرایند داوطلبانه یا اجباری؟*. مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی. ۱۴(۳۸)، ۱۶۶-۲۰۲.
- Ross, A. (2010). *Implementing Quality Assurance at the Royal University of PENH, CAMBODIA*; Perceptions, Pract: ces and challenges.
- INQAAHE. (2003). *Quality Assurance Agencies. "International Network for Quality Assurance Agencies In Higher Education" And "International Association of University Presidents"*; Dublin, Higher Education And Training Awards Council.
- Kecetep I, Ozkan I. (2013). *Quality Assurance in the European Higher Education Area*. Procedia-Social and Behavial Sciences. No. 141 (2014). 660-664.
- Newton, J. (2006). *What is Quality/ Embedding Quality Culture in Higher Education*; a Selection of papers from the 1st European Forum for Quality Assurance, pp. 14-20.
- Quality Assurance and Quality Enhancement in Higher Education Institutions: Creating a Quality Culture (2016). European Academy. 25th- 26th February 2016, Berlin.

بررسی جایگاه احزاب در نظام سیاسی اسلام

نویسنده : پوهنیار عبدالمنان کرانی

پوهنځی حقوق، پوهنتون زاول، افغانستان

نشانی برقی: lajward1402@gmail.com

چکیده

تعدد احزاب، یا کثرت‌گرایی حزبی که زاده‌ی تفکر نظام سیاسی غرب و یکی از پدیده‌های چالش‌زا در جوامع اسلامی و از مباحث داغ در میان دانشمندان مسلمان است، بحث پیرامون جواز و عدم جواز آن از دیدگاه شریعت اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است. در این مقاله اهمیت موضوع، مفهوم حزب، کاربرد این واژه در قرآن کریم، حکم ایجاد و تشکیل احزاب سیاسی در قلمرو حاکمیت دولت اسلامی در روشنی قرآن کریم و احادیث پیامبر (صلی الله علیه و سلم)، اقوال علمای اسلام و وضعیت فعلی امت اسلامی به بحث و بررسی گرفته شده که هدف آن توضیح و بیان حکم تعدد احزاب سیاسی در قلمرو دولت اسلامی از دیدگاه اسلام است. شیوه جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای بوده و نحوه‌ی پردازش اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی است. در نتیجه پس از بررسی‌های دلایل طرفین (مخالفین تعدد احزاب و موافقین آن) این نوشتار نشان می‌دهد که ایجاد و تشکیل احزاب سیاسی موازی با دولت اسلامی مشروع، از بزرگترین علل و اسباب تفرقه و اختلاف در میان مسلمانان بوده، شرعاً جواز ندارد.

اصطلاحات کلیدی: احزاب، اسلام، جایگاه، دولت اسلامی، نظام سیاسی.

Examining the Position of Political Parties in the Islamic Political System

Author: Teaching Assistant Abdul Mannan Kurani
Faculty of Law, Zawul University, Kabul Afghanistan
Email: lajward1402@gmail.com

Abstract

The multiplicity of political parties, or political pluralism, which emerged from the political thought of Western systems and is considered one of the challenging phenomena in Islamic societies, has become a widely debated issue among Muslim scholars. Therefore, discussing its permissibility or impermissibility from the perspective of Islamic Sharia is of great importance. This article examines the significance of the subject, the concept of political parties, the usage of the term in the Holy Qur'an, and the ruling on the establishment and formation of political parties within the jurisdiction of an Islamic state in light of the Holy Qur'an, the Hadiths of Prophet Muhammad (peace and blessings be upon him), the opinions of Islamic scholars, and the current condition of the Muslim Ummah. The main objective is to clarify and explain the Islamic ruling regarding the existence of multiple political parties within an Islamic state. The data for this study were collected through library-based research, and the information was analyzed using a descriptive-analytical approach. After examining the arguments of both sides—the opponents and proponents of political pluralism—the study concludes that the establishment and formation of political parties parallel to a legitimate Islamic government constitute one of the major causes of division and discord among Muslims and, therefore, are not permissible according to Islamic law.

Keywords: Political Parties, Islam, Status, Islamic State, Political System.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد و على آله و أصحابه أجمعين.

تعدد احزاب یکی از پایه های مهم نظام دموکراسی در جهان امروز به حساب می آید. این پدیده ی نوظهور که در صدر اسلام و قرون مفضله (عصر خلفای راشدین) وجود نداشته است، زاده ی تفکر اروپایی می باشد که در دوره ی پسا قرون وسطی و رنسانس، به منظور رهایی از قید و بند نظام های دیکتاتوری و سلطه مطلق کلیسا پدیدار شده است.

پدیده ی تحزب و تکتل های سیاسی به مرور زمان به جامعه ی اسلامی سرایت کرده و در بسیاری از کشورهای اسلامی جنبه های عملی و رویکردهای مختلف به خود گرفته و امروزه یکی از مسایل داغ و بحث بر انگیز در میان دانشمندان علوم شرعی معاصر محسوب می شود. بی تردید، پرداختن به ماهیت شرعی تعدد احزاب در قلمرو دولت اسلامی مشروع و تبیین جواز و عدم جواز آن از بعد شرعی دارای اهمیت زیادی می باشد. اهداف کلی این تحقیق، تبیین حکم شرعی تعدد احزاب سیاسی در جامعه ی اسلامی دارای حکومت اسلامی مشروع، برچیدن عوامل و اسباب اختلاف و تفرقه از جامعه، برگرداندن قدرت، عظمت، عزت و کرامت از دست رفته مسلمانان با حفظ وحدت و هبستگی ایشان زیر پرچم واحد، رهایی از وابستگی سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی به دشمنان اسلام با ایجاد ساختار سیاسی واحد و مقتدر که بتواند از حیثیت و حقوق ایشان دفاع کند. سؤال اینجاست که حکم شرعی تعدد احزاب سیاسی در قلمرو دولت اسلامی که مسئولیت حراست از دین و تدبیر امور دنیای مسلمانان را بر عهده دارد، چیست؟ آیا تکثر و تعدد احزاب در صدر اسلام، سابقه دارد؟ و تعدد احزاب چه تاثیری بر وحدت، قدرت و استقلال مسلمانان میگذارد؟ برای ارائه پاسخ درست به این سؤالات، که ذهن بسیاری از مسلمانان را مشغول کرده و به یکی از مباحث داغ و جنجال برانگیز میان دانشمندان مسلمان معاصر تبدیل شده است، کتاب ها و مقالات زیادی توسط محققین مسلمان عرب - با رویکردهای موافق نظریه تعدد احزاب و مخالف آن - نوشته شده است، مانند: الاحزاب السياسية فی الإسلام، مبارکپوری، حکم الانتماء الى الفرق و الاحزاب و الجماعات الاسلاميه، دکتور بکر عبدالله ابو زید، فرق معاصرة تنتسب إلى الإسلام و بیان

موقف الإسلام منها، عواجی، غالب بن علی، تعدد الاحزاب السياسية فی الدولة الاسلامية المعاصرة، هشام بن عبدالکریم البدرانی، نظرة فقهیه فی التعددیه السیاسیه، صباح، نوری جمعان و غیره. اما تا جایی که محقق پیرامون این مسئله تحقیق کرده است، چیز قابل توجهی به زبان فارسی پیرامون این موضوع که مستدل و مستند به نصوص قرآن کریم، احادیث پیامبر (صلی الله علیه و سلم) و اقوال ائمه دین باشد، نیافته است. لذا - با درک اهمیت موضوع در عصر حاضر و گسترش تعدد احزاب و گروه گرائی در جوامع اسلامی - لازم دیده شده است تا این موضوع در روشنی قرآن کریم و احادیث گهربار پیامبر (صلی الله علیه و سلم) اقوال علمای اسلام، مورد بحث و تحقیق قرار گیرد تا ماهیت موضوع و حکم شرعی آن برای خواننده گان فارسی زبان واضح گردد. در این مقاله ابتدا مفهوم واژه حزب از حیث لغت و اصطلاح، کاربرد این کلمه در قرآن کریم و همچنان حکم تعدد احزاب در قلمرو دولت اسلامی از نظر شرع مقدس با استناد به آیات مبارکه و احادیث پیامبر (صلی الله علیه و سلم) و اقوال علمای اسلام با رویکرد تحلیلی و توصیفی، به روش کتابخانه ای به بررسی گرفته شده است. از آنجا که دانشمندان معاصر علوم اسلامی در رابطه با مسأله جواز و عدم جواز تعدد احزاب اختلاف نظر دارند، دلایل هر دو طرف ذکر، بررسی و از میان آن قول راجح بر اساس قوت دلیل انتخاب شده است.

نویسنده امیدوار است، این تحقیق مختصر مشعلی باشد برای کسانی که غم و اندوه امت پراکنده و از هم پاشیده را در سر می پروراند و در سدد نجات آن از این وضعیت بغرنج و اسفبار هستند. همچنان محرکی باشد برای متخصصان علوم شرعی تا در این زمینه تحقیقات بیشتری انجام دهند.

۲. مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به اصل موضوع، لازم است برخی از مفاهیم و اصطلاحات مطرح شده در این مقاله جهت روشن تر شدن بحث، مورد بررسی قرار گیرند.

۲.۱. تعریف حزب

۱- حزب که جمع آن احزاب است واژه عربی بوده، در لغت به معانی متعددی اطلاق شده است که از آن جمله: سهم، طائفه، گروهی از مردم و به گروهی گفته میشود که عقاید، رفتار، کردار، اعمال و آرمان های شان یکسان باشد، هرچند فاصله زمانی و مکانی بین شان وجود داشته باشد، چنانچه در دو آیه مبارکه ذیل اشاره شده است:

آیه ۱: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ، مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ»^۱ «ای قوم من! می ترسم همان بلایی به شما برسد که در گذشته به احزاب (گروه ها و دسته ها) رسیده است. همچون سرنوشت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان آمدند، و خداوند نمی خواهد بر بندگان ستمی کند». [سورة الغافر: ۳۰-۳۱] و آیه ۲: «وَلَوْ كُنَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا»^۲ و هنگامیکه مؤمنان احزاب (لشکرهای کافران) را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده داده بودند، و خدا و پیغمبرش راست فرموده اند، و این به آنان جز ایمان و تسلیم نیافزود» (سورة الاحزاب: ۲۲).

مراد از احزاب در آیت نخست؛ قوم نوح، عاد و ثمود می باشد که در میان شان فاصله زمانی زیادی وجود دارد و در آیت دیگر؛ ارتش کفار (قریش، غطفان و بنو قریظه) است که بر علیه مسلمانان در غزوه خندق جمع شده بودند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق ج ۱، ص ۳۰۸ و فیروز آبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۳ و قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۸۴).

۲- در اصطلاح: حزب سیاسی عبارت از سازمانی است، که توده ای از افراد همفکر روی اهداف سیاسی و ایدئولوژی مشخص جمع شده و برای رسیدن به قدرت سیاسی و تحقق برنامه های خود، مبارزه میکنند. (مبارکپوری، ۱۴۳۳ق، ص ۱۵)، کافی و بوشیان، ۵۱، ب، ت).

۲.۲. مفهوم دولت اسلامی

منظور از دولت اسلامی در نظام سیاسی اسلام همان تشکیلات اداری منظم و منسجم در سرزمین اسلامی، با سیادت داخلی و خارجی به صورت مستقلانه است که در راس آن امام، خلیفه و یا امیر المؤمنین با مسئولیت های حراست از دین، تامین امنیت و اداره ی امور در چارچوب اصول و قواعد شرعی مستنبط و گرفته شده از کتاب و سنت و اجماع امت می باشد، قرار دارد. (کرمی، ۱۴۲۷ق، ص ۹۰)، (مناهج جامعة المدینة، ج ۱، ص ۵۶۵).

^۱ - قابل یادآوری است که در ترجمه آیات از ترجمه معانی قرآن کریم توسط محترم محمدگل گمشادزهی، بیشتر استفاده شده است.

۲.۳. واژه‌ی حزب در قرآن کریم

واژه‌ی حزب و احزاب به شکل‌های مختلف و مدلولات متفاوت، هژده بار در قرآن کریم بکار برده شده است. ده بار به صیغه‌ی جمع و هفت بار به صیغه‌ی مفرد و یک بار به صیغه‌ی تشبیه^۲ (ابیاری، ۱۴۰۵ق، ج ۱۷، ص ۱۱۱).

الف: آیاتی که کلمه‌ی احزاب در آن به صیغه‌ی جمع وارد شده است:

الله متعال می‌فرماید: {وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَلَنَارُ مَوَدَّةً فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ} "و هرکس از گروه‌ها به آن کفر بورزد میعادگاه او آتش است. پس درباره آن به خود شک و تردیدی راه مده، بی گمان آن (قرآن) حق است و از سوی پروردگارت آمده است و لی بیش تر مردم ایمان نمی‌آورند". [سورة الهود: ۱۷].

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ أَلَمْ يَخْلَفُوا بِمَا لَدَيْنَا مِنْ ذِكْرٍ وَلَقَدْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ فَاسَلَوْنَ غِيًّا ذُرِّيَّتَهُنَّ لَسَنَّا أَلِيمٌ} "و کسانی که به ایشان کتاب داده ایم از آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده است شاد می‌شوند، و از میان دسته‌های (کافران) کسانی هستند که بخشی از آن را انکار می‌کنند" [سورة الرعد: ۳۶].

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ} "آنگاه احزاب (گروه‌ها) در میان خود اختلاف ورزیدند، پس وای بر کسانی که کافر شدند از مشاهده روز بزرگ" [سورة مريم: ۳۷].

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ أَلِيمٍ} "آنگاه احزاب (گروه‌ها) بین خود اختلاف ورزیدند، پس وای به حال ستمکاران از عذاب روز دردناک!" [سورة الزخرف: ۶۵].

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْتَأْذِنُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا} "گمان می‌برند لشکرها (ی کافران) نرفته‌اند و اگر لشکرها ی کافران بار دیگر برگردند ایشان دوست دارند در میان اعراب باده نشین باشند، و از اخبار شما پرسش می‌کنند، و اگر در میان شما بودند جز مقدار کم و ناچیزی پیکار نمی‌کردند" [سورة الاحزاب: ۲۰].

^۲ - تشبیه در زبان عربی به صیغه‌ای گفته می‌شود که دلالت به دو فرد یا دو شی داشته باشد.

و همچنان الله متعال می فرماید: [وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا] "و هنگامیکه مؤمنان لشکرهاي (کافران) را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده داده بودند، و خدا و پیغمبرش راست فرموده اند، و این به آنان جز ایمان و تسلیم نیافزود" [سورة الاحزاب: ۲۲]

و همچنان الله متعال می فرماید: [جُنِدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ] "اینانکه اینجا هستند سپاه ناچیز شکست خورده‌ای از دسته‌ها و گروه‌هایند". [سورة ص: ۱۱]

و همچنان الله متعال می فرماید: [وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ] "و (قوم) تمود و قوم لوط و اصحاب الایکه، اینان همان گروه‌های (ستم پیشه‌ی گذشته) هستند" [سورة ص: ۱۳]

و همچنان الله متعال می فرماید: [وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ] "و آن کسی که ایمان آورده بود گفت: ای قوم من! من بر شما از (رخ دادن) روزی همانند روز (عذاب) گروه‌های (پیشین) بیم دارم" [سورة غافر: ۳۰].

در آیات فوق همانگونه که تذکر داده شد هفت بار کلمه‌ی احزاب به صورت جمع وارد شده است. چنانچه ملاحظه می‌گردد کلمه‌ی احزاب در این آیات به صورت مطلق در مورد ذم و نکوهش به کار برده

شده است که ناپسند بودن پدیده‌ی تحزب و تفرق و گروه‌گرایی را نشان می‌دهد. (جمعان، نظرة فقهیه فی التعددیه السیاسیه، العدد: ۴۶ ج ۳، ص ۲۲۶).

ب: آیاتی که کلمه حزب در آن به صورت مفرد وارد شده:

الله متعال می فرماید: [وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ] "و هرکس خدا و پیامبرش و مؤمنان را به دوستی بگیرد، بی‌گمان حزب (گروه) خدا پیروز است" [سورة المائدة: ۵۶]

و همچنان الله متعال می فرماید: [فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ] " (اما مردمان) کار و بار خود را به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به آنچه نزد آنها است شادمان هستند" [سورة المؤمنون: ۵۳]

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {مَنْ أَلَدَيْنَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ} "از کسانی که دینشان را بخش بخش کرده و به دسته‌ها و گروه‌های گوناگونی تقسیم شدند، هرگروهی به آنچه که نزد خود دارند خرسندند" [سوره‌الروم: ۳۲]

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ} "شیطان بر آنان چیره گشته، آن گاه یاد خدا را از خاطرشان برده است، اینان حزب شیطان هستند. هان! قطعاً حزب شیطان زیانکارند" [سوره‌المجادله: ۱۹].

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} "گروهی را که به خداوند و روز قیامت ایمان می‌آورند نخواهی یافت با کسی که با خدا و پیغمبرش مخالفت ورزیده است دوستی کند؛ هرچند پدرانشان یا فرزندان‌شان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند. اینانند که (خداوند) در دل هایشان ایمان را نگاشته است و آنان را به فیضی از سویی خود توان داده است؛ و آنان را به باغ‌هایی درمی‌آورد که از زیر (کاخ‌ها و درختان) آن‌ها رودبارها روان ست و جاودانه در آنجا می‌مانند. خداوند از آنان خشنود است و آنان (نیز) از او خشنودند. اینان حزب خدا هستند. هان بدانید که حزب خدا رستگار است" [سوره‌المجادله: ۲۲] در این آیات مبارکه واژه حزب به صورت مفرد هفت بار تکرار یافته است که حزب الله به معنای مدح و حزب الشیطان به مفهوم ذم مطرح شده است.

ب: اما کلمه حزب به صیغه تشبیه تنها در آیت آتی وارد شده است، چنانچه الله متعال می‌فرماید: {ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا} "سپس ایشان را برانگیختیم تا بدانیم کدام یک از دو گروه مدت زمانی را که درنگ کرده اند بهتر به خاطر دارد". که صحبت در اینجا از اصحاب کهف می‌باشد.

۳. حکم تعدد احزاب سیاسی در قلمرو دولت اسلامی

در جامعه‌ی اسلامی مسئولیت حراست و تدبیر امور دینی و دنیوی مردم یکی از مکلفیت‌های مهم دولت اسلامی است. تعیین و نصب خلیفه، امیر و یا حاکم مسلمان که بتواند این مکلفیت‌ها را به نحو احسن ادا نماید و به امور دینی و دنیوی مسلمانان به صورت درست رسیدگی، عدالت را تامین، وحدت و همبستگی مسلمانان را حفظ و از تمامیت ارضی حفاظت نماید، واجب است. البته در

رابطه به تعدد احزاب سیاسی در قلمرو دولت اسلامی دانشمندان معاصر به دو گروه تقسیم شده اند که دلایل هر دو گروه را ذیل به بررسی می گیریم.

الف: موافقان تعدد احزاب

موافقان جواز تعدد احزاب سیاسی بر این باورند که تشکیل احزاب، ابزار مشروع برای تحقق وظایف شرعی و مصالح عمومی جامعه است. مهم ترین دلایل آنان عبارت اند از:

۱- تحقق امر به معروف و نهی از منکر: از آنجا که نظارت بر عملکرد حاکمان، نصیحت آنان و جلوگیری از ظلم و انحراف از واجبات شرعی است، انجام مؤثر این وظیفه در شرایط کنونی بدون وجود تشکلهای احزاب سازمان یافته دشوار خواهد بود (لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ، كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ) و عن عبد الله بن عمرو (رضي الله عنهما) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) (إِذَا رَأَيْتُمْ أُمَّتِي تَهَابُ الظَّالِمَ أَنْ يَقُولَ: إِنَّكَ أَنْتَ الظَّالِمُ فَقَدْ تَوَدَّعَ مِنْهُمْ). "هرگاه دیدید که امت من از گفتن "تو ستمگری" به ستمگر بترسد، بدانید که دیگر باید از آنان ناامید شد". (ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۱ ص ۷۲، ش، ح: ۶۵۲۱، و عن أبي بكر الصديق رضي الله عنه قال: قال الرسول صلى الله عليه وسلم (إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدَيْهِ، أَوْشَكَ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابِهِ) "اگر مردم ستمگر را ببینند و مانع ظلم او نشوند، بیم آن می رود که خداوند همه آنان را به کیفر خویش گرفتار کند". (سجستانی، سلیمان (بی تا)، ج ۴، ص ۱۲۲، ش، ح: ۴۳۳۸). بر این اساس، ادای درست این وجیه دینی مستلزم وجود احزاب سیاسی مقتدر و سازمان یافته است، احزابی که بتوانند با اعمال فشار مؤثر بر قدرت حاکمه، آن را به پاسخ گویی و رعایت مسئولیت هایش وادار کنند. در مقابل، اقدام های فردی، هرچند ارزشمند، معمولاً از تأثیرگذاری و کارآمدی کمتری برخوردار است. (کلیبی، یوسف، ۲۰۱۱م). حکم اقامة الأحزاب فی الاسلام، ص: ۱۳۹).

۲- ضرورت نظارت بر قدرت: احزاب سیاسی وسیله ای برای کنترل قدرت، جلوگیری از استبداد و اصلاح عملکرد حکومت به شمار می روند. بر اساس قاعده فقهی «ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب»، اگر انجام یک واجب جز از طریق تشکیل احزاب ممکن نباشد، ایجاد آنها نیز مشروع، بلکه در مواردی لازم خواهد بود.

۳- قیاس با تعدد مذاهب فقهی: همان گونه که اختلاف مذاهب فقهی ناشی از تفاوت در اجتهاد و برداشت از ادله شرعی است و در چارچوب اسلام پذیرفته شده، اختلاف احزاب اسلامی نیز

می‌تواند ناشی از تفاوت در اجتهادهای سیاسی و روش‌های اداره جامعه باشد، مشروط بر آنکه همگی به اصول و ارزش‌های اسلامی پایبند باشند.

۴- مشروط بودن مشروعیت احزاب: مشروعیت تعدد احزاب منوط به آن است که فعالیت آنها در چارچوب شریعت، با هدف اصلاح، خیرخواهی، نظارت بر حکومت و حفظ مصالح امت باشد و از تعصب حزبی، تفرقه و وابستگی به بیگانگان پرهیز کنند. (امین، شفیق الله، ۱۳۹۰ هـ، سال ۱، ش ۱)، جمعان، صباح (بی‌تا) نظرة فقهية في التعددية الحزبية، مجلة الجامعة العراقية، عدد ۴۶ ج ۳)، لاوی احمد، التعددية الحزبية في الدولة الاسلامية، ص ۱۱۶۹ (رساله ماجستر فی الحقوق ۲۰۱۵ م)، (جعبه، عبدالحمید (بی‌تا) الاحزاب فی الاسلام، ص: ۹۶) و تعدد قابل پذیرش تعدد تنوع و تخصص است نه تعدد تنازع و تضاد (صاوی، صلاح، مدى شرعية الانتماء الى الاحزاب و الجماعات الاسلامية ص: ۱۷۱).

ب: مخالفان تعدد احزاب

این گروه ایجاد احزاب سیاسی موازی با دولت و یا در تقابل با دولت سلامی را نه تنها باعث وحدت و هم‌آهنگی در میان مسلمانان نمی‌دانند، بلکه آن را باعث تفرقه، اختلاف، تضعیف مسلمانان تلقی نموده، به این باور اند که اسلام هیچگاه تعدد احزاب سیاسی را - به هر هدف و مقصدی که باشد - در قلمرو دولت اسلامی که شریعت را تطبیق و برای اعلا‌ی کلمه الله کار میکند اجازه نمیدهد (حلیمه، عبدالمنعم مصطفی (بی‌تا)، ص: ۶۵). ایشان برای اثبات نظریه خویش به دلایل ذیل استناد نموده اند:

۳.۱. امر به وحدت و نهی از تفرقه در نصوص قرآن و سنت

نصوص زیادی در قرآن کریم و احادیث نبوی آمده است که به وحدت، همبستگی، همدلی و یکپارچگی میان مسلمانان امر و دستور می‌دهد. و همچنان آن را یک وجیه ی دینی و شرعی قلمداد می‌کند. خداوند می‌فرماید: [وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ] و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آنگاه که شما دشمن (همدیگر) بودید پس خدا میان دل‌هایتان انس و الفت ایجاد کرد، و به نعمت خدا برادر گشتید، و بر لبه گودالی از آتش بودید، پس خداوند

شما را از آن نجات داد، اینگونه خداوند آیات خود را برایتان بیان می کند تا هدایت شوید" [سورة آلِ عِمْرَان: ۱۰۳]

خداوند (جل جلاله) در این آیت مسلمانان را به اتحاد و اتفاق امر و از اختلاف منع نموده، وحدت و هبستگی را یکی از نعمت های بزرگ الهی تلقی می کند. همچنان در دو آیت آتی امت اسلامی را امت واحد و جدا ناپذیر معرفی می نماید و همچنان رابطه میان آنان را رابطه ایمان و عقیده و باورهای دینی قرار میدهد، نه رنگ، نژاد، زبان، قوم، قبیله، سمت و سو و حزب و گروه، چنانچه خداوند (جل جلاله) می فرماید: {إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ} "همانا این است امت شما که امت یگانه ای است، و من پروردگار شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید" [سورة الانبیاء: ۹۲].

و نیز می فرماید: {وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ} "و همانا این است امت شما که امتی یگانه است، و من پروردگار شما هستم، پس تنها از من بهراسید" [سورة المؤمنون: ۵۱].

و نیز در آیت مبارکه دیگری مسلمانان را برادران یکدیگر خوانده اگر نزاعی در میان دو نفر یا دو گروه مسلمان به وجود بیاید گروه سوم شرعا مکلف است تا در میان ایشان آشتی بیاورد؛ و اگر یکی از دو گروه متخاصم از صلح سرباز زد و به جماعت مسلمانان نیوست و خواستار ادامه ی قتال و ایجاد تفرقه و شگاف در صفوف مسلمانان بود، گروه مصلح مکلف است با جماعه مسلمانان یکجا شده در مقابل بغاوت گران بجنگند تا از بغاوت و تفرقه افگنی دست کشیده به صف مومنان بپیوندند. چنانچه خداوند (جل جلاله) می فرماید: {وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَفَقْتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ، إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} «اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر به جنگ پرداختند، میان آنان آشتی برقرار کنید؛ پس اگر یکی از آن دو بر دیگری ستم کرد، با آن گروهی که ستم می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و چون بازگشت، میانشان به عدالت صلح برقرار کنید و دادگری نمایید، که همانا خداوند دادگران را دوست دارد، یقینا مومنان برادر یکدیگر اند، پس در میان دو برادر تان (اگر جنگی واقع شد) صلح کنید تا رحمت کرده شوید" [سورة الحجرات: ۹-۱۰].

اگر یکی از آن دو بر دیگری ستم کرد، با آن گروهی که ستم می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و چون بازگشت، میانشان به عدالت صلح برقرار کنید و دادگری نمایید، که همانا خداوند دادگران را دوست دارد، یقینا مومنان برادر یکدیگر اند، پس در میان دو برادر تان (اگر جنگی واقع شد) صلح کنید تا رحمت کرده شوید" [سورة الحجرات: ۹-۱۰].

توضیح بیشتر آیات فوق را می توان در روایتی که ابو موسی (رضی الله عنه) از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نقل می کند که ایشان فرمودند: (إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا وَشَبَكَ

أَصَابِعُهُ) "مسلمان برای مسلمان مانند، دیواری هست که برخی آن برخی دیگری را تقویت و استوار می نماید" و پیامبر صلی الله علیه وسلم (بگونه مثال) انگشت های دو دستش را محکم در هم کشید، تا چگونگی استحکام و همکاری آنان را نشان دهد" (ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق، ج ۳۲، ص ۳۹۹، ش، ح: ۱۹۶۲۴، بخاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۱۰۳، ش، ح: ۴۸۱).

۳.۲. نهی از تفرقه و اختلاف

همانگونه که آیات و احادیث زیادی در امر به وحدت و همبستگی وارد شده که خود متضمن نهی از اختلاف و افتراق به احزاب و گروه های مختلف و متخاصم در میان امت اسلامی است، آیات و احادیث فراوان دیگری به طور خصوص در باب نهی از اختلاف و تفرقه وارد شده، این امر را گناه، معصیت و مشابهت به مشرکان عنوان نموده، مسلمانان را از آن برحذر میدارد، چنانچه خداوند (جل جلاله) می فرماید: **اٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ وَاَتَّقُوْهُ وَاَقِيْمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ، مِنَ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا دِيْنَهُمْ وَكَانُوْا شِيْعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ** "به سوي خدا برگردید و از او بترسید و نماز را برپا دارید و از زمره مشرکان نباشید، از کسانی که دینشان را بخش بخش کرده و به دسته ها و گروه های گوناگونی تقسیم شدند. هر حزب (گروه) به آنچه که نزد خود دارند خرسندند" [سورة الروم: ۳۱-۳۲].

وهمچنان می فرماید: **وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ تَفَرَّقُوْا وَاخْتَلَفُوْا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاُوْلٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ** "و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از اینکه نشانه های روشن پیش آنها آمد، و برای ایشان عذابی بزرگ است" [سورة آل عمران: ۱۰۵].

و همچنان می فرماید: **اِنَّ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا دِيْنَهُمْ وَكَانُوْا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِيْ شَيْءٍ اِنَّمَا اَمْرُهُمْ اِلَى اللّٰهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَفْعَلُوْنَ** "بی گمان کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و دسته دسته شدند، تو به هیچ وجه از آنان نیستی، و به راستی که کار آنها با خداست، سپس (خداوند) آنان را به آنچه می کردند آگاه می سازد".

وهمچنان می فرماید: **وَلَا يَزَالُوْنَ مُخْتَلِفِيْنَ اِلَّا مَنْ رَّحِمَ رَبُّكَ**. [هود: ۱۱۸] "ولی همواره اختلاف دارند. مگر کسی که خداوند به او رحم کرده باشد". [سورة الانعام: ۱۵۹]

وهمچنان می فرماید: **اِوَاطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ وَلَا تَنَازَعُوْا فَتَفْشَلُوْا وَتَذْهَبَ رِيْحُكُمْ وَاصْبِرُوْا اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ** "و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، و با همدیگر اختلاف نورزید، که در آن صورت در

مانده و ناتوان می‌شوید، و شکوه و هیبت شما از میان می‌رود. و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است" [سورة الأنفال: ۴۶].

آیات فوق هر گونه اختلاف و تفرقه را به شدت نکوهش نموده مسلمانان را از آن بر حذر میدارد که ایجاد و تشکیل احزاب متعدد از این قاعده مستثنی نیست.

و همچنان احادیث زیادی هم از پیامبر (صلی الله علیه و سلم) در این زمینه وارد شده است، در حقیقت آنچه را که قرآن گفته توضیح بیشتر داده برآن تاکید می‌نماید که نمونه‌ی آن را این جا ذکر می‌نماییم:

الف- از معاویه رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) میان ما ایستاد و فرمود: (أَلَا إِنَّ مَنْ قَبْلَكُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ افْتَرَقُوا عَلَى ثَتْنَيْنِ وَسَبْعِينَ مِلَّةً وَإِنَّ هَذِهِ الْمِلَّةَ سَفَتَرَتْ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ ثِتْنَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ وَوَاحِدَةً فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ الْجَمَاعَةُ) "آگاه باشید که قبل از شما اهل کتاب به هفتاد و دو گروه تقسیم شدند و این امت نیز به هفتاد و سه گروه تقسیم می‌شود. هفتاد و دو گروه از آن‌ها در آتش هستند و یک گروه در بهشت است و آن جماعت می‌باشد".

ب - از حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ - رضی الله عنه - رویت است که فرمود: (كَانَ النَّاسُ يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و سلم) عَنِ الْخَيْرِ وَكُنْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ الشَّرِّ مَخَافَةً أَنْ يُدْرِكَنِي، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا كُنَّا فِي جَاهِلِيَّةٍ وَشَرٌّ فَجَاءَنَا اللَّهُ بِهَذَا الْخَيْرِ، فَهَلْ بَعْدَ هَذَا الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ؟ قَالَ: "نَعَمْ". قُلْتُ: وَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الشَّرِّ مِنْ خَيْرٍ؟ قَالَ: "نَعَمْ وَفِيهِ دَخْنٌ". قُلْتُ؟ وَمَا دَخْنُهُ؟ قَالَ: "قَوْمٌ يَهْدُونَ بِغَيْرِ هُدًى، تَعْرِفُ مِنْهُمْ وَتَتَكَبَّرُ". قُلْتُ: فَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ؟ قَالَ: "نَعَمْ دُعَاءٌ إِلَى أَبْوَابِ جَهَنَّمَ مِنْ أَجَابِهِمْ إِلَيْهَا قَدْفَوْهُ فِيهَا". قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، صِفْهُمْ لَنَا، فَقَالَ: "هُمْ مِنْ جِلْدَتِنَا، وَيَتَكَلَّمُونَ بَالْسِنَتِنَا". قُلْتُ: فَمَا تَأْمُرُنِي أَنْ أَدْرِكَنِي ذَلِكَ؟ قَالَ: "تَلَزِمُ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامَهُمْ". قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ جَمَاعَةٌ وَلَا إِمَامٌ؟ قَالَ: "فَاعْتَزِلْ تِلْكَ الْفِرْقَ كُلَّهَا، وَلَوْ أَنْ تَعْصُ بِأَصْلِ شَجَرَةٍ، حَتَّى يُدْرِكَكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ" "مردم از رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) درباره امور خیر می‌پرسیدند، من از بدی‌ها می‌پرسیدم که مبدا گرفتار آن‌ها شوم. بدین جهت گفتم: ای رسول خدا ما در جاهلیت و بدی به سر می‌بردیم. پس خداوند این خیر (اسلام) را به ما عطا کرد. آیا بعد از این خیر، شری هم وجود دارد؟ فرمود: بلی، اما در آن، فساد خواهد بود. پرسیدم: فساد آن چیست؟ فرمود: گروهی، راهی غیر از راه من در پیش می‌گیرند؛ و در کارهایشان، امور خوب و بد می‌بینی". گفتم: آیا بعد از آن خیر، شری خواهد آمد؟ فرمود: "بلی، داعیانی مردم را به سوی دروازه‌های جهنم، فرا می‌خوانند. کسی که آنان

را اجابت کند، او را در آتش می اندازند." گفتیم: ای رسول خدا! آنان را برای ما توصیف کن. فرمود: "آنان از ما هستند و به زبان ما سخن می گویند." گفتیم: اگر آن زمان را دریافتیم، دستور شما چیست؟ فرمود: "با مسلمانان و امیر آنها باش." پرسیدم: اگر مسلمانان، جماعت و رهبری نداشتند، چه کار کنم؟ فرمود: "در آن صورت، از همه آن گروهها، دوری کن. اگر چه خود را ملزم بدانی که زیر یک درخت بمانی و در همان حال، مرگ به سراغت بیاید." (البخاری، ج ۴، ص ۱۹۹، ش، ح: ۳۶۰۶ و نیسابوری، ج ۳، ص ۱۴۷۵، ش، ح: ۱۸۴۷).

ابن بطل رحمہ اللہ در شرح این حدیث می گوید: "وفیه حجة لجماعة الفقهاء فی وجوب لزوم جماعة المسلمين وترك القيام على أئمة الجور، ألا ترى أنه (صلی اللہ علیہ وسلم) وصف أئمة زمان الشر فقال: دعاة على أبواب جهنم من أجابهم إليها قذفوه فيها، فوصفهم بالجور والباطل والخلاف لستهم؛ لأنهم لا

يكونون دعاة على أبواب جهنم إلا وهم على ضلال، ولم يقل فيهم تعرف منهم وتنكر، كما قال في الأولين، وأمر مع ذلك بلزوم جماعة المسلمين وإمامهم، ولم يأمر بتفريق كلمتهم وشق عصاهم. در این حدیث دلیل است برای گروهی از فقهاء بر وجوب التزام گروه مسلمانان و ترک قیام بر علیه فرمان روایان ظالم، آیا نمی بینی آنحضرت فرمان روایان زمان شر را به دعوتگران بر دروازه های جهنم توصیف نموده می گوید: "کسی که دعوت ایشان را بپذیرد او را در جهنم می اندازند" و آنها را به ظلم و باطل و خلاف سنت توصیف نموده، با وجود این به لزوم جماعت مسلمانان و فرمانروای ایشان امر نموده و از تفریق کلمه و شکستن صف آنها پرهیز نمایند" (ابن بطل، ۱۴۲۳ق، ج ۱۰، ص ۳۳) و (عینی، ج ۲۴، ص ۱۹۵، بی تا).

امام ابن حجر می گوید: مراد از محکم گرفتن به دندان، کنایه از اطاعت فرمان روایان شان است اگرچه مرتکب گناه هم شوند. (عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۳۶).

وعن ابن عمر قال: (خطبنا عمر بالجابية فقال: اني قمت فيكم كمقام رسول الله فينا فقال اوصيكم بأصحابي ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم ثم يفسحوا الكذب حتي يحلف الرجل ولايُستحلف ويشهد الرجل ولايُستشهد فمن اراد منكم بحبوة الجنة فيلزم الجماعة فان الشيطان مع الواحد وهو من الاثنين ابعد ألا لا يخلون رجل بامرأة الا كان ثالثهما الشيطان قالها ثلثاً وعليكم بالجماعة فان الشيطان مع الواحد وهو من الاثنين ابعد ألا ومن سرته حسنة وساءته سيئة فهو مؤمن) (از ابن عمر

(رضی الله عنه) روایت است که فرمود: عمر - رضی الله عنه - در منطقه جاییه برای ما سخنرانی نمود فرمود: من در میان شما بلند شده‌ام همانگونه که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) در میان ما بلند شد و فرمود: من شما را در مورد یارانم توصیه می‌کنم (که قدر و جایگاه دینی و علمی شان را بدانید) سپس کسانی که بعد از ایشان می‌ایند (تابعین) و بعد کسانی که از آنها می‌باشند (تبع تابعین) بعد از آن دروغ (در میان مردم) فاش می‌شود حتی این که مرد قسم می‌خورد در حالی که قسم داده نمی‌شود و گواهی می‌دهد در حالی که از وی گواهی خواسته نشده است. پس کسی که وسط بهشت را می‌خواهد باید بودن با جماعت مسلمانان را بر خود لازم بگرداند زیرا شیطان با فرد بوده از دو نفر دور تر است" (ترمذی، ۱۹۹۸م، ج ۴، ص ۴۶۵، ش، ح: ۲۱۶۵).

در واقع اختلاف و تفرقه در میان امت اسلامی عقوبتی است که دامنگیر این امت گردیده‌است همانگونه اتحاد و اتفاق و حدت و برادری از بزرگترین نعمت‌های الهی به حساب می‌آید. (سقاف و مجموعة من الباحثین، ج ۶، ص ۱۶۹، بی، تا).

۳.۳. وجوب اطاعت از امیر مسلمانان و لزوم جماعت مسلمین:

از سوی دیگر آیات و احادیثی که بر لزوم جماعت مسلمانان و اطاعت از امیر مومنان امر می‌کند دلالت بر این دارد که هر امری که باعث ایجاد اختلاف و تفرقه در جامعه‌ی اسلامی گردد شرعاً، ممنوع می‌باشد (رشید رضا، ص ۲۸). خداوند (جل جلاله) می‌فرماید: **وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَعَشَلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ** "خداوند و پیامبرش را اطاعت کنید و اختلاف نکنید که ناکام می‌شوید و قوت شما از بین می‌رود و صبر پیشه کنید، یقیناً الله با صبر کنندگان است" [سورة الأنفال: ۴۶].

و همچنان می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا** "ای کسانی که ایمان آورده‌اید الله را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و اولیای امور تان را، اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به سوی الله و پیامبر برگردانید اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید آن بهتر است و عاقبت نیک خواهد داشت" (سورة النساء: ۵۹). همچنان در این رابطه حدیث گهرباری است: از عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ (رضی الله عنه) روایت است که فرمود: **(دَعَانَا النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَبَايَعَنَا، فَقَالَ فِيمَا أَخَذَ عَلَيْنَا: "أَنْ بَايَعَنَا عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ، فِي مَشْطَنًا وَمَكْرَهَنَا، وَعُسْرِنَا وَيُسْرِنَا، وَأَثَرَةً عَلَيْنَا، وَأَنْ لَا نْتَازعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ، إِلَّا أَنْ تَرَوْا كُفْرًا بَوَاحًا، عِنْدَكُمْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ بُرْهَانٌ).** نبی

اکرم (صلی الله علیه وسلم) ما را طلب کرد و ما با ایشان بیعت کردیم. از جمله اموری که در مورد آنها از ما بیعت گرفت این بود که فرمود: در حالت خوشحالی و نگرانی، سختی و آسانی و ترجیح دیگران بر ما، از ایشان (رسول خدا صلی الله علیه وسلم) اطاعت کنیم. همچنین نباید با والیان و حکام، بخاطر حکومت، درگیر شویم مگر زمانی که کفر آشکاری دیدید و برای آن از جانب خدا، دلیل و برهانی داشتید (در این صورت می توانید مخالفت کنید) (بخاری، ج ۹، ص ۴۷، ش: ۷۰۵۶). و نيسابوری، ج ۳، ص ۱۴۷۰، ش: ۱۷۰۹).

همچنان از ابن عباس (رضی الله عنهما) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: (مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يُفَارِقُ الْجَمَاعَةَ شِرًّا قِيَمُوتُ إِلَّا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً) "هرکس معصیتی را از حاکم اسلامی مشاهده کرد پس آن را ناپسند بداند، بر آن صبر نماید؛ زیرا هیچ احدی به اندازه یك و جب از جماعت مسلمانان جدا نمی گردد جز اینکه اگر بمیرد بر مرگ جاهلیت مرده است". (بخاری، ج ۹، ص ۹۲، ش: ۷۱۴۳). این آیات متبرکه و احادیث گهربار نشان می دهد که یگانه راه حفظ وحدت و اخوت مسلمانان وجود امیر و اطاعت و فرمان برداری از وی است، خصوصا در زمان بروز اختلاف و تفرقه در صف مسلمانان چنانچه در حدیث عَرَبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ (رضی الله عنه) بدان اشاره شده است که فرمود: وَعَظَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَوْعِظَةً وَجَلَّتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ، وَدَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَأَنَّا مَوْعِظَةٌ مُودِعٌ فَأَوْصِنَا. قَالَ: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ، وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ، فَإِنَّهُ مِنْ يَعْشُ مِنْكُمْ فَسِيرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا. فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ تَمَسَّكُوا بِهَا، وَعَصُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ؛ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ فِي النَّارِ) "پیامبر (صلی الله علیه و سلم) ما را پند داد، پند مؤثری که از آن دل ها به لرزه افتاد، و چشم ها از آن اشک ریخت. پس گفتیم: یا رسول الله! گویا این که موعظه خداحافظی است. پس ما را وصیت کن. فرمود: شما را به ترس از خدای عز وجل و شنیدن و اطاعت از امیر توصیه می کنم اگرچه برده ای حبشی بر شما امیر مقرر شود، زیرا هرکس از شما بعد از من بماند اختلاف بسیاری (در میان امت) خواهد دید، پس به سنت من و روش خلفاء راشدین که هدایت یافته گان اند چنگ بزنید، آنها را) سنت من و سنت خلفای راشدین) به دندان محکم بگیرید، و از بدعت ها (راه های تازه در دین)، بپرهیزید؛ زیرا هر راه تازه ای بدعتی است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی عاقبتش آتش است".

۳.۴. عدم وجود پدیده‌ی تعدد احزاب در صدر اسلام

با مطالعه دقیق تاریخ صدر اسلام واضح می‌گردد که پدیده تعدد احزاب سیاسی با مفهوم امروزه نه در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم و نه در عصر خلفای راشدین - که مسلمانان مامور به پیروی از روش و منهج ایشان استند - وجود نداشته است. ساختار سیاسی و اجتماعی مسلمانان در آن زمان بر اصل وحدت امت، تمرکز حاکمیت و اطاعت از رهبری دولت اسلامی استوار بود، نه بر تعدد احزاب و چند پارچگی سیاسی. الله متعال صحابه کرام را من حیث الگوی ایمان و عمل در همه عرصه‌های زندگی معرفی نموده می‌فرماید: { فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا } [سوره بقره: ۱۳۷] پس اگر آنان نیز به مانند آنچه شما (صحابه) ایمان آورده‌اید ایمان آورند، بی‌تردید هدایت یافته‌اند. و همچنان پیامبر (صلی الله علیه و سلم) می‌فرماید: (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي) "بر شما باد پیروی از سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته پس از من". بنا بر این، پدیده‌ی تعدد احزاب در ساختار نظام سیاسی اسلام در آن دوره که الگو و نمونه برای ما است وجود نداشته، در این زمان هم مجاز نیست.

۳.۵. اقوال علما در این مورد:

علمای شریعت و فقهای چیره دست امت اسلامی نیز بر لزوم جماعت مسلمین و حفظ وحدت صف و همبستگی مسلمانان تاکید داشته آن را یکی از وجیه‌های دینی تلقی نموده اند که اقوال برخی از ایشان را من حیث نمونه ذیلا ذکر می‌نماییم:

الف - امام احمد بن حنبل رح می‌گوید: (وَمَنْ خَرَجَ عَلَى إِمَامٍ مِنْ أُمَّةٍ الْمُسْلِمِينَ وَقَدْ كَانُوا اجْتَمَعُوا عَلَيْهِ وَأَقْرَبُوا بِالْخِلَافَةِ بَأْيٍ وَجْهَ كَانَ بِالرِّضَا أَوْ الْغَلْبَةِ فَقَدْ شَقَّ هَذَا الْخَارِجَ عَصَا الْمُسْلِمِينَ وَخَالَفَ الْآثَارَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فَإِنْ مَاتَ الْخَارِجُ عَلَيْهِ مَاتَ مِيتَةُ جَاهِلِيَّةٍ). کسی که بر علیه امامی از ائمه مسلمانان که بر او جمع شدند و به امامت او اعتراف کردند به هر طریقی که باشد، با رضا و یا غلبه، قیام کند، این خارج شونده صف مسلمانان را شکسته و با آثار پیامبر (صلی الله علیه و سلم) مخالفت ورزیده اگر بغاوتگر در حال بغاوت بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است. (ابن حنبل، ۱۴۱۱هـ، ص: ۴۶).

ب - امام جمال الدین الحنفی رح می‌گوید: "طَاعَةُ الْأَئِمَّةِ وَاجِبَةٌ وَهِيَ فَرَضٌ عَيْنٌ مِنْ فُرُوضِ الشَّرْعِ لِأَنَّ الْإِمَامَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُطَاعًا يُؤَدِّي ذَلِكَ إِلَى إِخْلَالِ نِظَامِ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا مِنَ الْفُسَادِ مَا لَا يُحْصَى وَكَذَا طَاعَةُ السُّلَاطِينِ وَالْأُمَرَاءِ وَالْوَلَاةِ وَاجِبَةٌ لِقَوْلِهِ تَعَالَى (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) إِلَّا

فِيمَا يَأْمُرُونَ مِنَ الْمَعَاصِي فَيَحْتَفِظُونَ إِلَّا تُؤْمَرُوا إِلَى الْقِتَالِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْإِنْسَانِ لَا يَعْلَمُ (خليفة يا امير) واجب است و آن فرض عین از فرائض شریعت می باشد. چون عدم اطاعت از حاکم مسلمان منجر به خلل در نظم (امور) دین و دنیا و فسادی بیشمار خواهد شد. همچنان اطاعت از سلاطین و امرا و والیان بدلیل این فرمان الله متعال: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) واجب است، مگر در حالتی که به معصیت امر کنند که در این صورت به کسی که فرمان نبرد گناهی نیست". (حنفی، ۱۴۱۹ - ۱۹۹۸، ص: ۱۹۶).

ج- امام طحاوی - رح می گوید: "ولا نرى الخروج على أئمتنا و ولاية أمورنا، وإن جاروا، ولا ندعو عليهم، ولا ننزع يدا من طاعتهم، ونرى طاعتهم من طاعة الله عز وجل فريضة، ما لم يأمروا بمعصية، وندعو لهم بالصلاح والمعافة، خروج بر علیه حکام و اولیای امور مان را جایز نمی دانیم، گرچه ظلم کنند؛ و بر علیه آنها دعا نمی کنیم و از فرمان و اطاعت شان دست نمی کشیم و اطاعت از ایشان را فرض و اطاعت از الله عز و جل می دانیم تا وقتی که به گناه امر نکنند و برای صلاح و عافیت آنها دعا می کنیم" (طحاوی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۴۰، و عودة، ۱۴۳۵هـ، ج ۱، ص ۱۱۴).

شکی نیست که تشکیل احزاب سیاسی در تقابل با دولت اسلامی با برنامه های خاص، اخذ بیعت از منسوبین حزب و طمع رسیدن به سلطه و قدرت، یکی از عوامل نا فرمانی و عصیان در مقابل اولیای امور است که نتیجه آن دشمنی، کینه، عداوت، جدایی و جنگ و خونریزی می باشد. (سحیمی، ص ۴۰۷، بی، ت). البته این اطاعت و فرمانبرداری از اولیای امور در صورتی لازم است، که اوامر حاکم در مخالفت به اوامر خدا و پیامبرش نباشد، در مواردی که شرعا گناه و معصیت پنداشته شود اطاعت از فرامین امیر جواز ندارد چنانچه رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: (لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق) هیچ فرمان بری از مخلوق در نافرمانی خالق روا نیست " (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۹۹).

۳.۶. وضعیت مشهود و ناهنجار امت اسلامی:

علاوه بر آنچه گذشت و ضعیف المناک امت اسلامی که بعد از شهادت خلیفه راشد عثمان بن عفان (رضی الله عنه) توسط عده ای از خوارج و توطئه گران (سامرائی، ۱۴۲۱ق، ص ۷۴) دچار آن شد و امت متحد، یکپارچه و مقتدر به گروه های متعدد و احزاب گوناگون تقسیم گردید و جنگ- های فراوانی در میان مسلمانان به وقوع پیوست و تا امروز ادامه دارد، بهترین دلیل به بطلان تعدد احزاب در وجود دولت اسلامی مشروع است. زنده ترین مثال برای خطرات ناشی از تعدد احزاب

سیاسی در جامعه اسلامی، وضعیت افغانستان بعد از خروج قشون سرخ و پیروزی مردم دلیر و قهرمان میهن است. همه می‌دانیم که در اثر منازعه و جنگ‌های ذات البینی تنظیم‌ها و احزاب سیاسی جهادی بر سر قدرت و وصول به ارگ، فداکاری و قربانی‌های مردم متدین افغانستان که همه هست- و بود خود را در جهاد برحق علیه قشون سرخ از دست داده، از جان و مال خود در این راه گذشتند و درد و رنج فراوان را متحمل شدند تا بالاخره به پیروزی رسیدند به باد فنا رفت و آرمان و آرزوهای مسلمانان جهان، بویژه مردم مسلمان افغانستان که همانا تشکیل یک حکومت اسلامی ایده آل بر مبنای آموزه‌های دینی و تامین عدالت اجتماعی بود، به یاس و ناامیدی تبدیل شد و خسارات مالی و جانی که مردم در اثر این جنگ‌های خانمان سوز متحمل شدند از جنگ در مقابل روس‌ها و نظام کمونیستی وقت تجاوز نموده و بیشتر بود؛ و این به ذات خود بزرگترین گناه بر بطلان تشکیل احزاب سیاسی در جامعه اسلامی است.

بر عکس حرکت امارت اسلامی که متحدانه تحت قیادت واحد و پرچم واحد فعالیت داشتند، بعد از خروج آمریکا و ناتو از افغانستان و سقوط نظام جمهوریت توانستند امنیت را در سراسر کشور برقرار، از جان و مال مردم حفاظت، و از یک فاجعه بزرگ دیگر (جنگ‌های ذات البینی) در کشور به خوبی جلوگیری نمایند. بنا بر دلایل ذکر شده، هر نوع ساختار سیاسی و تشکیلاتی که باعث ایجاد اختلاف، تفرقه، چند پارچگی، تضعیف قوت مسلمانان شده، زمینه نفوذ و تسلط دشمن را در جامعه اسلامی مهیا سازد، شرعا جواز ندارد. چنانچه امام طحاوی (رحمه الله) می‌فرماید: "وَنَرَى الْجَمَاعَةَ حَقًّا وَصَوَابًا، وَالْفُرْقَةَ زَيًّا وَعَذَابًا، جَمَاعَت (اجتماع زیر یک پرچم) را حق و درست می‌دانیم و تفرقه (حزب‌گرایی و اختلاف) را گمراهی و عذاب" (طحاوی، ۱۴۱۴هـ، ص: ۸۵). زیرا ساختار نظام سیاسی اسلام بر اصل وحدت، اخوت و همبستگی استوار بوده چند پارچگی و تعدد احزاب و تقابل سیاسی را نمی‌پذیرد.

بدیهی است، که نجات امت از این حالت سردرگمی جز به وحدت و همبستگی و تجمع در زیر یک پرچم بر محوریت قرآن و سنت ممکن نیست و نخواهد بود.

۴. مناقشه

بعد از عرض دلائل طرفین به نظر میرسد هیچ یک از دلائل موافقان تعدد احزاب بر مشروعیت کثرت‌گرایی حزبی در وجود دولت اسلامی مشروع دلالت صریح و یا التزامی نداشته استدلال‌های مذکور قابل مناقشه است.

الف: استناد به شعیره امر بالمعروف و نهی عن المنکر برای اثبات مشروعیت احزاب سیاسی درست به نظر نمیرسد؛ چون که ادله امر بالمعروف و نهی عن المنکر بر اصل این فریضه دلالت دارد، نه بر لزوم ایجاد حزب سیاسی برای انجام آن. این وظیفه در اصل بر عهده دولت اسلامی، همه مسلمانان، به ویژه اهل علم بوده و می‌تواند از طریق نهادهای مختلف و بدون تشکیل احزاب نیز انجام شود. بناء، میان وجوب این فریضه و مشروعیت تعدد احزاب ملازمه‌ای وجود ندارد.

ب: استدلال به ضرورت نظارت بر دولت: استناد به قاعده فقهی «ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب» زمانی قابل قبول است که ثابت گردد انجام واجب منحصر در آن وسیله بوده راه دیگری وجود ندارد. در حالی که راه‌های متعددی در شریعت اسلامی برای نظارت بر حاکم و نصیحت او وجود دارد؛ مانند نصیحت، شورا، قضا، امر به معروف و غیره. بنابراین، تشکیل احزاب تنها راه تحقق این وظیفه نیست تا مشمول این قاعده قرار گیرد.

ج: قیاس احزاب بر مذاهب فقهی: قیاس احزاب بر مذاهب فقهی در حقیقت قیاس مع الفارق است؛ زیرا اختلاف مذاهب، اختلاف علمی و اجتهادی در استنباط احکام شرعی است، نه رقابت برای کسب قدرت سیاسی. افزون بر آن، ائمه مذاهب هرگز مردم را به تشکیل احزاب سیاسی و رقابت سازمان‌یافته بر سر حکومت دعوت نکردند. از این رو استدلال احزاب بر مذاهب فقهی غیر مؤوجه به نظر می‌رسد.

د: مشروعیت مشروط احزاب: گرچه طرفداران تعدد احزاب، مشروعیت آن را به رعایت شریعت، حفظ وحدت امت و پرهیز از تعصب مشروط می‌دانند، اما واقعیت تاریخی و تجربه عملی نشان داده است که تحزب غالباً به رقابت، تعصب، تفرقه و تقدم مصالح حزبی بر مصالح امت می‌انجامد، اموری که قرآن و سنت از آنها نهی کرده‌اند؛ بناء، وضع این شروط در تضاد با واقعیت عینی جوامع اسلامی است که استدلال به آن خیلی ضعیف به نظر می‌رسد.

در نتیجه، دلائل موافقان تعدد احزاب بیش‌تر بر مشروعیت همکاری، شورا، امر به معروف، نصیحت حاکمان و تنوع اجتهادها دلالت دارد، نه مشروعیت تعدد احزاب سیاسی. در حالی که دلائل مخالفان تعدد احزاب بر منع تفرقه، حفظ وحدت، اجتماع بر امام واحد، وجوب اطاعت و عدم خروج از صف مسلمانان دلالت صریح و واضح دارد. از اینرو، اصل در نظام سیاسی اسلام، حفظ وحدت امت و اجتماع بر امام واحد است و تأسیس احزاب متعدد، از این که موجب تفرقه و تعصب می‌گردد، با مقاصد شریعت و نصوص دعوت‌کننده به وحدت سازگار نیست. (حلیمه،

عبدالمعظم، (بی، تا) حکم الاسلام فی الديمقراطية والتعددية الحزبية، ص: ۷۲). بنا بر آنچه گذشت قول بر عدم جواز تعدد احزاب در قلمرو دولت اسلامی از حیث دلیل و مستند قوی تر به نظر می-رسد.

۵. نتیجه گیری

بررسی آیات متبرکه نشان می دهد که واژه حزب و احزاب به اشکال مختلف و مدلولات متفاوت، هژده بار در قرآن کریم به کار برده شده است. از این میان، ده بار به صیغه جمع در مقام مذمت گروه گرایی و تفرقه می باشد. از مفهوم کلی این موارد چنین برمی آید که قرآن کریم هرگونه گروه گرایی مبتنی بر تفرقه و اختلاف را که باعث از بین رفتن وحدت امت شود مورد نکوهش قرار داده است. همچنان بعد از بررسی نظریات و آرای علمای معاصر و عرض دلائل آنها، به نظر میرسد دلائل مخالفان تعدد احزاب افزون بر آن آیات متبرکه و احادیث گهر بار پیامبر (صلی الله علیه و سلم) با مدلول وجوب حفظ وحدت و همبستگی، نهی از اختلاف و تفرقه و تحزب، الزامیت اطاعت و فرمانبرداری از امیر مسلمانان، عدم خروج از صف واحد مومنان و لزوم جماعت مسلمانان وارد شده، قوی تر و صریح تر است که نشان میدهد ایجاد و تشکیل احزاب سیاسی که دارای اهداف، برنامه ها و مبادی خاص، باتشکیلات منظم (جدا از تشکیلات حکومت) و در مخالفت با حکومت اسلامی مشروع - چه به سطح جهان و یا هم در محدوده کشورهای اسلامی با جغرافیه های معروف امروزه - برای رسیدن به قدرت سیاسی مبارزه نموده، وحدت و همبستگی مسلمانان را از بین برده، صف واحد آنها را از هم پاشیده و منجر به اختلاف و چند پارچگی و تحزب و فرقه گرایی در میان مسلمانان شود، با اصول و اهداف نظام سیاسی اسلام سازگار نیست.

همچنان اقوال علمای سلف و استنباطات ایشان از نصوص یاد شده بیانگر عدم جواز فرقه گرایی و خروج از صف واحد مسلمانان است. زیرا وحدت امت و جلوگیری از عوامل چندپارچگی، یکی از مقاصد اصلی در نظام سیاسی اسلام شمرده شده است تا قدرت و توانای مسلمانان در مقابل دشمنان اسلام تضمین گردد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم؛

الف: کتب

ابن حنبل، أحمد. (۱۴۲۱ هـ) المسند، مؤسسة الرسالة؛

ابن بطلال، علي. (۱۴۲۳ هـ). شرح صحيح البخارى. سعودى: رياض: مكتبة الرشد؛

ابن أبي العز، محمد. (۱۴۱۷ هـ). شرح العقيدة الطحاوية. بيروت: مؤسسة الرسالة؛

ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ هـ). لسان العرب. بيروت: دار صادر؛

أبياري، إبراهيم. (۱۴۰۵ هـ). الموسوعة القرآنية: مؤسسة سجل العرب؛

بخاري، محمد. (۱۴۲۲ هـ). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله (صلى الله عليه

وسلم وسننه وأيامه. دار طوق النجاة؛

بكر، عبدالله. (۲۰۰۶ م). حكم الانتماء الى الفرق و الاحزاب و الجماعات الاسلاميه: دار الحرمين

للطباعة؛

ترمذي، محمد. (۱۹۹۸ م). سنن الترمذي. بيروت: دار الغرب الإسلامي؛

جعبه، عبدالحميد. (بی تا). الاحزاب فى الاسلام؛

حليمه، عبدالمنعم. (بی تا). ص: ۶۵). حكم الاسلام فى الديمقراطية و التعددية الحزبية؛

حنفي، جمال الدين. (۱۴۱۹). كتاب اصول الدين. بيروت: دار البشائر الإسلامية؛

رشيد رضا، محمد. (بی تا). الخلافة. القاهرة: الزهراء للاعلام العربي؛

سامرائی، نعمان. (۱۴۲۱ هـ). النظام السياسى فى الاسلام. بی. جا.؛

سحيمي، صالح و ديگران. (بی تا). اصول عقايد اهل سنت در پرتو كتاب و سنت ب، جا؛

سجستانی، سليمان. (بی تا). سنن ابى داود. بيروت - صيدا- المكتبة العصرية.

سقاف، علوي و مجموعة من الباحثين. (۱۴۳۳ هـ). موسوعة الفرق المنتسبة للإسلام: موقع الدرر

السنية على الإنترنت dorar.net.

صاوى، صلاح. (بی تا). مدى شرعية الانتماء الى الاحزاب و الجماعات؛

عسقلانی، أحمد. (۱۳۷۹). فتح الباري شرح صحيح البخاري. بيروت: دار المعرفة.؛

عینی، بدر الدين. (ب تا). عمدة القاري شرح صحيح البخاري. بيروت: دار إحياء التراث العربي؛

- عواجی، غالب. (۱۴۲۲ هـ). فرق معاصرة تنتسب إلى الإسلام وبيان موقف الإسلام منها. جدة: المكتبة العصرية الذهبية للطباعة و النشر و التسويق؛
- فیروزآبادی، محمد. (۱۴۲۶ هـ). القاموس المحيط. بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع؛
- قاسمی. محمد (۱۴۱۸ هـ). محاسن التأویل، بیروت: دار الکتب العلمیه؛
- کاسانی، علاء الدین. (۱۴۰۶ هـ). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع: دار الکتب العلمیه؛
- کافی، اسماعیل وعیسی. التعددیه السیاسیه فی الفکر الاسلامی؛
- کرمی، احمد. (۱۴۲۷ هـ). الاداره فی عصر الرسول (صلی الله علیه وسلم) القاهره: دارالسلام؛
- کلیبی، یوسف. (۲۰۱۱ م). حکم اقامه الأحزاب فی الاسلام؛
- لاوی، احمد، (بی، تا). التعددیه الحزبیه فی الدوله الاسلامیه؛
- ماوردي، علي. (ب.ت) الأحكام السلطانية، القاهرة: دار الحديث؛
- مبارکپوری، صفی الرحمن. (۱۴۳۳ هـ) الأحزاب السیاسیه فی الاسلام: دار المؤمنین للنشر و التوزیع؛
- نیسابوری، مسلم. (۱۹۹۸ م) المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، بیروت: دار إحياء التراث العربی؛
- ب: مقالات
- امین، شفیق الله. (۱۳۹۰ هـ ش). سال ۱، ش ۱)؛
- جمعان، صباح. نظرة فقهیه فی التعددیه السیاسیه. مجله الجامعه العراقیه، العدد (۴۶ ج ۳)

بررسی تطبیقی آزادی بیان در قرآن عظیم الشان و اعلامیه جهانی

حقوق بشر

نویسنده: محمد اسماعیل احمدی

پوهنځی حقوق، پوهنتون زاول، کابل، افغانستان

نشانی برقی: M.asmaelahmadi@gmail.com

چکیده

امروزه نقش و حضور رسانه های آزاد و رسالت مند در مسیر تغییر و تحول اندیشه های فردی، خرد جمعی و فرهنگی ملت ها و حتی در ظهور و زوال قدرت های سیاسی و اقتصادی برای همگان امری پذیرفته شده و انکارنا پذیر تلقی میشود. آزادی بیان و رسانه یکی از ضرورت ها و نیازهای اجتناب ناپذیر در دنیای سنتی و مدرن و همچنان حقی از حقوق مسلم انسان شناخته شده است. با عنایت به همین احتیاج قرآن کریم در آیات متبرکه که زیادی به گونه های مختلف و مناسبت های جداگانه آزادی بیان را برای انسان به عنوان حقی از حقوق انسان به رسمیت شناخته است. آزادی بیان در همه ی اسناد و میثاق های بین المللی و بویژه در متن اعلامیه ی جهانی حقوق بشر نیز به عنوان حق انسانی معرفی شده است. از منظر اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی هیچ کسی حق ندارد که انسانی را از این حق ذاتی و قراردادی منع و محروم کند. ماده ی ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۹ میثاق حقوق سیاسی و مدنی سازمان ملل، همگان را مکلف میدارد که از حق آزادی بیان پاس داری نمایند. قرآن کریم و اعلامیه جهانی حقوق بشر قید و بندهایی را در نظر گرفته اند که گاهی آزادی بیان را بخاطر حفظ منافع و مصالح اجتماعی، اخلاقی و ملاحظات امنیتی و دلایل مؤجه دیگر محدود و مقید می کنند.

اصطلاحات کلیدی: آزادی، آزادی بیان، اعلامیه ی جهانی، حقوق بشر، رسانه، قرآن.

A Comparative Analysis of Freedom of Expression in the Holy Qur'an and the Universal Declaration of Human Rights

Author: Mohammad Ismail Ahmadi

Faculty of Law, Zawul University, Kabul, Afghanistan

Email: M.asmaeelahmadi@gmail.com

Abstract

Today, the role and presence of free and responsible media in shaping individual thought, collective wisdom, and the culture of nations—as well as in the rise and decline of political and economic powers—are widely recognized and considered undeniable. Freedom of expression and freedom of the media are among the essential and indispensable requirements of both traditional and modern societies and are universally acknowledged as fundamental human rights. In recognition of this vital necessity, the Holy Qur'an affirms freedom of expression in numerous verses, through various forms and contexts, as one of the inherent rights of human beings. Likewise, freedom of expression is recognized as a fundamental human right in all major international instruments and conventions, particularly in the Universal Declaration of Human Rights. According to both the Universal Declaration of Human Rights and the Cairo Declaration on Human Rights in Islam, no individual may be deprived of this inherent and legally recognized right. Article 19 of the Universal Declaration of Human Rights and Article 19 of the International Covenant on Civil and Political Rights obligate all states and individuals to respect and protect the right to freedom of expression. Nevertheless, both the Holy Qur'an and the Universal Declaration of Human Rights recognize certain limitations on this right. In specific circumstances, freedom of expression may be restricted in order to safeguard public interests, social morality, national security, and other legitimate considerations.

Keywords: Freedom, Freedom of Expression, Universal Declaration of Human Rights, Human Rights, Media, Holy Qur'an.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین، والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء والمرسلین محمد و علی آله و أصحابه أجمعین.

مبهرن است که رسانه‌ها رکنی از ارکان اساسی و مهم در تحولات اجتماعی، انقلاب‌های فرهنگی و سیاسی در زندگی امروز، اثر گذاشته است و بگونه‌ای که قوه چهارم نظام‌ها و دولت‌های مدرن خوانده شده است. شخصیت‌ها، سازمان‌های سیاسی، بنگاه‌های اقتصادی، تجارتی و سایر نهادهای اجتماعی در کشورها و جوامع مختلف برای توسعه و پیشرفت‌های خود در عرصه‌های مختلف کاری و برنامه‌ها، ناگزیراند که به رسانه‌ها متوسل شوند و از آنها استفاده نمایند. امروز هیچ مورد از زاویه رسانه‌های حقیقت جو کتمان نمی‌ماند؛ و خدمت و خیانت‌های دولت‌ها، سازمان‌ها و شخصیت‌ها توسط کار، فعالیت‌های مسلکی و شگردهای رسانه‌های بیدار به نحو مستمر به مردم ابلاغ و اطلاع رسانی می‌گردد و مردم هم در پرتو اطلاعات رسانه‌ها در امر نظارت از کار دولت‌ها و سازمانها نقش ایفاء می‌کنند. چند سال قبل در شکل‌گیری موج مردمی بهار عربی در خاورمیانه و همچنان ظهور و افول بیماری کرونا در سطح جهان نسبت به هر ابزار دیگر رسانه‌های محلی و بین‌المللی نقش بارزی داشت.

چیزی که رسانه‌ها را تقویت می‌کند آزادی بیان و عدم دخالت جهت‌ها و سازمان‌ها در کار رسانه‌ای است. سانسور و اعمال محدودیت‌ها است که سرشت و سرنوشت رسانه‌ها را مختل و حتی نقش آنها را تقلیل می‌دهد. کار رسانه وقتی سودمند و تأثیرگذار تلقی می‌گردد که اصل آزادی بیان و رسانه از سوی دولت‌ها و سازمان‌ها رعایت شود؛ و ارزش اساسی کار رسانه بستگی به آزادی بیان است. اگر آزادی بیان وجود نداشته باشد فعالیت رسانه‌ها کاملاً منفعل است. به همین خاطر آزادی بیان در طول تاریخ بشر یکی از دغدغه‌های کلان انسان در جهان و بویژه برای عالمان، متفکران، نویسندگان، محققان، شاعران، سخنگویان، سیاست‌مداران، حاکمان و مصلحان اجتماعی و حتی پیامبران الهی بوده است. آزادی بیان و گفتار یکی از مهمترین، پیچیده‌ترین و فراگیرترین انواع آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به حساب می‌آید. آزادی بیان علی‌رغم اینکه خودش، از جایگاه

رفیع و ارزشمند برخوردار است، خیلی ها فراگیر و جامع است؛ با دیگر اقسام و انواع آزادی های فردی و اجتماعی نیز در ارتباط کامل است.

پرسش اصلی تحقیق حاضر این است: آزادی بیان و رسانه از دیدگاه قرآن و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل چیست و حدود و ثغور آزادی بیان در قرآن و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر چگونه است؟

روش گردآوری اطلاعات و داده ها در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای با بهره‌مندی از کتابخانه و منابع الکترونیکی است. روش تحقیق تلفیقی از روش تحلیلی - توصیفی است، چون روش تحلیلی یا توصیفی به صورت جداگانه نمی توانند هدف این تحقیق را برآورده سازند؛ نویسنده کار خود را بر مبنای هر دو روش تحلیلی - توصیفی بنانهاده است. در گذشته آثار مستقلی در این خصوص وجود نداشته و بحث آزادی بیان تنها به صورت جسته و گریخته و نا منظم، در زیر مجموعه مباحث کلی آزادی مطرح شده است. این تحقیق تلاش می‌ورزد که با تمرکز ویژه بر این موضوع، ابعاد مختلف آن را به بحث و بررسی بگیرد.

۲. تعریف آزادی بیان

۲.۱. تعریف آزادی: برخی از نویسندگان در باره ریشه آزادی نگاشته اند که (Freedom) از واژه "اوپستایی" آزاته "و یا واژه پهلوی "آزاتیه" گرفته شده اند. (حائر، ۱۳۷۴: ۹) برخی دیگر معتقدند واژه "آزات" بمعنای آزاد، در برخی از اسناد آرامی سده پنجم پیش از میلاد مصر راجع به آزادی یک زن برده بکار رفته است. (همان) واژه آزادی در معانی چون عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیّت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، رهایی، خلاص، آزاد مردی، شادی، خرمی، خشنودی و رضا به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۷۷/۱) "فرهنگ عمید، آزادی را چنین معنا کرده است: آزاد بودن، رهایی، ضد بندگی، رها، یله، رسته و راسته، بی قید و بند" (عمید، ۱۳۶۴: ۱). حرف آ. تحت مالکیت کسی نبودن، فراغت و آسوده خاطر بودن. (انوری، ۱۳۸۲: ۳۱/۱). "آزادی بمعنای اختیار" در برابر "جبر" است. (بابائی،

۱۳۰۶: ۸/۱). بنابراین گزارش ها و نگاشته ها در گذشته ها، آزادی در زبان پارسی در معنای رهایی و ضد بردگی و بندگی انسان به کار گرفته شده است.

آنچه که بیان آن رفت، منوط به معنای لغوی آزادی است. ولی آزادی در فرهنگ اصطلاحات سیاسی، حوزه های فکری و مجال های انسان شناختی در معانی و تعاریف مختلفی دلالت می کند.

با توجه به تناسب و تعامل متقابل میان این دال ها و مدلول ها، با واژه عربی (حریت) قرین و جلیس و هم معنا گزارش گردیده است. "آزادی عبارت از این است که انسان حق داشته باشد هرکاری را که قانون اجازه داده و می دهد انجام دهد و آنچه که قانون منع کرده و صلاح او نیست مجبوره انجام آن نگیرد". (منتسکیو، ۱۳۷۰: ۱/ ۳۹۴). "آزادی عبارت ازحقی است به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی های طبیعی و خدا دادی خود را به کار اندازند، مشروط برآنکه آسیب یا زیانی به دیگران وارد نسازند." (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۱۱). "در وسیعترین معانی کلمه حالتی است که درآن چیزی محدود وابسته چیزهای دیگری نباشد بتوانند در فضا جابه جا شود و درمورد انسان حالتی است که در آن "اراده" شخصی برای رسیدن به مقصود خویش به مانعی برخورد نکند." (آشوری، ۱۳۰۳: ۲۰).

"آزادی عبارت از امکان انجام هر امری است که موجب ضرر به دیگران نشود، بدین ترتیب حدود اعمال طبیعی برای هرفرد، همان حدود تمتع ازهمین حقوق برای سایر اعضای جمعیت است. فقط قانون است که این حدود را مشخص می کند. (پاکینه، ۱۳۳۲: ۲۴۲). "منظور از آزادی آن است که در برابر هرکاری که انسان طبق قانون طبعی میخواهد انجام دهد، بدون ضرورت، ممانعتی وجود نداشته باشد، یعنی مانعی برسر راه آزادی طبعی نباشد، مگر آنچه برای خیرجامعه ودولت ضرورت دارد." (محمودی، سیدعلی، نظریه آزادی درفلسفه سیاسی هابز وجان لاک، ۱۵). "آزادی عبارت از آن است که انسان مجبور به اطاعت از اراده انسان دیگری نباشد. آزادی یک فرد، تا آنجا که بتواند با آزادی دیگران برحسب یک قانون همزیستی داشته باشد، تنها حق اصیل و مادر زادی است که هرانسان به مقتضای انسان بودن از آن برخوردار است." (موحد، ۱۳۸۱: ۱۸۷). " مؤلفه می توان آزادی را این گونه تعریف کرد: آزادی فرد یا افراد ازقید فرد یا افراد دیگر برای انجام دادن کار و رفتاری خاص." (بیات، ۱۳۸۱: ۱۰). طباطبائی درتفسیر المیزان درتعریف آزادی چنین آورده است: "آدمی در تمام اعمال و اراده های خود، از قید عبودیت و بندگی غیر خدا، آزاد است و این اگر چه جمله کوتاهی است، ولی از نظر معنی فوق العاده وسیع و دامنه دار است." (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۱۲۴/۴). و همچنین برخی "فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان دانسته اند." (برلین، ۱۳۶۸: ۲۳۶) "آزادی عبارت است از سلب مانع ترقی و تکامل." (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۳۱/۱). مصباح یزدی که یکی از علماء معاصر ایران است، درتعریف آزادی به این نظر است که باتوجه به این که برداشت

ها و گرایشها و بینش ها و جاذبه های که آزادی دارد، شماری در معنا و مفهوم آن دچار " مغالطه در اشتراک لفظی " شده اند.

از آنچه که بیان شد، چنین برمی آید که آزادی عبارت از مجموعه ی کردارها و گفتارهایی است که هرگاه در یک روند عملیاتی قرار گیرند، به دیگری زیان و ضرر نه رسد. یعنی انسان تا وقتی آزاد است که به دیگری ضرر نرساند و در نتیجه انجام اعمال، رفتار و گفتار او شخصیت حقیقی و حقوقی متضرر نگردد. این گفته در حقیقت در برگرفته همه گفته ها و تعریف هایی است که تاکنون از آزادی ارائه گردیده است.

۲۰۱. **تعریف بیان:** بیان از لحاظ لغوی در فرهنگ عمید بمعنای فصاحت و زبان آوردی و سخن آشکار و فصیح، شرح و تعبیر آمده است. (عمید، ۲۵۳، حرف ب). بیان عبارت است از بروز و تبلور اندیشه ها، تفکرات و عقاید اشخاص به هر شکل ممکن. اینگونه تبلور مکنونات ذهنی انسان می تواند به شکل نوشتن، هنر، سخنرانی کردن و ... تجلی یابد. (برندگی، بی تا، ۵).

مصادق های دیگر آزادی بیان و رسانه ها در قانون رسانه های همگانی افغانستان اظهار فکر، احساس، انعکاس حقایق توسط گفتار، نوشته، رسم، تصویر، ثبت روی نوار، تمثیل، حرکت و سایر پدیده های علمی، ادبی، هنری و طبع و نشر، خوانده شده است. (قانون رسانه های همگانی، ۱۳۹۰: ماده ۲- بند ۴). آزادی دارای سه مؤلفه اساسی است که مفهوم آن را تشکیل میدهد: ۱- فاعل، آزادی چه کسی؟ ۲- مانع، آزادی از چه چیزی و یا چه کسی؟ ۳- هدف، آزادی برای چه هدفی؟ با توجه به این سه "رها بودن از قید و بند، نبودن مانع و مزاحم برای انجام کاری، اسیر و زندانی نبودن، رهایی و خلاصی، حق اقدام و انتخاب بدون فشار و دخالت دیگران، وارستگی و ترک علایق، برده و بنده نبودن، بنابراین آزادی بیان عبارت است از مجموعه ی گفتار، نوشتار و بروز احساسات، اندیشه ها و اظهارات در رسانه های دیداری، شنیداری و نوشتاری است که دیگران از بابت نشر، پخش و اشاعه ی آن ضرر و زیانی را متقبل نشوند.

۳. آزادی بیان در قرآن

قرآن کریم به عنوان متن مستند وحی الهی و یگانه منشور تحریف ناپذیر خداوند متعال برای مسلمانان در طی آیات متعددی به اشکال مختلف به مسئله ی آزادی بیان پرداخته است؛ و اصل آزادی بیان را به حیث یکی از حقوق سیاسی و اجتماعی انسان، مشروعیت بخشیده است. قرآن کریم به صورت کلی و عمومی اقوال و سخنان کافران، معاندان و مخالفان خودش را با کمال امانتداری و بدون کم

و کاست نقل و بیان می کند. فرعون در قرآنکریم شخصی طاغوت، طغیانگر و سرکش معرفی شده است که ادعای خدایی کرده بود و خودش را خدای مردم خوانده بود؛ اما خداوند متعال در قرآنکریم در مقام حکایت از مدعای هیچ و پوچ فرعون اقوال او را همان گونه که بیان کرده بود، بازگو کرده است و چنین میگوید:

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ. القصص: ۳۸

"فرعون گفت ای بزرگان قوم من جز خویشتن برای شما خدایی نمی شناسم پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز، شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم و من جدا او را از دروغگویان می پندارم."

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى. النازعات: ۲۴

"و گفت پروردگار بزرگتر شما منم."

قرآن کریم در آیت دیگری آن تهمت ها و برجسپ هایی را که منافقان و مشرکان به حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم نسبت میدادند، چنین بیان کرده است: وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ. الحجرات- ۶

"و گفتند ای کسی که قرآن بر او نازل شده است به یقین تو دیوانه ای."

قرآن به صورت تلویحی و ضمنی به ما می آموزاند که از نقل سخنان مخالفان هرچند که نادرست هم بوده باشد، ابا نداشته باشیم و اقوال آنان را به دیگران نقل و انتقال بدهیم و در صورت ضرورت آن را نشر و تشریکیم تا همگان در پرتو خرد، اندیشه و موهبت آزادی بیان به نادرستی آن پی ببرند. از سوی دیگر قرآنکریم مسلمانان را به تفکر، تعقل و خرد روزی فرا می خواند و از هرنوع تقلید برحذر میدارد؛ چون آزادی بیان محصول عقل و اندیشه انسان است و زمینه را برای رشد و شکوفایی علمی و فرهنگی فراهم می کند و معرفت و روشنایی پدید می آورد؛ اما تقلیدهای کور کورانه، در واقعیت امر قفل سنگینی بر فکر، عقل و آزادی های انسانی می نهد:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ. البقرة- ۱۷۰

"و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گر چه آن پدران بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟"

شورا در قرآن کریم در حقیقت جولانگاه به نمایش گذاشتن آزادی های سیاسی و اجتماعی و زمینه ساز تضارب آراء، نظریات و تنوع برداشت ها در جامعه است. شورا محوری و شورا سالاری است که باعث شکل گیری کثرت گرایی سیاسی و ایجاد دیدگاه های سیاسی در جامعه و سرانجام رسیدن وارج نهادن به حقوق و آزادی های سیاسی، اجتماعی و مدنی همه شهروندان می گردد و اگر شورا نباشد، جای آن را استبداد سیاسی و سرکوب آزادی ها و فضای تک رآئی پر خواهد کرد.

شورا به معنای اطلاع یافتن از رأی آگاهان امور و خبره گان و از طریق آن رسیدن به راه و رأی حق و صواب است. قرآن کریم شوری را که تضمین کننده آزادی بیان است، در کنار پذیرش و استجابت فرمان خداوند و اقامه نماز توسط مؤمنان ذکر نموده است: **وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ**. الشوری- ۳۸

"و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میان شان مشورت است و از آنچه روزی شان داده ایم اتفاق می کنند."

شورا و نظرخواهی در صورتی ممکن است که آزادی بیان اندیشه ها و ابراز دیدگاه های متفاوت و حتی مخالف، مد نظر گرفته شود. اگر آزادی بیان و ارائه اندیشه های مختلف در جامعه وجود نداشته باشد، استبداد، تک صدایی و در یک کلام فرعونی گری حاکم می گردد:

قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ. غافر - ۲۹

"فرعون باز گفت: جز آن که رأی (به قتل موسی) دادم رأی دیگر نمی دهم (و جز این صلاح نمی دانم) و شما را جز به راه صواب دلالت نمی کنم."

آزادی تحقیقات علمی بی طرفانه در قرآن کریم نیز در آیات مختلف بیان گردیده است که این امر خودش از یک طرف باعث شکل گیری جامعه علمی و غنای دانش بشری شده و از سوی دیگر سبب تقویت، نضج و پختگی عقل و اندیشه انسان می گردد و این آزادی علم و بیانی است که خداوند مسلمانان را به توسل جستن به آن مکلف و مأمور کرده است:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ. العنكبوت - ۲۰

"بگو، در زمین سیر کنید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است. سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می کند، خداوند بر هر چیز قادر است."

قرآن کریم درجایی به ارزش این مهم این گونه اشاره می کند: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (الابراهيم-۴)

"(ای محمد!) ما هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر این که به زبان قوم خودش (متکلم بوده است) تا برای آنان (احکام الهی را) روشن سازد (و حقایق را تبیین و تفهیم کند). سپس خداوند هرکس را که گمراه ساخته است و هرکس را که رهنمود ساخته است. و او چیره دارای حکمت است."

ابن کثیر در تفسیر این آیه گفته است که "پیامبران الهی بخاطر بیان اهداف و مرام خود، به زبان رایج مردم فرستاده شده اند." (ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۲۰: ۴/۴۷۷).

رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد چنین فرموده اند: لَمْ يَبْعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا بِلُغَةٍ قَوْمِهِ. (المنفى الهندی، ۱۴۰۱هـ: ۱۱/۴۷۴).

"هیچ پیامبری را خداوند نفرستاده است، مگر این که رسالتش را به قوم خود بیان کرده است."

فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ.

الزمر-۱۷

"بشارت ده به آن بندگان که من به سخن گوش فرا می دهند و از بهترین آن پیروی می کنند. اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان."

يَسْتَمِعُونَ یعنی نقادی می کنند. سبک و سنگین می کنند، ارزیابی می کنند، آنی که بهتر است انتخاب می کنند و از آن بهتر انتخاب شده پیروی می نمایند. یکی از بارزترین صفات عقل برای انسان همین تمیز و جداکردن است؛ جدا کردن سخن راست از دروغ، سخن ضعیف از سخن قوی، سخن منطقی از غیر منطقی. خلاصه این که عقل باید غربالگر. (مطهری، ۱۳۸۲: ۳۰).

فرق بین سماع و استعما این است که سماع شنیدن و استعما گوش فرادادن و دقت کردن در آن است. اتباع از سخن احسن و خوب و راست، قوی و ثابت، محکم و منطقی و سره از ناسره است. زمانی ممکن است که استماع یا گوش فرادادن دقیق و عمیق صورت گرفته باشد. استماع همگام میسر است که فضای مناسب برای گفتمان و تبادل نظرراه افتاده باشد و دیدگاهها و نظریات هرکس به صورت آزادانه و بدون سانسور از طریق گفتار، نوشتار، نقاشی و رسامی و از طریق رسانه های دیداری، شنیداری و چاپی به نشر و به سمع صاحب عقل و خرد رسانیده شود که بعدا مورد مذاقه و

سنجش قراربگیرد و غربال شود که سخن خوب از خراب، درست از نادرست، منطقی از غیر منطقی، محکم از سست جدا و تمیز شود. آزادی بیان در اندیشه اسلامی بهترین جهاد خوانده شده است؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: **أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ حَقٍّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ**. (سجستانی، ۱۳۹۷، شماره: ۴۷۸۴).

"بهترین جهاد اظهار سخن حق در مقابل قدرتمند ستمگر است."

قرآنکریم در آیت دیگری آزادی بیان را تحت عناوینی چون: گفتگوی حکیمانه، موعظه حسنه و جدال احسن بیان کرده است: **ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ**. النحل-۱۲۵

"(ای رسول ما خلق را) به حکمت (و برهان) و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن (وظیفه تو بیش از این نیست) که البته خدای تو (عاقبت حال) کسانی را که از راه او گمراه شده و آنان را که هدایت یافته‌اند بهتر می‌داند."

با در نظر داشت مفهوم آیات فوق، می‌توان ادعا کرد که آزادی بیان در قرآنکریم به گونه‌های مستقیم و گاهی هم غیر مستقیم، بیان گردیده است. بنا براین بر مسلمان ضروری است که الزامات آزادی بیان مد نظر قرآنکریم را تحت هر نوع شرایط در نظر گیرد و به آن عمل کند. بنا براین می‌طلبد که در افغانستان با در نظر داشت اصول و احکام شریعت اسلامی در زمینه عمل صورت گیرد که از یک طرف به ارزش‌های اسلامی پابندی به عمل آید و از سوی دیگر اصل آزادی بیان که قرآنکریم بدان اشاره نموده است، از هر نوع نقض و تعرض محفوظ و مصئون باقی بماند. یعنی ما آزادی بیان را در مطابقت و هماهنگی با احکام شریعت اسلامی و دیدگاه قرآنکریم منظور نظر داریم نه خارج از چهار چوب آن.

۳.۱. شروط و قیود آزادی بیان در قرآن

سؤال اصلی در این باب این است که آیا آزادی بیان و گفتار دارای اصول و قواعد است که بر اساس آن باید رفتار کرد و یا این که تابع هیچ قیود و شروطی خاصی نیست و هر کسی هر گونه که دلش بخواهد، باید سخن بگوید و داشته‌های خود را مطابق به میل و هوای خود، به دیگران ابلاغ نماید و تابع هیچ قاعده و حدودی در بیان و گفتار خود نباشد؟ آزادی بیان در تفکر قرآن به صورت افسار گسیخته و غیر عقلانی آن که در برخی از جوامع غربی است، نیست؛ چون اسلام به عنوان دینی که زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را تحت پوشش اصول و قوانین خودش، قرار داده است، از

مسلمانان می‌طلبند که سخن راست و درست بگویند. مقتضای آزادی بیان در اندیشه اسلامی نیز همین است. اگر کسی، به بهانه آزادی بیان، دیگری را در انتظار عمومی توهین، تحقیر و حتک حرمت کند و فحش و ناسزا بگوید، به مقدسات و ارزش‌های دینی و ملی اهانت کند، نباید آن را آزادی بیان تلقی کرد. در هیچ دین، قانون، آیین، اصول و مقرراتی اهانت به دیگران مؤجبه و معقول و مقبول نیست. آزادی بیان و یا رسانه باید اصول و قواعد شریعت اسلامی را نقض نکند و نادیده انگاشتن احکام شریعت اسلامی به معنای این است که آزادی مطبوعات و رسانه به صورت قانونمند و ارزشگرادر حال اجرا نیست. برای آزادی بیان نیز شرایطی در نظر است که مطابق بدان باید رفتار، رفتار و نشرات صورت گیرد. آزادی بیان و اظهارنظر به صورت مطلق وجود ندارد، آزادی بیان و نظر مقید و محدود شده است به مصلحت عمومی جامعه و مردم که از لحاظ شرعی آزادی بیان سه شرط اساسی دارد:

الف- قصد گوینده سخن و اظهار کننده نظر نصیحت خالص و خیرخواهی برای مصلحت و منفعت جامعه بوده باشد، چنانچه در یک حدیث رسول (ص) فرموده اند:

الدِّينُ النَّصِيحَةُ. ثَلَاثٌ مَرَّاتٍ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَنْ؟ قَالَ: لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ. أَوْ قَالَ: لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ. (النیشابور، بی تا شماره ۹۵).

"دین، نصیحت و خیرخواهی است. عرض کردیم: نصیحت و خیرخواهی برای چه کسی؟ فرمود: برای خدا، برای کتاب او، برای پیامبر او، برای پیشوایان مسلمانان و برای توده آنها."

ب- نظر و بیان به گونه مسلم باشد که در امور و تصرفات حاکمان ابراز گردد، نه بر محور افراد خاص.

ج- اظهار نظر و بیان منافی اخلاقی اسلامی نباشد. پس کسی این حق را ندارد که به بهانه آزادی بیان به عرض و حریم خصوصی دیگران وارد شود و یا مردم را دشنام دهد و یا عیب‌های آن‌ها را به رخ دیگران بکشد. پس آزادی بیان در چوکات و حدود مجاز است که برای دیگران ضرر و زیانی وارد نکند. (فهدوی، ۲۰۰۸: ۴۵۳). در فقه اسلامی یک قاعده شرعی است که می‌گوید: لا ضرر ولا ضرار. (الزرقا، ۱۴۱۹: ماده ۱۹-۳۹). "زیان رسانیدن به دیگری و زیان‌پذیری از دیگری درست نیست."

"به موجب این قاعده معروف شرعی هیچ کسی حق ندارد و نمی‌تواند که با استفاده از آزادی بیان به دیگران ضرر و زیان برساند. بنا بر این آزادی بیان از محدودیت‌هایی نیز برخوردار است."

۴. آزادی بیان در اعلامیه حقوق بشر اسلامی

در ماده بیست و دوم اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره (۱۹۹۰ میلادی) در مورد حمایت از اصل آزادی بیان و محدودیت آن چنین تذکر رفته است:

الف: هر انسانی حق دراد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.
ب: هر انسانی حق دارد برای دعوت به خیر و نهی از منکر بر طبق شریعت اسلامی دعوت کند.
ج: تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده از آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا به کار گیری هر چیزی که منجر به اختلال در ارزشها یا برای پراکنده شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د: برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست. با توجه به آنچه در بالا از آیات قرآن کریم و متن اعلامیه حقوق بشر اسلامی ذکر گردید، در مجموع می توان گفت که آزادی بیان در اسلام به صورت مطلق و بدون قید و شرط پذیرفته نشده، بلکه مقید به رعایت احکام، ارزشها و باورهای شریعت اسلامی است. چنان که در اسناد حقوق بشر اسلامی مشاهده می شود، هر نوع آزادی بیانی که با احکام و مبانی شریعت اسلامی در تضاد باشد، ممنوع اعلام شده است. همچنان، آزادی بیانی که سبب اختلاف، تفرقه، ایجاد بدبینی در میان افراد جامعه، توهین، تحقیر یا وارد ساختن ضرر به دیگران گردد، از نگاه شرعی ممنوع و حرام دانسته می شود. قرآن کریم در این مورد می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. الحجرات: ۱۱.**
ترجمه: "ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی دیگر را استهزاء کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [مسخره کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت ندهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند."

استاد عبدالقادر عوده یکی از متفکران مصری، در مورد مرزهای آزادی بیان در تفکر اسلامی گفته است که آزادی بیان به صورت مطلق و بدون قید و شرط، در کار نیست و پیامبر خدا صلی الله علی علیه وسلم، نخستین فردی بود که منادی و مروج آزادی بیان بود ولی خود پیامبر خدا صلی الله علی علیه وسلم، نیز نخستین کسی بود که آزادی بیان آن مقید و محدود گردید. نظر استاد عوده در زمینه

این است که اگرچه حق هر انسانی است آنچه را که حق و عدالت می خواند اظهار و با گفتارزبانی و قلم و و عقیده و باور خویش دفاع کند، و اما آزادی بیان، آزادی بدون کدام قید و شرطی نیست؛ بلکه مشروط است به این که بیان گفتاری و نوشتاری انسان، بیرون از آداب همگانی و ارزش اخلاقی و مغایر و مقابل با نصوص و قواعد شرعی نباشد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم نخستین فردی بود که گستره آزادی بیانش محدود و مقید شد. پیامبر که برای دعوت و بشارت آزادی برانگیخته شد تا گفتار و رفتارش الگو باشد و مردم بفهمند که هیچ کس از این قیود مستثناء نیست، چرا که اولین شخصی که ملزم شد که آن را عملی کند پیامبر صلی الله علیه وسلم بود. الله متعال به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، اجازه نفرموده است که در امر اظهار دیدگاه هایش بی حد و مرز باشد، بلکه شیوه دعوت اسلامی را برایش تعیین و تشخیص نمود؛ و نحوه گفتار و شیوه اقامه حجت ها را تعیین فرمود و او را ملزم ساخت که در دعوتش از حکمت و موعظه حسن بهره گیرد و به بهترین شکل و شیوه بدان ها توسل ورزد و احتجاج نماید و از نادانان دوری اختیار کند و سخن ناپسند و نادرست نگوید و دعوت کنندگان به شرک را ناسزا و دشنام نکند. این است که خداوند تمام حدود آزادی بیان را برای پیامبرش صلی الله علیه وسلم عیان و عنوان کرده است و ما را براین نکته آگاه نمود که آزادی بیان، بی قید و شرط و افسار گسیخته نیست. محدودیت آزادی بیان، توسط شریعت اسلامی، بدون تردید، تأمین کننده منافع فرد و عامه مردم و سبب تقدم و ترقی، گسترش مهر و محبت، تعاون و احترام متقابل میان افراد و جامعه می گردد. شریعت اسلامی برای هر انسانی اجازه داده است که هر چه را که دلش می خواهد بیان کند و بگوید و در آن اظهار نظر کند و در این خصوص هیچ مانع و محدودیتی نیست؛ اما به شرط این که دشنام و ناسزا، عیب جویی، تهمت و دروغ در آن در کار نباشد و با حکمت و موعظه حسنه به ابراز نظر و جدال احسن یا گفتمان نیکوتر، بپردازد و سخن و گفتار ناشایسته و نادرست را به مردم ابلاغ و اظهار نکند. (عوده، ۱۴۰۵: ۳۹/۱ و ۳۸ و ۴۰).

مرزها و شروطی که تفکر اسلامی برای آزادی بیان وضع کرده است، در حقیقت مطابق به اصول و ارزش های انسانی و مجال و فرصتی بسیارخوبی برای زندگی مسالمت آمیز اجتماعی برای همه شهروندان، فراهم می کند و طرح و نظریه اسلام خارج از افراط و تفریط است؛ چون شماری از نهاد ها و سازمان ها و قوانینی است که در زمینه آزادی بیان بسیار سخت گیر است و مرزبندی های سختگیرانه بهانه و سبب از بین رفتن آزادی بیان شده است و شمار دیگری نیز اند که آزادی بیان را

به صورت مطلق و افسار گسیخته آن تجویز و ابلاغ کرده اند که هر دو دیدگاه منجر به ویرانی، نابسامانی، اهانت غیره شده است. ولی شروطی که اسلام برای آزادی بیان ارائه کرده است، از هر لحاظ معقول، منطقی، میانه و رعایت حد اعتدال در نظر گرفته شده است. باز هم در این زمینه دیدگاه استاد عبدالقادر عوده را می آوریم: "ما وقتی می توانیم نظر شریعت اسلامی را در مورد مرزهای آزادی بیان به خوبی درک و فهم نماییم و بیان کنیم که، دیدگاه های قانون گذران جدید را که پس از تجربه های طولانی، ابراز کرده اند، بیان و عیان کنیم. قانون گذاران جدید در زمینه مرزهای آزادی بیان به دو دسته تقسیم شده اند: یک دسته نگاهی این است که آزادی بیان باید هیچ قید و شرطی نداشته باشد، مگر در صورتی که به نظام عامه آسیب وارد نکند و این دسته به اخلاق چندان اهتمام نمی ورزند و تطبیق این دیدگاه همیشه به، بدبینی و کینه توزی و ویرانی و سپس به شورش و انقلاب و نا امنی منجر شده است. دسته دوم به تقید و تحدید کامل آزادی بیان و بویژه مخالفان خود تأکید می کنند که، تطبیق این نظر نیز باعث از بین رفتن آزادی بیان و در نهایت به استبداد و خشونت، می گراید. و دیدگاه شریعت اسلامی در باب آزادی بیان، در حقیقت جمع میان این دو دیدگاه است که، دولت ها در سطح جهان در مورد مرز بندی های آزادی بیان، از شریعت اسلامی اقتباس کرده اند؛ چون دیدگاه شریعت بین اصل آزادی بیان و مرزهای آن یک نوع توافق و سازگاری منطقی ایجاد کرده است. و نه آزادی بیان را به صورت مطلق و لجام گسیخته گذاشته است و نه هم بسیار مقید و محدود گذاشته است. پس قاعده اساسی را شریعت اسلامی وضع کرده است که در آن هم اصل آزادی بیان و مرزهای آن هر دود رعایت شده است. آزادی بیان اصل و لازم الاجرا است، مگر در صورتی که بر ارزش های اخلاقی و آداب و نظام عامه ضرر و زیانی وارد نکند. در واقع شروط و قیود که بر آزادی بیان وضع شده است، برای حمایت از ارزش های اخلاقی، فرهنگ و نظم اجتماعی است." (همان، ۴۰).

یکی دیگر از مرزهای محدود کننده آزادی بیان، درستی و نادرست بودن سخنی است که بیان می گردد و کسی سخنی را بیان میدارد و عملی سیاسی را انجام میدهد قبل از همه باید از اصل صحت و سلامت بودن آنها مطلع باشد و از هوا و هوس خود سخن نگفته باشد و به کسی تهمت و افترا نبسته باشد. "کسی که در عرصه بیان بدنبال نقد و در عرصه عمل بدنبال اظهار رأی و اقدام سیاسی است، نباید بر اساس گمان و هوا و هوس اقدام کند. قبل از هر اقدامی باید به محتوای مورد نظر عالم و یا داری طریق معتبر باشد." (قاضی زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۳). هیچ کس حق ندارد که به بهانه آزادی بیان

به عقاید، اندیشه، ساحات قدسی و حریم خصوصی دیگران وارد شود و تهمت و توهین، تجسس و عیب جوئی، بدگمانی و غیبت کند؛ چون قرآن کریم به شدت از مبادرت ورزیدن به این موارد، منع کرده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ. الحجرات: ۱۲.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، که برخی از گمانها گناه است، و جاسوسی و پرده دري نکنید، و یکی از دیگری غیبت ننماید؛ آیا هیچ يك از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده خواری بدتان می آید از خدا پروا کنید، بی گمان خداوند بس توبه پذیر و مهربان است.» اگر کسی خبری یا نظری را از زبان دیگران و یا از طریق رسانه های دیداری و شنیداری و چاپی میشوند، نباید بر مبنای آن خبر اقدامات عملی انجام بدهد؛ چون تا وقت که صحت و سقم خبر و گزارش موثق و مؤید نگردیده است و هرواکنشی خجلت و پشیمانی بدنبال دارد. بنا بر این به فرموده قرآن کریم در نخست باید "تبیین"، روشنگری، جستجو، تحقیق و تفحص صورت گیرد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ. الحجرات-۶

"ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برای شما خبری آورد، خوب بررسی و تحقیق کنید؛ مبادا در اثر نادانی، به گروهی آسیب برسانید [و] آنگاه بر آنچه انجام داده اید، پشیمان شوید." در این آیه کریمه هر عمل و عکس العملی خبری، گزارشی، گفتاری و نوشتاری قبل از تبیین و معلوم شدن درستی و نادرستی آن، حرام تلقی شده است. بنا بر این فحوای این آیه آزادی بیان را محدود می کند.

قرآن هر نوع شایعه سازی و دورغ پراکنی را در حق اشخاص حقیقی و حقوقی نیز منع کرده است و همچنان هر نوع بیان و اطلاع رسانی که در آن خوف ترویج و اشاعه ی فساد و شوک اخلاقی به جامعه وجود داشته باشد، ممنوع شده است و برای عاملان و حاملان آن در آخرت مجازات در نظر گرفته شده است:

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. النور-۱۹

"بی گمان، آنان که دوست دارند عمل زشت [و اخبار مربوط به آن] را در میان کسانی که ایمان آورده اند، شایع شود [و در این راه تلاش می کنند]، برای آنها در دنیا و آخرت عذابی دردناک است و خدا می داند، در حالی که شما نمی دانید."

ازسوی دیگر به همه اصول و قوانین چه در گذشته و چه در حال حاضر در افغانستان توجه دقیق و عمیق صورت گیرد، به وضوح دیده می شود، درعین این که آزادی بیان را تضمین و حمایت کرده است؛ اما در صورت که مطالبه‌ی معلومات و نشر آن امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد کند، آزادی بیان و رسانه را مقید و محدود کرده است.

بنابراین مصالح عمومی، نظم عامه، عدم اضرار به دیگران، بدگمانی، تجسس (خبرچینی)، غیبت و بدگویی، تهمت، دروغ بستن به دیگران، اهانت، تمسخر و عیب جوی و... از جمله مواردی است که آزادی بیان و رسانه را از نظر قرآن کریم محدود می کند.

۴. آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر

همه‌ی انواع آزادی‌ها از حقوق ذاتی انسان شمرده می شوند که هیچ یکی از افراد حقوقی و حقیقی حق آن ندارند که انسان‌ها را در تحت هر نوع شرایطی از آن محروم کنند. حق آزادی بیان نیز از جمله‌ی حقوق مسلم و انکارناپذیر فردی، اجتماعی و فرهنگی هر انسان است. ادیان آسمانی، مکاتب فکری بشری در هر عصر و زمانی متناسب با مقتضیات شرایط زمانی و مکانی، حق آزادی بیان را با شیوه‌ها و شرایط خاصی خودشان، به رسمیت شناخته‌اند و بگونه‌ها و مناسبت‌های مختلف در اسناد، قوانین و طرزالعمل‌های خود آن را بازتاب داده‌اند که از جمله حق آزادی بیان به صورت رسمی و در سطح جهانی آن در تاریخ حیات حقوق و روابط بین الملل پس از ختم جنگ جهانی دوم در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد، مطرح و منظور گردید. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ میلادی از طرف سازمان ملل متحد تصویب شد، در ماده نهم آن از حق آزادی بیان به صورت خیلی موجز و مختصر سخن رفته است: "هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که اذداشته عقاید خود بپیم و اضطرابی نداشته باشد و درکسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد." (اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر - ماده نهم). در ماۀ مذکور به دو مسئله اشاره شده است که عبارت اند از آزادی عقیده و و آزادی بیان. یعنی هرکس عقیده، اندیشه و اراده و تراویده ذهن و فکر

خودش را در صورت که خواسته باشد، به دیگران انتقال بدهد، هیچ گونه مانع و یا موانع نباید سد راه آن گردد و از دریافت هر نوع معلومات و اطلاعات و سپس نشر و گسترش آن بوسیله‌ی رسانه‌های فردی و جمعی و انظار عامه، جلوگیری صورت گیرد. ماده نهم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل در زمینه‌ی حق آزادی بیان به موارد مهم زیر اشاره دارد:

۱. آزادی بیان به عنوان حق شناخته شده است: آزادی بیان برای انسان به صورت حقی از حقوق انسانی مطرح شده است که هر انسانی در هر کجای از جهان بدون کدام مرز و ملحوظی می تواند که آزادانه و بدون خوف و خطر افکار، آثار، عقاید، نظریات و معلومات خودش را با استفاده از رسانه‌ها، به نشر برساند و این حق برای هر انسانی برای همیشه و به عنوان یک اصل اصیل حقوق بشری محفوظ و مصئون است.

۲. اخذ اطلاعات و کسب افکار: دریافت اطلاعات جهت آگاهی دهی به جامعه و مردم و سیر تحول و تغییر اندیشه و افکار جامعه، یکی از مهمترین و عمده‌ترین بخش‌های کاری اطلاع رسانی محسوب می گردد. هرچند بسی اوقات خبرنگاران برای دریافت اخبار و معلومات از منابع موثق و مراجع دست اول آن، با مشکلات و موانع مواجه میشوند و اکثرا مراجع و مقامات دولتی و مسئولان حکومتی از دادن اطلاعات بنا بر ملحوظات شخصی و منافع خود داری می کنند و یا هم گاهی اگر معلومات را با رسانه‌ها و خبرنگاران شریک کنند، آن را با سانسور و قطع و برید، اعمال می کنند. تجربه خبرنگاری نشان داده است که در اکثریت قریب به اتفاق مسئولان اخبار و اطلاعاتی را از طریق خبرنگاران و رسانه‌ها با مردم شریک می سازند که به نفع خودشان تمام شود و از ادادن اطلاعات و معلوماتی هرچند واقعی هم باشد که به آنان زیان و ضرر وارد کند، خود داری می کنند. یعنی این کلمات و عبارات این را می رساند که هر انسانی حق دست‌رسی به اطلاعات و معلومات را دارد.

۳. نشر و تکثیر اطلاعات و افکار: هر انسانی به عنوان عضو جامعه‌ی انسانی حق دارد که اندیشه‌ها، یافته‌ها، اندوخته‌های خودش را با استفاده از رسانه‌ها به سمع دیگران برساند و افکار و نظریات خود را در معرض دیدگاه‌ها و قضاوت همگان قرار بدهد. این مقصود به شکل معمول از طریق چاپ و نشر کتاب، روزنامه‌ها و مجلات و... ممکن و میسر است.

۴. وسایل و ابزارهای آزادی بیان: این مورد اشاره صریح به رسانه‌هایی دارد که در هر عصر و زمانی برای تبلیغات و اطلاع رسانی مانند: رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات، خبرگزاری‌های دیجیتالی و سایر شبکه‌ها، بنگاه‌های خبر رسانی و اطلاع دهی و رسانه‌های اجتماعی که امروز در سطح جهانی

معمول و در دسترس همگان قرار گرفته است، می باشد. از طرف دیگر تنها نشرات و مطبوعات مشمول آزادی بیان نیست، بلکه یکی از دیگر موارد مهم که شامل وسایل و ابزارهای بیان می گردد، سخن گفتن و بیان زبانی است که درماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت مجمل و غیر صریح ذکر شده است.

۵. ملاحظات مرزی- شاید منظور از بدون ملاحظات مرزی این بوده باشد که آزادی بیان به عنوان یک حقی از حقوق طبیعی و قراردادی انسان، در سطح جهانی باید ملحوظ و مد نظر گرفته شود و در یک سرزمین و جغرافیا نمی گنجد و مسئله انسانی و جهانی است و در هیچ جای دنیا نباید کسی آزادی بیان را سرکوب و منکوب نماید؛ چون آزادی بیان به عنوان حق بشری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تسجیل شده است، حد و مرز نمی شناسد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل در ماده هژدهم آن به بحث آزادی عقیده، انتخاب دین پرداخته و گفته است که هرکس حق دارد که از آزادی فکر و دین برخوردار و بهره مند شود و این حق می تواند که دربرگیرنده اظهار افکار و ابراز عقیده شخص نیز شود. یعنی در ماده هژدهم وقتی که از آزادی اظهار عقیده و ایمان سخن به میان می آید، معنای ساده اش این است که هر انسانی می تواند که اندیشه و ایمان و دین خودش را طبق میل و خواست خودش برای دیگران بیان و بازگو کند. در ماده مزبور واژه اظهار به کار رفته است که در حقیقت همان معنا و مفهوم بیان را افاده می کند. ماده هژدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به نحوی از انحا به مسئله آزادی بیان پرداخته و بدان مشعر است.

ازسوی دیگر ماده هژدهم و نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت متواتر و پی هم از آزادی عقیده سخن به عمل آورده است؛ این خود نشانگر آن است که آزادی عقیده و بیان با هم تلازم و تساند کامل دارند و جزء لاینفک یک دیگر به حساب می آیند.

در فوق تذکر داده شد که بحث آزادی بیان در متن اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت بسیار کوتاه و مطلق بیان شده است؛ اما این مسئله درماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل- مصوب ۶۱ دسامبر ۶۱۱۱ میلادی (مطابق با ۵۲/۶/۶۴۳۲ شمسی) مجمع عمومی، است، اندکی به مواردی از قلمرو آزادی بیان پرداخته است. در بند دوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و حقوق سیاسی در باره اصل آزادی بیان چنین تذکریافته است: "هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات

یا به صورت شفاهی و یا به صورت نوشته یا چاپ، یا به صورت هنری یا بهر وسیله دیگر به انتخاب خود میباید. (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۹).

ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در حقیقت ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل را تا حدی تفسیر و توضیح میدهد که در آغاز اصل آزادی بیان را به عنوان یک حق از حقوق ذاتی انسان بیان نموده و سپس به مفرداتی می پردازد که آزادی بیان مشمول آنها می گردد؛ که به صورت جداگانه به آن موارد اشاره کوتاه می گردد:

۱. آزادی تفحص: یعنی تحقیقات علمی در حوزه های مختلف فرهنگی و ادبی، تاریخی و سایر حوزه های دیگر باید آزادانه صورت گیرد و سپس یافته های تحقیقات علمی بدون سانسور و دخالت، نشر و تکثیر گردد.

۲. آزادی تحصیل: منظور از تحصیل ممکن است که تحصیلات علمی و انتخاب رشته های مختلف علمی بوده باشد که هرکس حق دارد که به صورت دلخواه به رشته مورد علاقه روی آورند یا هم می تواند که هدف از تحصیل در اینجا مطلق حاصل کردن و بدست آوردن هر نوع اطلاعات و معلوماتی بوده باشد که در تفسیر ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره گردید.

۳. آزادی اشاعه اطلاعات: هرکسی آزاد است که هر نوع اطلاعات و معلوماتی را که از هر طریقی کسب نموده است، بدون اعمال نفوذ دیگران، ایجاد محدودیت و مهودیت به نشر و اشاعه آن در رسانه های شنیداری، دیداری و نوشتاری اقدام کند.

۴. آزادی افکار: اندیشه و تفکر انسان را از هر نوع اختناق فکری کاملاً آزاد است. آزادی اندیشه یکی از انواع آزادی بیان است و هیچ کسی حق ندارد که اندیشه و تفکر انسان را به بند و زنجیر و زولانه بکشد و آن را محدود کند.

هر گفتار، نوشتار، هنر یعنی رسامی، نقاشی و خطاطی وسایل و ابزارهایی اند که آزادی بیان توسط آنها تحقق می یابد و عملی می گردد.

۴.۱. محدودیت های آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر

مرزبندی هایی برای آزادی بیان، در دیدگاه ها و اسناد بین الملل حقوق بشر نیز وجود دارند که نشان میدهد آزادی بیان به صورت مطلق و بی رویه هرگز وجود ندارد. یکی از مواردی که در اسناد و میثاق های ملی و بین المللی بر آزادی بیان محدودیت وضع کرده است، مسئله امنیتی است. یعنی آزادی بیان تا وقتی مجاز و معتبر است که به امنیت ملی صدمه و زیان نرساند و یا رازهای امنیتی را

فاش و برملا نسازد و سبب خشونت و نزاع نگردد. آزادی بیان ممکن است در موارد ذیل امنیت ملی را تهدید کند؛ در صورتی که حکومت بتواند اثبات کند:

الف -بیانات مطرح شده به قصد تحریک خشونت قریب الوقوع صورت گرفته است.

ب - احتمال تحریک چنین خشونت و جود دارد.

ج - میان این بیانات و احتمال خشونتی رابطه مستقیم وجود دارد. (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

محدودیت هایی که برای آزادی بیان از طرف نظام های سیاسی و حقوقی وضع شده است، عمل منطقی و در ساده ترین شکل آن بخاطر پیشگیری از زیان و ضررهای احتمالی است که از طریق عدم رعایت محدودیت آزادی بیان، متوجه افراد و جامعه می گردد. مثلاً شاهد هستیم که بتاریخ ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۰۵ میلادی یک نشریه دانمارکی، کاریکاتور موهن به ساحت مقدس حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم را ترسیم و نشر کرد که، این عملکرد نابخردانه و توهین آمیز خشم مسلمانان جهان را برانگیخت و دهاتن از مسلمانان به شهادت رسیده اند و خسارات مالی زیادی نیز برای شرکتهای تولیدی و تجارتی دانمارک در پی داشت و بعداً صدراعظم این کشور و مدیرمسئول همان نشریه، از مسلمانان جهان معذرت خواستند. همچنان در سال ۲۰۱۶ میلادی مجله شارلی ابدو در فرانسه عین عمل را با بهانه موجودیت آزادی بیان انجام داد که روزنامه دانمارکی چندسال قبل مرتکب شده بود. در این هر دو حادثه هم مسلمانان احساس توهین و حقارت کردند که به مقدسات شان اهانت صورت گرفته است و سخت ناراحت شدند و هم شهروندان دانمارکی و فرانسوی زیانهای مالی را متحمل شدند.

محدودیت آزادی بیان در اعلامیهی جهانی حقوق بشر مطرح نگردیده است؛ ولی در بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل بیان شده است و چنین قید گردیده است: اعمال حقوق مذکور در بند ۵ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیتهای معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف - احترام حقوق با حیثیت دیگران.

ب - حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی.

میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۹

در تعریف آزادی در بالا نگاهشیم که آزادی بیان عبارت است از مجموعهی کردارها و گفتارهایی است که به حقوق و آزادی های دیگران ضرر و زیان وارد نکند. این تعریف به خوبی می رساند که

یگانه چیزی که آزادی بیان را محدود می کند، همان نقض حقوق و آزادی های دیگران، اخلاق در نظم و امنیت عمومی جامعه، زیر پا شدن اخلاق، حیثیت و آبروی دیگران است. یعنی هیچ کس حق ندارد که با استفاده از آزادی بیان عملی را انجام بدهد که حقوق، آزادی های مشروع، عزت و کرامت دیگران و یا هم امنیت ملی و نظم اجتماعی را برهم زند و یا خدشه دار کند. ماده سوم که در بند سوم ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به آن اشاره شده است نیز روی همین مسئله تاکید می کند که دولت هایی که میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضاء کرده اند و تساوی حقوق زنان و مردان را بر مبنای آن پذیرفته اند، هم باید در کنار ملزم بودن به اصل رعایت آزادی بیان، به محدودیت های آن نیز متعهد بوده باشند.

همان گونه که در بالا تذکر رفت حق آزادی بیان از جمله ی حقوق ذاتی و فطری و قراردادی انسان است و هیچ کسی حق ندارد که آن را سلب و یا حتی محدود کند؛ اما در شرایط اضطراری و استثنائی گاهی بنا بر ضروریات مبرم، آزادی بیان ممکن است که محدود شود. "هنگامیکه یک کشور در معرض خطر داخلی یا خارجی باشد بطوریکه تمامیت ارضی آن در معرض خطر قرار گیرد، در این حالت میتوان بطور موقت آزادی بیان و مطبوعات را معلق نمود. اما چنانچه این کشور در معرض خطرهای فوق نباشد و کشور در شرایط عادی باشد، آزادی بیان و مطبوعات پابرجا میباشد و فقط میتوان نسبت به اجرای این حقوق قائل به محدودیتهایی شد، مثلاً در مطبوعات نمیتوان به تبلیغ مکاتب فاشیستی یا نازیستی پرداخت." (کوچنژاد، بی تا: ۲)

۵. نتیجه گیری

آزادی بیان از جمله آزادی های سیاسی و از جمله ی حقوق مدنی و اجتماعی انسان ها به شمار می آید. آزادی گفتار، نوشتار، مکاتبات و مراسلات، مکالمات، مطبوعات، نشرات، رسانه و گفتار علمی، بیان اندیشه و اظهار عقیده از مصداق های اصلی و عمده ی آزادی بیان محسوب می گردد. آزادی بیان عبارت از مجموعه گفتار، نوشتار و هنرهایی است که از انسان صادر می شود. آزادی بیان از جمله حقوق طبیعی و اجتماعی و یکی از انواع مهم آزادی های سیاسی است که توسط قرآن کریم به رسمیت شناخته شده است. قرآن کریم در یک نگاه کلی و عمومی اقوال معاندان و مخالفان خودش را با کمال امانتداری و بدون کم و کاست نقل و بیان کرده است و از سوی دیگر نیز انسان ها را به اندیشیدن و خردورزی و دوری از تقلید های کورکورانه، علم آموزی، شورا

سالاری، طرح دیدگاه‌های جمعی، تضارب آراء و اندیشه‌ها و تبادل افکار، استماع اقوال، مواعظه حسنه و جدال احسن فراخوانده است؛ که همه آنها عناصر متشکله‌ی آزادی بیان محسوب می‌شوند. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشرو میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی سازمان ملل و همچنان اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی نیز آزادی بیان را حقی از حقوق طبیعی و اجتماعی خوانده است و هیچ کسی این حق را ندارد که آزادی بیان و اظهار عقاید و اندیشه‌های انسان را در تحت هر نوع شرایط زمانی و مکانی، از آن سلب و نفی کند. حق آزادی بیان در اسناد بین المللی حقوق بشر برای همه‌ی انسان‌ها بدون کم و کاست و عاری از هر نوع تبعیض، محفوظ است.

ازسوی دیگر قرآن کریم طی آیات متعدد، اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی و نیز اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل برای آزادی بیان و رسانه قیود و شرایطی را وضع کرده اند که بر مبنای آن باید گفتار، رفتار و نشرات دیداری، نوشتاری و چاپی صورت گیرد. آزادی بیان، رسانه و اظهار نظر به صورت مطلق در قرآن کریم، اسناد بین المللی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح نگردیده است. آزادی بیان مقید و محدود به مصلحت همگانی، صلح، امن و نظم عامه و زیان و ضرر نرسانیدن به حقوق و کرامت و حیثیت دیگران، شده است.

قانون رسانه های همگانی افغانستان در ماده اول و پنجم مبنای این قانون و رعایت اصل آزادی بیان را که در اعلامیه جهانی حقوق و احکام دین مقدس اسلام مسجل شده است، میداند. درحقیقت تمام قیود و شروطی که در احکام شرعی و اعلامیه های جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین المللی حقوق بشر آزادی بیان و رسانه را محدود کرده است، دربرمی گیرد.

۶. پیشنهادات

با توجه به یافته‌های این تحقیق، جهت رعایت و حفاظت از اصل آزادی بیان از دیدگاه قرآن کریم و اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشنهاداتی به شرح زیر به مراجع ذیربط ارائه می گردد:

- ۱- آزادی بیان از نظر قرآن کریم اصل پذیرفته شده است، باید در تمام امور و شئون دولتی و خصوصی رعایت گردد.
- ۲- آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی از جمله حقوق طبیعی و اجتماعی انسان شناخته شده است، التزام بدان از لحاظ حقوق بشری، ضروری است و نهادهای مربوطه، باید از آن پاسداری کنند.

۳- هیئت نظارت کننده از ارگان‌های مختلف و ذیربط تشکیل گردد تا موارد نقض، سلب، حدود و ثغور و تخطی‌های آزادی بیان را از سوی نهادهای دولتی و خصوصی، تحت نظارت و بررسی قرار دهد تا از هرج و مرج جلوگیری صورت گیرد و به‌اصل آزادی بیان صدمه وارد نگردد.

تدویر برنامه‌های آموزشی و آگاهی بخشی در خصوص آزادی بیان از منظر قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر برای نویسندگان، خبرنگاران، اصحاب رسانه‌ها و سایر نهاد های مرتبط.

منابع و مآخذ

قرآن عظیم الشان

الف- کتب و مقالات:

- ۱- آشوری، داریوش. (۱۳۰۳). دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات موارد، چاپ بیست و سوم
- ۲- انوری، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، تهران، نشر سخن.
- ۳- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۲۰هـ)، تفسیر القرآن العظیم، المحقق: سامی بن محمد سلامة، دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة الثانية.
- ۴- اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- ۵- الزرقا، أحمد بن محمد. (بی‌تا). شرح القواعد الفقهية، دار القلم، بی‌جا
- ۶- النیشابوری، أبو الحسن مسلم بن الحجاج بن مسلم. (بی‌تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالجليل.
- ۷- المتقی الهندی، علاء الدین علی. (۱۴۰۱هـ). کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، المحقق: بکری حیانی - صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الخامسة.
- در متن بنام الهندی استفاده شده است
- ۸- بابائی، غلامرضا. (۱۳۶۰). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: شرکت نشر و پخش و یس، چاپ دوم.
- ۹- بیات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۱). فرهنگ واژه ها، قم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- ۱۰- برلین، آیزایا. (۱۳۶۸). چهار مقاله در باره آزادی، مترجم: محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی، چاپ اول.

- ۱۱- برندگی، بدری، نسبیت و اطلاق آزادی بیان...pdf
- ۱۲- پاکینه، کلود دو. (۱۳۳۲). مقدمه تیوری کلی و فلسفه حقوق، مترجم: علی محمد طباطبایی، تهران، چاپ، بوذرجمهر.
- ۱۳- حائری، عبدالهادی. (۱۳۷۴). آزادی های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه گران، جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۱۴- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۸). تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی-بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء-چاپ پنجم.
- ۱۵- عبدالحی، جوانمیر. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی حق آزادی بیان از دیدگاه اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
- ۱۶- عودة، عبدالقادر. (۱۴۰۵). التشریع الجنائی فی الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، طبعه الرابعه.
- ۱۷- عمید، حسین. (۱۳۶۴). فرهنگ عمید-۲ جلدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۸- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا، «آزادی»، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۹- ربانی، برهان الدین. (۱۳۹۵). خط رهبر ۲، کابل: مرکز تدوین آثار رهبر شهید.
- ۲۰- سجستانی، سلیمان بن اشعث. (۱۳۹۷). سنن ابوداود، ناشر: شیخ الاسلام احمد جام (مکتبه البشری)، نوبت چاپ: اول.
- ۲۱- فرانس، روزنتال. (۱۳۷۰). مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان، مترجم: منصور میر احمدی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۲- کوچ نژاد، عباس. محدودیت های حقوق بشر در اسناد بین المللی، JBR_Volume 2_Issue 3_Pages 169-178
- ۲۳- فهدوی، خالد. (۲۰۰۸). الفقه السياسي الإسلامي، سورسه- دمشق: دارالأوائل للنشر و التوزيع، طبعه الثالثة.
- ۲۴- قانون رسانه های همگانی. (۱۳۹۰). ناشر: وزارت عدلیه.
- ۲۵- معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ معین، تهران: فرهنگ نما، چاپ اول.
- ۲۶- منتسکیو، شارل-لوئی دو سکوندا. (۱۳۷۰). روح القوانين، مترجم: علی اکبر مهدی، تهران: امیرکبیر، چاپ سیزدهم.

- ۲۷- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱). نظریه حقوقی اسلام، تحقیق و نگارش: محمد مهدی نادری قمی، محمد مهدی کریمی نیا. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیق امام خمینی.
- ۲۸- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). یادداشت های شهید مطهری، قم: صدرا، چاپ اول.
- ۲۹- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی استاد مطهری، چاپ: چهارم.
- ۳۰- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
- ۳۱- موحد، محمد علی. (۱۳۸۱). دره‌های حق و عدالت، تهران: نشر کارنامه.
- ۳۲- محمودی، سید علی. (۱۳۷۸). نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و جان لاک، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نوبت: ۱
- ۳۳- هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- ب: مجلات:
- ۳۴- قاضی زاده، کاظم. (۱۳۸۵)، حقوق و آزادی های سیاسی در قرآن و سنت ، فصلنامه علمی - تحقیقی انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوم، شماره سوم، تابستان.

نقش فناوری‌های نوین در پیش‌گیری از جرایم و تأمین امنیت

نویسنده*: پوهنمل عبدالله حمید

پوهنچی حقوق، پوهنتون البیرونی، افغانستان

نشانی برقی: Obaidullahhamid905@gmail.com

نویسنده: صمیم سیرت

فارغ التحصیل پوهنچی حقوق و علوم سیاسی

نشانی برقی: Ahmadsamimfragi@gmail.com

چکیده

گسترش روز افزون فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، شیوه‌های ارتکاب جرایم را نیز پیچیده‌تر نموده و در مقابل، نهادهای امنیتی و عدلی برای مقابله با این پدیده از فناوری‌های مدرن بهره‌گیری نموده‌اند. فناوری‌هایی مانند دوربین‌های مدار بسته، سیستم‌های بیومتریک، سامانه‌های هشدار دهنده، سیستم‌های موقعیت یاب، پهپادها، بلاک چین، عکاسی جنایی و هوش مصنوعی، امروز به عنوان ابزارهای مؤثر در تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم شناخته می‌شوند. هدف این تحقیق بررسی نقش تکنالوژی‌های مدرن در تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم و تبیین آثار و پیامدهای استفاده از این فناوری‌ها در عدالت جزایی است. پرسش اصلی این است که تکنالوژی‌های مدرن در تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم چه نقشی را ایفا می‌کنند. تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری و با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فناوری مدرن نقش برجسته‌ای در پیش‌گیری از جرایم، کشف و تعقیب مجرمان، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و تأمین امنیت دارد. با وجود مزایای فراوان، استفاده گسترده از این تکنالوژی‌ها با چالش‌هایی همچون تهدید حریم خصوصی، وابستگی بیش از حد به فناوری و برخی ملاحظات اخلاقی و حقوقی نیز گره خورده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که استفاده مسئولانه از تکنالوژی‌های مدرن می‌تواند نقش مؤثری در تحکیم امنیت عمومی و کاهش جرایم در جامعه ایفا نماید، مشروط بر آن که باعث نقض حریم خصوصی اشخاص و فروپاشی عدالت اخلاقی نگردد.

اصطلاحات کلیدی: امنیت، پیش‌گیری، جرم، فناوری، عدالت.

The Role of Modern Technologies in Crime Prevention and Security Enhancement

Author*: S. Teaching Ass. Obaidulla Hamid

Faculty of Law, Albironi University

Email: Obaidullahamid905@gmail.com

Author: Samim Serat

Faculty of Law, Albironi University

Email: Ahmadsamimfragi@gmail.com

Abstract

The ever-increasing development of modern information and communication technologies has made the methods of committing crimes increasingly sophisticated. In response, security, law enforcement, and judicial institutions have adopted modern technologies to combat this phenomenon. Technologies such as closed-circuit television (CCTV), biometric systems, alarm systems, global positioning systems (GPS), unmanned aerial vehicles (drones), blockchain technology, forensic photography, and artificial intelligence (AI) are now widely recognized as effective tools for enhancing security and preventing crime. The objective of this study is to examine the role of modern technologies in enhancing security and preventing crime, as well as to analyze the implications and legal consequences of their application within the criminal justice system. The primary research question addressed in this study is: What role do modern technologies play in enhancing security and preventing crime? This study employs a qualitative research methodology using a descriptive-analytical approach. The required data were collected through library-based research and subsequently analyzed using the content analysis method. The findings indicate that modern technologies play a significant role in crime prevention, the detection and prosecution of offenders, the collection and analysis of evidence, and the enhancement of public security. Despite their numerous advantages, the widespread use of these technologies also presents significant challenges, including threats to individual privacy, excessive reliance on technology, and various ethical and legal concerns. The study concludes that the responsible and lawful use of modern technologies can make a substantial contribution to strengthening public security and reducing crime in society, provided that their application does not infringe upon individuals' right to privacy or compromise the ethical principles underpinning criminal justice.

Keywords: Security, Prevention, Crime, Technology, Justice.

* corresponding author

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد و على آله و أصحابه أجمعين.

با گسترش فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات بشر و پیشرفت تکنیک و صنعت در عرصه های مختلف، جرایم نیز شکل پیشرفته را به خود گرفته؛ بشر شاهد ظهور نسل جدیدی از جرایم می‌باشد. شناخت آن مستلزم مطالعات دقیق و جرم شناسی جدید است. اگرچه نمی‌توان هیچ جامعه‌ی را بدون جرم تصور کرد؛ در مقابل انسان‌ها نیز هیچ‌گاه نسبت به وقوع جرم بی تفاوت نبوده و در راستای مبارزه با آن در تلاش برای استفاده از شیوه‌های نوین و موثر در جهت تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم بوده است.

هدف این تحقیق بررسی نقش تکنالوژی‌های مدرن در تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم است. همچنان تدابیر و شیوه‌های نوین به معرفی گرفته میشود تا از پدیده شوم اجتماعی بنام جرم که در هر زمان و مکان به اشکال و انواع مختلف در حال اتفاق افتیدن است، جلوگیری گردد. تحقیق حاضر به این سوال پاسخ خواهد داد که فناوری های مدرن در تأمین امنیت و پیش‌گیری جرایم چه نقشی را دارا هستند. فرضیه تحقیق بر این مبنا استوار است که بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن موجب ارتقای سطح امنیت، تسریع روند کشف جرایم، شناسایی دقیق مجرمان و افزایش کارایی نهادهای امنیتی و جلوگیری از جرایم می‌گردد.

این تحقیق با استفاده از روش کیفی با رویکرد (توصیفی-تحلیلی) انجام شده است، داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری و با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله طوری سازماندهی گردیده است که ابتدا به کلیات تحقیق پرداخته شده، بعداً مفاهیم کلیدی موضوع، یافته‌های تحقیق و در اخیر با مناقشه، نتیجه‌گیری و منابع و مأخذ پایان یافته است.

۱.۱. بیان مسئله: با پیش‌رفت سریع فناوری‌های نوین، اطلاعات و ارتباطات بشر و دسترسی به تکنیک و صنعت در عرصه‌های مختلف در علوم جنایی تغییرات عمده و اساسی رونما گردیده است. در نبود این فناوری ها اکثر جرایم به صورت پنهان باقی مانده و این مسئله منجر به از بین رفتن نظم گردیده است. استفاده از این فناوری‌های نوین در پیش‌گیری از جرایم و تأمین امنیت نقش اساسی را داشته و باعث تأمین امنیت در جامعه گردیده است. بر این اساس مسئله اساسی تحقیق بررسی نقش فناوری‌های مدرن

در تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم است. از همین رو، این تحقیق در صدد پاسخ به این سوال است که فناوری‌های مدرن چه نقشی در تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم را ایفا می‌کنند.

۱.۲. ضرورت و اهمیت تحقیق: تحقیق در زمینه فناوری‌های مدرن و نقش آن‌ها در تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم، از اهمیت و مبرم و ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا امروزه فناوری‌های نوین به یکی از مؤثرترین ابزارهای مبارزه با جرایم و حفظ نظم و امنیت اجتماعی تبدیل شده‌اند. مهم‌ترین ابعاد اهمیت و ضرورت تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- آشنایی لازم با فناوری‌ها و ابزارهای مدرن مستفاد در پیش‌گیری از جرایم و تأمین امنیت؛
 - ۲- کاربرد و نحوه‌ی استفاده از این فناوری‌های علمی در عرصه علوم جنایی؛
 - ۳- معرفی شیوه‌ها و ابزارهای نوین پیش‌گیری از جرم و بررسی میزان تأثیر آن‌ها.
- ۱.۳. اهداف تحقیق:** هدف اصلی تحقیق: شناخت و بررسی فناوری‌های مدرن در تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم بوده است
- اهداف فرعی تحقیق

- ۱- شناسایی مهم‌ترین ابزارها و وسایل مدرن مورد استفاده در پیش‌گیری از جرایم و تأمین امنیت؛
 - ۲- بررسی نقش سیستم‌های نظارتی در کاهش جرایم.
 - ۳- بررسی تأثیر تکنالوژی مدرن در ارتقای امنیت جمعی و افزایش اعتماد عمومی نسبت به نهادهای مسئول امنیتی.
 - ۴- بررسی چالش‌های استفاده از فناوری‌های مدرن در پیش‌گیری و تأمین امنیت.
- ۲- روش تحقیق: تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در این تحقیق اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از طریق روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده‌اند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات، از منابع معتبر علمی شامل کتب، مقالات علمی اسناد و مدارک مرتبط استفاده شده است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است تا نقش فناوری‌های مدرن در امنیت و پیش‌گیری از جرایم به صورت علمی تبیین گردد.

۲. مفاهیم

شناخت مفاهیم اساسی هر تحقیق، زمینه درک بهتر موضوع و تحلیل دقیق‌تر یافته‌ها را فراهم می‌سازد. از این رو، در این بخش مفاهیم تکنالوژی و جرم را به صورت درست مورد بررسی قرار می‌دهیم:

فناوری: فناوری را می‌توان تمام دانش ابزارها، روش‌ها و سیستم‌هایی تعریف کرد که در جهت خلق و ساخت شیوه‌ها و ارائه خدمات به کار گرفته می‌شود. یا هم فناوری ابزاری است که به وسیله آن می‌توانیم به اهداف خود دست یابیم. (عزیزی، ۱۴۰۲: ص ۵).

در لغت: فناوری معادل کلمه یونانی بوده که به معنی علم یا هنر تکنیک، ابزار، ماشین آلات، تجهیزات و غیره است. تکنالوژی در اصطلاح: عبارت از مجموعه تکنیک‌ها، مهارت‌ها و روش‌هایی است، که در تولید اسباب، خدمات یا تحقق اهداف مانند تحقیقات علمی از آن استفاده می‌شود. (کریمی نیا، ۱۴۰۰: ص ۱۹۴).

تعریف جرایم: جرایم جمع جرم است. جرم تعاریف مختلفی دارد که مهم‌ترین تعریف آن عبارت از: «جرم عبارت از اجرای یک عمل است که شریعت اسلامی یا قانون جزا آنرا منع نموده، و یا امتناع از عملی است که شریعت اسلامی یا قانون جزا به اجرای آن حکم نموده باشد و در مقابل آن مؤیدات جزایی تعیین کرده باشد». (دانش، ۱۳۹۴: ص ۴۳).

امنیت: در مورد تعریف امنیت بیش از دیگر مفاهیم تفاوت نظر وجود دارد. به گفته برخی از نویسندگان امنیت را محافظت در برابر برخی تهدیدها یا خطرهای به جای حمایت از وضعیت مطلوب می‌دانند، عده ای دیگر بر چگونگی حمایت از دولت در برابر تهدیدات داخلی و خارجی آن تعریف می‌نمایند. (سجادی، ۱۴۰۴: ص ۳۷).

۳. مهم‌ترین فناوری‌های مدرن در تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم

فناوری‌های مدرن که برای تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم استفاده می‌شوند، عبارت از تکنالوژی یا وسایلی هستند که پیش از وقوع عمل جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین این وسایل مدرن در تأمین امنیت و پیش‌گیری از جرایم عبارت‌اند از ۱- استفاده از دوربین‌های مدار بسته؛ ۲- استفاده از سیستم‌های هشدار دهنده؛ ۳- استفاده از سیستم‌های ردیاب یا جی پی اس؛ ۴- استفاده از سیستم‌های پهپادها و غیره وسایل، که هر کدام این فناوری‌ها به نحو مفصل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۳.۱. استفاده از دوربین‌های مدار بسته در پیش‌گیری از جرم: نصب این تکنالوژی یکی از روش‌های مؤثر در کنترل افراد و پیش‌گیری از جرایم و تأمین امنیت عمومی است. وظایف این دوربین‌ها عبارت از ۱- امنیت افراد به دلیل کاهش ترس از وقوع جرم؛ ۲- وسیله‌ای برای کمک رسانی به تحقیقات جنایی؛ ۳- کمک به مدیریت اماکن عمومی نظیر یافتن اطفال گمشده، نظارت بر ترافیک؛ ۴- کمک به جمع‌آوری اطلاعات؛ این سیستم ۲۴ ساعت در شبانه روز در حال ثبت رویدادها است. (کریمی نیا، ۱۴۰۰: ص ۱۹۹).

۳.۲. استفاده از سیستم‌های هشدار دهنده در پیش‌گیری از جرم: سیستم‌های هشدار دهنده به

اشکال مختلف عمل می‌کنند. برخی از این سیستم‌ها از طریق ارتباطات با شبکه‌های اینترنتی و به کمک دستگاه‌های هوشمند، قابلیت کنترل و مدیریت منزل و سایر جاها را بدون حضور فیزیکی اشخاص در منزل فراهم می‌نمایند، برخی از این سیستم‌ها با استفاده از دستگاه‌های مکانیکی مانند قفل دیجیتال و سنسورهای حرکتی دروازه و کلکین، قابلیت کنترل و مدیریت دسترسی به منزل را فراهم می‌کنند. بعضی از سیستم‌های هشدار دهنده امنیتی منزل شامل اطلاع‌رسانی نیز هستند که در صورت وقوع حادثه به مالک خانه به نیروهای امنیتی اعلان می‌نمایند. این سیستم‌ها می‌توانند به صورت صوتی و تصویری یا حتی متنی اعلان هشدار نمایند و باعث کاهش خطرات احتمالی سرقت، حریق و حوادث دیگری گردد (<https://spnfa.ir>).

انواع سیستم‌های هشدار دهنده امنیتی: این سیستم‌ها انواع مختلف دارد؛ از جمله مهم‌ترین آن‌ها قرار ذیل است: ۱- سیستم دوربین‌های مدار بسته؛ ۲- سیستم‌های هوشمند خانه، که این سیستم‌ها با استفاده از دستگاه‌های هوشمند مانند سنسورهای حرکتی، سنسورهای دما رطوبت و دستگاه‌های کنترل دیگر قابلیت کنترل و مدیریت اجزای مختلف منزل را فراهم می‌کند و در کنار این با استفاده از این سیستم‌ها می‌توان در صورت وقوع حوادث مانند سرقت یا حریق هشدار دهند؛ ۳- سیستم‌های هشدار دهنده دود و حریق؛ ۴- سیستم هشدار دهنده درب پنجره که قابلیت تشخیص و اعلان هشدار را در صورت ورود افراد ناشناس به منزل را فراهم می‌کنند. (عزیزی، ۱۴۰۲: ص ۵۰). هم‌چنان سیستم‌های هشدار دهنده امنیتی از نظر کاربردی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - سیستم‌های بدون سیم: این دستگاه‌ها و سنسورهای مختلف به کمک امواج رادیویی و با استفاده از باتری، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. اطلاعات را به مرکز کنترل ارسال می‌نمایند. این سیستم‌ها برای نصب آسان و هزینه کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ب - سیستم‌های با سیم: این سیستم‌ها از طریق دستگاه‌های مختلف با یکدیگر به کمک کابل‌های ارتباطی متصل می‌شوند. این سیستم‌ها در موردی که نیاز به پوشش گسترده تری دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما نصب و راه‌اندازی سیستم‌های با سیم نیازمند زمان و هزینه بیش‌تری است.

۳.۳. سیستم‌های شناسایی بیومتریک: این سیستم‌ها با استفاده از ویژگی‌های فیزیولوژیکی یا رفتار فرد، مانند اثر انگشت، چهره، عینک، صدا، عنبیه، شبکیه و غیره شناسایی فرد را انجام می‌دهد؛

هم‌چنان برای کنترل دسترسی به محیط‌ها یا تشخیص هویت فرد استفاده می‌شوند. این سیستم‌ها در محل‌هایی که نیاز به شناسایی دقیق افراد و کنترل دسترسی دارند مورد استفاده قرار گرفته و باعث تأمین امنیت عمومی و پیش‌گیری از جرم می‌گردد. (هاتف، ۱۳۸۶: ص ۶۰).

۳.۴. استفاده از سیستم‌های ردیابی یا GPS در پیش‌گیری از جرم: اغلب دستگاه‌های جی پی اس به این شکل عمل می‌کنند که به ماهواره‌های موجود در مدار زمین متصل شده و از این طریق اطلاعات لازم را از جمله موقعیت مکانی را مخابره می‌کند. دستگاه‌های ردیابی پولیس نیز یکی از پیشرفته‌ترین ابزارهای هستند که با اتصال به ماهواره‌های موجود در مدار زمین به صورت دقیق جزئیات مورد نیاز را در اختیار نیروهای امنیتی قرار می‌دهند. از جمله مهم‌ترین کاربردهای این ابزار پیش‌رفته عبارت از ردیابی مجرمین است. پولیس می‌تواند با استفاده از این دستگاه و اتصال آن به موتور یا وسایله همراه مجرمین، تمامی حرکات آنها را زیر نظر بگیرد. دیگر کاربردهای این فناوری پیدا نمودن نزدیک‌ترین موتور پولیس به محل وقوع جرم و اعزام آن به موقعیت وقوع جرم است. (عزیزی، ۱۴۰۲: ص ۵۱).

۳.۵. استفاده از پهپادها در پیش‌گیری از جرم: تاریخچه استفاده از پهپادها به اواخر جنگ جهانی دوم بر می‌گردد. آلمان نازی از V.1 و V.2 استفاده می‌کرد که نخستین نوع موشک کروز محسوب می‌شد و در عمل تنها سامانه هواپیما بدون سر نشین به حساب می‌آمد که به طور گسترده تولید می‌شد. (جوباری، ۱۳۹۹: ص ۵۲) طراحی پهپادهای اولیه بسیار ساده بود، امروزه این فناوری پیش‌رفت چشم‌گیری کرده است. بعدها از این فناوری در عرصه‌های پیش‌گیری جرم و کشف جرم استفاده صورت گرفته است. از جمله کاربردهای این فناوری در پیش‌گیری از جرم و کشف جرم عبارت از:

- ۱- کاربرد پهپاد در اجرای قانون: از پهپادها می‌توان در اجرا نمودن قانون و نظارت در جمعیت‌های مردم کمک گرفت. از این رو، حفظ امنیت عمومی به خوبی تضمین خواهد شد. پولیس می‌تواند با استفاده از این وسیله بر فعالیت‌های جنایت‌کارانه و اعمال غیر قانونی نظارت خوبی داشته باشد.
- ۲- کاربرد پهپاد برای نظارت بر ترافیک جاده‌ای: از سیستم نظارت بر ترافیک جاده‌ای برای نظارت بر کیفیت و مکان‌های ترافیکی استفاده می‌شود. پهپادها برخلاف دستگاه‌های نظارتی رایج مانند: سنسورهای مایکرو ویدیوهای نظارتی بر قسمت‌های زیادی از جاده می‌توانند، نظارت داشته باشد. هم‌چنین این پهپادها می‌توانند به منظور داشتن نظارت دقیق بر ترافیک یا تصادفات جاده‌ای توسط پولیس به کار گرفته شوند (blog.faradrs.org).

۳.۶. بررسی قانونی دستگاه‌های تلفون: بررسی قانونی دستگاه‌های تلفون تکنیکی جدید از پولیس علمی محسوب می‌شود که در اواخر دهه ۹۰ م به رسمیت شناخته شد. افزایش تعدد تلفون‌های هوشمند و سایر دستگاه‌های دیجیتالی در بازار فناوری موجب پدید آمدن نیاز به تکنالوژی خاص برای بررسی‌های قانونی این دستگاه‌ها شده است، چرا که روش‌های سنتی موجود پاسخ‌گوی نیازهای جدید نمی‌باشد. این بررسی قانونی تلفون شخص متهم یا شاکی برای ضابطین قضایی این امکان را می‌دهد که به محتویات تلفون همراه دسترسی پیدا کرده و اطلاعات حاصل از آن‌ها را تجزیه و تحلیل نمایند، چنین ابزارهایی برای کارشناسان این امکان را فراهم می‌سازد، تا دستگاه‌های تلفون همراه و تابلت‌ها را از نظر فزیک و محتوایی مورد بررسی قرار دهند، پسوردها و اطلاعات ذخیره شده در دستگاه تلفون را مشاهده و تجزیه و تحلیل نمایند. البته انجام بررسی و دسترسی به اطلاعات دستگاه‌های الکترونیکی از این طریق، مستلزم اتصال فزیک از طریق کیبل به دستگاه موبایل مورد نظر است، این ابزار در پیشگیری، تحقیق و دستگیری مجرمین اهمیت ویژه‌ای دارد. (مجله تحولات قضایی، ۱۳۹۶: ص ۸).

۳.۷. عکاسی جنایی: رودلف رایس مبتکر عکاسی جنایی می‌گوید: عکاسی حافظه مصنوعی و کمکی است که استفاده از آن برای پولیس و دستگاه قضا مفید است. اهمیت عکس برداری از صحنه جرم خیلی واضح است، زیرا عکس تقریباً یک نوع خاطره زنده‌یی از صحنه جرم برای همیشه در معرض چشم پولیس می‌گذارد. زیرا بسیاری از جزئیات ممکن است در وهله اول بازرسی محلی صحنه جرم از چشم پولیس دور بماند که بعدها از نظر کشف جرم ضرورت واقع شود. پس از تمام بررسی صحنه جرم، غالباً تغییراتی در آنچه هست بوجود می‌آید که ترمیم یا تجدید آن موثر و ممکن نیست، بنابر این، اگر از صحنه وقوع جرم عکاسی شود جزئیات آن همیشه به شکل اولیه و قابل استفاده در اختیار پولیس و یا مقامات قضایی خواهد بود. (آهنگران، ۱۳۹۷: ص ۱۹).

۳.۸. استفاده از فناوری بلاک چین: بلاک چین یک فناوری نوین ذخیره و انتقال اطلاعات است که داده‌ها را در قالب بلوک‌های به هم پیوسته و به صورت غیر متمرکز ثبت می‌نماید این فناوری با بهره‌گیری از رمزنگاری، امنیت، شفافیت، قابلیت ردیابی و تغییر ناپذیری اطلاعات را تضمین می‌نماید. (زارع و همکاران، ۱۴۰۱: ص ۵). هم‌چنان این فناوری یک سیستم توضیح شده است که اطلاعات را به صورت متمرکز ذخیره و مدیریت می‌نماید، استفاده از بلاک چین در حوزه امنیت، مزایای زیادی دارد. و برخی از این مزایا عبارت‌اند از: شفافیت، امنیت، عدم وابستگی به سازمان مرکزی، انتقال امن داده‌ها می‌باشد. (عزیزی، ۱۴۰۲: ص ۵۹).

۳.۹. **دستگاه دروغ سنج (polygraphy):** واژه پولیگرافی به لحاظ لغوی به معنی ترسیم‌های متعدد است و هنگام استفاده از این وسیله، قلمی در راستای صفحه، تغییرات واکنش‌های افراد را به صورت نمودار ترسیم می‌کند. این دستگاه ابزاری است که برای ردیابی تغییرات فیزیولوژیکی که در بدن انسان در حین بازجویی رخ می‌دهد، طراحی شده و برخی از عملکردهای طبیعی بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دستگاه دروغ یاب یا آنچه که بنام پولیگرافی می‌گویند یکی از روش‌های علمی نوین و مدرن به شمار می‌رود، که با استفاده از این فناوری اظهارات متهم در رابطه به جرم گرفته می‌شود. (سلیمی، ۱۴۰۰: ص ۶۹).

۳.۱۰. **استفاده از هوش مصنوعی:** هوش مصنوعی عبارت از شاخه‌ای از علوم کمپیوتری است که هدف اصلی آن تولید ماشین‌های هوشمندی است که توانایی انجام وظایفی که نیازمند به هوش انسانی است را، داشته باشد؛ در حقیقت نوعی از شبیه‌سازی هوش انسانی برای کمپیوتر است که به گونه برنامه‌نویسی شده که همانند انسان فکر کند و توانایی تقلید از رفتار انسان را داشته باشد (سیرت، ۱۴۰۴: ص ۵۷). از هوش مصنوعی در بیش‌تر امور استفاده می‌گردد. یکی از کاربردهای آن که در حال پیش‌رفت است پیش‌بینی جرایم یا پلیسی‌گری پیشگیرانه بوده که یکی از جذاب‌ترین و کاربردی‌ترین حوزه‌های استفاده از هوش مصنوعی در پیش‌گیری از جرم است.

این روش با استفاده از داده‌های تاریخی و الگوریتم‌های پیش‌رفته، به پولیس کمک می‌کند تا جرایم را قبل از وقوع پیش‌بینی نموده و اقدامات پیش‌گیرانه را انجام دهد. هم‌چنان از هوش مصنوعی و تکنالوژی پردازش تصویر در برقراری امنیت، ردیابی مجرمان، پیدا نمودن هویت خلاف کاران، تشخیص چهره، تشخیص اشیاء و غیره موارد جنایی و حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (احسان پور، ۱۴۰۴: ص ۶۱).

۴. تأثیر فناوری‌های مدرن بر پیش‌گیری و امنیت عمومی

فناوری‌های مدرن در عصر حاضر نقش مهم و اساسی در پیش‌گیری، تأمین امنیت عمومی و کاهش جرایم ایفا می‌کند. پیش‌رفت فناوری‌های نوین سبب گردیده است تا دولت‌ها و نهادهای امنیتی بتوانند با استفاده از ابزارهای پیش‌رفته، تهدیدات امنیتی را سریع‌تر شناسایی نموده و از وقوع بسیاری از جرایم جلوگیری نمایند. برخی کارکردهای این فناوری‌ها را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

الف: تقویت پیش‌گیری موقعیت محور: طراحی محیطی با به کارگیری فناوری در معماری شهری، نظیر چراغ‌های حسگر حرکت که با افزایش نور در مسیرهای تاریک، رویدادهای جنایی را کاهش می‌دهند. هم‌چنان دوربین‌های مدار بسته هوشمند با قابلیت تشخیص چهره رفتارهای مشکوک یا سلاح که برای مداخله پیش از وقوع جرم استفاده می‌شوند. (نیازپور، ۱۴۰۲: ص ۴۸).

ب: افزایش و بهینه سازی منابع قضایی: سیستم‌های مدیریت قضایا با دیجیتال سازی اجراآت جزایی و امنیتی، تشکیل قضیه‌های الکترونیکی، سبب کاهش زمان رسیدگی و جلوگیری از رسیدگی دراز مدت اجراآت جزایی می‌گردد (مشکین سنجابی، ۱۴۰۴: ص ۳۰۵-۳۰۶). با بررسی سیر تحول فناوری در کنترل جرم، به نظر می‌رسد جایگزینی روش‌های سنتی با فناوری‌های نظارتی، نه تنها تحولی اجتناب ناپذیر است، بلکه پیامدهای مثبت و منفی را ایجاد کرده است که نیازمند بازاندیشی جدی است.

۵. چالش‌های استفاده از فناوری‌های مدرن در کنترل و پیش‌گیری جرم

انحصاری از فناوری در کنترل و پیش‌گیری جرم، در حال تبدیل شدن به پارادایم مسلط در نظام‌های عدالت جزایی معاصر است. این رویکرد اگر چه وعده دهنده افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها است، اما با ایجاد بحران سه گانه (اخلاقی- اجتماعی- انسانی) مواجه است. فناوری محوری ارزش‌های بنیادین حقوق جزا را تخریب می‌نماید و با این حال اتکای بی‌رویه به شیوه‌های انجینری کنترل، بدون در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی و اخلاقی می‌تواند به جای حل مسئله، بحران‌های جدیدی در نظام عدالت جزایی ایجاد کند که در این جا به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- فروپاشی اصول اخلاقی در عدالت جزایی: اتکای بی‌قید و شرط به فناوری نظام عدالت جزایی را به سمت ابزاری شدن اخلاق سوق می‌دهد؛ ۲- تهدید حریم خصوصی و شکل‌گیری جامعه نظارتی: استفاده گسترده از تکنالوژی به عنوان ابزار اصلی کنترل اجتماعی در عصر حاضر، تبعات اجتناب ناپذیر دارد، از جمله تحت کنترل و نظارت در آوردن همه افراد اجتماع، اعم از مجرم و غیر مجرم، که این به معنای پایان مفهوم حریم خصوصی و افزایش بی‌اعتمادی و ترویج ترس از جرم در میان اجتماع است؛ ۳- جایگزینی تدریجی کشتگران انسانی و تهدید مشروعیت نظام قضایی: تبدیل فناوری از ابزار کمکی به حاکم مطلق موجب تهدید ساختاری در نهادهای عدالت جزایی می‌شود و دو خطر جدی را ایجاد می‌کند، اولاً حذف تدریجی نقش انسان؛ نمونه عینی مانند: جایگزینی قضاات با هوش مصنوعی. ثانیاً تغییر هدف از اصلاح و غیره موارد. (مشکین سنجابی، ۱۴۰۴: ص ۳۰۷-۳۰۸).

۶. بحث و مناقشه

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که فناوری‌های مدرن در دهه‌های اخیر به یکی از مهم ترین ابزارهای تأمین امنیت و پیشگیری از جرایم تبدیل شده اند. نتایج تحقیق حاضر بیانگر آن است که استفاده از دوربین های مدار بسته، سیستم‌های بایومتریک، سامانه‌های هشداردهنده، سیستم‌های موقعیت‌یاب (GPS)، پهپادها، بلاک‌چین و هوش مصنوعی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم، افزایش سرعت کشف جرایم و شناسایی دقیق مجرمان داشته است. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات

کریمی‌نیا (۱۴۰۰) و عزیزی (۱۴۰۲) همخوانی دارد که فناوری‌های نوین را از مؤثرترین ابزارهای کنترل و پیشگیری از جرایم دانسته‌اند. در خصوص دوربین‌های مداربسته، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این فناوری علاوه بر نقش بازدارنده در برابر مجرمان، در کشف و اثبات جرایم نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. مجرمان در مکان‌هایی که تحت نظارت دوربین قرار دارند، تمایل کمتر به ارتکاب جرم نشان می‌دهند. این نتیجه با دیدگاه آهنگران (۱۳۹۷) مطابقت دارد که عکاسی و تصویربرداری جنایی را از مهم‌ترین ابزارهای اثبات جرم و کشف حقیقت در نظام عدالت جزایی می‌داند. هم‌چنین یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که سیستم‌های بایومتریک و فناوری‌های شناسایی هویت نقش مهمی در جلوگیری از جعل هویت، شناسایی افراد تحت تعقیب و افزایش امنیت اماکن حساس دارند. این موضوع با نتایج تحقیق هاتف (۱۳۸۶) مطابقت داشته و نشان می‌دهد که استفاده از ویژگی‌های منحصر به فرد افراد مانند اثر انگشت، عنبیه چشم و تشخیص چهره می‌تواند دقت شناسایی مجرمان را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. در زمینه استفاده از هوش مصنوعی، یافته‌ها نشان می‌دهد که این فناوری قادر است با تحلیل حجم گسترده‌ای از داده‌ها، الگوهای جرمی را شناسایی کرده و احتمال وقوع جرایم را پیش‌بینی نماید. این امر سبب می‌شود که نهادهای امنیتی پیش از وقوع جرم اقدامات پیشگیرانه لازم را اتخاذ کنند. این یافته با نظریات احسان‌پور (۱۴۰۴) نیز همسو است که هوش مصنوعی را یکی از مؤثرترین ابزارهای پلیس‌گری پیشگیرانه در عصر حاضر معرفی می‌کند. از سوی دیگر، نتایج تحقیق نشان داد که فناوری بلاک‌چین به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی چون شفافیت، امنیت، قابلیت ردیابی و تغییرناپذیری اطلاعات، می‌تواند در حفظ و مدیریت اسناد، مدارک و اطلاعات جنایی نقش مؤثری ایفا نماید. این یافته با دیدگاه زارع و همکاران (۱۴۰۱) هماهنگ بوده و نشان می‌دهد که فناوری بلاک‌چین ظرفیت بالایی برای تقویت امنیت اطلاعات در نهادهای عدلی و قضایی دارد. با وجود مزایای فراوان فناوری‌های مدرن، یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که استفاده گسترده از این فناوری‌ها با چالش‌هایی نیز همراه است. مهم‌ترین این چالش‌ها تهدید حریم خصوصی شهروندان، امکان سوءاستفاده از اطلاعات شخصی، وابستگی بیش از حد نهادهای امنیتی به فناوری و کاهش نقش عوامل انسانی در تصمیم‌گیری‌های امنیتی و قضایی است. در این راستا، مشکین سنجابی (۱۴۰۴) نیز معتقد است که فناوری‌محوری افراطی ممکن است برخی ارزش‌های بنیادین عدالت جزایی را با تهدید مواجه سازد. در مجموع می‌توان گفت که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد فناوری‌های مدرن در کنار افزایش کارایی نهادهای امنیتی و عدلی، نقش اساسی در پیشگیری از جرایم و تأمین امنیت عمومی دارند؛ اما موفقیت این فناوری‌ها در گرو استفاده قانونمند، رعایت اصول اخلاقی، حفظ حریم خصوصی افراد و ایجاد توازن میان فناوری و ارزش‌های انسانی در

نظام عدالت جزایی است. بنابراین، بهره‌گیری صحیح و مسئولانه از تکنالوژی‌های مدرن می‌تواند زمینه تحقق امنیت پایدار، عدالت مؤثر و کاهش میزان جرایم را در جامعه فراهم سازد.

۷. نتیجه‌گیری

پیشرفت سریع فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در دهه‌های اخیر، تحولات گسترده‌ای را در عرصه‌های مختلف زندگی بشری به وجود آورده است. یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که از این تحولات تأثیر پذیرفته، حوزه تأمین امنیت و پیشگیری از جرایم می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تکنالوژی‌های مدرن به عنوان ابزارهای مؤثر و کارآمد، نقش قابل توجهی در ارتقای امنیت عمومی، کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و افزایش توانایی نهادهای امنیتی و عدلی در کشف، تعقیب و شناسایی مجرمان ایفا می‌کنند. بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که فناوری‌هایی نظیر دوربین‌های مداربسته، سیستم‌های هشداردهنده، سامانه‌های بیومتریک، سیستم‌های ردیابی (GPS)، پهپادها، عکاسی جنایی، فناوری بلاک‌چین و هوش مصنوعی از جمله مهم‌ترین ابزارهای نوین مورد استفاده در حوزه امنیت و پیشگیری از جرایم به شمار می‌روند. این فناوری‌ها از طریق نظارت مستمر، جمع‌آوری دقیق اطلاعات، شناسایی هویت افراد، تحلیل داده‌ها و پیش‌بینی تهدیدات احتمالی، زمینه کاهش جرایم و افزایش امنیت اجتماعی را فراهم ساخته‌اند. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از فناوری‌های نوین موجب تسریع روند رسیدگی به قضایا، افزایش دقت در شناسایی مجرمان، کاهش اشتباهات انسانی در برخی مراحل تحقیق و تقویت اعتماد عمومی نسبت به نهادهای امنیتی و قضایی گردیده است. امروزه بسیاری از کشورها با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته توانسته‌اند میزان جرایم را کاهش

داده و ظرفیت نهادهای مسئول در حفظ نظم و امنیت عمومی را ارتقا بخشند. با وجود این مزایا، تحقیق حاضر نشان می‌دهد که استفاده گسترده از تکنالوژی‌های مدرن بدون رعایت موازین حقوقی و اخلاقی می‌تواند چالش‌هایی را نیز به همراه داشته باشد. تهدید حریم خصوصی شهروندان، احتمال سوءاستفاده از داده‌های شخصی، وابستگی بیش از حد به فناوری، کاهش نقش انسانی در برخی تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد نگرانی‌های اخلاقی و حقوق بشری از مهم‌ترین چالش‌های مطرح در این زمینه محسوب می‌شوند. از این رو، بهره‌برداری از فناوری‌های نوین باید در چارچوب قوانین، اصول حقوق بشر، حفظ کرامت انسانی و رعایت معیارهای اخلاقی و اسلامی صورت گیرد. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که تکنالوژی‌های مدرن به یکی از ارکان اساسی تأمین امنیت و پیشگیری از جرایم در جوامع معاصر تبدیل شده‌اند. استفاده درست، هدفمند و قانونمند از این فناوری‌ها نه تنها موجب ارتقای

امنیت عمومی و افزایش کارایی نظام عدالت جزایی می‌شود، بلکه زمینه تحقق عدالت، کاهش جرایم، حمایت از حقوق شهروندان و تقویت اعتماد عمومی نسبت به نهادهای مسئول را نیز فراهم می‌سازد. بنابراین توسعه زیرساخت‌های فناوری، آموزش نیروهای متخصص، تدوین قوانین مناسب و نظارت مؤثر بر نحوه استفاده از این فناوری‌ها، از ضرورت‌های اساسی برای بهره‌گیری مطلوب از فناوری‌های مدرن در عرصه تأمین امنیت و پیشگیری از جرایم به شمار می‌رود.

۸. پیشنهادات

با در نظر داشت نتایج تحقیق نکات آتی بخاطر نقش فناوری‌های مدرن در تأمین امنیت و پیشگیری از جرایم پیشنهاد می‌گردند:

- ۱- ایجاد برنامه‌های آموزشی جهت آگاهی دهی و نحوه‌ی استفاده از فناوری نوین از طریق رسانه‌های اجتماعی، سمینارها و کنفرانس‌های علمی؛
- ۲- انجام تحقیقات علمی بیش‌تر در زمینه تأثیر فناوری‌های نوین بر امنیت عمومی، عدالت جزایی و پیشگیری از جرایم؛
- ۳- نهادهای امنیتی و عدلی کشور از فناوری‌های نوین و ابزارهای مدرن متناسب با نیازهای امنیتی برای پیشگیری، تأمین امنیت و تعقیب مجرمین استفاده مؤثر نمایند.

منابع و مآخذ

الف. کتب

- دانش، حفیظ الله. (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات سیرت، کابل؛
- زارع، محمد رضا، احمدی، علی و کریمی، حسین. (۱۴۰۱). فناوری بلاک چین و کاربردهای آن در حکمرانی دیجیتال، انتشارات: دانشگاه تهران؛
- نیازپور، امیر حسین. (۱۴۰۲). پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات: دادگستری؛

ب. مقالات

- آهنگران، محمد رسول. (۱۳۹۷). نقش استفاده از تکنالوژی‌های مدرن در اثبات جرایم با تأکید بر جرم قتل. فصلنامه علمی- تحقیق کاتب، سال ۵، شماره ۱۰؛
- جویباری، محمد یوسف. (۱۳۹۹). بررسی جایگاه هواپیما بدون سر نشین (پهپادها) در صیانت از حقوق بشر. دو فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره نهم، شماره ۱۹؛
- کریمی نیا، محمد کاظم. (۱۴۰۰). جرم شناسی و تکنالوژی‌های نوین. تهران: انتشارات میزان؛



هاتف، مهدی. (۱۳۸۶). بیومتریک رویکردی نوین در تأمین امنیت. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۲؛

سیرت، صدیقی. (۱۴۰۴). مسئولیت اخلاقی هوش مصنوعی. مجله‌ی علمی - تحقیقی پوهنتون مسلم، دوره اول، شماره اول؛

احسان پور، سید رضا. (۱۴۰۴). اهمیت و جایگاه هوش مصنوعی در پیش‌گیری از جرایم. تحقیق‌های جرم‌شناسی کاربردی، دوره سوم، شماره ۷؛

عزیزی، وکیل احمد. (۱۴۰۲). نقش وسایل تکنالوژی در تأمین امنیت عامه، پایان نامه دوره تحصیلی لیسانس، پوهنتون البیرونی؛

سلیمی، میررضا. (۱۴۰۰). جایگاه پلی گرافی در نظام ادله کیفری ایران، فصلنامه علمی تحقیقی حقوق کیفری. دوره ۱۰، شماره ۳۷؛

سجادی، سیدعلقیوم. (۱۴۰۴). هوش مصنوعی و تحول ماهیت امنیت بین الملل، مطالعات سیاسی و بین المللی دانشگاه خاتم النبیین. سال دوم، شماره اول؛

مشکین سنجابی، سارا. (۱۴۰۴). نقش فناوری در کنترل اجتماعی جرم؛ فرصت‌ها و تهدیدها. دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره ۲۱، شماره ۲۸.

ج. سایت‌های اینترنتی

[https://: blo2farad2.com](https://blo2farad2.com)

<https://: www.startines.com/f.aspx>

وضعیت حقوقی اتباع افغانستان در نظام حقوقی ایران (اقامت و کار)

و مسئولیت جزائی مقامات ناقض حقوق آنها

نویسنده*: محمد سخی نظری

پوهنچی حقوق، پوهنتون باختر، کابل، افغانستان

نشانی برقی: nazarisakhi15@gmail.com

نویسنده: پوهنیار هدایت الله عظیمی

پوهنچی حقوق، پوهنتون باختر، کابل، افغانستان

نشانی برقی: hedayat.azimi@gmail.com

چکیده

حضور گسترده اتباع افغانستان در جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در حوزه‌های اقامت و اشتغال، همواره با چالش‌های حقوقی و اجرایی همراه بوده است. تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت حقوقی اتباع افغان در نظام حقوقی ایران و ارزیابی مسئولیت جزائی مقامات در صورت نقض حقوق قانونی آنان انجام شده است. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، قوانین داخلی ایران، اسناد بین‌المللی و دیدگاه‌های حقوقی صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرچند قوانین ایران چارچوب نسبتاً مشخصی برای اقامت، اشتغال و برخی حقوق اتباع خارجی پیش‌بینی کرده‌اند، اما در مرحله اجرا، محدودیت‌های قانونی، پراکندگی مقررات، ضعف نظارت اداری و نبود ضمانت اجرای مؤثر، زمینه نقض بخشی از حقوق اتباع افغان را فراهم ساخته است. همچنین، در مواردی که مقامات دولتی برخلاف قوانین داخلی یا اصول بنیادین حقوق بشر اقدام می‌کنند، امکان تحقق مسئولیت جزائی و اداری آنان، بر اساس قوانین موضوعه و قواعد عمومی حقوق، قابل بررسی است. تحقیق نتیجه می‌گیرد که اصلاح قوانین مهاجرتی، ایجاد نظام واحد مدیریت مهاجرت و تقویت سازوکارهای نظارتی و پاسخگویی مقامات، از مهم‌ترین راهکارهای ارتقای حمایت حقوقی از اتباع افغان در ایران است.

اصطلاحات کلیدی: اتباع افغان، اقامت، اشتغال، مسئولیت جزائی، حقوق مهاجران، نظام حقوقی ایران.

Legal Status of Afghan Nationals in the Iranian Legal System (Residence and Employment) and the Criminal Liability of Officials Violating Their Rights

Author*: Sakhi Nazari

Bakhtar University, Kabul , Afghanistan

Email: nazarisakhi15@gmail.com

Second Author: Teaching Ass. Hedayatullah Azimi

Bakhtar University, Kabul , Afghanistan

Email: hedavat.azimi@gmail.com

Abstract

The extensive presence of Afghan nationals in the Islamic Republic of Iran, particularly in the areas of residence and employment, has consistently been accompanied by legal and administrative challenges. This study was conducted with the aim of examining the legal status of Afghan nationals within Iran's legal system and assessing the criminal liability of public officials in cases where the legal rights of these individuals are violated. The research adopts a descriptive-analytical approach and is based on library sources, Iranian domestic laws, international legal instruments, and legal doctrines. The findings indicate that although Iranian laws provide a relatively clear framework governing the residence, employment, and certain rights of foreign nationals, various challenges remain at the implementation stage. Legal restrictions, fragmented regulations, weak administrative oversight, and the absence of effective enforcement mechanisms have contributed to the violation of some rights of Afghan nationals. Furthermore, in cases where government officials act contrary to domestic laws or fundamental human rights principles, the possibility of establishing their criminal and administrative liability can be examined in light of applicable laws and general legal principles. The study concludes that reforming immigration laws, establishing a unified migration management system, and strengthening mechanisms for oversight and accountability of public officials are among the most important measures for enhancing the legal protection of Afghan nationals in Iran.

Keywords: Afghan Nationals, Residence, Employment, Criminal Liability, Migrants' Rights, Iranian Legal System.

* corresponding author

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین، والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء والمرسلین محمد و علی آله و أصحابه أجمعین.

مهاجرت، به عنوان یکی از پدیده‌های پایدار و پیچیده در تاریخ زندگی بشر- همواره تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و طبیعی شکل گرفته است. جنگ‌ها، بحران‌های داخلی، تغییرات اقلیمی، فقر و نابرابری‌های توسعه‌ای از مهم‌ترین علل مهاجرت‌های اجباری و اختیاری به شمار می‌روند که در دهه‌های اخیر با شدت و گستردگی بیشتری در سطح منطقه‌ای و جهانی بروز یافته‌اند. در این میان، کشور جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و هم‌مرزی طولانی با افغانستان، یکی از مهم‌ترین مقاصد مهاجرت اتباع افغان محسوب می‌شود؛ پدیده‌ای که پیامدهای حقوقی، اجتماعی و اداری گسترده‌ای را به همراه داشته است.

در نظام حقوقی ایران، وضعیت اتباع خارجی به ویژه در حوزه‌های اقامت و اشتغال، بر پایه مجموعه‌ای از قوانین پراکنده، اصول نامه‌های اجرایی و سیاست‌های اداری تنظیم می‌شود. این در حالی است که تنوع منابع حقوقی و تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده، گاه موجب ایجاد ابهام، تشتت رویه و چالش در اجرای مؤثر حقوق قانونی مهاجران شده است. از سوی دیگر، با وجود پیش‌بینی برخی حقوق بنیادین برای اتباع خارجی در قوانین داخلی و تأکید بر کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی، شکاف قابل توجهی میان «حقوق مقرر» و «حقوق محقق‌شده» در عمل مشاهده می‌شود.

مسئله اصلی این تحقیق، بررسی وضعیت حقوقی اتباع افغان در نظام حقوقی ایران با تمرکز بر دو حوزه اساسی اقامت و اشتغال (کار)، و همچنین تحلیل مسئولیت جزائی مقامات در صورت نقض حقوق قانونی این افراد است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که اتباع افغان بخش قابل توجهی از جمعیت مهاجر مقیم ایران را تشکیل می‌دهند و تصمیمات اداری و اجرایی مرتبط با آنان، آثار مستقیم بر امنیت حقوقی، اجتماعی و انسانی این گروه دارد. این تحقیق در پی آن است تا ضمن تبیین چارچوب حقوقی موجود، میزان کارآمدی آن را در حمایت از حقوق اتباع افغانستان ارزیابی نماید. همچنین، نقش و حدود مسئولیت جزائی مقامات در صورت تجاوز از اختیارات قانونی یا نقض حقوق بنیادین مهاجران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در نهایت، این مطالعه بر آن است تا نشان دهد که تحقق حمایت مؤثر از حقوق اتباع افغان، صرفاً در گرو تدوین مقررات نیست، بلکه نیازمند انسجام قانونی، شفافیت نهادی، نظارت مؤثر و تضمین پاسخگویی مقامات در چارچوب اصول حاکمیت قانون و کرامت انسانی است.

۱.۱. مواد و روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از حیث رویکرد، کیفی است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و منابع معتبر، از جمله قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، اسناد بین‌المللی، رویه‌های حقوقی، کتاب‌ها و مقالات علمی گردآوری شده است. اطلاعات گردآوری شده نیز با استفاده از روش تحلیل حقوقی و اسنادی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱.۲. مسئله تحقیق

یکی از پدیده‌های مهم و تأثیرگذار در جامعه امروزی مسئله‌ی مهاجرت است، موضوعی که از آغاز زندگی بشری تاکنون، همزاد و همراه انسان بوده و در دوره‌های مختلف تاریخی به اشکال گوناگون رخ داده و تداوم یافته است. در دهه‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران به دلیل هم‌جواری جغرافیایی، پیوندهای فرهنگی و تحولات سیاسی و امنیتی افغانستان، میزبان جمعیت قابل توجهی از اتباع افغان بوده است. این حضور گسترده، موضوع اقامت، اشتغال و حمایت حقوقی از آنان را به یکی از مسائل مهم حقوق عمومی و حقوق مهاجرت تبدیل کرده است. اگرچه قانون‌گذار ایران از طریق قانون ورود و اقامت اتباع خارجه، قانون مدنی، قانون کار، قانون اساسی و سایر مقررات، چارچوب حقوقی نسبتاً مشخصی برای تنظیم و وضعیت حقوقی اتباع خارجی پیش‌بینی نموده است، اما در عمل، پراکندگی قوانین، تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده، برداشت‌های متفاوت از مقررات و غلبه ملاحظات اداری و امنیتی، موجب بروز چالش‌هایی در بهره‌مندی اتباع افغان از حقوق قانونی خود، به‌ویژه در حوزه اقامت و اشتغال، شده است.

از سوی دیگر، در مواردی مشاهده می‌شود که برخی مقامات و مأموران اجرایی در جریان اعمال قوانین مهاجرتی، با تجاوز از حدود صلاحیت‌های قانونی، اقداماتی نظیر بازداشت غیرقانونی، جلوگیری از اشتغال یا تحصیل، اخراج بدون رعایت تشریفات قانونی، سوءاستفاده از مقام، دریافت وجوه غیرقانونی یا سایر رفتارهای ناقض حقوق اتباع افغان را مرتکب می‌شوند. این وضعیت این پرسش اساسی را مطرح می‌سازد که آیا نظام حقوقی ایران علاوه بر شناسایی حقوق

اتباع خارجی، سازوکارهای مؤثر و کافی برای حمایت جزائی از این حقوق و پاسخگو ساختن مقامات متخلف نیز پیش‌بینی کرده است یا خیر.

بررسی قوانین موجود نشان می‌دهد که هرچند مقررات متعددی درباره اقامت و اشتغال اتباع خارجی و نیز مسئولیت جزائی مأموران دولتی وجود دارد، اما میان این دو حوزه پیوند منسجم و روشنی برقرار نشده است و حدود مسئولیت جزائی مقامات در قبال نقض حقوق اتباع خارجی به صورت مستقل و نظام مند مورد تحلیل قرار نگرفته است. همچنین، پراکندگی مقررات، فقدان قانون جامع مهاجرت، نبود ضمانت اجراهای اختصاصی در برخی موارد و ابهام در نحوه اعمال قواعد عمومی مسئولیت جزائی نسبت به رفتارهای ناقض حقوق اتباع خارجی، زمینه بروز اختلاف در تفسیر و اجرای قانون را فراهم ساخته است.

بر همین اساس، مسئله اصلی این تحقیق آن است که وضعیت حقوقی اتباع افغان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در دو حوزه اقامت و اشتغال، تا چه اندازه از حمایت قانونی کافی برخوردار است و در صورت نقض این حقوق توسط مقامات و مأموران دولتی، مبانی، حدود و ضمانت اجراهای مسئولیت جزائی آنان بر اساس قوانین داخلی ایران و با توجه به اصول حقوق بشر و اسناد بین‌المللی چگونه قابل تبیین و ارزیابی است. پاسخ به این مسئله می‌تواند ضمن تبیین کاستی‌های تقنینی و اجرایی موجود، راهکارهای مناسبی برای تقویت حمایت حقوقی از اتباع افغان، ارتقای پاسخگویی مقامات عمومی و تحقق هرچه بیشتر اصل حاکمیت قانون ارائه نماید.

۲. مبانی نظری

مهاجرت و اقامت اتباع خارجی از موضوعات مهم حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل است که در آن دو اصل اساسی، یعنی اصل حاکمیت دولت و اصل حمایت از حقوق بنیادین انسان در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. بر اساس اصل حاکمیت، هر دولت حق دارد شرایط ورود، اقامت، اشتغال و خروج اتباع خارجی را مطابق قوانین داخلی خود تنظیم و مدیریت نماید؛ اما اعمال این صلاحیت باید در چارچوب تعهدات بین‌المللی، اصول حقوق بشر و قواعد آمره حقوق بین‌الملل صورت گیرد. از این رو، هیچ دولتی نمی‌تواند به بهانه حفظ امنیت یا نظم عمومی، حقوق اساسی و کرامت انسانی اتباع خارجی را به‌طور خودسرانه محدود یا سلب نماید. از مهم‌ترین مبانی نظری این تحقیق، نظریه کرامت ذاتی انسان است که در منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر و سایر اسناد مرتبط مورد تأکید قرار گرفته است. مطابق این

نظریه، برخورداری از حقوق اساسی وابسته به تابعیت نیست، بلکه از حیثیت ذاتی انسان سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، اتباع خارجی نیز از حقوقی چون حق حیات، امنیت، دسترسی به عدالت، آموزش، اشتغال در حدود قانون و برخورداری از رفتار انسانی و عاری از تبعیض بهره‌مند بوده و دولت میزبان مکلف به رعایت و حمایت از این حقوق است.

در حوزه حقوق داخلی، نظام حقوقی ایران با تصویب قانون ورود و اقامت اتباع خارجی، قانون کار، آیین نامه‌های اجرایی و سایر مقررات مرتبط، چارچوب حقوقی اقامت و اشتغال اتباع خارجی را مشخص ساخته است. این مقررات ضمن شناسایی صلاحیت دولت در مدیریت مهاجرت، مقامات اجرایی را نیز مکلف می‌سازد که در اجرای وظایف خویش از حدود صلاحیت قانونی تجاوز نکرده و حقوق قانونی اتباع خارجی را رعایت نمایند.

مبنای نظری دیگر این تحقیق، اصل حاکمیت قانون و نظریه مسئولیت جزائی مقامات عمومی است. بر اساس این نظریه، هیچ مقام دولتی در برابر قانون مصونیت مطلق ندارد و هرگاه در نتیجه سوءاستفاده از صلاحیت، تخلف از قوانین یا نقض عمدی حقوق اتباع خارجی، عناصر قانونی جرم تحقق یابد، علاوه بر مسئولیت اداری و مدنی، مسئولیت جزائی نیز متوجه وی خواهد بود. این اصل یکی از مهم‌ترین تضمین‌های اجرای قانون، حمایت از حقوق اشخاص و تحقق عدالت در نظام‌های حقوقی معاصر به‌شمار می‌رود.

از دیدگاه اندیشمندان حقوق مهاجرت، از جمله جواد صفایی در کتاب تحول و توسعه حقوق پناهندگان، حل چالش‌های ناشی از مهاجرت مستلزم همکاری دولت‌ها و رعایت معیارهای بین‌المللی حقوق بشر است. همچنین کیت جاسترام و مارلین آکی‌رون در کتاب حمایت از پناهندگان، حمایت از مهاجران و پناهندگان را از تعهدات اساسی دولت‌ها دانسته و بر ایجاد توازن میان حاکمیت ملی و رعایت کرامت انسانی تأکید می‌کنند. فرشید سرفراز نیز در کتاب حقوق بشر-مهاجران در نظام حقوق بین‌الملل، حمایت از حقوق مهاجران را بخشی از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها دانسته و بر ضرورت ایجاد ضمانت اجرای مؤثر برای جلوگیری از نقض حقوق آنان تأکید می‌نماید. بنابراین، مبنای نظری این تحقیق بر این دیدگاه استوار است که وضعیت حقوقی اتباع افغانستان در ایران، نتیجه تعامل میان حاکمیت دولت، الزامات حقوق بشر و اصل پاسخگویی مقامات عمومی است. هرگاه میان این سه مؤلفه تعادل برقرار شود، حقوق اتباع خارجی به‌گونه مؤثر تضمین خواهد شد؛ اما هرگاه مقامات اجرایی از حدود قانون تجاوز نموده یا حقوق قانونی

اتباع افغانستان را نقض کنند، علاوه بر مسئولیت اداری و مدنی، در موارد پیش‌بینی شده در قانون، مسئولیت جزائی نیز متوجه آنان خواهد بود. از این رو، تحقق عدالت در حوزه مهاجرت مستلزم آن است که مدیریت مهاجرت بر پایه قانون، رعایت کرامت انسانی و پاسخگویی مؤثر مقامات اجرایی استوار باشد. (موتقی، ص ۱۱۱، ۱۳۹۶).

۳. مفاهیم و چارچوب حقوقی اتباع خارجی در ایران

در این بخش سعی ما بر این است که کلمات مهاجر، پناهنده، آواره و اتباع را از نظر لغوی و اصطلاحی مورد تبیین قرار بدهیم.

۱- مهاجر: در لغت هجرت کننده، کسی از وطن خود جای دیگر سکنی گزیند. (حسن، ص ۹۹۴، ۱۳۸۹) در اصطلاح مهاجر به شخصی گفته می‌شود که به طور داوطلبانه و آزادانه برای بهبود شرایط زندگی خود (مادی یا اجتماعی) به کشور یا منطقه دیگری می‌رود. مهاجرت برخلاف آوارگی و پناهندگی، اجباری نیست. سازمان ملل، کسی را که بیش از یک سال در کشوری خارجی اقامت داشته باشد، مهاجر می‌داند. (هاشمی، ص ۶، ۱۳۹۸).

۲- پناهنده: در لغت واژه پناهنده به معنای کسی است که به شخص یا چیزی پناه می‌برد، پناه‌گیرنده، پناه آورده و کسی که برای در امان ماندن به حمایت دیگری روی می‌آورد آمده است (دهخدا، کلمه پناهنده، ۱۳۵۹). در اصطلاح پناهنده طبق کنوانسیون‌های پناهندگان ۱۹۵۱ و پروتوکول الحاقی ۱۹۶۷؛ کسی که به دلیل ترس مؤثره از آزار و تعقیب به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی، کشور خود یا محل اقامتش را ترک کرده و نمی‌تواند از حمایت آن کشور برخوردار شود. دو شرط اصلی برای پناهندگی، وجود آزار و تعقیب و عبور از مرزهای بین‌المللی است. تشخیص مؤثره بودن ترس، بر عهده مقامات کشور پذیرنده است.

بنابراین دو ضوابط اصلی در مفهوم پناهندگی وجود دارد: یکی ضوابط آزار و دیگری ضوابط گذر از مرز می‌باشد. واضح است که خارج از کشور متبوع خویش یا محل اقامت بودن؛ به عبارتی گذر از مرزهای شناخته شده بین‌المللی کشورها، یکی از عناصر اساسی این مفهوم را تشکیل می‌دهد (هاشمی، ص ۶۱۱، ۱۳۹۲).

۳-آواره: کلمه آواره در لغت عبارت از گم گشته، سرگردان، دربدر، بی‌خانمان، معنا شده است (حسن، آواره، ۵۵، ۱۳۸۹). و در اصطلاح حقوقی اشخاصی که به اثر جنگ ها، حوادث طبیعی، ناآرامی، مداخلات خارجی، ناچار به ترک محل زندگی و سرزمین خود می‌شوند، در زمره افرادی قرار می‌گیرند که به اجبار از وطن خویش جدا شده‌اند. بر خلاف پناهندگان آن‌ها الزاماً به دلیل ترس از تعقیب، مجازات یا آزار سیاسی و عقیدتی کشور خود را ترک نمی‌کنند، بلکه عامل اصلی این جابجایی‌ها معمولاً شرایط بحرانی و فقدان امنیت انسانی است. آواره‌گی نوعی مهاجرت اجباری یا غیر ارادی به شمار می‌آید و شامل هر دو گروه آواره‌گان داخلی و بیرون مرزی می‌شود. از این رو، هرگاه اعضای جامعه‌ای در نتیجه‌ی جنگ، خشونت یا بی‌ثباتی‌های گسترده، از سرزمین خود رانده شوند، اما دلیل مشخص از ترس تعقیب حکومتی نداشته باشند، عنوان «پناهنده» بر آن‌ها صدق نمی‌کند و باید از واژه آواره استفاده کرد. به‌طور دقیق‌تر، آواره‌گی تنها به جابجایی‌های ناخواسته و اکراه‌آمیز اطلاق می‌شود و اگر شخصی داوطلبانه تصمیم به مهاجرت بگیرد، در قلمرو این مفهوم جای نمی‌گیرد. در نهایت، واژه‌ی «آواره» مفهومی عام دارد که هم بی‌خانمان‌های داخلی را دربرمی‌گیرد و هم کسانی را که به دلایل اجباری از مرزهای کشورشان خارج شده‌اند (قبادی، ص ۱۳، ۱۳۹۳).

۴-اتباع: کلمه اتباع در لغت به معنای تابع، پیروان، جمع تبع، یعنی بیگانه معادل کلمه فارسی است که گاهی اوقات ناآشنا، غیرخودی، اجانب، اتباع، و غریبه نیز گفته می‌شود (حسن، اتباع، ۶۹، ۱۳۸۹). و این کلمه در لغت نامه عربی به اجانب و در زبان انگلیسی به Foreigner-Alien تعبیر می‌شود (دهخدا، کلمه اتباع، ۱۳۵۹).

فلهذا در نظام حقوقی ایران، اتباع خارجی به افرادی اطلاق می‌شود که تابعیت ایران را نداشته و تابع قوانین کشور متبوع خود هستند. قانون مدنی ایران در مواد مختلف، از جمله ماده ۱۶۹ به بعد، قواعد کلی رفتار با اتباع بیگانه را بیان می‌کند. این مواد عمدتاً بر دو اصل اساسی تأکید دارند: "۱- اصل رفتار متقابل: حقوق خصوصی، ایرانیان در یک کشور از حقوقی برخوردارند که قوانین آن کشور برای اتباع ایران مقرر کرده باشد. ۲- محدودیت در مالکیت و حق تصرف: اتباع خارجی در تملک اموال غیرمنقول در ایران محدودیت‌هایی دارند، مگر در موارد استثنایی و با کسب مجوز خاص طبق مواد قانون" (ماده ۷۶۹، قانون مدنی، ۱۳۷۵).

۴. منابع حقوقی مرتبط با اتباع خارجی

مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر وضعیت اتباع خارجی در ایران پراکنده بوده و از منابع متعددی نشأت می‌گیرد:

۴.۱. قوانین عمومی

قانون اساسی، عالی‌ترین و بنیادین‌ترین سند حقوقی هر کشور است که چارچوب تشکیل دولت، ساختار قدرت و حدود صلاحیت‌های آن را به روشنی تعیین می‌کند؛ از این رو، به درستی «مادر قوانین» نام گرفته است. بر همین اساس، در متن قانون اساسی ملت‌ها، حقوق و تکالیف اتباع داخلی و همچنین حقوق اتباع خارجی مقیم کشور مشخص و تفکیک شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حقوق و تعهدات مربوط به بیگانگان مقیم قلمرو ایران تعیین گردیده که موارد ذیل از جمله آن است:

۱- طبق اصل ۴۲ قانون اساسی اتباع خارجی می‌توانند طبق ضوابط قانونی تابعیت ایران را تحصیل نمایند و سلب تابعیت آن‌ها تنها در صورتی مجاز است که دولت دیگری تابعیت شان را بپذیرد یا شخصاً درخواست ترک تابعیت کنند.

۲- همچنان مطابق اصل ۸۱ اعطای هرگونه امتیاز برای تأسیس شرکت‌ها و مؤسسات بازرگانی، صنعتی، کشاورزی، معدنی و خدماتی به بیگانگان به‌طور مطلق ممنوع است.

۳- طبق اصل ۸۲ استخدام کارشناسان خارجی از سوی دولت جز در مواقع ضرورت و با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز نخواهد بود.

۴- دولت جمهوری اسلامی ایران مجاز است به اشخاصی که پناهندگی سیاسی استدعا می‌کنند، پناه دهد، مگر آن‌که مطابق قوانین داخلی کشور، خائن یا جنایتکار شناخته شوند (اصل ۱۵۵، قانون اساسی، ۱۳۵۸).

۴.۲. قانون مدنی

قانون مدنی را می‌توان مبنای چارچوب کلی حقوق مدنی و خانواده بحث و تبیین کرد، لذا در قدم نخست بحث روی تابعیت و در قدم بعدی بحث اقامت را مورد تبیین قرار خواهیم داد.

۱- **تابعیت:** تابعیت در حقوق ایران رابطه حقوقی و سیاسی میان فرد و دولت است که بر اساس آن حقوق و تکالیف متقابل ایجاد می‌شود. مقررات تابعیت در قانون مدنی ایران تنظیم شده است.

اصل بر ایرانی بودن افراد ساکن ایران است مگر تابعیت خارجی آن‌ها ثابت گردد. تابعیت از طریق نسب، به‌ویژه تولد از پدر ایرانی، موجب ایجاد تابعیت ایران می‌شود و در موارد خاص تولد در ایران نیز امکان تحصیل تابعیت وجود دارد. ازدواج نیز در برخی شرایط بر تابعیت زن خارجی یا زن ایرانی تأثیر می‌گذارد (قانون مدنی، ماده ۹۷۶، ۱۳۰۷). اتباع خارجی برای تحصیل تابعیت ایران باید شرایط قانونی، از جمله اقامت و درخواست رسمی را رعایت نمایند. ترک تابعیت ایران نیز تنها با اجازه دولت و رعایت شرایط مقرر امکان‌پذیر است. قانون ایران اصل را بر تابعیت واحد قرار داده و تابعیت مضاعف را در موارد محدود می‌پذیرد. همچنین روابط مربوط به اتباع خارجی بر اساس قوانین داخلی ایران، اصل رفتار متقابل و حفظ مصالح ملی تنظیم می‌شود. (قانون مدنی، ماده ۹۷۹، ۱۳۰۷).

۲- اقامت: اقامت اتباع خارجی در حقوق ایران به معنای حضور قانونی شخص بیگانه در قلمرو ایران است که آثار حقوقی مانند بهره‌مندی از برخی حقوق مدنی و تکالیف قانونی را به همراه دارد. قانون مدنی ایران اقامتگاه را محل سکونت و مرکز مهم امور شخص می‌داند و برای تعیین وضعیت حقوقی اشخاص، اقامتگاه اهمیت اساسی دارد. اتباع خارجی در ایران تابع مقررات مربوط به اقامت و قوانین داخلی کشور هستند و حقوق آن‌ها با رعایت محدودیت‌های قانونی و اصل رفتار متقابل تنظیم می‌شود. همچنین در امور مربوط به احوال شخصیه اتباع خارجی، قوانین کشور متبوع آنان در حدود مقررات ایران مورد توجه قرار می‌گیرد (قانون مدنی، ماده ۱۰۰۲، ۱۳۰۷).

۴.۳. قانون گذرنامه

در ماده نخست گذرنامه (پاسپورت) عبارت از تنظیم‌کننده امور مربوط به ورود، خروج و اسناد هویتی را گویند، و یا گذرنامه (پاسپورت) مدرکی حاکمیتی است که توسط دولت صادر و شامل انواع سیاسی، خدمت و عادی است و برای سفر ایرانیان به خارج یا ورود آن‌ها طراحی شده است (ماده ۱، قانون گذرنامه، ۱۳۵۱). برای خارجی‌های فاقد تابعیت یا کسانی که قادر به تهیه گذرنامه از کشور متبوع نیستند (ماده ۳۱، قانون گذرنامه، ۱۳۵۱). شهربانی با تأیید دستگاه‌های اطلاعاتی و وزارت امور خارجه، پروانه «گذر» صادر می‌کند این «پروانه گذر» به منزله اثبات ایرانی یا بیگانه بودن فرد نیست و مشخصات ظاهری آن طبق آیین‌نامه تعیین می‌شود. نام افراد زیر ۱۸ سال و همسر دارنده پروانه، در گذرنامه یا پروانه وی ثبت می‌شود و صدور مدرک جداگانه برای آن‌ها

ممنوع است، اعتبار اولیه پروانه خروج مجدد برای بیگانگان یک سال است و برای هربار خروج از کشور نیازمند اخذ اجازه مجدد خواهند بود (مواد ۳۲- ۳۳، قانون گذرنامه، ۱۳۵۱).

۴.۴. قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰

این قانون قدیمی ترین سند خاص در این حوزه که هنوز برخی مواد آن لازم الاجرا هستند، هرچند بسیاری از مفاد آن با تحولات جدید سازگار نیست. ورود، خروج و اقامت اتباع خارجی در ایران فقط با اخذ مجوز رسمی (روادید و اجازه اقامت) از نهادهای ذیربط ممکن است. روادید ورود و خروج باید از نمایندگی های ایران در خارج و بر روی گذرنامه یا مدارک هویتی رسمی کشور متبوع صادر گردد. (ماده ۱، قانون ورود اقامت، ۱۳۱۰). مطابق مواد ۴ و ۵ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه، اتباع خارجی پس از ورود به ایران مکلف اند مقررات اقامت را رعایت کرده و در صورت اقامت، مجوزهای لازم را از مراجع مربوط دریافت نمایند. اقامت اتباع خارجی تابع اجازه دولت بوده و بدون مجوز قانونی امکان پذیر نیست. مطابق ماده ۸ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه، اشخاصی که اتباع خارجی را در محل سکونت یا اماکن خود می پذیرند، مکلف اند ورود و اقامت آنان را به مقامات مربوط اطلاع دهند تا وضعیت اقامت آنان ثبت گردد. مطابق مواد ۳ و ۶ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه، اتباع خارجی باید دارای گذرنامه یا اسناد معتبر بوده و در مدت اقامت، مدارک قانونی مربوط به حضور خود را همراه داشته باشند؛ در غیر آن، دولت می تواند مطابق قانون اقدام نماید. مطابق مواد ۱۰ و ۱۱ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه، خروج اتباع خارجی از ایران نیز تابع مقررات قانونی بوده و در موارد لازم باید اجازه خروج از مراجع صلاحیت دار دریافت گردد. مطابق ماده ۱۱ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه، در صورتی که اتباع خارجی مقررات مربوط به ورود، عبور یا اقامت را رعایت نکنند، دولت می تواند مطابق قانون نسبت به اخراج یا محدودیت اقامت آنان اقدام نماید. مطابق ماده ۱۵ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه، دولت می تواند در موارد مربوط به امنیت، مصالح عمومی و نظم کشور، ورود، خروج یا اقامت اتباع خارجی را محدود یا ممنوع نماید.

۴.۵. قانون کار

قانون کار جمهوری اسلامی ایران در راستای تنظیم و مجوز کار برای اتباع خارجی مصوبات ذیل را انجام داده است: مطابق ماده ۱۲۰ اتباع بیگانه نمی توانند در ایران مشغول به کار شوند مگر آنکه اولاً دارای روادید ورود با حق کار مشخص بوده و ثانیاً مطابق قوانین و مقررات مربوط، پروانه کار دریافت کرده باشند. همچنان مطابق ماده ۱۲۱ این قانون، برخی افراد از دریافت پروانه کار معاف

می‌باشند؛ از جمله نمایندگان سیاسی و کنسولی، کارکنان سازمان ملل متحد و کارشناسان مأموریت‌های بین‌المللی که طبق مقررات مربوط فعالیت می‌کنند. مطابق ماده ۱۲۱ قانون کار، وزارت کار هنگام صدور پروانه کار باید شرایط زیر را بررسی نماید:

۵-۱- نبود نیروی کار ایرانی دارای تخصص مشابه؛

۵-۲- داشتن تخصص و مهارت لازم توسط تبعه خارجی؛

۵-۳- استفاده از نیروی خارجی برای آموزش و جایگزینی نیروی ایرانی.

مطابق ماده ۱۲۲ صدور پروانه کار برای اتباع خارجی منوط به تأیید هیأت فنی اشتغال اتباع بیگانه است و شرایط و نحوه کار آن طبق آیین‌نامه‌های مربوط تعیین می‌شود. مطابق ماده ۱۲۳ قانون کار، وزارت کار می‌تواند برای اتباع خارجی دارای شرایط خاص، از جمله اقامت طولانی، داشتن همسر ایرانی یا پناهندگان دارای مجوز قانونی، تسهیلات و اولویت‌هایی در صدور یا تمدید پروانه کار در نظر گیرد.

ماده ۱۲۴ در صورت ضرورت و یا بر اساس قراردادهای متقابل میان دولت‌ها، امکان معافیت برخی اتباع خارجی از پرداخت هزینه‌های مربوط به پروانه کار وجود دارد. مطابق ماده ۱۲۵ این قانون مدت اعتبار جواز کار اتباع خارجی حداکثر یک سال است و تمدید آن باید مطابق مقررات قانونی انجام شود. مطابق ماده ۱۲۶ کارفرما و تبعه خارجی مکلف اند در صورت قطع رابطه کاری، موضوع را به وزارت کار اعلام نمایند تا مطابق قانون درباره ادامه اقامت، تمدید یا خروج تصمیم‌گیری شود. بناءً در شرایط خاص و برای رفع نیازهای ضروری کشور، امکان صدور پروانه کار مؤقت برای اتباع خارجی طبق مقررات وجود دارد. (ماده ۲۷، قانون کار، ۱۳۶۹).

۴.۶. قوانین خاص و اداری

آیین‌نامه اجرایی اقامت اتباع خارجی مصوب ۱۳۸۳ و اصلاحات بعدی: تنظیم‌کننده رویه‌های اداری صدور پروانه اقامت توسط وزارت کشور. طرح ساماندهی اتباع خارجی و آیین‌نامه کارت آمایش مشخص کردن مدارک جهت آموزش شامل کارت هویت، دفتر چه پناهندگی، گذرنامه، برگه تردد خروجی و مدت دار و ممنوعیت ثبت نام در مدارس این طرح که از دهه ۱۳۸۰ شمسی آغاز شد، تلاش کرد تا موج‌های مهاجرت افغان‌ها را تحت یک سیستم مدیریتی متمرکز در آورد. کارت آمایش به عنوان سند هویت و اقامت موقت برای این افراد صادر می‌شود. مقررات وزارت کار: مربوط به صدور پروانه کار و اشتغال و هم‌چنان طی مراحل اداری.

مصوبات شورای عالی امنیت ملی و هیئت وزیران: در دوره های خاص، این نهادها برای مدیریت بحرانهای جمعیتی، مقررات ویژه ای وضع کرده اند. (ماده ۱-۳، آیین نامه اجرایی، ۱۳۸۰). بناً این مجموعه مقررات نشان دهنده یک نظام یکپارچه و کنترل محور برای مدیریت اتباع خارجی در ایران است که از طریق آیین نامه اقامت (۱۳۸۳)، طرح آمایش و مقررات وزارت کار اجرا می شود. هدف اصلی آن، ثبت هویتی، ساماندهی اقامت و محدودسازی ورود غیرقانونی به خدمات عمومی و بازار کار است. کارت آمایش به عنوان ابزار کلیدی، وضعیت اقامت مؤقت و قابل ردیابی را برای اتباع ایجاد می کند. در حوزه آموزش و خدمات اجتماعی نیز دسترسی افراد به مدارک هویتی و اقامتی وابسته شده است. وزارت کار با صدور پروانه کار، اشتغال را تحت کنترل اداری قرار می دهد تا از اشتغال غیرمجاز جلوگیری شود. در کنار این ها، ورود نهادهای امنیتی و هیئت دولت نشان می دهد که موضوع مهاجرت علاوه بر جنبه اداری، ماهیت امنیتی و جمعیتی نیز دارد.

۴.۷. جایگاه معاهدات بین المللی در قبال اتباع خارجی در ایران

جمهوری اسلامی ایران در حوزه حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق پناهندگان دارای موضع خاصی است. ایران عضو کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو درخصوص وضعیت پناهندگان و پروتوکول ۱۹۶۷ آن نیست. این عدم عضویت تأثیر عمده ای بر نحوه برخورد قانونی با پناهندگان دارد؛ به این معنا که ایران الزام حقوقی مستقیم برای اجرای تمام تعهدات مرتبط با کنوانسیون را ندارد. با این حال، ایران به عنوان عضو سازمان ملل متحد، موظف به رعایت اصول بنیادین حقوق بشر مندرج در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر به ویژه اصل عدم بازگرداندن اجباری است. همچنین، ایران عضو کنوانسیون حقوق کودک است که الزاماتی را در مورد دسترسی کودکان مهاجر به آموزش و بهداشت ایجاد می کند.^۱

^۱ معاهدات و قوانین بین المللی از منظر اجرا و تنفیذ در ایران در وضعیت خوبی قرار دارد. البته شرط آنکه مخالف نظام و شرع نباشد. و چنانچه در خصوص اصول بنیادی و حقوق بشر و پابندی به اراده سازمان ملل متحد در عملکرد با مهاجرین و اتباع خارجی بدون اسناد و مدارک اقدام به اخراج و باز گرداندن اجباری و الزامی می باشد.

۵. وضعیت حقوقی اتباع افغانستان در ایران

حضور اتباع افغانستان، که بزرگترین جامعه خارجی مقیم در ایران را تشکیل می دهند، از دهه ۱۳۵۰ آغاز شده و وضعیت حقوقی آن ها به طور مستقیم تحت تأثیر تحولات سیاسی افغانستان قرار داشته است.

۵.۱. نگاه بر پیشینه تاریخی حضور اتباع افغانستان و انواع مجوزها

موج اول مهاجرت پس از کودتای ثور و حمله شوروی سابق و موج دوم در دهه ۱۳۷۰ پس از روی کار آمدن مجاهدین، امارت اسلامی، و جنگ های داخلی در افغانستان ایران را به یکی از بزرگترین میزبانان آوارگان جهان تبدیل کرد. در نظام حقوقی ایران، حضور اتباع افغانستانی سابقه ای طولانی دارد و عمدتاً در چارچوب قوانین مهاجرتی و آیین نامه های هیئت وزیران تنظیم شده است. از منظر تاریخی، ورود و اقامت آن ها ابتدا بر اساس مقررات کلی «ورود و اقامت اتباع خارجه» (مصوب ۱۳۱۰ و آیین نامه های بعدی) مدیریت می شد که اقامت موقت و دائم را به رسمیت می شناخت و صدور اجازه اقامت را در صلاحیت نیروی انتظامی و وزارت کشور قرار می داد. با افزایش مهاجرت افغان ها از دهه ۱۳۶۰ به بعد، رویکرد ایران به سمت سازماندهی متمرکز تغییر یافت و طرح هایی مانند «سرشماری» و سپس «کارت آزمایش» شکل گرفت که هدف آن شناسایی، ثبت و اعطای وضعیت اقامت مؤقت به اتباع دارای شرایط بود.

از نظر انواع مجوزها، مهم ترین اسناد شامل گذرنامه و ویزا، پروانه اقامت (موقت یا تمدیدشونده)، کارت آزمایش برای اتباع سرشماری شده، و برگه های تردد یا اقامت مدت دار است. در حوزه اشتغال نیز «پروانه کار» توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی صادر می شود و شرط اشتغال قانونی اتباع خارجی محسوب می گردد. در برخی دوره ها نیز برای گروه های خاص مانند پناهندگان، دفترچه های هویتی یا اسناد حمایتی صادر شده است. این ساختار نشان می دهد نظام حقوقی ایران به جای اعطای تابعیت گسترده، عمدتاً بر «مدیریت اقامت موقت و کنترل محور» اتباع افغانستانی تکیه دارد. بناً دولت ایران در پاسخ به این موج پناهندگی های انسانی، سیاست های متفاوتی را در راستای سازماندهی در قبال اتباع اعمال کرده است. که این سیاست ها در عملکرد های ذیل می باشد:

کارت پناهندگی: برای تعداد محدودی از اتباع خارجی در ایران که از سوی (UNHCR) یا سازمان امور پناهندگان معرفی شده اند.

کارت هویت موقت: کارت برای افرادی که در سامانه های ثبت نام جای گرفته اند (آیین نامه اجرایی اقامت اتباع خارجی مصوب ۱۳۸۳).

طرح ساماندهی و کارت آمایش: این مهمترین سازوکار مدیریتی است. دارندگان کارت آمایش که اکنون عمدتاً به مرحله تحت نام آمایش نوزده رسیده اند. اقامت موقت خود را برای زندگی و کار در ایران کسب میکنند. این کارتها معمولاً دارای شش ماه اعتبار هستند و تمدید آنها منوط به رعایت ضوابط امنیتی و اداری وزارت کشور است. (دستورالعمل کارت آمایش وزارت کشور)

۱- حق اقامت و محدودیت های سفر

دارندگان کارت آمایش بر اساس مقررات اقامت اتباع خارجی و نظام ساماندهی اتباع، دارای اجازه اقامت مؤقت در محل تعیین شده (استان محل ثبت اقامت) می باشند و تغییر محل اقامت آنان نیازمند اجازه مراجع ذی صلاح است. این محدودیت مکانی ناشی از مقررات اجرایی اقامت اتباع خارجی بوده و مستند آن (ماده ۴-۵، قانون ورود و اقامت اتباع خارج، ۱۳۱۰).

۲- حق اشتغال و محدودیتهای شغلی

قانون کار ایران به طور کلی اشتغال اتباع خارجی را منوط به صدور مجوز کار از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کرده است (ماده ۱۲۱، قانون کار، ۱۳۶۹).

۳- نامه اشتغال

آیین نامه اجرایی قانون کار مصوب ۱۳۷۱ و تبصره های بعدی، محدودیت های جدی بر اشتغال اتباع خارجی ها اعمال می کنند: "شرط تابعیت: کارفرمایان باید ثابت کنند که ایرانی واجد شرایط برای آن شغل وجود ندارد. محدودیتهای شغلی: طبق بخشنامه های اجرایی، اتباع خارجی از اشتغال در مشاغل حساس، مدیریتی، یا مشاغل مشخص شده در لیست مشاغل انحصاری ایرانیان محروم اند. در عمل، اشتغال افغان ها بیشتر محدود به بخشهای غیررسمی، ساختمانی، کشاورزی و خدمات سطح پایین کارگری ساده است. محدودیت تعداد: سهمیه مشخصی برای اشتغال اتباع در هر واحد کاری وجود دارد. دسترسی به مشاغل رسمی و بیمه تأمین اجتماعی برای بسیاری از مهاجران افغان

دشوار است و این امر آنها را به طرف اقتصاد غیررسمی سوق می‌دهد که در آن استثمار شغلی و عدم رعایت حداقل‌های قانونی شایع است.²

۴- حق آموزش و پرورش

در زمینه آموزش ایران گام‌های مهمی برداشته است. چنانچه قانون اساسی نشان می‌دهد که آموزش برای هر فرد در جامعه ایران را شامل می‌شود و هم‌چنان بر اساس تأکیدات رهبری و مصوبات اخیر دولت برای فعالان دانش آموزان و دانشجویان اتباع خارجی از این امتیازات بهره‌مند اند (اصل ۳۰۱، قانون اساسی، ۱۳۵۸).

الف- آموزش عمومی: فرزندان اتباع خارجی اعم از دارای کارت آمایش و حتی فاقد مدارک هویتی موسوم به «مدرسه ستیز» حق دارند در مدارس دولتی ثبت نام کرده و تحصیل کنند. این امر بر اساس قانون اساسی و آیین نامه نحوه آموزش اتباع خارجی فراهم سازی آموزش رایگان برای همه و تعهدات بین المللی حقوق کودک اجرا می‌شود (مواد ۱-۲، آیین نامه، ۱۳۸۳).

ب- آموزش عالی: در ارتباط به تحصیلات اتباع خارجی در دانشگاه‌های ایران اقدامات موثر و مثبتی برداشته شده که می‌توان به آیین نامه نحوه آموزش اتباع خارجی استناد کرد. (ماده ۲-۳، آیین نامه، ۱۳۹۵) دسترسی به دانشگاه‌ها برای اتباع افغان که مدارک تحصیلی آن‌ها قابل تطبیق باشد وجود دارد، اما تعداد سهمیه‌های اختصاصی محدود بوده و رقابت شدید است. در برخی رشته‌ها برای اتباع خارجی ممنوعیت و محدودیت وجود دارد (دره صوفی، ص ۹-۱۰، ۱۳۹۸).

۵- بهداشت و درمان

حق صحت به عنوان یک امتیاز به مفهوم که هر شخص به آن مستحق است تا خوب‌ترین و بهترین سطح سلامتی و جسمی و روانی دست یابد. بناً دسترسی به خدمات بهداشتی اولیه در مراکز دولتی برای تمامی اتباع خارجی حتی غیرمجاز فراهم شده است. (ماده ۹، تصویب نامه، ۱۴۰۳). با این حال، پوشش کامل بیمه سلامت یا بیمه‌های تکمیلی برای بسیاری از مهاجران به دلیل ماهیت اشتغال آن‌ها بیمه توسط کارفرما یا عدم بیمه دشوار است.

² در مشاغل رسمی بعید است که اتباع افغان استخدام گردد. چرا که اتباع ایرانی تحصیل کرده و متخصص فراوان دارند. اتباع افغان صرف می‌تواند در کارهای ساده و یا کارهایی که اتباع ایرانی حاضر به انجام آن نیست مشغول به کار شوند حتی در صورتی که امتیازات (سود، انعام، بیمه کارگری و بیمه تأمین اجتماعی) هم نداشته باشد تنها برای مزد.

۶. مسئولیت جزائی مقامات ناقض حقوق اتباع افغان

این مبحث با بررسی مبانی و مصادیق مسئولیت جزائی مقامات ناقض حقوق اتباع افغان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران آغاز می شود و در ادامه، نقش اسناد بین المللی حقوق بشر-واسناد مرتبط با حمایت از مهاجران در تبیین و تقویت این مسئولیت مورد تحلیل قرار می گیرد.

۶.۱. مبانی قانونی مسئولیت جزائی مقامات

یکی از اصول بنیادین نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل حاکمیت قانون و برابری همه اشخاص در برابر قانون است. هرچند اتباع خارجی از تمامی حقوق سیاسی اتباع ایرانی برخوردار نیستند، اما در برخورداری از حقوق بنیادین انسانی، از جمله حق حیات، امنیت جانی، کرامت انسانی، دسترسی به نظام قضائی، برخورداری از دادرسی عادلانه و حمایت در برابر اقدامات خودسرانه مأموران دولتی، تحت حمایت قوانین ایران قرار دارند. ازاین رو، هیچ مقام یا مأمور دولتی حق ندارد خارج از حدود اختیارات قانونی، حقوق اتباع خارجی از جمله اتباع افغان را نقض نماید.

اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصئون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند". بنأ مفهوم «اشخاص» در این اصل اختصاص به اتباع ایرانی ندارد و هر شخصی که در قلمرو ایران حضور دارد، از حمایت قانون برخوردار است.

همچنین مطابق اصل سی و دوم قانون اساسی، هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین کرده است. بنابراین بازداشت اتباع افغان نیز باید مستند به قانون باشد و هرگونه بازداشت خودسرانه موجب مسئولیت جزائی مأموران خواهد بود. اصل سی و هشتم قانون اساسی نیز هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع را ممنوع اعلام کرده و اصل سی و نهم هتک حرمت و حیثیت افراد بازداشت شده را ممنوع دانسته است. این اصول نسبت به اتباع خارجی نیز قابل اعمال است.

از سوی دیگر، ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (کتاب پنجم تعزیرات) مقرر می دارد: "هر یک از مقامات و مأموران وابسته به نهادها و دستگاه های حکومتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت، به حبس محکوم خواهد شد".

هرچند در متن ماده از عبارت «افراد ملت» استفاده شده است، اما با توجه به اصول کرامت انسانی و ممنوعیت اقدامات غیرقانونی مأموران، هرگونه رفتار مجرمانه نسبت به اتباع خارجی نیز در صورت انطباق با سایر عناوین مجرمانه، موجب مسئولیت جزائی مرتکب خواهد بود. بنابراین، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها اقتضا می‌کند که مأموران و مقامات دولتی در اجرای قوانین مربوط به اتباع خارجی، حدود اختیارات قانونی خود را رعایت نموده و از هرگونه اقدام خارج از قانون خودداری کنند (مواد ۱۲ و ۱۳، قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

۶.۲. موارد تحقق مسئولیت جزائی مقامات

در جریان اجرای قوانین مربوط به ورود، اقامت، اشتغال و خروج اتباع افغان، امکان ارتکاب برخی جرایم توسط مأموران وجود دارد که در صورت تحقق، مسئولیت جزائی آنان قابل تعقیب خواهد بود (ماده ۵۷۰، قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

۶.۲.۱. بازداشت غیرقانونی

براساس اصل ۳۲ قانون اساسی و مواد قانون آیین دادرسی جزائی، بازداشت اشخاص صرفاً با مجوز قانونی امکان‌پذیر است. چنانچه مأموران انتظامی یا سایر مقامات، بدون مجوز قانونی یا بیش از مدت مقرر، اتباع افغان را بازداشت نمایند، عمل آنان می‌تواند مشمول ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی باشد.

۶.۲.۲. ضرب و جرح

چنانچه مأموران در هنگام دستگیری یا انتقال اتباع خارجی بدون ضرورت قانونی از زور استفاده کرده و موجب ایراد صدمه بدنی شوند، حسب مورد مشمول مقررات قصاص یا دیات و نیز مقررات تعزیرات خواهند بود. استفاده از سلاح نیز تنها در حدود قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۳ مجاز است.

۶.۲.۳. توهین و تحقیر

رفتارهای موهن، تحقیرآمیز یا توأم با اهانت نسبت به اتباع افغان، علاوه بر مغایرت با اصول کرامت انسانی، در صورت تحقق شرایط قانونی می‌تواند مشمول ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) باشد.

۶.۲.۴. اخاذی یا دریافت وجه غیرقانونی

در برخی موارد ممکن است مأموران در قبال انجام وظایف قانونی خود از اتباع خارجی وجوهی مطالبه کنند. چنین رفتاری حسب مورد می تواند از مصادیق ارتشاء، اخاذی یا سوءاستفاده از مقام اداری بوده و مطابق قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و نیز قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب باشد (ماده ۵۷۶، قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

۶.۲.۵. سوءاستفاده از مقام اداری

چنانچه مقام اداری از اختیارات قانونی خود برای اعمال فشار، تبعیض یا ضیاع حقوق اتباع افغان استفاده نماید، علاوه بر مسئولیت اداری، حسب مورد مسئولیت جزائی نیز خواهد داشت (ماده ۶۰۵، قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

۶.۲.۶. جلوگیری غیرقانونی از اشتغال

اتباع افغان دارای جواز کار معتبر، مطابق قانون کار حق اشتغال در حدود مجوز صادره را دارند. هرگونه جلوگیری غیرقانونی از اشتغال قانونی آنان یا ایجاد مانع خارج از چارچوب مقررات، در صورت همراه بودن با سوءاستفاده از مقام یا اعمال مجرمانه، می تواند موجب مسئولیت جزائی مقام مربوط شود (ماده ۵۷۶، قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

۶.۲.۷. جلوگیری غیرقانونی از تحصیل

مطابق اصل ۳۰ قانون اساسی و سیاست های اعلامی جمهوری اسلامی ایران، کودکان اتباع خارجی نیز از حق آموزش برخوردارند. چنانچه مقام یا مأمور مسئول، برخلاف مقررات، مانع ثبت نام یا ادامه تحصیل افراد واجد شرایط شود، علاوه بر مسئولیت اداری، حسب مورد مسئولیت جزائی نیز خواهد داشت.

۶.۲.۸. اخراج بدون رعایت تشریفات قانونی

مطابق قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰، اخراج اتباع خارجی باید مطابق تشریفات مقرر قانونی انجام شود. بنابراین اخراج خودسرانه یا استفاده از زور برخلاف مقررات، می تواند موجب مسئولیت جزائی و مدنی مأموران گردد.

۶.۳. ضمانت اجرای جزائی

نظام حقوقی ایران برای جلوگیری از سوءاستفاده مأموران دولتی، ضمانت اجرای جزائی متعددی پیش‌بینی کرده است. بسته به نوع جرم ارتكابی، مرتکبان ممکن است به یکی یا چند مورد از مجازات‌های زیر محکوم شوند:

۱. حبس تعزیری مطابق قانون مجازات اسلامی؛
۲. جزای نقدی در جرایمی که قانون مقرر کرده است؛
۳. انفصال مؤقت یا دائم از خدمات دولتی؛
۴. پرداخت دیه یا قصاص در صورت ایراد صدمات جسمانی؛
۵. جبران خسارات وارده بر اساس قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹؛
۶. محرومیت از حقوق اجتماعی در موارد مقرر قانونی؛

علاوه بر مسئولیت جزائی، مأموران متخلف ممکن است مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اداری نیز با مجازات‌های انتظامی مانند توبیخ، کسر حقوق، تنزل مقام یا اخراج از خدمت مواجه شوند. بنابراین، مسئولیت جزائی نافی مسئولیت اداری یا مدنی نبوده و هر سه نوع مسئولیت ممکن است همزمان بر مرتکب بار شود. در نتیجه، حمایت از حقوق اتباع افغان صرفاً با شناسایی حقوق قانونی آنان تحقق نمی‌یابد، بلکه اجرای مؤثر قوانین و اعمال ضمانت اجرای جزائی نسبت به مقامات و مأموران متخلف، مهم‌ترین ابزار تضمین حقوق این گروه از اتباع خارجی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

۶.۳.۱. نقش اسناد بین‌المللی در تقویت ضمانت اجراها

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، صرف شناسایی حقوق افراد کافی تلقی نشده، بلکه بر وجود ضمانت اجرای مؤثر برای مقابله با نقض این حقوق نیز تأکید شده است. ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر-منتشره ۱۹۴۸ مقرر می‌دارد هر شخص حق دارد در برابر نقض حقوق اساسی خود از طریق محاکم ذیصلاح به جبران مؤثر دست یابد. این ماده بیانگر آن است که حمایت از حقوق اشخاص بدون امکان شکایت و پاسخگویی مقامات، حمایت مؤثری نخواهد بود، همچنین بند (۳) ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولت‌های عضو را موظف می‌کند برای اشخاصی که حقوق آن‌ها نقض شده است، راهکارهای مؤثر قضایی و اداری فراهم آورند و تضمین کنند که مقامات به شکایات آن‌ها رسیدگی کرده و احکام صادره را اجراء نمایند.

بنابراین، ایجاد مسئولیت جزائی برای مأموران متخلف، یکی از ابزارهای تحقق این تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود. در حوزه حقوق مهاجران نیز مواد ۱۶، ۱۸ و ۲۵ کنوانسیون حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنان انتشار ۱۹۹۰ بر حق آزادی، امنیت شخصی، رسیدگی قضائی عادلانه، منع رفتار غیرانسانی و برخورداری از حمایت قانونی برابر تأکید کرده‌اند. این مقررات نشان می‌دهد که پاسخگویی مأموران دولتی و وجود ضمانت اجرای جزائی، از عناصر اساسی حمایت از حقوق مهاجران در نظام‌های حقوقی معاصر به شمار می‌رود.

بدین ترتیب، هرچند نظام حقوقی ایران در قوانین جزائی خود برای بسیاری از رفتارهای مجرمانه مأموران ضمانت اجرا پیش‌بینی کرده است، اما بهره‌گیری از معیارهای اسناد بین‌المللی می‌تواند در اصلاح قوانین، تقویت حمایت از اتباع خارجی و ارتقای نظام پاسخگویی مقامات عمومی نقش مؤثری ایفا کند.

۶.۳.۲. نقش اسناد بین‌المللی در اصلاح قوانین

تجربه نظام‌های حقوقی مختلف و اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که حمایت مؤثر از مهاجران تنها از طریق شناسایی حقوق آنان محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند وجود سازوکارهای نظارتی، مسئولیت جزائی مأموران و دسترسی آسان به عدالت است، اصول بنیادین رفتار با زندانیان (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۰)، اصول اساسی استفاده از زور و سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون (هاوانا، ۱۹۹۰) و آیین‌نامه رفتار مأموران اجرای قانون (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۹) همگی بر ضرورت رعایت اصل تناسب، منع سوءاستفاده از قدرت، پاسخگویی مأموران و جبران خسارت قربانیان تأکید دارند.

این اسناد، هرچند الزام‌آور نیستند، اما به عنوان «حقوق نرم» (Soft Law) نقش مهمی در تفسیر تعهدات حقوق انسانی دولت‌ها و اصلاح قوانین داخلی دارند. بر همین اساس، قانون‌گذار ایرانی می‌تواند با الهام از این معیارها، مقررات صریح تری درباره مسئولیت جزائی مأموران ناقض حقوق اتباع خارجی وضع کند، سازوکارهای نظارتی را تقویت نماید و دسترسی اتباع خارجی به مراجع قضایی را تسهیل کند.

۷. چالش ها

وضعیت حقوقی اتباع خارجی در ایران، علیرغم تلاش های بشر دوستانه، اما مملو از حفره ها و تناقضات ساختاری است که نیازمند اصلاحات بنیادین میباشد. لذا در این مرحله از تحقیق در نخست به چالش ها و بعداً به راهکار های حقوقی پرداخته خواهد شد.

۱- نارسایی های ساختاری و قانونی: فقدان قانون جامع مهاجرت بزرگترین چالش، عدم وجود یک قانون جامع مهاجرت و اسکان است چنانچه قوانین موجود پراکنده و قدیمی است، مانند قانون ۱۳۱۰ که متناقض با نیازهای روز هستند. این پراکندگی باعث شده که مدیریت مهاجران به صورت موردی و بر اساس بخشنامه های اجرایی وزارت داخله، وزارت کار و نیروی انتظامی انجام شود که نتیجه آن عدم شفافیت و بوروکراسی پیچیده است.

۲- تعارضات نهادی: مسئولیت مدیریت اتباع بین وزارت کشور (امور اقامت و اسکان)، وزارت کار (امور اشتغال) و پولیس مهاجرت (امور امنیتی و خروج و ورود) تقسیم شده است. فقدان یک نهاد واحد با اختیارات کافی برای هماهنگی، باعث تأخیر در صدور مدارک و تصمیم گیری های متناقض میشود.

۳- چالش های اجرایی و اجتماعی: وضعیت اقامتی متزلزل تمدید سالانه کارت آمایش، ماهیت موقتی و ناپایداری را به زندگی این افراد تحمیل میکند. این عدم قطعیت بر برنامه ریزی بلند مدت خانواده ها، سرمایه گذاریهای کوچک، و دسترسی به خدمات اجتماعی تأثیر منفی میگذارد.

۴- اقتصاد غیررسمی و خدماتی: محدودیت های اشتغال منجر به گسترش کار غیررسمی میشود. در این حوزه، اتباع افغان اغلب با دستمزد پایین تر از حد اقل های قانونی کار میکنند و فاقد هرگونه حمایت بیمه ای و مزایای کارگری هستند. گرچه دسترسی به امتیازات ابتدایی تضمین شده، اما در دسترسی به خدمات بانکی، مالکیت اموال و خدمات قضایی در سطح برابر با شهروندان ایرانی همچنان محدودیت های جدی وجود دارد.

۵- مشکلات کاربردی در زمینه ناقض مقامات: یکی از مشکلات و چالش های جدی در زمینه عدم تطبیق قوانین نسبت به ناقضان قوانین در حوزه مهاجرین است و ناقضان قوانین مهاجرتی دائماً مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.

۸. نتیجه گیری

بررسی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که نظام حقوقی این کشور از حیث تقنین، چارچوب نسبتاً گسترده ای برای تنظیم وضعیت اقامت و اشتغال اتباع خارجی، به ویژه اتباع افغان، ایجاد کرده است؛ اما مناقشه اصلی نه در کمبود قوانین، بلکه در نحوه اجرا و تفسیر آن ها نهفته است، از دیدگاه نویسندگان این تحقیق، فاصله میان قواعد قانونی و عملکرد نهادهای اجرایی، مهم ترین عامل تضعیف امنیت حقوقی اتباع افغان محسوب می شود. در عمل، بسیاری از محدودیت های اعمال شده ناشی از برداشت های اداری، تصمیمات موردی و ملاحظات امنیتی است که گاه فراتر از حدود مقرر در قوانین نافذ اعمال می شود.

نویسندگان معتقد اند هرگاه مأموران و مقامات دولتی، برخلاف قوانین داخلی یا اصول بنیادین حقوق بشر، موجبات ضیاع حقوق قانونی اتباع افغان را فراهم سازند، این اقدامات نباید صرفاً تخلف اداری تلقی گردد، بلکه در مواردی که شرایط قانونی فراهم باشد، می تواند منشأ مسئولیت جزائی نیز باشد. بنابراین، حمایت مؤثر از حقوق اتباع خارجی صرفاً با تصویب قوانین جدید تحقق نمی یابد، بلکه مستلزم ایجاد ضمانت اجراهای مؤثر، نظارت قضایی مستقل، پاسخگویی مقامات اجرایی و تفسیر منطبق با کرامت انسانی است.

به باور نویسنده، آینده نظام حقوق مهاجرت در ایران در گرو ایجاد تعادل میان حفظ امنیت ملی و رعایت حقوق بنیادین مهاجران است. هرگونه غلبه یک جانبه ملاحظات امنیتی بر حقوق انسانی، نه تنها با اصول عدالت حقوقی سازگار نیست، بلکه می تواند مشروعیت نظام حمایت از مهاجران را نیز با چالش مواجه سازد. از این رو، اصلاح مقررات، یکپارچه سازی نظام مهاجرت، تقویت ضمانت اجراهای جزائی علیه ناقضان حقوق اتباع خارجی و توسعه نظارت قضایی، مهم ترین راهکارهای برون رفت از این مناقشه حقوقی به شمار می روند.

۹. پیشنهادات

برای سازمان دهی پایدار و مبتنی بر کرامت انسانی وضعیت اتباع خارجی، اقدامات زیر ضروری است:

۱- قانونگذاری بنیادین: تدوین و تصویب «قانون جامع وضعیت اتباع خارجی در ایران» که شامل تعریف دقیق انواع وضعیت اقامت، پناهندگی، اقامت دائم سازوکار روشن صدور مجوز کار و اقامت طولانی مدت باشد.

۲- اصلاح نظام اشتغال: بررسی مجدد مشاغل ممنوعه برای اتباع و تسهیل صدور مجوز کار برای مشاغل پرتقاضا در بخش هایی مانند کشاورزی و ساختمانی، به خصوص برای افرادی که سابقه طولانی در ایران دارند. اتخاذ سازوکاری برای بیمه تأمین اجتماعی اجباری برای کارگران تبعه خارجی نرخ اشتغال رسمی مورد نیاز نرخ بیکاری اتباع مجاز و قانونی.

۳- مسیر تعریف شده برای اقامت دائم: ایجاد یک مسیر قانونی مشخص برای آن دسته از اتباع که برای دهه ها در ایران زندگی کرده اند. مانند متولدین ایران یا کسانی که سابقه بیمه طولانی دارند تا بتوانند در چارچوب ضوابط امنیتی، به اقامت دائم دست یابند.

۴- تقویت هماهنگی نهادی: ایجاد یک «سازمان ملی مدیریت مهاجرت» با اختیارات فراسازمانی برای یکپارچه سازی صدور مدارک و تدوین پالیسی ها.

۵- جرم انگاری صریح نقض حقوق اتباع خارجی توسط مأموران: در نظام جزائی ایران، اصل قانونی بودن جرم و مجازات که در اصل سی و ششم قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد تأکید قرار گرفته، اقتضا می کند که هر رفتار مجرمانه به صراحت در قانون پیش بینی شود، اما قانون گذار مواد قانونی مستقلی درباره نقض حقوق اتباع خارجی در جریان اجرای قوانین مهاجرتی و وضع نکرده است. این خلأ ممکن است در عمل موجب تفسیرهای متفاوت و کاهش حمایت جزائی از اتباع خارجی شود.

۶- تشدید نظارت بر عملکرد مأموران: یکی از مؤثرترین راهکارهای پیشگیری از نقض حقوق اتباع افغان، تقویت نظام های نظارتی بر عملکرد مأموران و مقامات اجرایی است. مطابق اصل ۱۷۴ قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور وظیفه نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین را بر عهده دارد. بهتر خواهد بود که ایجاد واحدهای تخصصی نظارت بر عملکرد مأموران حوزه مهاجرت، ثبت و رسیدگی دقیق به شکایات، آموزش مستمر حقوق بشر- و حقوق اتباع خارجی به کارکنان و اعمال مجازات های اداری و جزائی متناسب، می تواند در کاهش تخلفات و ارتقای اعتماد عمومی نقش مؤثری داشته باشد.

۷- تسهیل رسیدگی قضایی به شکایات اتباع خارجی: دسترسی مؤثر به عدالت، یکی از مهم ترین تضمین های حمایت از حقوق اشخاص است. اصل سی و چهارم قانون اساسی، دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و دسترسی به محاکم ذیصلاح را تضمین کرده است، اما در عمل، عواملی

همچون ناآگاهی از قوانین، مشکلات زبانی (لهجه)، نگرانی از وضعیت اقامت، هزینه‌های رسیدگی قضائی و طولانی بودن جریان رسیدگی، مانع از طرح شکایت توسط بسیاری از اتباع افغان می‌شود.

منابع و مآخذ

الف. کتاب‌ها

دهخدا، ع. ا. (۱۳۹۵)، *لغت‌نامه دهخدا*، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

صفایی، ج (۱۳۷۴)، *تحول و توسعه حقوق پناهندگان*، انتشارات وزارت امور خارجه.

سرفراز، ف (۱۳۹۴)، *حقوق بشر مهاجران در نظام حقوق بین‌الملل*، انتشارات مجد.

عمید، ح. (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، انتشارات راه رشد.

معین، م. (۱۳۵۰)، *فرهنگ معین*، انتشارات امیرکبیر.

ب. قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران

آیین‌نامه اجرایی اقامت اتباع خارجی. (۱۳۸۳). وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران.

آیین‌نامه اجرایی قانون کار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸).

قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).

قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری (۱۳۷۳).

قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (۱۳۶۷).

قانون رسیدگی به تخلفات اداری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲).

قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹).

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰).

قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲).

قانون ورود و اقامت اتباع خارجه (۱۳۱۰).

وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران. (بدون تاریخ)، *گزارش‌های دوره‌ای دفتر امور اتباع و*

مهاجرین خارجی.

ج. اسناد و مقررات بین‌المللی

منشور ملل متحد. (۱۹۴۵).

اعلامیه جهانی حقوق بشر. (1948).

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی. (1966).

کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنان. (1990).

اصول بنیادین رفتار با زندانیان. (1990).

اصول اساسی استفاده از زور و سلاح گرم توسط مأموران اجرای قانون. (1990).

آیین نامه رفتار مأموران اجرای قانون. (1979).

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد. (UNHCR) (بی تا) گزارش های مربوط به وضعیت مهاجران افغان در ایران.

د. مقالات و پایان نامه ها

دره صوفی، س.م.ح. (۱۳۹۸). حق بر آموزش مهاجر در فقه اهل بیت و قوانین موضوعه، حقوق و علوم جزا (13).

قبادی لنگرودی، ا. (1393)، وضعیت حقوق آوارگان خارجی ناشی از جنگ در حقوق بین الملل (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی).

موتقی، ح. (۱۳۹۶). الزامات و پیش بینی های حقوق بین الملل برای استقرار مهاجران اقلیمی در مقصد. مطالعات جامعه شناختی، ۱۰ (37) ..

هاشمی، س.م. (۱۳۹۲). روابط دولت ها، نهادها و حقوق بشر. مجله بازتاب اندیشه، (۹۲).

هاشمی، س.م. (۱۳۹۸). حقوق آوارگان و تعهدات دولت ها در قبال آن با نگاهی به وضعیت آوارگی در جهان و کشورهای اسلامی.

بحران تایوان و تاثیر آن بر روابط چین و آمریکا از سال (۲۰۱۶-۲۰۲۳)

(۲۰۲۳)

نویسنده: محمد ادریس هاشمی

پوهنتون راه ابریشم، کابل، افغانستان

نشانی برقی: edrishi021@gmail.com

چکیده

مسئله تایوان در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین محورهای تنش در روابط میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین تبدیل شده است. هرچند اختلاف دو کشور بر سر جایگاه تایوان پیشینه‌ای طولانی دارد، اما از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ با تشدید رقابت‌های راهبردی، اهمیت این تحقیق بیش از پیش افزایش یافته است. این تحقیق با هدف بررسی تأثیر بحران تایوان بر روابط چین و آمریکا و تحلیل پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن انجام شده است. پرسش اصلی تحقیق این است که بحران تایوان چه تأثیری بر روند و ماهیت روابط دو کشور در این دوره داشته است. فرضیه تحقیق بیان می‌کند که این بحران موجب تشدید رقابت راهبردی، افزایش تنش‌های سیاسی و امنیتی، تقویت حضور و آمادگی نظامی، گسترش سیاست‌های بازدارندگی، تشدید رقابت‌های فناورانه و افزایش بی‌اعتمادی متقابل شده است؛ با این حال وابستگی متقابل اقتصادی مانع قطع کامل روابط تجاری و اقتصادی میان دو کشور گردیده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تبیینی، بر پایه نظریه واقع‌گرایی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد رسمی، گزارش‌های راهبردی و داده‌های آماری انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بحران تایوان به یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده روابط چین و آمریکا تبدیل شده و نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی دو کشور ایفا کرده است. همچنین، استمرار رقابت قدرت‌های بزرگ نشان می‌دهد که این بحران همچنان یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر روابط پکن و واشنگتن و بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.

اصطلاحات کلیدی: آمریکا، چین، تایوان، هژمونی، نظم اقتصاد بین‌المللی.

The Taiwan Crisis and Its Impact on China-U.S. Relations (2016 –2023)

Author: Mohammad Edris Hashimi

Rahe Abrishum University, Kabul, Afghanistan

Email: edrishi021@gmail.com

Abstract

The Taiwan issue has become one of the most significant sources of tension in relations between the United States and the People's Republic of China in recent years. Although the disagreement over Taiwan's status has a long historical background, its importance has increased significantly due to the intensification of strategic competition between the two countries from 2016 to 2023. This study aims to examine the impact of the Taiwan crisis on China-U.S. relations and to analyze its political, security, and economic consequences. The main research question is how the Taiwan crisis has affected the nature and trajectory of relations between China and the United States during this period. The study hypothesizes that the crisis has intensified strategic rivalry, increased political and security tensions, strengthened military presence and preparedness, expanded deterrence policies, intensified technological competition, and deepened mutual distrust. Nevertheless, economic interdependence has prevented a complete economic decoupling and the cessation of bilateral trade and economic cooperation. This research adopts a descriptive-analytical method with an explanatory approach, based on the theory of realism, and draws upon library sources, official documents, strategic reports, and statistical data. The findings indicate that the Taiwan crisis has become one of the principal factors shaping China-U.S. relations and has played a significant role in influencing the political, security, and economic policies of both countries. Furthermore, the continuing rivalry between the major powers suggests that the Taiwan crisis will remain a key factor affecting relations between Beijing and Washington, as well as regional and international political, security, and economic dynamics.

Keywords: United States, China, Taiwan, Hegemony, International Economic.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد و على آله و أصحابه أجمعين.

بحران تایوان یکی از مهم ترین مسائل ژئوپلیتیکی در روابط چین و ایالات متحده است که ریشه آن به ۱۹۴۹ بازمی گردد، اما از سال ۲۰۱۶ با تشدید رقابت های راهبردی وارد مرحله جدیدی شد. چین تایوان را بخشی از قلمرو خود می داند، در حالی که تایوان دارای نظام سیاسی مستقل است و این موضوع زمینه ساز تنش میان پکن و واشنگتن شده است (Buzan 2010). در سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳، افزایش حضور نظامی چین در اطراف تایوان، فروش تسلیحات آمریکا و گسترش همکاری های واشنگتن و تایپه موجب تشدید رقابت و نگرانی های امنیتی در شرق آسیا و اقتصاد جهانی شد (Kelly, 2014; Liu, 2022). در دوره پس از جنگ سرد، آمریکا با سیاست مهار چین به ویژه در دوران ترامپ از طریق تحریم های تجاری، محدودیت های فناوری و همکاری نظامی با تایوان، رقابت را تشدید کرد. در مقابل، چین نیز با اقدامات نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی در پی جلوگیری از استقلال تایوان بوده است (Gilpin, 1981; Keohane, 1984; Tsai, 2021). با توجه به اهمیت راهبردی تایوان، این تحقیق به بررسی تأثیر بحران تایوان بر روابط چین و آمریکا در سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ و تحلیل پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن می پردازد.

این تحقیقات نظر به موضوع آن از روش توصیفی - تحلیلی بهره می گیرد، ابزار جمع آوری اطلاعات برابر اقتضای طبیعی این گونه تحقیق، عمدتاً کتابخانه ای است؛ یعنی برای جمع آوری مطالب و داده ها از کتب، مقالات، سایت های معتبر و اسناد تاریخی موجود در کتابخانه ها استفاده گردیده است، البته آثار ارزنده محققین در منابع اینترنتی هم از نظر دور نمانده و در مواردی از این منابع نیز استفاده گردیده است.

پس از پایان جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا همواره نگران رشد هژمونی منطقه ای رقبا بوده است و رشد اقتصادی و نظامی چین یکی از مهم ترین دغدغه های این کشور محسوب می شود. چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، نقش مهمی در تجارت جهانی ایفا کرده و بسیاری از شرکت های آمریکایی به زنجیره تأمین محصولات چینی وابسته اند. از سوی دیگر، توسعه ی توان

نظامی پیشرفته و گسترش توانمندی هسته‌ای چین، این کشور را به رقیبی جدی برای آمریکا تبدیل کرده است. علاوه بر آن، تفاوت‌های ایدئولوژیک میان نظام کمونیستی چین و دموکراسی آمریکایی، تنش‌های سیاسی و اقتصادی بین دو کشور را تشدید کرده است (سلیمان‌پور، ۱۳۹۳: ۱۲۰). از دوران ریاست جمهوری بوش و اوباما تا ترامپ و بایدن، آمریکا با رویکردهای متفاوت تلاش کرده است تا نفوذ چین را محدود سازد. اوباما با سیاست «محور به آسیا» و ترامپ با جنگ تعرفه‌ای و افزایش بودجه نظامی، درصدد مهار رشد اقتصادی و نظامی چین بودند. در مقابل، چین با شتاب اقتصادی، تقویت توان نظامی و بلندپروازی‌های منطقه‌ای خود، نقش فعالی در شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای ایفا کرده است. یکی از مهم‌ترین محورهای تنش میان چین و آمریکا، مسئله تایوان است. پس از جنگ داخلی چین در ۱۹۴۹، دولت جمهوری چین در تایوان مستقر شد و چین همواره این جزیره را بخشی از خاک خود می‌داند. آمریکا هرچند سیاست «چین واحد» را پذیرفته، اما حمایت سیاسی و نظامی خود از تایوان را ادامه داده و روابط راهبردی با این جزیره را (این حمایت، موقعیت آمریکا در Yu, Miaojie & Rui Zhang, 2022; 12 تقویت کرده است) منطقه آسیای جنوب شرقی را ارتقا داده و در مقابل، چین آن را خط قرمز خود می‌داند. تحولات اخیر، از جمله فروش تسلیحات توسط آمریکا و اظهارات رهبران چین درباره بازپس‌گیری تایوان چنان ادامه دارد و احتمال برخورد استراتژیک به زور، نشان می‌دهد که تنش‌ها در این منطقه هم بین دو کشور را افزایش می‌دهد. تحقیق حاضر که بحران تایوان و تأثیرات آن بر روابط ایالات متحده آمریکا و چین که کمتر در مورد تایوان و چین کار شده و از این بعد تا فعلاً تحقیق کامل و جامع صورت نگرفته که به بررسی رابطه چین و آمریکا از منظر بحران تایوان بپردازد؛ در این تحقیق قرار است موضوع بصورت جامع کامل موارد بررسی قرار بگیرد، و هم چنان از آنجایی که یک از مسائل مهمی که آینده نظام بین‌الملل را شکل می‌دهد توجه به مسئله تایوان بین چین و آمریکا است و باید این مسئله خوب ارزیابی گردد و یک ضرورت تحقیقی است که با توجه به تحولات نظام بین‌الملل به خصوص بعد از روی کار آمدن ترامپ روی این مسئله تحقیق انجام می‌شود. بررسی و تحلیل تأثیر بحران تایوان بر روابط جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳، با تمرکز بر عوامل شکل‌گیری و تشدید بحران، نقش ایالات متحده آمریکا، جایگاه تایوان در سیاست‌های چین و پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن بر روابط دو کشور. بحران تایوان در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ چه تأثیری بر روابط سیاسی، امنیتی و

اقتصادی میان جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا داشته است؟ تحقیقات متعددی درباره روابط چین و ایالات متحده آمریکا و مسئله تایوان انجام شده است. دهشیر (۲۰۱۷) بیان می‌کند که اهداف اصلی آمریکا در آسیای شرقی شامل حفظ منافع امنیتی، گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری و حمایت از هنجارهای بین‌المللی است. سجادپور (۱۴۰۰) نیز روابط چین و آمریکا را یکی از پیچیده‌ترین روابط نظام بین‌الملل دانسته و قدرت‌یابی چین را مهم‌ترین چالش سیاست خارجی آمریکا معرفی می‌کند. حیدری و خانی (۱۳۸۹) راهبرد آمریکا در قبال تایوان و واکنش چین را بررسی کرده و به سیاست ابهام راهبردی چین، تلاش کشورهای منطقه برای ایجاد موازنه قدرت و نقش آمریکا در حفظ توازن منطقه‌ای پرداخته‌اند. همچنین رستمی، یزدانی و وثوقی (۱۳۹۷) با تکیه بر نظریه واقع‌گرایی، افزایش قدرت نظامی چین را عامل تشدید رقابت راهبردی و معمای امنیتی در منطقه می‌دانند. زارعان، دعاگوی و روزبهرانی (۱۴۰۲) نشان می‌دهند که تقویت روابط آمریکا با تایوان و فروش تسلیحات، موجب افزایش تنش با چین شده و مدیریت این وضعیت نیازمند رویکردهای دیپلماتیک است. بارتش و استانزرت (۲۰۱۷) نیز سناریوهای مختلف روابط چین و آمریکا از جمله رقابت، همکاری، جدایی اقتصادی و توازن قدرت را بررسی کرده‌اند. والتز (۲۰۰۸) نیز رقابت میان چین و آمریکا را از منظر نظریه واقع‌گرایی، نتیجه طبیعی تلاش دولت‌ها برای افزایش قدرت و امنیت می‌داند. بررسی این تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات به صورت جداگانه به روابط چین و آمریکا، سیاست آمریکا در قبال تایوان یا رقابت‌های ژئوپلیتیکی پرداخته‌اند. با این حال، تحقیق جامعی که تأثیر بحران تایوان بر روابط چین و آمریکا را در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ از ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی بررسی کند، کمتر انجام شده است. از این رو، تحقیق حاضر با تمرکز بر این دوره زمانی، درصدد تبیین نقش بحران تایوان در شکل‌دهی روابط دو کشور و تکمیل خلأ موجود در ادبیات تحقیق است.

۲. رقابتی شدن روابط چین و آمریکا در دوره دولت دونالد ترامپ

رقابت بین چین و ایالات متحده آمریکا در دوره دولت ترامپ به شدت افزایش یافت؛ و به یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد. در این دوره، دولت ترامپ سیاست‌های تهاجمی‌تری را در قبال چین اتخاذ کرد که شامل اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای چینی و محدودیت‌های تجاری بود. این اقدامات به منظور مقابله بانفوذ اقتصادی و تکنولوژیکی چین و حفظ برتری اقتصادی و نظامی آمریکا انجام شد (پور، سجاد، ۱۳۸۵: ۲۸۴ - ۲۸۸).

علی‌رغم اظهارات مثبت و تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها، چین همچنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های استراتژیک برای ایالات متحده آمریکا در آینده باقی ماند. رهبران چین نسبت به سیاست‌های آمریکا خوش‌بین نیستند و این نگرانی‌ها به دلیل رقابت‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی بین دو کشور است. ایالات متحده آمریکا خود را به‌عنوان یک قدرت آسیایی نیز می‌بیند و به مسائل مربوط به این منطقه توجه ویژه دارد. این توجه به دلیل اهمیت استراتژیک و اقتصادی منطقه آسیا - پاسیفیک برای منافع ملی آمریکا است. رقابت استراتژیک چارچوبی است که ایالات متحده آمریکا از طریق آن به روابط خود با جمهوری خلق چین (PRC) نگاه کند. ایالات متحده روابط خود را با چین از موضع قدرتی که در آن ما با متحدان و شرکای خود برای دفاع از منافع ارزش‌های خود از نزدیک همکاری می‌کنیم، بررسی خواهد کرد (Ross, 2013:24-29). ما منافع اقتصادی خود را پیش خواهیم برد، با اقدامات تهاجمی و قهری پکن مقابله خواهیم کرد و مزیت‌های نظامی کلیدی و مشارکت‌های امنیتی حیاتی را حفظ خواهیم کرد؛ دوباره قویاً در سی‌ام سازمان ملل شرکت خواهیم کرد و زمانی که مقامات جمهوری خلق چین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را نقض می‌کنند، در مقابل پکن خواهیم ایستاد. زمانی که به نفع ما باشد، ایالات متحده دیپلماسی مبتنی بر نتیجه را با چین در مورد چالش‌های مشترک مانند تغییرات آب‌وهوا و بحران‌های بهداشت عمومی جهانی انجام خواهد داد. برنامه‌های کمک‌های ایالات متحده آمریکا به چین با دستورکنگره بر شش حوزه اصلی تمرکز دارد: حمایت از تلاش‌ها برای حفاظت و حفظ و فرهنگ تبتی و ارتقای معیشت پایدار و ادغام بازار در جوامع تبتی؛ ایجاد ظرفیت محلی در جوامع هدف تبت برای ارزیابی مسائل مدیریت منابع طبیعی و حفظ مناسب گزینه‌های معیشتی مبتنی بر منابع طبیعی؛ پیشبرد معیارها و حفاظت‌های زیست‌محیطی و اصلاحات مبتنی بر بازار برای حمایت از محیط‌زیست؛ پیشبرد حاکمیت قانون و حقوق بشر؛ مقابله با تهدید بیماری‌های همه‌گیر؛ و پرداختن به قاچاق مواد مخدر که در درجه اول بر فنتانیل و مت‌آمفتامین، آنالوگ‌های آن‌ها و مواد شیمیایی پیش‌ساز تمرکز دارد. بعد از اقتصادی رقابت ایالات متحده آمریکا و چین بسیار مهم است. دولت بایدن - هریس قاطعانه متعهد به مقابله با اعمال سوء، ناعادلانه و غیرقانونی جمهوری خلق چین است. سیاست‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا با سرمایه‌گذاری در خانه و محافظت از کارگران و مشاغل آمریکایی آغاز می‌شود. ایالات متحده آمریکا قاطعانه متعهد به حفظ برتری خود با سرمایه‌گذاری در فناوری و نوآوری‌های علمی ایالات متحده بدون حمایت از فعالیت‌های مخرب

جمهوری خلق چین است. ما با متحدان دموکراتیک در سطح جهان همکاری خواهیم کرد تا یک دستور کار مشترک برای عقب‌نشینی از شیوه‌های اقتصادی سوءاستفاده و اجباری جمهوری خلق چین در فضای تجاری، در فضای فناوری و در رابطه با حقوق بشر ایجاد کنیم (Buzan, 2010:30).

32-). در دوره ریاست جمهوری جورج بوش، سه گفتمان اصلی در مورد چین مطرح بود که هر کدام دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به رشد و نفوذ چین داشتند. این گفتمان‌ها شامل اخطار گرایان، ادغام گرایان و ترکیبی از هر دو بودند. اخطار گرایان معتقد بودند که رشد چین خطری جدی برای امنیت و منافع ملی آمریکا است. از نظر این گروه حاکمیت کمونیست‌ها در چین و تلاش برای گسترش قدرت نظامی، تهدیدی برای امنیت آمریکا به حساب می‌آید؛ و بر این باور بودند که چین به دنبال تغییر نظم جهانی به نفع خود است و باید با اقدامات پیشگیرانه و تقویت توانمندی‌های نظامی و اقتصادی آمریکا، جلوی این تهدید را بگیرد. ادغام گرایان، بر این باور بودند که بهترین راه مدیریت مسائل چین و آمریکا، همکاری و ادغام اقتصاد و سیاست چین در نظام سیاسی اقتصادی بین‌الملل است. آن‌ها معتقد بودند که در خصوص مسائل نظامی، آمار مربوط به بودجه نظامی چین اغراق شده و تمام توجه نظامی چین متمرکز بر قضیه تایوان و نه برخورد نظامی با آمریکاست. این گروه بر اهمیت تجارت و سرمایه‌گذاری مشترک با چین تأکید داشتند و معتقد بودند که تعامل اقتصادی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش ثبات جهانی منجر شود (zhinqun; 2006, 267-269). گفتمان سوم ترکیبی از ادغام گرایی و اخطار گرایی بود. این گروه معتقد بود که ادغام گرایی در عمل انجام گرفته به ویژه در سطح اقتصادی؛ اما این ادغام گرایی با اخطار گرایی همراه بوده است و آمریکا نسبت به سیاست‌های چین دغدغه‌هایی دارد. آن‌ها به این باور بودند که باید با چین به صورت واقع‌گرایانه برخورد کرد و سیاست‌های مناسبی برای مدیریت روابط با این کشور اتخاذ شود. چین همواره نسبت به اقدامات و سیاست‌های آمریکا در قبال خودنگران بوده و سعی کرده است تا از طریق تعامل و ادغام اقتصادی و سیاسی، تنش‌ها را کاهش دهد و دستاوردهای خود را حفظ کند (Alan Crawford, Jarrell Dillard, Helene Fouquet, and Isabel Reynolds; 2012, 2-4).

۳. جایگاه تایوان در روند تشدید اختلاف‌های آمریکا و چین

اختلافات سیاسی بین چین و ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی مهم هستند و ایالات متحده از تایوان پشتیبانی می‌کند. این اختلافات می‌تواند منجر به تحریم‌های اقتصادی و سیاسی شدید شود (Nanto & manyin, 2010: 1-2). نگاه هژمونیک ایالات متحده آمریکا به معنای تلاش برای گسترش نقش رهبری و

نفوذ خود در جهان در جنبه‌های نظامی، اقتصادی، فناوریانه و سیاسی است. این نگاه به آمریکا امکان می‌دهد تا از طریق قدرت نظامی، اقتصادی، فناوریانه و سیاسی خود بر تحولات جهانی تأثیر بگذارد و منافع ملی خود را حفظ کند. رقابت با چین در این جنبه‌ها یکی از چالشی‌های اصلی ایالات متحده در سیاست خارجی و امنیت ملی است. چین در سال‌های اخیر با سیاست‌های اقتصادی متنوع و پیچیده به توسعه اقتصادی خود ادامه داده است. این سیاست‌ها شامل تحریم‌های اقتصادی، تعادل بین تولید و درآمد، و توسعه صنعتی سنتی و نوین می‌شوند. همچنین، چین در تلاش برای افزایش قایت سیاسی خود در بین کشورها، به اقداماتی نظیر توسعه تجارت بین‌المللی و افزایش سیاسی خود پرداخته است. چین به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه آسیا-پاسفیک است. این کشور با تقویت روابط با کشورهای همسایه، توسعه ی پروژه‌های زیرساختی مانند ابتکار کمربند و جاده سعی دارد تا قدرت اقتصادی و سیاسی خود را در منطقه تقویت کند. ایالات متحده نیز با تقویت ائتلاف‌های نظامی و اقتصادی با کشورهای منطقه مانند جاپان، کوریای جنوبی و استرالیا، به دنبال، مقابله با نفوذ چین است (Morrison; 2018, 137 – 140).

۴. تبدیل شدن تایوان به نقطه ای از اختلاف بین چین و آمریکا

تایوان از زمان جنگ جهانی دوم به یکی از نقاط حساس و مورد اختلاف بین چین و ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است. این جزیره از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی اهمیت زیادی برای هر دو کشور دارد. تایوان در موقعیت جغرافیایی بسیار حساس و استراتژیکی در منطقه آسیا-پاسفیک قرار دارد. این جزیره به‌عنوان پل ارتباط بین چین و اقیانوس آرام عمل می‌کند و کنترل آن برای هر دو کشور از اهمیت حیاتی برخوردار است، راه‌های تجاری و نظامی تایوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای دریایی جهان است که حجم زیادی از تجارت جهانی از طریق آن عبور می‌کند (Hart, Melanie, Economy, Elizabeth C. and Gewirtz, Paul, 2017:47). واپایش تنگه تایوان برای چین و آمریکا بسیار بااهمیت است و این مسئله باعث افزایش تنش‌ها بین دو کشور شده است. ایالات متحده آمریکا در طول جنگ داخلی چین (۱۹۴۶-۱۹۴۹) به نسبت زیادی به ناسیونالیست‌هایی که به رهبری چیانگ کای مشکوک بودند، حمایت کرد. این حمایت شامل کمک‌های مالی و نظامی بود که (KMT) کای شک انجام (CCP) به منظور مقابله با نیروهای کمونیست به رهبری مائوتسه تونگ می‌شد. ایالات متحده ناسیونالیست‌ها را به عنوان نماینده قانونی چین در جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخت و تلاش کرد تا از قدرت‌گیری کمونیست‌ها جلوگیری کند. پس از پیروزی کمونیست‌ها و تسلط مائو تسه تونگ بر سرزمین چین، ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا نسبت به ناسیونالیست‌ها شک دارد و از آنها حمایت نمی‌کند، این تغییر سیاست بسیار تاثیرگذار بود و منجر به تبعید حکومت ناسیونالیست به تایوان شد. در دهه ۱۹۷۰ با

بهبود روابط ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین، سیاست چین واحد توسط ایالات متحده آمریکا اعلام شد. این سیاست به این معنا بود که ایالات متحده جمهوری خلق چین را به عنوان تنها دولت قانونی چین به رسمیت می‌شناسد و تایوان را به عنوان بخشی از چین می‌پذیرد. این اقدام به منظور جلوگیری از تأثیرات مخرب تایوان در روابط دوجانبه انجام شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت، در سال ۱۹۷۲، رئیس جمهوری نیکسون به چین سفر کرد و پیمان شانگهای امضا شد (Wong, A, chaoyang, 26: 1996). این پیمان به بهبود روابط بین ایالات متحده و چین کمک کرد و موجب شد که ایالات متحده جمهوری خلق چین را به عنوان تنها دولت قانونی چین به رسمیت بشناسد. همچنین این پیمان به کاهش تنش‌ها در منطقه آسیا - پاسیفیک کمک کرد. در سال ۱۹۷۹، ایالات متحده آمریکا با قطع روابط دیپلماتیک با تایوان و اعلام تعهد به خروج نیروهای خود از این جزیره، دولت جمهوری خلق را به عنوان تنها نماینده قانونی چین پذیرفت. همچنین، ایالات متحده آمریکا تصریح کرد که تایوان بخشی از چین است. این تغییرات با اعلام سیاست چین واحد همراه بود و به تثبیت روابط دوجانبه بین ایالات متحده و چین کمک کرد (Keohane, Robert O, 1984: 241).

مسئله تایوان به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی بالای آن برای خطوط نفتی تجارت دریایی ایالات متحده در منطقه، به سادگی قابل حل نبوده و نیست. تایوان در موقعیت جغرافیایی حیاتی قرار دارد که واپایش آن برای هر دو کشور ایالات متحده و چین از اهمیت استراتژیک در استفاده تایوان به نفع ایالات متحده برخوردار نبود. به همین دلیل، دولت کارتر و کنگره بر سر مسئله تایوان درگیر شدند و سرانجام مجلس سنا و کنگره قانونی به شناخته (Taiwan relations act) "تصویب رساند که به نام "قانون روابط تایوان می‌شود. این قانون برای حمایت از تایوان و حفظ روابط آمریکا با این جزیره تنظیم شد (Gilpin 1981: ۳۰۵).

۵. اهمیت تایوان برای چین

تایوان از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی برای چین اهمیت بالایی دارد و به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست داخلی و خارجی این کشور شناخته می‌شود. از منظر سیاسی، چین تایوان را بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین خود می‌داند و اصل «یک چین» محور سیاست‌های رسمی و دیپلماسی این کشور است. پذیرش استقلال یا تفکیک تایوان برای پکن به معنای تهدید مستقیم حاکمیت ملی و مشروعیت سیاسی دولت مرکزی است (Barbara, 2019: 26-27). از بعد

اقتصادی، تایوان نقش حیاتی در زنجیره تأمین جهانی دارد، به ویژه در تولید نیمه‌هادی‌ها و فناوری‌های پیشرفته که برای صنایع چین و سایر اقتصادهای بزرگ جهان ضروری است. کنترل یا نفوذ چین بر تایوان می‌تواند اطمینان چین از تأمین فناوری‌های کلیدی و کاهش وابستگی به واردات از کشورهای دیگر را افزایش دهد. از منظر نظامی و امنیتی، موقعیت جغرافیایی تایوان اهمیت راهبردی دارد. این جزیره در قلب دریای چین جنوبی و مسیرهای مهم دریایی آسیا-پاسفیک قرار دارد و تسلط بر آن می‌تواند توان نظامی چین در منطقه را تقویت کرده و خطوط ارتباطی و دفاعی کشور را مستحکم‌تر کند (دهشیری، محمد رضا، شایان، کهن و جوزانی، ۱۳۹۷: ۲۶). در سطح ژئوپلیتیکی، تایوان نقش یک «نقطه کانونی» برای رقابت چین با ایالات متحده و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای دارد. کنترل بر تایوان، چین را در موقعیتی استراتژیک قرار می‌دهد تا نفوذ آمریکا و متحدانش در منطقه را محدود کرده و توازن قدرت را به نفع خود تغییر دهد (سیاری حبیب الله، رحمانی، طاهری امین ۱۳۹۷: ۱۳۹).

۶. ابعاد اقتصادی رقابت های آمریکا و چین بر سر تایوان

نمی‌توان نقش حیاتی تایوان در بازار جهانی نیمه‌هادی‌ها را بیش از حد بیان کرد. شرکت‌های تایوانی درصدی از سهم بازار تولید نیمه‌هادی‌ها را در اختیار دارند. شرکت تایوانی تولیدکننده نیمه‌هادی، TSMC، بزرگ‌ترین تولیدکننده قراردادی تراشه در جهان است و حدود ۹۰ درصد از نیمه‌هادی‌های پیشرفته جهان را تولید می‌کند. هیچ شرکت دیگری نمی‌تواند تراشه‌هایی به این سطح از پیچیدگی را به صورت انبوه تولید کند. این تراشه‌ها قدرت محاسباتی را برای همه چیز از گوشی‌های هوشمند تا سلاح‌ها و خودروها فراهم می‌کنند، که بسیاری از آن‌ها برای عملکرد خود به هزاران تراشه نیاز دارند و پایه‌گذار قدرت نظامی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی هستند.

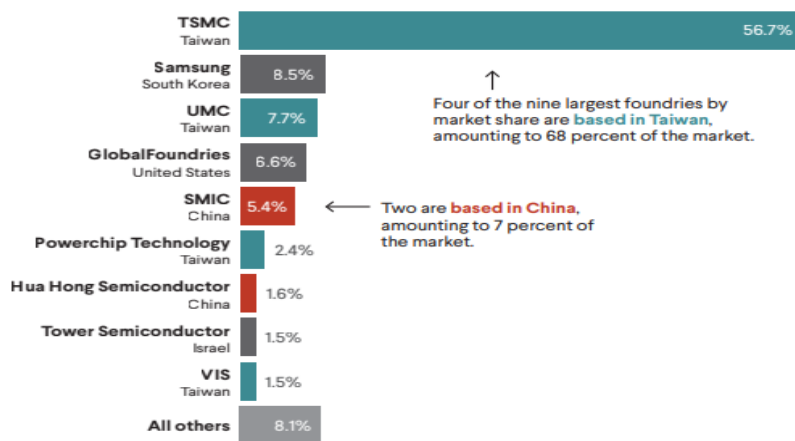
چین به شدت به ترانه‌های تولید شده در تایوان وابسته است تا محصولات خود را هم برای صادرات (مانند آیفون‌ها) و هم برای بازار داخلی خود تولید کند. در سال ۲۰۲۲، چین به ارزش ۴۱۵ میلیارد دلار نیمه‌های وارد کرد که از واردات نفت خود بیشتر بود. چین تلاش کرده است تا وابستگی خود به نیمه‌های وارداتی را با ساخت زنجیره تأمین داخلی و توسعه قهرمانان ملی نیمه‌های که قابلیت رقابت جهانی دارند، کاهش دهد. در سال ۲۰۱۴، این کشور یک صندوق سرمایه‌گذاری صنعت مدارهای یکپارچه به ارزش ۲۳ میلیارد دلار تأسیس کرد، که به عنوان صندوق بزرگ نیز شناخته می‌شود. سپس دولت‌های محلی مختلف صندوق‌هایخواهر ر دیگری ایجاد کردند که در

شرکت های نیمه هادی داخلی سرمایه گذاری کردند، از جمله یک صندوق ۳۲ میلیارد دلاری که توسط دولت شهری پکن تأسیس شد (2019-12-12) OECD.

گراف شماره (۱) سهم مسلط شرکت های تایوانی در تولید نیمه هادی ها در جهان

Led by TSMC, Taiwanese Companies Dominate the Global Semiconductor Market

Market share of semiconductor foundries, 2021



Source: CFR research.

سهم بازار کارخانه های تولید نیمه هادی (Foundries) در سال ۲۰۲۱

شرکت	کشور	سهم بازار
TSMC	تایوان	٪56.7
Samsung	کوریای جنوبی	٪8.5
UMC	تایوان	٪7.7
GlobalFoundries	ایالات متحده آمریکا	٪6.6
SMIC	چین	٪5.4
Powerchip Technology	تایوان	٪2.4
Hua Hong Semiconductor	چین	٪1.6
Tower Semiconductor	اسرائیل	٪1.5
VIS	تایوان	٪1.5

سهم بازار کشور	شرکت
8.1٪	سایر شرکت‌ها

نگات مهم گراف:

- چهار شرکت از نه شرکت بزرگ تولیدکننده نیمه‌هادی در **تایوان** مستقر هستند که در مجموع **۶۸ درصد** بازار جهانی را در اختیار دارند.
- دو شرکت از نه شرکت بزرگ تولیدکننده نیمه‌هادی در **چین** مستقر هستند که در مجموع **۵۷ درصد** بازار جهانی را در اختیار دارند.

منبع: تحقیقات شورای روابط خارجی (CFR Research)

سال بعد، چین طرح "ساخته شده در چین ۲۰۲۵" را معرفی کرد، یک سیاست صنعتی بلندپروازانه که به طور صریح هدفی برای رسیدن به 40 درصد خودکفایی در تولید تراشه‌ها تا سال ۲۰۲۰ و ۷۰ درصد تا سال ۲۰۲۵ تعیین کرده بود. در حالی که چین سرمایه‌گذاری زیادی در توسعه تخصص نیمه‌هادی انجام داد، دو شرکت بزرگ دولتی نیمه‌هادی آن، گروه تسینگ‌هوا و شرکت بین‌المللی تولید نیمه‌هادی (SMIC)، حمایت دولتی معادل بیش از 30 درصد از درآمد سالانه خود را دریافت کردند. این تلاش‌ها تا کنون ثمره چندانی نداشته و چین نتوانسته است رقیب جدی برای TSMC تولید کند. (Edward White and Qianer Liu, 2022, 28:70) به دور از رسیدن به هدف 70 درصد خودکفایی، گزارش‌ها حاکی از آن است که خودکفایی چین در زمینه نیمه‌هادی‌ها نزدیک به ۱۶ درصد است. گزارش‌هایی از فساد جدی در "صندوق بزرگ" چین منتشر شده است. گروه تسینگ‌هوا و SMIC، که با ناکارآمدی و بدهی بالا دست و پنجه نرم می‌کنند، پیشرفت محدودی داشته‌اند. علاوه بر این، این شرکت‌ها تحت رهبری مدیران سابق TSMC قرار دارند که نشان‌دهنده ادامه وابستگی پکن به تخصص تایوانی‌ها است (Alan Crawford, Jarrell Dillard, Helene Fouquet, and Isabel Reynolds, 2021-01-25: 71).

وابستگی چین به چیپ‌های وارداتی یک آسیب‌پذیری عمده است که با کنترل‌های صادراتی ایالات متحده که در سال ۲۰۲۲ اعمال شد، تشدید شده است (Bureau of Industry and Security, 2022, 7:72). این کنترل‌ها محدودیت‌های شدیدی بر توانایی شرکت‌ها (هم آمریکایی و هم خارجی) برای فروش چیپ‌های پیشرفته و تجهیزات مورد استفاده برای تولید آن‌ها

به چین وضع کرده و از ارائه خدمات به شرکت‌های نیمه‌رسانای چین توسط افراد آمریکایی جلوگیری می‌کند. با وجود تلاش‌های فراوان، شرکت‌های نیمه‌رسانای جمهوری خلق چین به طور کامل به فناوری و تجهیزات خارجی وابسته هستند که تقریباً به طور کامل توسط ایالات متحده یا متحدان نزدیک آن تولید می‌شود و تحت این محدودیت‌ها قرار دارد. (Tsai Ing-wen, 2021: 7-6)

رئیس‌جمهور تسای، به همراه دیگران، به تسلط تایوان بر صنعت تولید نیمه‌رسانا به عنوان "سپر سیلیکونی" اشاره کرده است که چین را از حمله به این جزیره بازمی‌دارد. تحلیلگران هم نظر معتقدند که چین به قدری به چیپ‌های تایوانی وابسته است که نمی‌تواند جنگی را تحمل کند که این کارخانه‌ها را نابود کند یا آن‌ها را غیرقابل استفاده کند، زیرا چنین نتیجه‌ای اقتصاد چین را ویران خواهد کرد. با این حال، علاقه چین به اطمینان از اینکه وحدت در آینده‌ای نزدیک ممکن است، بر این ملاحظات اقتصادی غلبه دارد؛ بنابراین، اگر تایوان به طور رسمی استقلال خود را اعلام کند، چین تقریباً قطعاً حمله خواهد کرد، صرف نظر از پیامدهای اقتصادی، زیرا هزینه عظیم یک حمله را پذیرفته است. برخی موضع مخالفی اتخاذ می‌کنند و استدلال می‌کنند که تسلط تایوان بر تولید نیمه‌رساناها احتمال حمله چین را بیشتر می‌کند، زیرا اگر چین این کارخانه‌ها را تصرف کند، می‌تواند به سرعت مشکل تولید چیپ داخلی خود را حل کند و حتی این ابزار را علیه کشورهایی مانند ایالات متحده به کار گیرد (Rasmus, Jack, 2018: 9).

با این حال، تمایل چین برای دستیابی به وحدت با تایوان پیش از صنعت نیمه‌رسانا وجود داشته و نباید به توانمندی‌های نیمه‌رسانایی آن نسبت داده شود. علاوه بر این، حتی اگر چین تایوان را تصرف کند، به طور کامل قادر به اداره تأسیسات تولید تایوان (یا "قاب‌ها" به زبان صنعتی) نخواهد بود. این کارخانه‌ها نیاز به تخصص عملی عمیق دارند و مهندسان تایوان تقریباً مطمئناً در طول یک درگیری فرار خواهند کرد یا از کار برای مالکان آینده چینی خودداری خواهند کرد. این تأسیسات همچنین به دسترسی مداوم به فناوری‌ها و تجهیزات ایالات متحده و متحدان نیاز دارند تا عملکرد داشته باشند، و ایالات متحده به احتمال زیاد از ارائه هرگونه حمایتی در صورت واپایش چین بر تایوان خودداری خواهد کرد (Bonnie, 2020: 98-99).

میزان ادغام تایوان، چین و ایالات متحده از طریق زنجیره‌های تأمین جهانی و وابستگی به یکدیگر برای ورودی‌های حیاتی، به نوعی همه سه طرف را از اقدام غیرمسئولانه باز می‌دارد و به هر یک سهمی در حفظ وضعیت موجود می‌دهد. در عین حال، اگر یک رهبر چینی باور داشته باشد که

وحدت مسالمت آمیز به طور غیر قابل برگشتی از دسترس خارج شده است، ملاحظات سیاسی بر ملاحظات اقتصادی غلبه خواهد کرد (Athukorala, Prema-chandra 2017: 363).

۷. پیامدهای اقتصادی درگیری احتمالی میان چین و آمریکا بر سر تایوان

هر گونه درگیری بر سر تایوان اقتصاد جهانی را ویران خواهد کرد، زیرا مسیرهای حیاتی حمل و نقل را مسدود کرده، تولید و تحویل نیمه‌رساناها را متوقف می‌کند و احتمالاً تجارت بین چین و غرب را متوقف می‌سازد. طبق یک مطالعه، یک محاصره چینی بر تایوان باعث می‌شود که سالانه ۲٫۵ تریلیون دالر خسارت اقتصادی جهانی به بار آورد، زیرا زنجیره‌های تأمین بی‌شماری متوقف شده و مجبور می‌شوند بدون قطعات تایوانی به پیش بروند. (Kathrin Hille and Demetri Sevastopulo, 2022, 10:74) تقریباً هر دستگاه الکترونیکی شامل چیپ‌هایی است که بسیاری از آن‌ها در تایوان تولید می‌شوند، از دست دادن دسترسی به این چیپ‌ها باعث می‌شود تولید جهانی گوشی‌های هوشمند حداقل به نصف کاهش یابد و تولید هر چیزی از کامپیوترها تا خودروها، سلاح‌ها و میکروویوها به شدت محدود شود (Deniz Barki and Lucy Deleze-Black, 2016:136). بسیاری از بزرگ‌ترین شرکت‌های آمریکایی، از اپل تا جنرال موتورز، برای تولید هر چیزی با مشکل مواجه خواهند شد. جایگزینی ظرفیت از دست رفته تایوان سال‌ها زمان خواهد برد. (<https://chinapower.csis.org/much-trade-transits-south-china-sea>).

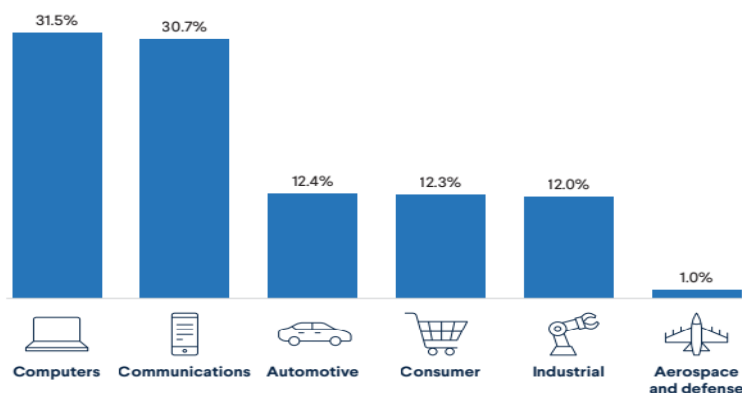
موقعیت تایوان در کنار مسیرهای اصلی حمل و نقل، به ویژه دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی، تجارت در منطقه را در حین محاصره یا حمله به حالت توقف خواهد کشاند. درگیری بر سر تایوان همچنین به طور چشمگیری حق بیمه‌ها و هزینه‌های حمل و نقل برای شرکت‌های تجاری و تولیدکنندگان را افزایش خواهد داد. در سال ۲۰۱۶، کنفرانس سازمان ملل در مورد تجارت و توسعه (UNCTAD) تخمین نمود که حدود ۸۰ درصد از تجارت جهانی به لحاظ حجم و ۷۰ درصد به لحاظ ارزش از طریق دریا منتقل می‌شود. از این تجارت دریایی، ۶۰ درصد از آسیا عبور می‌کند و دریای چین جنوبی تقریباً یک‌سوم از حمل و نقل جهانی را به خود اختصاص می‌دهد. مطالعه‌ای دیگر تخمین زد که در سال ۲۰۱۶، ۳٫۴ تریلیون دالر تجارت از دریای چین جنوبی عبور کرده است؛ با وجود اختلالات معنادار در فعالیتهای دریایی مرتبط با COVID-19 بین سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲، این اعداد هنوز هم به طور تقریبی دقیق هستند. تقریباً ۴۸ درصد از ۵۴۰۰ کشتی کانتینری عملیاتی جهان و ۸۸ درصد از بزرگ‌ترین کشتی‌های جهان به لحاظ تناژ در سال ۲۰۲۲ از تنگه

تایوان عبور کرده‌اند (Kevin Varley, 2022, 2:109). بیشتر، اگر نگوئیم تمام، این کشتی‌های تجاری باید در زمان درگیری مسیرهای جایگزین پیدا کنند که این امر زنجیره‌های تأمین جهانی را تحت فشار قرار داده و احتمالاً حتی آن‌ها را شکسته و عواقب بزرگی برای شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان به همراه خواهد داشت. در صورت بروز درگیری در تنگه تایوان، ایالات متحده احتمالاً به شدت چین را تحریم کرده و بیشتر تجارت با آن را متوقف خواهد کرد، چه تصمیم به مداخله نظامی به نفع تایوان بگیرد و چه نگیرد. تجارت ایالات متحده و چین در کالاها در سال 2022 به رکورد بالای نزدیک به ۷۰۰ میلیارد دلار رسید، که ایالات متحده ۵۳۷ میلیارد دلار از محصولات چینی را وارد کرده است (U.S. Census Bureau, 2023, 23). همان‌طور که پاندمی COVID-19 نشان داد، بسیاری از کالاهای تولید شده در چین، در این مورد تجهیزات حفاظت شخصی، به سختی می‌توانند به صورت گسترده از کشورهای دیگر تأمین شوند. اگر چین به تایوان حمله کند، قطع روابط تجاری ایالات متحده و چین همچنین به شدت به کسب و کارها و مصرف‌کنندگان آمریکایی آسیب خواهد زد. در حالی که بحث‌های زنده‌ای درباره اینکه آیا ایالات متحده و چین در حال حاضر در یک جنگ سرد قفل شده‌اند وجود دارد، یک جنگ داغ بر سر تایوان، خصومت بی‌پایانی را بین دو اقتصاد بزرگ جهان و دو قدرت هسته‌ای به راه خواهد انداخت.

گراف شماره (۲) اهمیت کاربرد نیمه هادی‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی

Semiconductors Enable Modern Life and Are Critical to Economies

Semiconductor demand by end use, 2021



Source: Semiconductor Industry Association.

۸. مناقشه

بررسی تحقیق انجام شده در زمینه بحران تایوان نشان می‌دهد که اکثر محققان این موضوع را در قالب یک مسئله امنیتی و سیاسی منطقه ای مطالعه نموده‌اند و بیشتر بر روابط تایوان با چین، سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در قبال تایوان و پیامدهای نظامی این بحران تمرکز داشته‌اند. در بسیاری از این مطالعات، بحران تایوان به عنوان یک موضوع مستقل مورد تحلیل قرار گرفته و تاثیر آن بر ابعاد گسترده‌تر روابط چین و آمریکا کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در مقابل، تحقیق حاضر بحران تایوان را نه صرفاً به عنوان یک منازعه منطقه‌ای، بلکه به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روابط و رقابت‌های راهبردی میان چین و ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحقیق تلاش می‌کند تا با نگاهی جامع، ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ژئواستراتژیک بحران را در ارتباط با روابط دو قدرت بزرگ جهانی تحلیل نماید.

همچنین، تفاوت دیگر این تحقیق با مطالعات پیشین در تمرکز بر تحولات سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ است؛ دوره‌ای که همزمان با افزایش قدرت چین، تغییر رویکرد سیاست خارجی آمریکا و تشدید رقابت‌های راهبردی میان دو کشور بوده است. از این رو، تحقیق حاضر می‌کوشد تصویری جامع‌تر از جایگاه بحران تایوان در مناسبات چین و آمریکا ارائه نموده و نقش آن را در شکل‌دهی به روندهای جدید نظام بین‌الملل تبیین نماید.

۹. نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شد تا تأثیر بحران تایوان بر روابط جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بحران تایوان در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین عوامل تنش و رقابت میان چین و آمریکا تبدیل شده است. این بحران نه تنها بر روابط سیاسی و امنیتی دو کشور تأثیر گذاشته، بلکه در حوزه‌های اقتصادی و فناوریانه نیز نقش مهمی ایفا کرده است.

بررسی‌ها نشان داد که تایوان برای چین از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و دولت چین آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از قلمرو خود می‌داند. در مقابل، ایالات متحده آمریکا با حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی از تایوان تلاش کرده است تا نفوذ خود را در منطقه حفظ نموده و از افزایش قدرت چین جلوگیری کند. همین موضوع سبب شده است که مسئله تایوان به یکی از مهم‌ترین نقاط اختلاف میان دو کشور تبدیل شود.

همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و جو بایدن، حمایت آمریکا از تایوان افزایش یافته و این مسئله واکنش‌های شدید چین را در پی داشته است. از سوی دیگر، اهمیت اقتصادی تایوان به دلیل نقش آن در تولید نیمه‌هادی‌ها و فناوری‌های پیشرفته، بر حساسیت این بحران افزوده است. هرگونه بی‌ثباتی در تنگه تایوان می‌تواند زنجیره‌های تأمین جهانی و اقتصاد بین‌الملل را با مشکلات جدی مواجه سازد.

در مجموع می‌توان گفت که بحران تایوان در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ نقش مهمی در تشدید رقابت‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی میان چین و آمریکا داشته است و فرضیه اصلی تحقیق را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد تا زمانی که راه‌حل قابل قبولی برای مسئله تایوان پیدا نشود، این موضوع همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روابط دو کشور باقی خواهد ماند. بنابراین، مدیریت این بحران از طریق گفت‌وگو، دیپلماسی و استفاده از سازوکارهای مسالمت‌آمیز می‌تواند در کاهش تنش‌ها و حفظ ثبات منطقه‌ای و جهانی نقش مهمی داشته باشد.

۱۰. پیشنهادها

با توجه به یافته‌های تحقیق در خصوص بحران تایوان و تأثیر آن بر روابط چین و ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۶-۲۰۲۳)، چند پیشنهاد علمی و عملی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. برای سیاست‌گذاران چین و آمریکا: پیشنهاد می‌شود که هر دو کشور از تشدید اقدامات نظامی خودداری کرده و از طریق گفت‌وگوهای مستقیم یا غیرمستقیم، کانال‌های دیپلماتیک فعال‌تری ایجاد کنند تا از بروز درگیری‌های غیرقابل کنترل جلوگیری شود.
۲. برای تایوان: تقویت سیاست «متعادل‌سازی» میان چین و آمریکا می‌تواند موجب کاهش فشارها گردد. تایوان باید با مدیریت روابط خارجی خود، از افتادن کامل در مدار یکی از دو قدرت اجتناب کند تا فضای مانور بیشتری داشته باشد.
۳. برای جامعه بین‌المللی: کشورها و نهادهای چندجانبه مانند سازمان ملل و آسه‌آن می‌توانند نقش میانجی فعال‌تری در کاهش تنش‌ها ایفا کرده و از تبدیل بحران تایوان به یک درگیری جهانی جلوگیری نمایند.
۴. برای حوزه اقتصادی و فناوری: سرمایه‌گذاری بر تنوع بخشی به زنجیره‌های تأمین جهانی نیمه‌هادی‌ها می‌تواند وابستگی بیش از حد به تایوان را کاهش داده و پیامدهای اقتصادی بحران را برای جهان محدود سازد.

۵. برای تحقیقات آینده: توصیه می‌شود که تحقیقات بیشتری در زمینه سناریوهای احتمالی بحران تایوان، نقش بازیگران منطقه‌ای مانند جاپان و کوریای جنوبی، و همچنین تأثیرات بلندمدت اقتصادی این بحران انجام گیرد.

منابع

پور، سجاد، کاظم محمد. (۱۳۸۵). سیاست خارجی آمریکا و سازمان همکاری شانگهای: ارزیابی گفتمان‌ها و پیامدها. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۰ (۴).

پور، سلیمان هادی. (۱۳۹۳). آمریکا، چین و چشم‌انداز نظام بین‌الملل. پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۳۵، (۳)، ۹.

دهشیری، رضا محمد، کهن جوزانی، جوزانی، و شایان کهن، شاهین. (۱۳۹۷). اختلافات میان چین و ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی. (۲۰۱۷-۲۰۰۹) فصلنامه تحقیق‌های راهبردی سیاست، ۷ (۲۶).

سیاری، حبیب‌الله، امین، طاهر، و رحمانی، محسن. (۱۳۹۷). رقابت‌های ژئوپلیتیکی چین و آمریکا در آسیایسپاسفیک و دریای چین. تهران: نشر انتخاب.

فنی، جانانان. (۱۳۹۹). آیا چین بر قرن بیست‌ویکم سیطره خواهد یافت. ترجمه شهریار خواجهیان. تهران: انتشارات ققنوس.

Athukorala, P. C. (2017). China's evolving role in global production networks: Implications for Trump's trade war. In *China's New Sources of Economic Growth*. ANU Press.

Barbara. (2019). US national security documents. *International Studies Quarterly*, 26-27.

Bartsch, B., & Stanzel, A. (2017). *Sino-US Relations in the Trump Era: A Conflict in the Making?* Trilogue Salzburg.

Bonnie. (2020). Americans' approach to China. *Journal of United States Studies*, 98-99.

Buzan, B. (2010). China in international society: Is peaceful rise possible? *The Chinese Journal of International Politics*, 3(1).

Chaoyang, W. A. (1996). Hearing on China's energy plans and practices. *U.S.-China Economic and Security Review Commission*.

- China Power Project. (2021, January 25). *How much trade transits the South China Sea?* Center for Strategic and International Studies. <https://chinapower.csis.org/much-trade-transits-south-china-sea>
- Crawford, A., Dillard, J., Fouquet, H., & Reynolds, I. (2021, January 25). *The world is dangerously dependent on Taiwan for semiconductors*. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/features/2021-01-25/the-world-is-dangerously-dependent-on-taiwan-for-semiconductors>
- Cheng, E. (2022, August 19). *China needs Taiwan's biggest chipmaker—More than the other way around*. CNBC. <https://www.cnbc.com/2022/08/17/china-needs-taiwans-biggest-chipmaker-more-than-the-other-way-around.html>
- Gilpin, R. (1981). *War and Change in World Politics*. Cambridge University Press.
- Hart, M., Economy, E. C., & Gewirtz, P. (2017). *Global Governance Issues in U.S.-China Relations: Joint US-China Think Tank Project on the Future of U.S.-China Relations*. Center for Strategic and International Studies.
- Hille, K., & Sevastopulo, D. (2022, November 10). *Europe warns a conflict over Taiwan could cause global economic shock*. Financial Times. <https://www.ft.com/content/c0b815f3-fd3e-4807-8de7-6b5f72ea8ae5>
- Keohane, R. O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton University Press.
- Liu, Z. Z. (2022, June 16). *China is hardening itself for economic war*. Foreign Policy. <https://foreignpolicy.com/2022/06/16/china-economic-war-decoupling-united-states-containment>
- OECD. (2019). *Measuring Distortions in International Markets: The Semiconductor Value Chain* (OECD Trade Policy Papers No. 234). OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/8fe4491d-en>
- Rasmus, J. (2018). Trump's déjà vu China trade war. *World Review of Political Economy*, 9(3).
- Ross, R. S. (2013). US grand strategy, the rise of China, and US national security strategy for East Asia. *Strategic Studies Quarterly*.
- Tsai, I. W. (2021). Taiwan and the fight for democracy: A force for good in the changing international order. *Foreign Affairs*, 100(6). <https://www.foreignaffairs.com/articles/taiwan/2021-10-05/taiwan-and-fight-democracy>

United Nations Conference on Trade and Development. (2016). *Review of Maritime Transport 2016*. United Nations. https://unctad.org/system/files/official-document/rmt2016_en.pdf

U.S. Census Bureau. (2023). *Trade in Goods with China*. <https://www.census.gov/foreign-trade/balance/c5700.html>

Varley, K. (2022, August 2). *Taiwan tensions raise risks in one of busiest shipping lanes*. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2022-08-02/taiwan-tensions-raise-risks-in-one-of-busiest-shipping-lanes>

White, E., & Liu, Q. (2022, September 28). *China's Big Funcorruption probe casts shadow over chip sector*. Financial Times. <https://www.ft.com/content/8358e81b-f4e7-4bad-bc08-19a77035e1b4>

Waltz, K. N. (2008). *Realism and International Politics*. Routledge.

Yu, M., & Zhang, R. (2022). Understanding the recent Sino-U.S. trade conflict. *China Economic Journal*.

Zhu, Z. (2006). *US-China Relations in the 21st Century: Power Transition and Peace*. Routledge

مطالعه تطبیقی موازین محاکمه عادلانه در اسناد بین المللی و نظام

حقوقی افغانستان

نویسنده : ذکراالله اوریاخیل

فارغ التحصیل رشته حقوق و علوم سیاسی

نشانی برقی: zekrullahmohammad001@gmail.com

چکیده

موازین محاکمه عادلانه یکی از اصول اساسی در تأمین عدالت، حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر به شمار می رود که هم در فقه اسلامی و هم در قوانین افغانستان جایگاه برجسته ای دارد. این تحقیق با هدف شناخت موازین محاکمه عادلانه در فقه و قانون، بررسی سطح تطبیق آن در محاکم افغانستان، تبیین شباهت ها و تفاوت های میان این دو نظام حقوقی، و نیز فهم ماهیت الزامی یا اختیاری بودن این موازین انجام شده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به کتب، مقالات و مجلات معتبر صورت گرفته است. یافته ها و نتایج تحقیق نشان می دهد که فقه اسلامی با تأکید بر استقلال و بی طرفی قاضی، شفافیت، حق دفاع متهم و تسویه بین الخصمین، چارچوب جامعی برای برگزاری محاکم عادلانه و ارتقای عدالت اجتماعی فراهم کرده است. اگرچه قوانین افغانستان نیز با الهام از شریعت اسلامی و اسناد بین المللی، اصولی چون حق داشتن وکیل و اصل براءت را پیش بینی کرده اند، اما در عمل چالش هایی در تطبیق کامل آن ها وجود دارد. در نهایت، این تحقیق مؤید آن است که بهره گیری عملی از ظرفیت های فقه اسلامی و انطباق آن با نیازهای معاصر، منبعی ارزشمند برای بهبود نظام قضایی، کاهش تبعیض و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه عدلی به شمار می رود.

اصطلاحات کلیدی: اجتهاد، اصول، عادلانه، فقه، قضات، محکمه.

A Comparative Examination of Fair Trial Principles in International Human Rights Instruments and Afghanistan's Legal Framework

Author: Zekrullah Oria Khail

Graduate of Law and Political Science

Email: zekrullahmohammad001@gmail.com

Abstract

Fair trial standards are considered one of the fundamental principles for ensuring justice, upholding the rule of law, and protecting human rights. These standards occupy a prominent position in both Islamic jurisprudence and the legal system of Afghanistan. This study was conducted with the objectives of identifying the standards of a fair trial in Islamic jurisprudence and statutory law, examining the extent of their implementation in Afghan courts, clarifying the similarities and differences between these two legal systems, and understanding whether these standards are mandatory or discretionary in nature. The research employed a descriptive-analytical methodology and relied on a review of authoritative books, scholarly articles, and academic journals. The findings indicate that Islamic jurisprudence, through its emphasis on judicial independence and impartiality, transparency, the defendant's right to defense, and equality between litigating parties, provides a comprehensive framework for conducting fair trials and promoting social justice. Although Afghan laws, inspired by Islamic Sharia and international legal instruments, have incorporated principles such as the right to legal counsel and the presumption of innocence, practical challenges remain in achieving their full implementation. The study concludes that the effective utilization of the principles and capacities of Islamic jurisprudence, together with their adaptation to contemporary needs, can serve as a valuable source for improving the judicial system, reducing discrimination, and enhancing public confidence in judicial and legal institutions.

Keywords: Ijtihad, Principles, Fairness, Islamic Jurisprudence, Judges, Court.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین، والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء والمرسلین محمد و علی آله و أصحابه أجمعین.

عدالت قضایی و برگزاری محاکمه عادلانه از ارکان اصلی هر نظام حقوقی و قضایی به شمار می‌رود که تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های اساسی افراد است. در جوامع اسلامی از جمله افغانستان، اصول عدالت قضایی ریشه در تعالیم فقه اسلامی دارد و در قوانین ملی نیز بازتاب یافته است. فقه اسلامی با تأکید بر عدالت، شفافیت، بی‌طرفی و حق دفاع، چارچوب‌هایی را برای قضاوت عادلانه ارائه کرده است. در همین حال، قانون اساسی افغانستان و قوانین جزایی، با الهام از این اصول و معیارهای بین‌المللی، تلاش کرده‌اند زمینه‌ای برای تأمین عدالت فراهم آورند.

با وجود این چارچوب‌های قانونی و شرعی، نظام قضایی افغانستان در عمل با چالش‌های متعددی مواجه است. ضعف زیرساخت‌های قضایی، فساد اداری، مداخلات سیاسی و نبود شفافیت، اجرای موازین محاکمه عادلانه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. این مسائل نه تنها عدالت را به خطر انداخته، بلکه اعتماد عمومی به نظام قضایی را نیز کاهش داده است.

این تحقیق با هدف بررسی اصول محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین افغانستان، تلاش می‌کند تا ضمن شناسایی نقاط قوت و ضعف، موانع تطبیق این اصول را تحلیل کرده و راهکارهای عملی برای بهبود نظام قضایی ارائه دهد.

۱.۱. بیان مسئله

عدالت و برگزاری محاکمه عادلانه، یکی از اساسی‌ترین نیازهای جوامع بشری است که تضمین حقوق فردی و اجتماعی شهروندان را ممکن می‌سازد. در فقه اسلامی، اصول و قواعد محاکمه عادلانه با تأکید بر حق دفاع، شفافیت و عدم تبعیض تبیین شده و قوانین جزایی افغانستان نیز با الهام از این اصول شرعی، چارچوب‌های مشخصی را برای تحقق آن ترسیم کرده‌اند. با این حال، مسئله‌ی اساسی در تحقیقات حقوقی، تبیین دقیق ماهیت، وجوب شرعی و ابعاد موازینی چون متخصص بودن قضات، تسویه بین الخصمین، تحریری بودن مراحل، مساوات در پیشگاه قانون، و تضمین حقوق متخاصمین مانند حق داشتن وکیل مدافع و ترجمان در جریان محاکمه است. از آن‌جا که

در متون حقوقی و فقهی، تفاوت ها، شباهت ها و دیدگاه های متعددی پیرامون الزامی یا اختیاری بودن برخی از این موازین وجود دارد، این تحقیق در صدد است تا با بررسی نظری و مقایسه ای این اصول در فقه و قوانین ملی، یک چارچوب روشن و جامع علمی از موازین محاکمه عادلانه ارائه دهد.

۱.۱.۲ اهداف تحقیق: اهداف تحقیق را به دو بخش تقسیم میکنیم که عبارت است از هدف اصلی و اهداف فرعی.

۱.۲.۱ هدف اصلی

بررسی ماهیت و تبیین جامع شاخص های محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین موضوعه.

۱.۲.۲ اهداف فرعی

۱. شناسایی و ارزیابی مقایسه ای وجوه اشتراک و افتراق موازین محاکمه عادلانه در فقه اسلامی، قوانین مدون افغانستان و اصول بین المللی.

۲. تحلیل جایگاه و وصف تکلیفی (الزامی) یا تخییری (اختیاری) بودن موازین محاکمه عادلانه در منشأ تشریع و تقنین.

۱.۳ سوالات تحقیق: سوالات تحقیق را به دو بخش تقسیم میکنیم که عبارت است از سؤال اصلی و سؤالات فرعی.

۱.۳.۱ سؤال اصلی

اصول، قواعد و مؤلفه های رکن محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین نافذه افغانستان کدام ها اند؟

۱.۳.۲ سوالات فرعی

۱. موازین محاکمه عادلانه در دو حوزه ی فقه و قانون، واجد چه همسویی ها و تمایزات ساختاری یا محتوایی می باشند؟

۲. تطبیق معیارهای محاکمه عادلانه در نظام حقوقی و شرعی کشور، واجد وصف تکلیفی (جبری) است یا تخییری (اختیاری)؟

۱.۴ فرضیه های تحقیق: فرضیه های تحقیق به گونه ذیل به دو بخش تقسیم شده اند:

۱.۴.۱ فرضیه اصلی

چنین به نظر می‌رسد که استقلال قضاء، قانونی بودن محکمه، تخصص قضات، علنی بودن دادرسی، تسویه بین الخصمین و تضمین حقوق دفاعی متخاصمین، از موازین محاکمه عادلانه در فقه و قانون به شمار می‌روند.

۱.۴.۲. فرضیه های فرعی

۱. با توجه به جایگاه شریعت اسلامی به عنوان منبع بنیادین تقنین در افغانستان، متصور است که میان خطوط کلی موازین محاکمه عادلانه در فقه و قوانین ملی، همسویی کامل برقرار بوده و تفاوت ماهوی وجود نداشته باشد.

۲. مفروض است که رعایت و اجرای موازین محاکمه عادلانه در فقه و قوانین نافذه، واجد صبغه تکلیفی و امر جبری بوده و برای دستگاه قضایی کاملاً الزام آور است.

۱.۵. اهمیت این تحقیق

این تحقیق به دلایل زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

۱. تأمین عدالت قضایی: عدالت قضایی یکی از بنیادی‌ترین نیازهای هر جامعه است و برگزاری محاکم عادلانه نقش کلیدی در تضمین حقوق شهروندان و برقراری نظم اجتماعی دارد. این تحقیق می‌تواند به شناسایی موانع و ارائه راه‌حل‌هایی برای بهبود عدالت در نظام قضایی افغانستان کمک کند.

۲. اتصال میان فقه و قانون: با توجه به اینکه نظام حقوقی افغانستان بر اساس اصول اسلامی و قوانین معاصر استوار است، این تحقیق می‌تواند به درک بهتر هماهنگی و همپوشانی میان موازین فقه اسلامی و قوانین ملی کمک کند و زمینه‌ای برای تقویت نظام قضایی فراهم آورد.

۳. اهمیت علمی و عملی: این تحقیق نه تنها از نظر علمی برای محققین، حقوقدانان و دانشجویان مفید است، بلکه از نظر عملی نیز می‌تواند برای سیاست‌گذاران و مسئولین قضایی در اصلاح نظام قضایی افغانستان مورد استفاده قرار گیرد.

۱.۶. روش تحقیق: روش مورد استفاده در این تحقیق، کتابخانه‌ای با رویکرد آن «توصیفی - تحلیلی و تطبیقی» است. برای گردآوری داده‌ها، به کتاب‌های فقهی، قوانین مدون و مقالات علمی مراجعه

گردیده و سپس اطلاعات جمع آوری شده مورد تحلیل کیفی قرار گرفته است، تا تفاوت‌ها، شباهت‌ها و مبانی نظری موازین محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین ملی به گونه‌ای منظم، دقیق و علمی تبیین گردند.

۲. تعاریف و مفاهیم

۲.۱. مفهوم قضا

قضا در لغت به معنای حکم است. و در اصطلاح عبارت از حکم کلی الهی بر اعیان موجودات، بر اساس همان احوالی که دارند، از ازل تا ابد. در اصطلاح فقها: تسلیم و واگذاری است؛ مانند واجبی که به سبب، لازم می‌گردد (علی بن محمد، ص ۲۲۵).

و به عبارت دیگر عبارت از مرجع فصل خصومات و قطع منازعات میان متخاصمین مطابق احکام شریعت اسلامی می‌باشد (استادان دیپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنتون کابل، ۱۴۰۲، ص ۱۸۱).

۲.۲. مفهوم محاکمه عادلانه

در موضوع محاکمه عادلانه می‌توانیم از دو نوع تعاریف استفاده کنیم؛ تعریف ترکیبی و تعریف توصیفی که در نخست از تعریف ترکیبی و بعداً از تعریف توصیفی استفاده می‌کنیم.

۲.۲.۱. تعریف ترکیبی

محاکمه عادلانه یک نام ترکیبی است، که از دو کلمه تشکیل شده است که محکمه و عادلانه است؛ در نخست محکمه و بعداً عادلانه را تعریف می‌کنیم.

- محکمه: محکمه محلی است که در آن میان طرف‌های دعوا رسیده گی قضایی انجام می‌شود (السید غانم، ۲۰۱۷، ص ۵۱).

- عادلانه: که از عدالت گرفته شده است، العدل در اصل مصدر است و عدل عبارت است از حکم کردن بر اساس حق (الأفریقی، ۱۱۱۹، ج ۴ ص ۲۸۳۸).

۲.۲.۲. تعریف توصیفی

محاکمه عادلانه محاکمه ای است که به طور عادلانه، منصفانه و با نظم رویه ای توسط یک قاضی بی طرف انجام شود¹ (Merriam Webster)
محاکمه عادلانه در قوانین مختلف جهانی و بین کشورها پیش بینی شده؛ و یکی از حقوق بنیادین بشر خوانده شده است. چون اعلامیه جهانی حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸، ماده ۱۰)، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶، ماده ۱۴) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی، ۱۹۵۰، ماده ۶).

۳. حکم شرعی قضاء در اسلام

در شریعت اسلامی، تشکیل قوه قضائیه فرض است و فرضیت آن با قرآن کریم، احادیث نبوی و اجماع امت به اثبات رسیده است.

۱: الله ﷻ در قرآن کریم فرموده است: (وَأَن اَحْكُمَ بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ) (المائدة: ۴۹)
ترجمه: و حکم کن میان آنان به آنچه خدا نازل کرده است.

۲: رسول الله ﷺ برای مناطق مختلف دولت اسلامی، قضات تعیین کرده بود که از جمله آنان، معاذ بن جبل رضی الله عنه را به عنوان قاضی به یمن فرستاده بود (أبو داود، ج ۲ ص ۱۰۵).

۳: امام ابن قدامه رحمه الله در کتاب خود تحت عنوان المغنی بر اساس دلایل شرعی فراوان چنین بیان کرده است: و أجمع المسلمون على مشروعية نصب القضاء والحکم بین الناس (ابن قدامة، ۱۴۲۵، ج ۱۳ ص ۴۱۷).

ترجمه: مسلمانان بر مشروعیت ایجاد نظام قضایی و داوری و فیصله کردن میان مردم اجماع کرده اند. در پرتو دلایل شرعی یادشده، امام کاسانی رحمه الله می فرماید: تعیین قاضی فرض است؛ زیرا قاضی برای ادای فرض دیگری تعیین می شود و آن قضاوت است، و از همین جهت تعیین قاضی فرض می باشد. امام ابن الهمام رحمه الله می گوید: مسلمانان بر این اجماع کرده اند که قضا فرض کفایی است. امام بابرته حنفی رحمه الله می فرماید: هیچ شکی در این نیست که بعد از ایمان، قضاوت از قوی ترین فرایض و شریف ترین عبادت هاست (فاطمی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۱-۱۵۳).

۴. اهمیت محاکمه عادلانه

¹ (<https://www.merriam-webster.com/legal/fair%20trial> (lasviewed: 2026/01/06)).

محاکمه عادلانه نقش بنیادینی در حفظ عدالت، صیانت از حقوق افراد و تقویت، اعتماد عمومی به نظام قضایی و حکومتی دارد. اهمیت این نوع محکمه را میتوان از جنبه های مختلف بررسی کرد

۱- حفظ حقوق بشر: محاکمه عادلانه یکی از ارکان اساسی حقوق بشر است. این نوع محکمه از حقوق اولیه افراد مانند حق دفاع، محکمه منصفانه، و عدم تبعیض محافظت می کند.

۲- پیشگیری از بی عدالتی: محاکمه عادلانه با تضمین استقلال قضات و رعایت اصول قانونی، از سوء استفاده از قدرت و صدور احکام ناعادلانه جلوگیری می کند.

۳- تقویت حاکمیت قانون: محاکمه عادلانه نشان دهنده احترام به حاکمیت قانون است. در چنین نظامی، همه افراد و نهاد ها از جمله حکومت در برابر قانون پاسخگو است.

۴- ایجاد اعتماد عمومی: عملکرد عادلانه محکمه ها موجب اعتماد عمومی به نظام قضایی می شود و پایه های مشروعیت حکومت را تقویت می کند.

۵- تامین امنیت اجتماعی: با اطمینان اجرای عدالت جامعه از تضادها و بی نظمی های ناشی از بی عدالتی در امان می ماند؛ و این امر به صلح و ثبات اجتماعی کمک میکند.

۶- حمایت از حقوق متهم و قربانی: محاکمه عادلانه با رعایت توازن بین حقوق قربانی و متهم از اجرای عدالت به شکل انتقام جویانه یا ناعادلانه جلوگیری می کند.

۷- پیشگیری از تبعیض و تعصب: چنین محکمه تضمین میکند که هیچ فردی به دلیل نژاد، جنسیت و مذهب محکمه نشود.

۵. اهداف محکمه عادلانه

محاکمه عادلانه بر پایه اصول عدالت، انصاف و حفظ حقوق قانونی افراد استوار است. این اهداف تضمین می کنند که نظام قضایی به بهترین شکل عمل می کند و عدالت در جامعه برقرار شود. برخی از مهمترین اهداف محکمه عادلانه عبارتند از:

۱- برقراری عدالت: هدف اصلی محاکمه عادلانه اجرای عدالت و صدور احکام بر اساس شواهد و قوانین است. به گونه ای که حق به حق دار برسد.

۲- صیانت از حقوق قانونی افراد: محاکمه عادلانه از حقوق اساسی افراد، حق دفاع، حق دسترسی به وکیل و حق دادرسی علنی محافظت می کند.

۳- ایجاد امنیت حقوقی و اجتماعی: به اجرای عادلانه قوانین، محکمه عادلانه به ایجاد امنیت حقوقی و ثبات اجتماعی کمک میکند.

۴- پیشگیری از ظلم و تبعیض: محاکمه عادلانه مانع سوء استفاده از قدرت، اعمال تبعیض یا صدور احکام ناعادلانه می شود.

۵- حفظ بی طرفی استقلال قضایی: هدف محاکمه عادلانه این است که محکمه ها در برابر فشار های سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی مستقل باقی بمانند.

۶- تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی: عملکرد منصفانه و شفاف محکمه ها باعث افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی حاکمیت قانون می شود.

۷- تامین فرصت برابر برای طرفین دعوی: محاکمه عادلانه تضمین میکند که همه طرفین دعوی فرصت برابر برای ارائه ادله و دفاع از خود داشته باشند.

۶. موازین محاکمه عادلانه در فقه و قانون

اسلام دینی کامل و جامع است که تمامی ابعاد زندگی بشر را در بر می گیرد. همان گونه که روشن است، از آغاز پیدایش بشریت، جرم و جنایت نیز وجود داشته و تا امروز ادامه یافته است؛ و به باور بسیاری، در آینده نیز همچنان وجود خواهد داشت. به همین دلیل، در طول تاریخ برای مجازات مجرمان، قوانین و مقررات گوناگونی وضع شده است که در این میان، قوانین جزایی اسلام از کامل ترین و جامع ترین نظام های حقوقی به شمار می روند.

برای رسیدگی به جرایم و محاکمه مجرمان، وجود مکان مشخصی به نام محکمه امری ضروری است. دین مبین اسلام برای محاکمه و قضاوت، موازین روشن و دقیقی را تعیین کرده است؛ موازینی که هم ناظر بر شرایط و مسئولیت های قضات و نظام قضایی است و هم حقوق و تکالیف طرفین دعوا را در بر می گیرد. با توجه به اهمیت و ضرورت وجود محاکمه عادلانه، موازین مشخصی در فقه، قوانین داخلی افغانستان و نیز در اسناد و قوانین بین المللی پیش بینی شده است. بر این اساس، بحث ما پیرامون موازین یک محاکمه عادلانه خواهد بود و آن را با احادیثی از رسول الله ﷺ آغاز می کنیم. و عن ابی بکره رض قال سمعت رسول الله ﷺ يقول: لا يحکم احد بین اثین وهو غضبان (ابن حجر، ص ۳۸۸). ترجمه: از ابوبکره رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: هیچ یک از شما نباید در حالی که خشمگین است، میان دو نفر داوری و حکم کند.

۶.۱. متخصص بودن قضات

۶.۱.۱. متخصص بودن قضات در شریعت اسلامی

در اسلام، قضاوت امانتی بزرگ است و تنها به کسانی سپرده می شود که دارای علم، فقاہت و توانایی تشخیص حق از باطل باشند؛ زیرا قاضی ناآگاه ممکن است ناخواسته به ظلم و تضییع حقوق مردم دچار شود. در احادیث، فقه اسلامی و کتب علمای بزرگ مسلمانان، همواره بر این موضوع تأکید شده است. در اینجا، برخی از احادیث، و اقوال فقها در این زمینه ذکر و مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- ابْنُ بُرَیْدَةَ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ " الْقُضَاةُ ثَلَاثَةٌ اثْنَانِ فِي النَّارِ وَوَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ رَجُلٌ عَلِمَ الْحَقَّ فَقَضَى بِهِ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ وَرَجُلٌ قَضَى لِلنَّاسِ عَلَى جَهْلٍ فَهُوَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ جَارَ فِي الْحُكْمِ فَهُوَ فِي النَّارِ " (ابن ماجه، ۲۰۱۴، ج ۱ ص ۴۵۷).

ترجمه: ابن بُرَیْدَةَ از پدرش روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمودند: قاضیان سه دسته اند؛ دو دسته در آتش و یک دسته در بهشت. قاضی ای که حق را شناخت و بر اساس آن حکم کرد، در بهشت است؛ و قاضی ای که از روی نادانی میان مردم قضاوت نمود، در آتش است؛ و قاضی ای که در حکم خود ظلم و بی عدالتی کرد، او نیز در آتش است.

۲- قال ابو القاسم رحمه الله تعالى: (ولا يولى قاض حتى يكون بالغاً، عاقلاً، مسلماً، حراً، عدلاً، عالماً، فقيهاً و رعاً).

ترجمه: ابوالقاسم رحمه الله فرموده: "قاضی باید تا زمان تعیین نشود تا بالغ، عاقل، مسلمان، آزاد، عادل، عالم، فقیه و پرهیزگار نباشد.

قال الشيخ رحمه الله تعالى: ويشترط فى القاضى عشر صفات: ان يكون بالغاً، عاقلاً، حراً، ذكراً، مسلماً، عدلاً، سمياً، بصيراً، متكلماً، مجتهداً (ابن قدامه، ۱۴۲۵، ج ۱ ص ۴۲۹-۴۳۳).

ترجمه: شیخ رحمه الله تعالى می فرماید: برای قاضی ده شرط لازم است: بالغ، عاقل، آزاد، مرد، مسلمان، عادل، بصیر، سمیع، متکلم و مجتهد باشد.

اجتهاد: اجتهاد در کتاب های لغت از کلمه جهد گرفته شده و کلمه جهد به فتح "ج" معنای کوشش را افاده می کند و ضم "ج" به معنای رنج و مشقت است. و در اصطلاح عبارت است از مصرف قدرت مجتهد در تحصیل علم شرعی ظنی (شاداب، ۱۳۹۶، ص ۲۹۲).

در مورد مجتهد بودن قاضی علمای مذاهب اربعه چنین نظر دارند:

وأما الاجتهاد: فهو شرط عند المالكية ولشافعية والحنابلة وبعض الحنفية كالقدوري، فلا يولي الجاهل بالأحكام الشرعية، ولا المقلد (وهو من حفظ مذهب امامه، لكنه غير عارف بغوامضه، و قاصر عن تقرير أدلته) لأنه لا يصلح للفتوى فلا يصلح للقضاء بالأولى.

ترجمه: اجتهاد به نزد مالکی ها، شافعی ها، حنبلی ها و بعضی از احناف مثلاً قدوری برای قضاوت شرط است. پس جاهل (کسی که به احکام شرعی نمی فهمد) و مقلد (کسی مذهب امام خود را حفظ کند، ولی در مسائل عمیق آن فهم ندارد و در تشریح دلایل آن عاجز باشد) برای قضاوت مناسب نیستند، بخاطری که او برای فتوا مناسب نیست، پس برای قضاء به طریقه اولاً مناسب نیست. **اهلیت اجتهاد:** متوافر بمعرفة ما يتعلق بالأحكام من القرآن و لسنة، و معرفة الاجماع والاختلاف و لقياس و لسان العرب، ولا يشترط يكون الفقيه محيطاً بكل القرآن و لسنة، ولا ان يحيط بجميع الأخبار الواردة، ولا أن يكون مجتهداً في كل المسائل، بل يكفي معرفة ما يتعلق بموضوع البحث.

توانایی اجتهاد: این است که شخص عالم بر مسائل باشد که از طرف قرآن و سنت همراهی احکام اتصال داشته باشد، عالم بر اجماع و اختلاف باشد، قیاس را بشناسد، و زبان عربی را یاد داشته باشد؛ ولی این شرط نیست که شخص فقیه بر تمام قرآن و سنت تسلط کامل داشته باشد و یا بر تمام روایات وارده عالم باشد، و نه اینکه در تمام مسائل مجتهد باشد. بلکه فقط در موضوع مورد بحث باید عالم باشد

وقال جمهور الحنفية: لا يشترط كون القاضي مجتهداً والصحيح أن أهلية الاجتهاد شرط الأولوية ولندب ولأستحباب فيجوز تقليد غير المجتهد للقضاء ويحكم بفتوى أى بتقليد مجتهد؛ لأن الغرض من القضاء هو فصل الخصايم و اىصال الحق الى مستحقه، و هو يتحقق بالتقليد لكن مع هذا قالوا: لا ينبغي أن يقلد الجاهل بالأحكام، أى الجاهل بأدلته الأحكام الشرعية تفصيلاً واستنباطاً؛ لأن الجاهل يفسد أكثر مما يصلح، بل يقضى بالباطل من حيث لا يشعر به (الزحيلي، ١٤٢٥، ج ٨ ص ٥٩٣٧-٥٩٣٩).

جمهور علمای احناف میگویند که برای قاضی مجتهد بودن شرط نیست، و موضوع اساسی این است که توانایی اجتهاد برای اولویت، مستحب و برای بهتر بودن شرط است. پس برای شخص غیر مجتهد اجازه قضاوت است، و او میتواند با تقلید از یک مجتهد حکم کند؛ بخاطری که هدف قضاوت این است که فیصله بین دعاوی شود و حق به حق دار سپرده شود، و این هدف به تقلید هم به دست آمده میتواند، مگر علاوه بر این آنها گفته اند که به شخص جاهل که به دلایل تفصیلی

احکام و استنباط عالم نباشد قضاوت سپردن نیز مناسب نیست، بخاطری که جاهل زیاد فساد میکند بجای اینکه اصلاح بیاورد، و بنابر جهل بر باطل حکم میکند. در اینجا بخاطر روشن شدن بیشتر موضوع شرط مجتهد بودن برای قاضی در مذهب حنفی و اطمینان خاطر یک قول دیگر هم از علمای حنفی نقل میکنیم.

و اما العلم بالحلال والحرام و سائر الاحکام فهل هو شرط جواز التقليد؟ عندنا ليس بشرط الجواز بل شرط النذب والاستحباب. و عند اصحاب الحديث كونه عالماً بالحلال والحرام و سائر الاحکام مع بلوغ درجة الاجتهاد في ذلك شرط جواز التقليد. كما قالو في الامام الاعظم. و عندنا هذا ليس بشرط الجواز في الامام الأعظم لأنه يمكنه أن يقضى بكلام غيره بالرجوع الى فتوى غيره من العلماء. فكذا في القاضي. لكن مع هذا لا ينبغي أن يقلد الجاهل بالأحكام لأن الجاهل بنفسه ما يفسد أكثر مما يصلح بل يقضى بالباطل من حيث لا يشعر به (الكاساني، ج ۵ ص ۴۳۹).

ترجمه: اما علم به حلال و حرام و سایر احکام، آیا شرط جواز تقلید است؟ نزد ما شرط جواز نیست، بلکه شرط نذب و استحباب است. نزد اصحاب حدیث، عالم بودن به حلال و حرام و سایر احکام همراه با رسیدن به درجه اجتهاد در آن، شرط جواز تقلید است. همان گونه که درباره امام اعظم گفته اند. اما نزد ما این شرط جواز برای امام اعظم نیست، زیرا او می تواند با رجوع به فتوی دیگر علما، بر اساس سخن غیر خود قضاوت کند. پس در مورد قاضی نیز همین گونه است. با این حال، نباید جاهل به احکام تقلید شود، زیرا جاهل به دلیل نادانی خود بیشتر فساد می آورد تا اصلاح، و حتی بدون آگاهی، به ناحق قضاوت می کند.

۶.۱.۲. متخصص بودن قضات در قوانین افغانستان

در قوانین افغانستان که توسط امارت اسلامی تصویب شده است، در اصول نامه حقوقی محاکم چنین ذکر شده است که قاضی را مناسب است در موضوعات احکام فقه بالخاصه فقه حنفی کاملاً عالم و بر قطع دعاوی وارده، و بر تطبیقات احکام و مقررات مقتدر و با خبر باشد (اصول نامه اجراآت محاکمات حقوقی عدلی، ۱۴۳۵ق، ماده ۳). قاضی باید از عرف و عادات مردم باخبر باشد و احوالات مردم را تمیز بتواند (همان اثر، ماده ۴). قاضی را لازم است از اصول نامه هائیکه مربوط به امور عدلیه است کاملاً معلومات داشته باشد. (همان اثر، ماده ۵) در لایحه محاکم امارت اسلامی افغانستان فصل خاصی به تعلیمات تخصصی قضات اختصاص داده شده است که بر اساس مواد این فصل، یک اداره تعلیمی برای ارائه دروس تخصصی قضات پیش بینی شده است (لایحه محاکم

امارت اسلامی، فصل ششم). همچنان در مجله الاحکام در مورد متخصص بودن قضات چنین آمده است که لازم است تا قاضی حکیم، دانشمند، با استقامت، امین، با کرکتر و متین باشد (مجله الاحکام العدلیه، ماده ۱۷۹۲). برای قاضی لازم است که به مسائل فقهی وارد باشد و هم اصول محاکمه را بداند و بر فیصله دعاوی و خصومت با تطبیق مسائل فقهی و اصول محاکمه تسلط کامل داشته باشد (همان اثر، ماده ۱۷۹۳).

۶.۲. تسویه بین الخصمین

۶.۲.۱. تسویه بین الخصمین در شریعت اسلامی

تسویه بین الخصمین در شریعت اسلامی از اصول بنیادین قضاوت به شمار می رود و مقصود از آن، رفتار برابر قاضی با طرفین دعوا در گفتار، رفتار، استماع ادله و صدور حکم است. این اصل برای تحقق عدالت، جلوگیری از ظلم و حفظ حقوق اصحاب دعوا مورد تأکید فقهای اسلامی قرار گرفته است. در این جا چندین دلیل از احادیث نبوی و اقوال علما در تأیید اصل تسویه بین الخصمین مورد ذکر قرار می گیرد تا جایگاه این اصل در فقه اسلامی و اهمیت آن در تحقق عدالت قضایی به روشنی تبیین گردد.

۱- قال رسول الله ﷺ: من ابتلی بالقضاء بین المسلمین، فلیسو بینهم فی المجلس، والاشارة والنظر، ولا یرفع صوته علی أحد الخصمین أكثر من الآخر (الزیلعی، ج ۵ ص ۵۴). ترجمه: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «کسی که به قضاوت میان مسلمانان مبتلا شد، باید میان آنان در نشستن، اشاره کردن و نگاه کردن مساوات را رعایت کند، و نباید صدای خود را بر یکی از دو طرف دعوی بیشتر از دیگری بلند کند.» و فی کتاب عمر الی أبی موسی الأشعری (اس بین الناس فی وجهک وعدلک مجلسک، حتی لا یطمع شریف فی حیفک، ولا ییأس ضعیف من عدلک. ترجمه: و در نامه عمر رضی الله عنه به ابوموسی اشعری رضی الله عنه آمده است: «در چهره، عدالت، و جایگاه خود در میان مردم مساوات را رعایت کن، تا افراد بلند مرتبه به ستم تو طمع نکنند و افراد ضعیف از عدالت تو ناامید نشوند.» و عن الحسن قال (جاء رجل فنزل علی علی رض فأضافه، فلما قال: انی أرید أن أخاصم، قال له علی رض: تحول، فان النبی ص نهانا أن نضیف الخصم الا و معه خصمه) ترجمه: و از حسن رضی الله عنه روایت شده است که مردی نزد علی رضی الله عنه آمد و مهمان او شد. هنگامی که گفت: «می خواهم دعوی کنم»، علی رضی الله عنه به او گفت: «از اینجا برو، زیرا پیامبر ﷺ ما را نهی کرده است که یکی از طرفین دعوی را مهمان کنیم، مگر اینکه طرف دیگر نیز همراه

او باشد.» عن عبدالله بن الزبیر رضی الله عنه قال: "سنة رسول الله ﷺ أن يجلس الخصمان بين يدي القاضي و في لفظ قضي رسول الله ﷺ أن الخصمين يقعدان بين يدي الحاكم. ترجمه: عبدالله بن زبیر رضی الله عنه گفت: «از سنت های رسول خدا ﷺ این است که دو طرف دعوی در مقابل قاضی بنشینند.» در روایت دیگری آمده است: «رسول خدا ﷺ حکم کرد که دو طرف دعوی باید در مقابل حاکم بنشینند.» ينبغي أن يعدل القاضي بين الخصمين في الجلوس والاقبال، فيجلسهما بين يديه، لا عن يمينه و لا عن يساره، و أن يسوي بينهما في النظر ولطلق والاشارة ولخلوة فلا يسار أحدهما او يخلو به، ولا يشير اليه، ولا يلقيه حجة منعاً للتهمة، ولا يضحك في وجه أحدهما، لأنه يجترى عليه، ولا يمازحهما ولا واحداً منهما، لأنه يذهب بمهابة القضاء، ولا يضيف احدهما، ولا يرفع صوته على أحدهما، ولا يكلم احدهما بلغة لا يعرفها الآخر، وإذا تكلم احدهما أسكت لأخر حتى يسمع كلامه، ويفهم، ثم يستنطق الآخر حتى يفهم تماماً رأيه (الزحيلي، ج ۸ ص ۵۹۵۷-۵۹۵۸). ترجمه: قاضی باید بین دو طرف دعوی در نشستن و توجه کردن عدالت را رعایت کند، به این صورت که آن ها را مقابل خود بنشاند، نه در سمت راست و نه در سمت چپ خود. همچنین باید در نگاه، سخن گفتن، اشاره کردن و خلوت کردن با آن ها مساوات را رعایت کند. قاضی نباید با یکی از طرفین نجوا کند یا با او خلوت کند، به او اشاره کند یا او را در ارائه دلیل راهنمایی کند تا از ایجاد سوء ظن جلوگیری شود. قاضی نباید به یکی از طرفین بخندد، زیرا این کار باعث جسارت وی می شود. همچنین نباید با آن ها یا یکی از آن ها شوخی کند، زیرا این کار هیبت قضاوت را از بین می برد. قاضی نباید یکی از آن ها را مهمان کند، صدایش را بر یکی از آن ها بلند کند یا با یکی از آن ها به زبانی صحبت کند که طرف دیگر آن را نفهمد. زمانی که یکی از طرفین صحبت می کند، باید دیگری را ساکت کند تا سخنان او را بشنود و بفهمد، سپس طرف دیگر را صحبت دهد تا به طور کامل نظر او را نیز بفهمد. ليسو بين الخصمين في دخول عليه، وقيام لهما، واستماع، وطلاقة وجه، وجواب سلام و مجلس والأصح رفع مسلم على ذمی فيه (خطیب الشرینی، ج ۴ ص ۵۳۴). ترجمه: میان دو طرف دعوی در ورود به نزد قاضی، ایستادن برای آن ها، گوش دادن به سخنان شان، گشاده رویی، پاسخ دادن به سلام، و جای نشستن باید مساوات رعایت شود. نظر صحیح این است که در این موارد مسلمان بر ذمی برتری داده شود. قاضی باید در مجلس قضاء در بین مدعی و مدعی علیه مساوات را رعایت نمایند، جاهای نشستن آنها، طرز صحبت کردن، نوبت صحبت کردن

و دیگر حالات مساوات کامل رعایت کند. بخاطری که رسول الله ص به قاضی همینطور هدایت کرده است (فاطمی، ص ۱۵۷).

۶.۲.۲. تسویه بین الخصمین در قوانین افغانستان

اصل تسویه بین الخصمین (برابری طرفین دعوا) در قوانین افغانستان و اصول بین المللی از ارکان اساسی عدالت قضایی شمرده میشود. در قوانین افغانستان، قاضی مکلف است میان طرفین دعوا در رفتار، استماع، رسیدگی و صدور حکم بدون تبعیض عمل نماید. قضات باید با طرفین دعوی بر مبنای این که تمام افراد جامعه در برابر قانون دارای حقوق مساوی هستند رفتار نمایند و قضات در امور خود هیچ گونه تبعیض نژادی، منطوقی، جنسی و دیگر ملحوظات را در نظر نداشته باشد. این مورد در اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین نگاشته است: همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷) در اصولنامه حقوقی محاکم عدلی امارت اسلامی در مورد تسویه بین الخصمین چنین آمده است: قاضی مجبور است همیشه میان متخاصمین در امور متعلقه به قضاء عدل و مساوات را از دست ندهد. (اصولنامه اجراءات حقوقی محاکم عدلی، ماده ۸)؛ برای اینکه عدالت و مساوات به صورت درست تطبیق و عملی گردد. قاضی از قضاوت در موارد ذیل منع شده است: قاضی در باب اصول، فروع، منکوحه، شریک و اجیر خاص خود و برای کسی که امرار حیات وی از نفقه او تامین میشود شرعا از قضاوت ممنوع است. (همان اثر، ماده ۹) همچنان در مجله الاحکام العدلیه در این مورد چنین نگاشته است: قاضی، به عدالت بین طرفین دعوی مامور است، بناء بر وی لازم است که عدالت و مساوات را بین طرفین دعوی در اموری که به مجلس قضاء مربوط است رعایت کند. مانند: اجلاس طرفین دعوی در مجلس و نظر کردن بسوی شان و هم مخاطب ساختن شان اگر چه یکی از ایشان از اشراف و آن دیگری از مردم عادی باشد. (مجله الاحکام العدلیه، ماده ۱۷۹۹) مجله الاحکام بخاطر تطبیق بهتر عدالت قاضی را در بعضی موارد از قضاء منع نموده: باید محکوم له (کسی که حکم به مفاد اوست) از اصول و فروع قاضی و همچنان زوجه، شریک مال قاضی در حالیکه عنقریب در مورد آن حکم صادر میشود، اجیر خاص و کسی که به نفقه قاضی امرار حیات میکند، نباشد. بنابر این قاضی نمی تواند دعوی این اشخاص را استماع نماید و برای ایشان حکم کند. (همان اثر، ماده ۱۸۰۸).

۶.۳. تحریری بودن روند محاکمه

۶.۳.۱. تحریری بودن روند محاکمه در شریعت اسلامی

در شریعت اسلامی، تحریری بودن محکمه به معنای ثبت و ضبط دقیق احکام، شهادت‌ها و اسناد قضایی است. این امر برای جلوگیری از اختلاف، فراموشی یا تحریف حقایق اهمیت دارد و موجب تضمین عدالت می‌شود. ثبت مکتوب دعاوی و احکام باعث شفافیت، استناد قانونی و حفظ حقوق افراد در آینده می‌گردد و از سوءاستفاده‌ها و ادعاهای بی‌پایه جلوگیری می‌کند. در فقه اسلامی، تأکید فراوان بر نوشتن قراردادهای، شهادت‌ها و احکام قضایی شده است تا عدالت به صورت روشن و مستند اجرا شود. در این جا چندین دلیل از احادیث نبوی و اقوال علما در تأیید اصل تحریری بودن محکمه مورد ذکر قرار می‌گیرد تا جایگاه این اصل در فقه اسلامی و اهمیت آن در تحقق عدالت قضایی به روشنی تبیین گردد. ویتخذ کاتباً مسلماً مکلفاً عدلاً حافظاً عالماً یجلسه حیث یشاهد ما یکتبه ویجعل القمطر مختوماً بین یدیه. ترجمه: و یک کاتب مسلمان، مکلف، عادل، حافظ (امین) و عالم انتخاب کند، او را در جایی بنشانند که بتواند آنچه می‌نویسد مشاهده کند، و جعبه (قلمدان یا وسایل نوشتن) را در حالی که مهر و موم شده است در مقابل او قرار دهد. و جمله ذلک: أنه یستحب للحاکم أن یتخذ کاتباً، لأن النبی ﷺ استکتب زید بن ثابت رضی الله عنه و غیره، ولأن الحاکم تكثر اشغاله ونظره فلا یمکنه تولی الکتابه بنفسه، و ان أمکنه الکتابه بنفسه جاز، والاستنباه فیہ أولی ولا یجوز أن یتنب فی ذلک الا عدلاً، لأن الکتابه موضع أمانة ویستحب أن یکون فقیهاً لیعرف مواقع الألفاظ التي تتعلق

بها الأحکام ویفرق بین الجائز والواجب وینبغی أن یکون وافر العقل نزهاً ورعاً لئلا یتسمال بالطمع ویكون مسلماً لأن الله تعالی قال (یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانة من دونکم لا یألونکم خبلاً [آل عمران: ۱۱۸]) و قد روی ابا أن أبا موسی الاشعری قدم علی عمر ومعه کاتب نصرانی فأحضر أبو موسی شیاً من مکتوباته عند عمر فاستحسنه قال: قل لکاتبک یجیء ویقرأ کتابه، قال: انه لا یدخل المسجد قال: ولم؟ قال: انه نصرانی فانتهره، عمر وقال: لا تأتمنهم وقد خونهم الله تعالی، لا تقرهم وقد أبعدهم الله، ولا تعزمهم وقد أذلهم الله، ولأن الاسلام من شروط العدالة، و العدالة شرط. (ابن قدامة، ج ۱۳ ص ۴۴۶)، ترجمه: و از جمله این موارد مستحب است که حاکم یک کاتب (نویسنده) بگیرد، زیرا پیامبر ﷺ زید بن ثابت رضی الله عنه و دیگران را برای نوشتن برگزید. همچنین به این دلیل که امور حاکم بسیار زیاد است و خودش نمی‌تواند همه را به تنهایی مدیریت

کند. اگر حاکم بتواند خودش بنویسد، جایز است، اما استنباط (واگذاری به دیگری) در این کار بهتر است. نباید کسی را به این کار گمارد مگر آنکه عادل باشد، زیرا نوشتن جایگاه امانت است. همچنین مستحب است که کاتب فقیه باشد تا به مواردی که به احکام مربوط است آگاه باشد و میان جایز و واجب تفاوت قائل شود. کاتب باید عقل کامل داشته باشد، پاک دامن و با ورع باشد تا با طمع به فساد کشیده نشود و حتماً مسلمان باشد، زیرا خداوند متعال فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسرار از غیر خودتان نگیرید، زیرا آنها از هیچ فتنه و فساد نسبت به شما کوتاهی نمی‌کنند» (آل عمران: ۱۱۸). همچنان روایت شده که وقتی ابو موسی اشعری رضی الله عنه نزد امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه آمد، با خود یک کاتب نصرانی داشت. او بخشی از نوشته‌های کاتبش را نزد عمر رضی الله عنه آورد و عمر رضی الله عنه آن را پسندید. پس به ابو موسی اشعری رضی الله عنه گفت: به کاتب خود بگو بیاید و نوشته‌اش را بخواند. ابو موسی رضی الله عنه پاسخ داد: او نمی‌تواند وارد مسجد شود. عمر رضی الله عنه گفت: چرا؟ ابو موسی اشعری گفت: زیرا او نصرانی است. پس عمر رضی الله عنه او را سرزنش کرد و گفت: به آنها اعتماد نکنید، زیرا خداوند آنها را خیانت‌کار دانسته است. به آنها نزدیک نشوید، زیرا خداوند آنها را دور ساخته است. به آنها عزت ندهید، زیرا خداوند آنها را خوار کرده است. همچنین اسلام از شروط عدالت است و عدالت شرط این کار.

۶.۴. داشتن ترجمان در جریان محاکمه

۶.۴.۱. داشتن ترجمان در جریان محاکمه از نگاه شریعت اسلامی

از نگاه فقه اسلامی، داشتن ترجمان (مترجم) در جریان محاکمه یک امر مشروع و در بسیاری موارد ضروری دانسته شده است. اصل اساسی در قضاوت اسلامی، تحقق عدالت، فهم درست دعوا و رفع ابهام است و این مقاصد بدون فهم زبان طرفین به صورت کامل محقق نمی‌شود. در این جا چندین دلیل از احادیث نبوی و اقوال علما در تأیید اصل داشتن ترجمان در جریان محاکمه مورد ذکر قرار می‌گیرد تا جایگاه این اصل در فقه اسلامی و اهمیت آن در تحقق عدالت قضایی به روشنی تبیین گردد.

۱- وان حاکم الیه من لا یعرف لسانه ترجم له من یعرف لسانه، اذا تحاکم الی القاضی العربی أعجمیان أو أعجمی وعربی فلا بد من مترجم عنهما (ابن قدامة، ج ۱۳ ص ۵۱۰). ترجمه: و اگر حاکم با کسی روبرو شود که زبان او را نمی‌داند، باید کسی که زبان او را می‌داند برایش ترجمه کند. اگر دو نفر

غیر عرب یا یک غیر عرب و یک عرب نزد قاضی عرب دعوا کنند، وجود مترجم میان آنها ضروری است. قاضی باید برای خود محرر و مترجم ذکی و امین را مقرر نماید، تا در فیصله های قضاء از تغییر و تحریف جلوگیری شود (فاطمی، ص ۱۵۸).

۶.۴.۲. داشتن ترجمان در جریان محکمه از نگاه قوانین افغانستان و اصول بین المللی

در قوانین افغانستان و اصول بین المللی، داشتن ترجمان در جریان محکمه به عنوان یک حق اساسی برای تضمین محاکمه عادلانه شناخته شده است. طرفین دعوی دارای یک سلسله حقوقی اند که محاکم مکلف اند آنرا رعایت کنند. این حقوق شامل مواردی چون داشتن وکیل مدافع یا مشاور حقوقی، داشتن ترجمان در جریان محاکمه و همچنان اگر هر یک از طرفین به حکم محکمه تحتانی قناعت نداشته باشند می توانند اعتراض خود را به محکمه فوقانی در مطابقت با احکام قانون تقدیم نمایند (ستانکزی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۱) در سطح بین المللی نیز، اسناد معتبر حقوق بشری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق برخورداری از محاکمه عادلانه را تضمین کرده اند. چنانچه در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در این مورد چنین آمده است که هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقول حق تضمینهای ذیل را خواهد داشت: الف. در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می شود مطلع شود (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴، بند ۳).

۶.۵. مساوی بودن افراد در پیشگاه قانون

۶.۵.۱. مساوی بودن افراد در پیشگاه قانون از نظر شریعت اسلامی

تمام مسلمانان به وجود اختلاف شان در ملیت، نژاد، محیط جغرافیوی و موارد دیگر در پیشگاه قوانین اسلام برابرند. شریعت اسلامی مبدأ مساوات را تا آخرین حدی که عقل بشر تصور آنرا کرده میتواند تطبیق می نماید. اسلام نه قیدی را به رسمیت می شناسد و نه استثنایی را؛ بلکه از نظر اسلام مساوات کامل در بین افراد وجود دارد، حتی غیر مسلمین که منحیث اتباع دولت اسلامی اند، در برابر قضاء و دعوای حقوقی بطور کامل با مسلمانان مساوی اند. تا هنوز هیچ قانون وضعی معاصر در اجرای نظریه مساوات در حقوق جزاء به نظام حقوق جزاء اسلام نرسیده است. این قاعده از این نصوص مأخوذ است که الله متعال میفرماید: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ** (الحجرات: ۱۳). ترجمه: ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت، ملت و قبیله، قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر

شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمند ترین شما نزد خدا پرهیزگار ترین شما است؛ بی تردید خداوند دانای آگاه است. رسول الله (ص) میفرماید: انما اهلك الذين قبلکم أنهم کانو اذا سرق فيهم الشريف تركوه، و اذا سرق فيهم الضعيف أقامو عليه الحد، و ایم الله، لو أن فاطمة بنت محمد سرقت لقطعت يدها. (البخاری، ۲۰۰۲، حدیث نمبر ۶۷۸۸). ترجمه: همانا کسانی که پیش از شما بودند هلاک شدند، به این سبب که هرگاه فردی شریف و صاحب مقام در میان آنان دزدی می کرد، او را رها می کردند، و هرگاه فردی ضعیف دزدی می کرد، حد را بر او جاری می ساختند. به خدا سوگند، اگر فاطمه دختر محمد هم دزدی می کرد، دستش را قطع می کردم. اسلام در تنفیذ قانون بین رؤسای دولت و سایر افراد ملت مساوات کامل را حکم میکند (نذیر، ص ۳۲-۳۸).

۶.۶. حق داشتن وکیل مدافع

۶.۶.۱. حق داشتن وکیل مدافع در شریعت اسلامی

در اسلام، حق دفاع از خود و بهره مندی از وکیل یا نماینده عادل، ریشه در اصل عدالت و کرامت انسانی دارد. قرآن و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اجماع امت بر لزوم شنیدن سخن طرفین و دفاع منصفانه تأکید کرده اند. از این رو، داشتن وکیل مدافع وسیله ای مشروع برای احقاق حق و جلوگیری از ظلم در نظام قضایی اسلامی است. در این جا چند دلیل برای روشن شدن بهتر موضوع ذکر میکنیم.

۱- تجوز الوكالة بالخصومة فی سائر الحقوق لما قدمنا من الحاجة اذ ليس كل أحد يهتدى الى وجوه الخصومات وقد صح أن علياً رضي الله عنه وكل فيها عقيلاً و بعد ما أسن وكل عبدالله بن جعفر رضي الله عنه: وكذا بايقاؤها واستيفائها الا في الحدود والقصاص فان الوكالة لا تصح باستيفائها مع غيبة الموكل عن المجلس. لأنها تندريء بالشبهات وشبهة العفو ثابتة حال غيبة الموكل بل هو الظاهر للندب الشرعي بخلاف غيبة الشاهد لأن الظاهر عدم الرجوع، وبخلاف حالة الحضرة الانتفاء هذه الشبهة، و ليس كل أحد يحسن الاستيفاء، فلو منع عنه ينسد باب الاستيفاء أصلاً وهذا الذي ذكرناه قول أبي حنيفة رحمه الله (المرغيناني، ص ۱۳۶). ترجمه: وکالت در دعوا در تمام حقوق جایز است، به دلیل نیازمندی که بیان شد؛ زیرا همه افراد به شیوه های اقامه دعوا آگاه نیستند. روایت شده است که علی (رضی الله عنه) در این امور عقیل را وکیل کرد، و پس از اینکه سنش بالا رفت، عبدالله بن جعفر (رضی الله عنه) را وکیل نمود. وکالت در ادای حق و دریافت آن نیز جایز است، جز در حدود و قصاص، زیرا وکالت در دریافت آن در صورت غیبت موکل از مجلس صحیح نیست. دلیل آن این است که حدود با شبهات دفع می شوند و در صورت غیبت موکل، احتمال عفو وجود دارد

که خود یک شبهه است، بلکه این احتمال به دلیل تأکیدات شرعی در خصوص عفو، قوی تر است. اما در مورد غیبت شاهد چنین احتمالی نیست، زیرا ظاهر امر نشان دهنده عدم رجوع است. همچنین در صورتی که مؤکل حاضر باشد، این شبهه وجود ندارد و از آنجا که همه افراد توانایی دریافت حق را ندارند، اگر این امر ممنوع شود، باب دریافت حق کاملاً بسته می شود. این نکاتی که ذکر شد، قول امام ابوحنیفه (رحمة الله علیه) است.

۶.۶.۲ حق داشتن وکیل مدافع از نظر قوانین افغانستان و اصول بین المللی

حق، داشتن وکیل مدافع از دیدگاه قوانین افغانستان و اصول بین المللی، یکی از تضمین های اساسی محاکمه عادلانه به شمار می رود. قوانین افغانستان حق دسترسی متهم به وکیل را در تمام مراحل تحقیق و محاکمه به رسمیت شناخته اند. همچنین اسناد معتبر بین المللی حقوق بشر بر این حق تأکید کرده و آن را لازمه حفظ عدالت، کرامت انسانی و جلوگیری از سوء استفاده قضایی می دانند. چنانچه در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان در این مورد چنین میاید: هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند. همچنان در مورد وکالت برای افراد بی بضاعت چنین مینویسد: دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید. (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲، ماده ۳۱) در اعلامیه جهانی حقوق بشر در این مورد چنین میاید: هر کس که به جرمی متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمینهای لازم برای دفاع او تأمین شده تقصیر او قانوناً محرز گردد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۱ بند ۱) همچنان اعلامیه اسلامی حقوق بشر در این مورد چنین می نویسد: متهم بی گناه است تا اینکه محکومیت اش از راه محاکمه عادلانه یی که همه تضمینها برای دفاع او فراهم باشد، ثابت گردد. (اعلامیه اسلامی حقوق بشر، ۱۹۹۰، ماده ۱۹ بند ۵) در اصولنامه اداری محاکم عدلی امارت اسلامی در مورد حق داشتن وکیل مدافع چنین ذکر شده است: وکالت در هر محکمه تا زمان صدور فیصله همان محکمه اعتبار دارد. (اصولنامه اداری محاکم عدلی، ماده ۶۴) از مفاد این مواد معلوم میشود که طرفین دعوی حق دارد وکیل مدافع برای دفاع از حق خویش تعیین نماید. مجلة الاحکام العدلیه نیز از حق وکالت یاد اوری کرده: وکالت تفویض صلاحیت شخص است به دیگری و قایم مقام ساختن وی است بجای خود که تفویض صلاحیت را (موکل) و شخصیکه به او تفویض صلاحیت شده است (وکیل) و موضوع تفویض شده را (موکل به) گویند. (مجلة الاحکام العدلیه، ماده ۱۴۴۹).

۷. مناقشه

یافته‌های این تحقیق به وضوح تبیین می‌سازند که موازین محاکمه عادلانه، اصولی فرادستی و بنیادین هستند که ریشه در کرامت انسانی و تأمین عدالت موضوعه دارند. در تحلیل و تقابل میان دکتورین فقه اسلامی و قوانین وضعی افغانستان، همسویی ساختاری شگرفی در اصول رکن محاکمه عادلانه مشاهده می‌شود. این همسویی، برخلاف دیدگاه‌هایی که نظام‌های حقوقی معاصر را کاملاً مجزا از فقه می‌پندارند، نشان‌دهنده یک پیوند وثیق ماهوی است؛ چرا که متعامل و سرچشمه‌ی اصلی تدوین قوانین در افغانستان، شریعت اسلامی بوده و این امر مانع از بروز هرگونه تضاد اصولی میان قوانین ملی و فقه گردیده است.

در اسناد تقنینی افغانستان و متون فقهی، شاخص‌هایی چون استقلال قضاء، تخصص‌گرایی قضات و علنی بودن محاکمه به عنوان تضمین‌کننده‌های سلامت محاکمه شناخته شده‌اند. مناقشه در باب الزامی (جبری) یا اختیاری بودن این موازین، ما را به این حقیقت حقوقی رهنمون می‌سازد که این قواعد واجد صبغه تکلیفی و آمرانه هستند. به بیانی دیگر، رعایت حقوق متخاصمین (نظیر حق داشتن وکیل مدافع یا ترجمان) و حفظ تساوی بین الخصمین از سوی قاضی، یک تمایل یا ترجیح اختیاری نیست، بلکه تکلیفی شرعی و قانونی است که تخطی از آن، مشروعیت حکم صادره را مخدوش می‌سازد. بنا بر این، میان خطوط کلی و روح موازین محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین نافذه کشور، مطابقت و همسویی کامل برقرار است و نظام قضایی معاصر می‌تواند با تکیه بر این ظرفیت‌های غنی فقهی، پایه‌های محاکمه عادلانه را بیش از پیش تحکیم بخشد.

۸. نتیجه‌گیری

مطالعه و تبیین موازین محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین ملی افغانستان نشان می‌دهد که تحقق عدالت قضایی، از اصول بنیادین و غیرقابل انکار در هر دو حوزه حقوقی است. این تحقیق با هدف شناخت این موازین و ارزیابی مقایسه‌ای آن‌ها به سرانجام رسید و یافته‌های آن به طور مشخص به سؤالات و فرضیه‌های تحقیق پاسخ داده است. در پاسخ به سؤال و فرضیه اصلی تحقیق، مشخص گردید که موازین محاکمه عادلانه در فقه و قوانین نافذه افغانستان شامل شاخص‌های کلیدی چون قانونی بودن محکمه، استقلال قضاء، تخصصی بودن قضات، علنی بودن اصول محاکمه، برخورد مساویانه با طرفین دعوا و رعایت همه‌جانبه‌ی حقوق متخاصمین (به ویژه حق داشتن وکیل مدافع و ترجمان) می‌باشد؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق به صورت کامل تأیید می‌گردد. در

راستای اهداف فرعی و ارزیابی تفاوت‌ها و شباهت‌ها، یافته‌های تحقیق تأیید می‌کند که شریعت اسلامی منبع اصلی و بنیادین قوانین افغانستان است؛ از این رو، میان اصول اساسی و خطوط کلی موازین محاکمه عادلانه در قوانین ملی و فقه اسلامی هیچ‌گونه تفاوت ماهوی و تضاد وجود ندارد و فرضیه دوم تحقیق مبنی بر همسویی کامل موازین، اثبات می‌گردد. با این حال، تفاوت‌های جزئی صرفاً در نحوه دسته‌بندی شکلی، ساختار اداری و ابزارهای فرآیند تحریری بودن محاکم در قوانین معاصر دیده می‌شود که آسیب جدی به محتوای مشترک آن‌ها وارد نمی‌سازد. هم‌چنین، در خصوص الزامی یا اختیاری بودن این اصول، تحقیق به این نتیجه‌ی قاطع دست یافت که تطبیق موازین محاکمه عادلانه بر اساس احکام صریح شریعت اسلامی و نص قوانین نافذه کشور، یک امر کاملاً جبری و تکلیفی است و سیستم قضایی یا قضات به هیچ عنوان اختیار ترک یا چشم‌پوشی از این موازین را ندارند؛ مسئله‌ای که فرضیه سوم تحقیق را نیز به درستی ثابت می‌سازد. در نهایت، بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های فقهی و انطباق اصولی آن با سیستم حقوقی معاصر، بستر ساز ارتقای عدالت، کاهش تبعیض و تضمین حقوق شهروندان خواهد بود.

منابع و مأخذ

قرآنکریم

- البخاری، محمد بن اسماعیل. (۲۰۰۲). صحیح البخاری. دار ابن کثیر.
- سلیمان بن الأشعث، ابو داود. سنن ابی داود. محقق: محمد محی الدین عبدالحمید.
- ابن ماجه القزوينی، ابی عبدالله محمد بن یزید. (۲۰۱۴). سنن ابن ماجه. قاهره: دارالتأسیل.
- ابن حجرالعسقلانی، امام الحافظ احمد. بلوغ المرام من ادلة الاحکام.
- ابن قدامة المقدسی، شمس الدین عبدالرحمان. (۱۴۲۵). المغنی. مصر: دارالحديث قاهره.
- استادان دیپارتمنت ثقافت اسلامی. (۱۴۰۲). نظام سیاسی اسلام. کابل: انتشارات سید حسیب الله.
- الزحیلی، وهبة. (۱۴۲۵). الفقه الاسلامی و ادلته. دمشق: دارالفکر.
- الزيعلی، جمال الدین عبدالله. نصب الرايه فی تخریج احادیث الهدایه. المكتبة الاسلامیه.
- الخطیب الشربینی، شمس الدین محمد بن. (۲۰۰۴). مغنی المحتاج. بیروت: دارالمعرفة.
- السید غانم، محمد عبدالنبی. (۲۰۱۷). قانون المرافعات المدنية والتجارة. قاهره: دارالنهضة العربیه.
- الافریقی، محمد بن مکرم. (۱۱۱۹). لسان العرب. قاهره: دارالمعارف.
- الکاسانی، علاءالدین الحنفی. بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: موسسه التاريخ العربی.

المرغینانی، برهان الدین. الهدایة. بیروت: دارالحیاء الثلاث العربی.

ستانکزى، نصرالله. (۱۳۹۹). مبادئ حقوق. کابل: انتشارات سعید.

شاداب، عنایت الله. (۱۳۹۶). اساسات حقوق اسلام. کابل: انتشارات نوی مستقبل.

علی بن محمد، بن علی. التعريفات للجرجاني. انتشارات: دارالديان للتراث.

فاطمی، سید احمد. (۱۴۰۲). داسلام سیاسى نظام. ننگرهار: میهن خپرندویه ټولنه.

نذیر، دادمحمد. (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی اسلام. کابل: انتشارات حامد رسالت.

قوانین

مجلة الاحكام العدلية.

د افغانستان د اسلامي امارت د عدلي حقوقي محاکمو د اجرا آتو اصولنامه، ۱۴۳۵هـ.ق.

د افغانستان د اسلامي امارت د عدلي محاکمواداري اصولنامه، ۱۴۳۵هـ.ق.

قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه.

لائحه محاکم امارت اسلامی.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶.

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی، ۱۹۵۰.

سایت انترنیتی

<https://www.merriam-webster.com/legal/fair%20trial>

(last

viewed:2026/01/0



Zawul Scientific – Research Journal

Vol 1- No.1, Summer 2026